

بسم الله الرحمن الرحيم

بهشت و جهنم

در

# منهاج فردوسیان

حاج فردوسی

شناسنامه‌ی کتاب:

عنوان: بهشت و جهنم در منهاج فردوسیان

مؤلف: حاج فردوسی

سال نشر: ۱۳۹۳

قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۴۶۰ صفحه

قیمت: رایگان

مرکز پخش: پایگاه رسمی حاج فردوسی (HajFerdowsi.Help)

## فهرست مطالب

مقدمه:	۴
شبهه‌ای اساسی و پاسخش:	۷
اهداف صحیح عبادت:	۹
الف) رهایی از اضطراب و ناخوشی روز قیامت:	۹
ب) رهایی از جهنم و عذاب‌های آن:	۱۰
ج) رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن:	۱۱
هـ) شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی:	۱۷
و) لقای حق تعالی:	۱۹
ز) حُبّ حق تعالی:	۲۱
چند تذکر مرتبط با بحث نیت در عبادت:	۲۳
تذکر اول: نقدی بر یکی از مشاهیر حوزوی:	۲۳
تذکر دوم: نقدی بر یکی دیگر از مشاهیر حوزوی:	۲۶
تذکر سوم: تحقیر بهشت و جهنم در تعابیر صوفیه:	۲۹
تذکر چهارم: تغییر نیت عبادت به تناسب دوره‌های تکامل:	۳۱
تذکر پنجم: نیت‌های انحرافی:	۳۲
تذکر ششم: اغراض دنیوی در روایات:	۳۲
تذکر هفتم: نیت اولیاء الهی در عبادت:	۳۳
تذکر هشتم: بهشت را به بها می‌دهند یا به بهانه؟	۳۵
سخن آخر:	۳۷

فصل اول: اوصاف بهشت در قرآن کریم ..... ۴۸

فصل دوم: اوصاف بهشت در روایات ..... ۸۰

فصل سوم: اوصاف جهنم در قرآن کریم ..... ۳۰۷

فصل چهارم: اوصاف جهنم در روایات ..... ۳۴۵

خاتمه: ..... ۴۵۷



بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ  
وَأَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ  
مُرْتَقِباً لِأَمْرِ اللَّهِ وَمُرْتَجِياً لِفَضْلِ اللَّهِ وَعَلَى الْمُنْهَاجِيِّينَ وَالْمُنْهَاجِيَّاتِ سَلَامُ اللَّهِ

## مقدمه:

این کتاب، تفصیلی بر مستندات دو قاعده از قواعد نظری منهاج فردوسیان است. آن دو قاعده‌ی نظری عبارتند از:

● قاعده: در منهاج فردوسیان، باید اعتقاد داشت، کسانی که در دار دنیا، عقیده‌ی سالم و اعمال صالح داشته باشند، بعد از محاسبه‌ی اعمالشان در روز قیامت، به باغ‌های پر از نعمت، داخل شده و در آنجا به صورت جاویدان، متنعم خواهند بود. (بهشت)

● قاعده: در منهاج فردوسیان، باید اعتقاد داشت، کسانی که در دار دنیا، عقیده‌ی فاسد و اعمال ناصالح داشته باشند، بعد از محاسبه‌ی اعمالشان در روز قیامت، به آتشی سوزان و عذابی دردناک و طاقت فرسا افکنده خواهند شد. (جهنم)

به سبک ویژه‌ی منهاج، آیات قرآن کریم را «محکم»، روایات شیعه از معصومین (علیهم‌السلام) را «سند»، روایات عامه از معصومین

(علیهم السلام) را «شاهد» و سخنان صحابه را «تابع» می‌نامیم. قرار گرفتن مطالب نیز به همین ترتیب است، یعنی از «محکم» شروع و به «تابع» ختم می‌گردد.

همانطور که «مجموعه‌ی قواعد نظری و قوانین عملی منهاج فردوسیان» کتاب مطالعه نیست، بلکه برنامه‌ی عمل است؛ این کتاب نیز برای مطالعه نیست بلکه برای چشیدن و بلعیدن است؛ به تعبیری، کتاب خواندنی نیست بلکه کتاب خوردنی است. منهاجی باید سطر به سطر آن را در مکانی خلوت و با حواس جمع، بخواند و تصویرش را در ذهن بیاورد. پس نباید در مطالعه‌ی این اثر نفیس، عجله کند بلکه با آرامش تمام، اول صبح یا آخر شب، در حالی که همه جا را سکوت و آرامش فراگرفته، قسمتی را مطالعه نماید برای بلعیدن مطالب آن یعنی خواندنی که مانند خوردن باشد.

پس ای عزیز! سعی کن با خواندن این سطور، به باور آن بررسی و طعم آن را با قلب خود بچشی، و گرنه مطالعه‌ی این کتاب، وبالی بیش نخواهد بود. تأکید می‌کنم آنچه در دست شماست، کتابی است جهت ایجاد حال بهشتی و جهنمی بودن در اصحاب منهاج. هر منهاجی با مطالعه‌ی دقیق و مکرر این اثر می‌کوشد تا حال و هوای بهشت و جهنم را در وجودش ایجاد کند و همواره این حس را بیدار و فعال نگه دارد.<sup>۱</sup>

---

۱. قال علی (علیه السلام): «أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُونَ أَفْذَامَهُمْ تَالَيْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً يُحْزِنُونَ بِهٖ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَتِيرُونَ بِهٖ دَوَاءَ ذَاتِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعاً وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقاً وَ ظَلُّوا أَنَّهَا نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ وَ إِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَلُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ فَهَمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِّشُونَ لِجَبَاهِهِمْ وَ أَكْفَهُمْ وَ رُكْبَتِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَفْذَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ؛ [پرهیزکاران] در شب، همواره بر پا ایستاده‌اند؛ قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می‌کنند. با آن، جان خویش را محزون می‌سازند و داروی درد خود را از آن می‌گیرند. هرگاه به آیه‌ای برسند

استاد عالی، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در وصف پرهیزکاران می‌فرماید:

«هُمُ وَالْمَجَنَّةُ كَمَنْ قَدَّ رَأَاهَا فَهَمُّ فِيهَا مُتَعَمَّنٌ وَهُمُّ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدَّ رَأَاهَا فَهَمُّ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»<sup>۲</sup>

یعنی رابطه‌ی اینان با بهشت مانند کسی است که آن را می‌بیند، پس [به واسطه‌ی این شدت اتصال،] در آن متنعم [و برخوردار از نعمت‌ها] هستند. [همچنین] رابطه‌ی اینان با جهنم مانند کسی است که آن را می‌بیند، پس [به واسطه‌ی شدت اتصال،] در آن عذاب می‌شوند.

نکته‌ی قابل تذکر این‌که در این کتاب، فقط اوصاف بهشت و نعمت‌های آن و اوصاف جهنم و عذاب‌های آن آمده است تا ایجاد حال معنوی نماید و به مقوله‌هایی مانند: چه کسانی بهشتی و جهنمی هستند؟ چه اعمالی موجب بهشتی یا جهنمی شدن می‌شود؟ بهشت و جهنم در زمین است یا آسمان؟ بهشت و جهنم اکنون موجود است یا هنوز آفریده نشده است؟ و... پرداخته نشده است؛ چون اینگونه بحث‌ها، مایه‌ی ایجاد حال مخصوص و ماورائی نمی‌شود و حتی توجه به آنها، منهای را از مقصد اصلی این کتاب، که قرار

---

که در آن تشویق باشد با علاقه‌ی فراوان به آن روی آورند و روح و جانشان با شوق بسیار در آن خیره می‌شود و آن را همواره نصب العین خود می‌سازند و هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که در آن بیم باشد، گوش‌های دل خویشتن را برای شنیدن آن باز می‌کنند و صدای ناله و به هم خوردن زبانه‌های آتش - با آن وضع مهیبش - در درون گوششان طنین‌انداز است. آنها در پیشگاه خدا به رکوع می‌روند و جبین و دست و پا به هنگام سجده بر خاک می‌سایند و از او آزادی خویش را از آتش جهنم درخواست می‌کنند» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۹۳) ۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبة المتقین؛ کتاب سلیم بن قیس، صفحه‌ی ۸۴۹؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۱۵۹؛ اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۱۳۸؛ مکارم الأخلاق، طبرسی، صفحه‌ی ۴۷۵.

گرفتن در حال و هوای بهشت و جهنم است، دور می‌سازد. این کتاب شامل یک مقدمه و چهار فصل است. عنوان فصل‌های آن بدین قرار می‌باشد:

فصل اول: اوصاف بهشت در قرآن کریم؛

فصل دوم: اوصاف بهشت در روایات؛

فصل سوم: اوصاف جهنم در قرآن کریم؛

فصل چهارم: اوصاف جهنم در روایات.

### شبهه‌ای اساسی و پاسخش:

یکی از شبهات مهمی که در راه مشتاقان رسیدن به کمال و سعادت وجود دارد و تلفات بسیاری گرفته و می‌گیرد، و افراد زیادی را دچار سردرگمی و تحیر نموده و می‌کند، این است که عبادت کردن به نیت رهیدن از جهنم و رسیدن به بهشت و امان یافتن از ترس‌های روز قیامت، صحیح نیست یا صحیح هست ولی حدّ اعلی نیست.

این شبهه در عبارات مختلف و در گفتار و نوشتار افراد مختلف، از گذشته تا حال، بوده و هست. پس لازم است یک بار برای همیشه برای جویندگان کمال و سعادت، پاسخ داده شده و حل گردد.

همچنان که دیدگاه درست، نقش اساسی در رسیدن دارد، فاسد بودن دیدگاه نیز نقش مهمی در نرسیدن به کمال و سعادت دارد. کسانی که انگیزه‌های غیرشفاف از عبادت حق تعالی دارند، چندان فرقی در نرسیدن به کمال و سعادت، با کسانی که انگیزه‌های فاسد دارند، نخواهند داشت.

به عبارت ساده‌تر، تا زمانی که جوینده‌ی کمال و سعادت، انگیزه‌ی مشخص، قابل درک و قابل تصویری نداشته باشد، حرکت جدّی و در خور توجهی از خود



نشان نخواهد داد.

آنچه صوفیه بر طبل آن می‌کوبند و با عناوین فریبنده و پرجاذبه مانند «ملاقات با خدای تعالی» مطرح می‌نمایند، در حقیقت، سرگردان کردن نیت‌ها و به کُما بردن انگیزه‌هاست.

آن‌گاه که جوینده‌ی کمال و سعادت نتواند تصویر واضحی از مقصد و مقصود عبادتش داشته باشد، پس از اندک زمانی که از بیداری‌اش گذشت، سرخورده شده و در حیرتی بی‌پایان، از عمل کردن باز می‌ماند و مقصود شیطان - که نرسیدن انسان به درجات عالی‌هی کمال است - محقق می‌شود. با این حساب، ضرورت تبیین نیت یا انگیزه در عبادات، بیش از پیش روشن می‌گردد. انگیزه‌های عبادت در قرآن و روایات معتبر شیعه را منحصر در موارد زیر یافتیم:

- رهایی یافتن از اضطراب و ناخوشی روز قیامت؛  
- رهایی یافتن از جهنم و عذاب‌های آن (که مظهر قهر و غضب خدای متعال است)؛

- رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن (که مظهر رضای خدای بزرگ است)؛

- شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی؛

- طلب خشنودی خداوند؛

- لقای حق تعالی؛

- حبّ حق تعالی.

اینک هر یک از این انگیزه‌های صحیح عبادت را با توجه به مستندات آن شرح می‌دهیم و سپس چند تذکرِ مربوط به همین بحث را در پایان می‌آوریم.

## اهداف صحیح عبادت:

عبادت‌ها (چه انجام‌دادنی‌ها و چه ترک‌کردنی‌ها) باید به یکی از این اهداف انجام شود:

### الف) رهایی از اضطراب و ناخوشی روز قیامت؛

قرآن کریم، این هدف را برای ابرار اثبات کرده است. آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا \* يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا \* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا»<sup>۳</sup>

به یقین ابرار و نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می‌کنند. [همان بندگان] که به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و بینوا و یتیم و اسیر را - با دوستی‌اش - خوراک می‌دادند. ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگارانمان از روز ترش‌رو، سخت‌هراس‌ناکیم. پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت»

---

۳. سوره‌ی انسان، آیات ۵ تا ۱۱.

همچنین می‌فرماید:

«قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ  
أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ \* قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»<sup>۴</sup>  
بگو من مأمورم که خدا را در حالی که آیینم را برای او خالص  
گردانیده‌ام بپرستم. و مأمورم که نخستین مسلمانان باشم. بگو  
من اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی هولناک  
می‌ترسم»

### ب) رهایی از جهنم و عذاب‌های آن:

رهایی از جهنم و پناه بردن به خدای بزرگ از عذاب‌های دردناک آن، هدفی  
است که مورد تأیید و تعریف قرآن کریم است. آنجا که خدای بزرگ صفات  
بندگان خود را بر می‌شمارد و آنان را بدین صفات می‌ستاید می‌فرماید:

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ  
الْمُجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا \* وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا \* وَالَّذِينَ  
يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا \* إِنَّهَا  
سَاءَتْ مَسَاقِرًا وَمَقَامًا»<sup>۵</sup>

و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام  
برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به  
ملایمت پاسخ می‌دهند. و آنانند که در حال سجده یا ایستاده  
شب را به روز می‌آورند. و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا عذاب

۴. سوره‌ی زمر، آیات ۱۱ تا ۱۳.

۵. سوره‌ی فرقان، آیات ۶۳ تا ۶۶.

جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است. و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است».

در این آیهی شریفه، کلمه‌ی «يَقُولُونَ» به معنی خواستن است. یعنی یکی از هدف‌هایی که دارند و تحققش را خواستارند، این است که می‌خواهند پروردگارشان عذاب جهنم را از آنان بازگرداند.

### ج) رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن؛

رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن نیز از اهداف مورد تأیید و تشویق قرآن کریم است. خدای متعال بعد از ذکر نعمت‌هایی که برای ابرار (بندگان نیک) در بهشت برین فراهم نموده، می‌فرماید: رغبت‌کنندگان باید در رسیدن به این نعمت‌ها بر یکدیگر سبقت بگیرند؛

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ \* نَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ \* يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ \* خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»<sup>۶</sup>

مسلمانان نیکان در انواع نعمت‌اند: بر تخت‌های زیبایی بهشتی تکیه کرده و [به زیبایی‌های بهشت] می‌نگرند! در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی و می‌شناسی! آنها از شراب [طهور] زلال دست‌نخورده و سربسته‌ای سیراب می‌شوند! مَه‌ری که بر آن نهاده شده از مشک است و در این نعمت‌های بهشتی راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند!

در آیهی دیگر از قول بندگان مخلص خدا می‌فرماید:

---

۶. سوره‌ی مطففین، آیات ۲۲ تا ۲۶.

«إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ \* لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ»<sup>۷</sup>

راستی که این همان کامیابی بزرگ است. کوشندگان برای چنین [پاداشی] باید بکوشند.

از این نقل قول قرآن می‌فهمیم که یکی از هدف‌های مورد تأیید خداوند متعال در عبادات، رسیدن و بهره‌مند شدن از نعمت‌های بهشتی است. در آیه‌ای دیگر امر به سبقت گرفتن به سوی بهشت شده است؛ یعنی نیت‌های خود را اینگونه تنظیم کنید، می‌فرماید:

«سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»<sup>۸</sup>

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبران‌ش ایمان آورده‌اند، بر یکدیگر سبقت جوید. این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می‌دهد، و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است.

همچنین در ضمن موعظه‌های خدای تعالی به حضرت عیسی (علیه‌السلام) آمده است:

«يَا ابْنَ مَرْيَمَ لَوْرَأْتُ عَيْنُكَ مَا أُعِدَّتْ لِأَوْلِيَائِي الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ وَرَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهِ. فَلَيْسَ كَدَارِ الْأَخْرَةِ دَارٌ تَجَاوَرُ

۷. سوره‌ی صافات، آیات ۶۰ و ۶۱.

۸. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۱.

فِيهَا الطَّيْبُونَ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْلِهَا آمُونَ. دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ وَلَا يُزُولُ  
عَنْ أَهْلِهَا. يَا ابْنَ مَرْيَمَ نَفِيسٌ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ فَإِنَّهَا أَمْنِيَّةُ  
الْمُتَمَيِّنِينَ حَسَنَةُ الْمَنْظَرِ. طُوبَى لَكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنْ  
الْعَالَمِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ لَا تَبْغِي بِهَا  
بَدَلًا وَلَا تَحْوِيلًا. كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ»<sup>۹</sup>

ای پسر مریم اگر چشمت می‌دید آنچه برای دوستان نیکوکارم  
آماده کرده‌ام، دلت آب می‌شد و جانت از شوق رسیدن به آن، بر  
می‌آمد. مانند سرای آخرت، سرایی نیست. در آن، پاکان،  
همسایه‌ی هم می‌شوند. فرشتگان مقرب بر آنان داخل می‌شوند.  
ایشان از ترس‌های روز قیامت، امان یافته‌اند. سرایی است که  
نعمت‌هایش تغییر نمی‌کند و از ساکنانش زایل نمی‌گردد. ای  
پسر مریم، همراه آنان که برای آن [نعمت‌ها] تلاش می‌کنند،  
تلاش کن که آن [نعمت‌های بهشت] آرزوی آرزومندان است.  
نیکو چشم‌انداز است. خوشا به حالت ای پسر مریم اگر برای  
[رسیدن به] آن از عمل‌کنندگان باشی همراه پدران آدم و  
ابراهیم (علیهم‌السلام) در باغ‌ها و نعمت‌هایی که جایگزینی  
برایش و جابجا شدنی از آن نمی‌طلبی. [آری] اینگونه با  
پرهیزکاران [رفتار] می‌کنم.

مولانا امیر المؤمنین (علیه‌السلام) نیز می‌فرمایند:

---

۹. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۶.

«فَالْجَنَّةُ غَايَةُ السَّابِقِينَ وَالتَّارُ غَايَةُ الْمُفْرَطِينَ»<sup>۱۰</sup>

بهشت، هدف پیشتازان و دوزخ، خط پایان فروماندگان است.

همچنین می‌فرمایند:

«اعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا»<sup>۱۱</sup>

برای رسیدن به بهشت، کارهای درخور آن انجام دهید

(د) طلب خشنودی خداوند؛

از دیگر هدف‌هایی که خدای متعال در قرآن کریم، تأیید نموده، طلب خشنودی حضرت حق است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، سفارش گروهی از مؤمنین را به پیامبرش می‌نماید که صبح و شام به دنبال خشنودی خداوند، می‌فرماید:

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَمَنْ مِنْ أَعْفُنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا»<sup>۱۲</sup>

با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیدگاه را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی

در این آیه، کسانی که جویای رضایت خداوند هستند، به صورت ضمنی، مورد تأیید و سفارش قرار گرفته‌اند. همچنین می‌فرماید:

۱۰. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۵۷.

۱۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۳۲.

۱۲. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۸.

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»<sup>۱۳</sup>

همچنین می‌فرماید:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱۴</sup>

خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی‌ها [بی‌جهل، کفر، شرک و نفاق] به سوی روشنائی [معرفت، ایمان و عمل صالح] بیرون می‌آورد، و به جانب راه راست هدایت می‌کند

انجام اعمال به انگیزه‌ی جلب خشنودی حق تعالی، در آیات دیگری نیز آمده که برای نمونه می‌توان به آیه‌ی ۱۱۴ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی آل عمران و آیه‌ی ۲۶۵ سوره‌ی بقره اشاره نمود. بالاتر از این تأییدات ضمنی، امر روشن الهی به انجام عبادت‌های مالی برای جلب خشنودی خداوند متعال است. آنجا که می‌فرماید:

«وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»<sup>۱۵</sup>

جز برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنید.

همچنین می‌فرماید:

«وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ»<sup>۱۶</sup>

---

۱۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۷.

۱۴. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۶.

۱۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۲.

۱۶. سوره‌ی لیل، آیات ۱۹ و ۲۰.



و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست.

مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) در وصیت‌نامه‌ی خود می‌نویسد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ وَقَضَى بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيٌّ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُؤْتِيَ بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَ يَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُ وُجُوهٌُ»<sup>۱۷</sup>

این آن چیز است که بنده‌ی خدا علی [بن ابی طالب] در مالش وصیت به وقف آن نمود؛ برای جلب رضای خداوند، تا به سبب آن، مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش، دورم دارد و آتش را از من دور فرماید، در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه می‌شوند.

نکته‌ی بسیار مهم این است که بازگشت خشنودی و رضای الهی به بهشت و نعمت‌های بهشتی است، یعنی کسی از بالاترین درجه‌ی رضای حق تعالی برخوردار است که بیشترین نعمت‌های بهشت به او داده شود و کسی که بیشترین نعمت‌ها و برترین درجات بهشت را کسب کند، نشان از این دارد که بیشترین میزان رضایت الهی را جلب کرده است. هر گاه این نکته‌ی کلیدی برای کسی حل شد که «جلب رضا و خشنودی خدا» را مساوی با «بهشت و درجات و نعمت‌های آن» دانست، شفافیت ویژه‌ای در انگیزه‌اش پدید خواهد آمد.

---

۱۷. کافی، محدث کلینی، جلد ۷، صفحه ۴۹؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، جلد ۹، صفحه‌ی ۱۴۶.

### هـ) شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی؛

از دیگر اهدافی که می‌توان برای آن، عبادت نمود، «شکرگزاری» در برابر نعمت‌های خدای متعال است. در روایت آمده است:

● سند ۱: قال علی (علیه‌السلام): «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ سُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»<sup>۱۸</sup>

گروهی خدای تبارک و تعالی را به امید {پاداش} عبادت می‌کنند که {مانند} فرمانبرداری تجارت‌کنندگان است و گروهی خدای عزّ و جلّ را از بیم {عذاب} می‌پرستند که {این نوع پرستش، مانند} فرمانبرداری بردگان است و گروهی خدای عزّ و جلّ را به شکرانه {بی نعمت‌هایش} می‌پرستند که این {گونه پرستیدن} عبادت کردن آزادگان {از بند هواها و شهوت‌ها} است.

همین انگیزه را می‌توان از سیره‌ی استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برداشت نمود.

● سند ۱: فی کتاب الاحتجاج للطبرسی رحمه الله ... قال علی (علیه‌السلام): «ولقد كان (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) يبكي حتى يغشى عليه فقيل له: يا رسول الله أليس الله قد غفر لك ما تقدم من ذنبك وما تأخر؟ قال: بلى أفلا أكون عبداً شكوراً؟»<sup>۱۹</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چندان گریه می‌کردند که

۱۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، ۵۱۰؛ غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه‌ی ۱۹۸.

۱۹. تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، جلد ۵، صفحه‌ی ۵۶.

بیهوش می‌شدند. پس گفته شد: ای رسول خدا آیا خداوند، گناهان گذشته و آینده‌ی شما را بخشیده است؟ فرمودند: آیا بنده‌ی شکرگزاری نباشم؟!<sup>۲۰</sup>

● سند ۲: فی کتاب المناقب لابن شهر آشوب... قال علی بن الحسین (علیهما السلام) لجابر بن عبدالله: «یا صاحب رسول الله اما علمت ان جدی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قد غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر فلم يدع الاجتهاد و تعبد هو بأبی و أمی حتی انتفخ الساق و ورم القدم؟ و قیل له: أتفعل هذا و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر؟ قال: أفلا أكون عبداً شكوراً؟»

امام سجاد (علیه السلام) به جابر بن عبدالله انصاری - وقتی از آن حضرت خواست که کمتر عبادت کنند - فرمودند: ای یار پیامبر، مگر نمی‌دانی که پدر بزرگم رسول خدا - که خدای تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را آمرزیده بود - تلاش را وانگذاشت و چندان عبادت کرد که ساق و قدمش ورم نمود؟ و چون به ایشان گفته شد که چرا با این که گناهان گذشته و آینده‌ی شما آمرزیده شده است، اینقدر عبادت می‌کنید؟ فرمودند: آیا بنده‌ی شکرگزاری نباشم؟<sup>۲۰</sup>

این روایت، بازگو کننده‌ی مضمون روایت قبلی است. چنان که ملاحظه شد، برای این هدف، مستندی از قرآن کریم نیافتیم.

---

۲۰. تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، جلد ۵، صفحه‌ی ۵۶.

## و) لقای حق تعالی؛

ملاقات پروردگار نیز از اهداف مورد تأیید قرآن کریم است. خدای تعالی کسانی را که امیدوار به لقای پروردگارشان هستند، نه تنها از این هدف، نهی نمی‌کند بلکه این چنین برایشان راهکار ارائه می‌دهد:

محکم ۱: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَىٰ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup>

بگو من هم مثل شما بشری هستم و[لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

غیر از این مورد، لقاء الله در آیات متعددی مطرح شده است. اصل لقاء الله ثابت است ولی کیفیت آن مورد اختلاف علما و عرفا است که قصد ورود به آن را نداریم. این آیات عبارتند از:

محکم ۲: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>۲</sup>

از شکیبایی و نماز یاری جوئید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان. همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.

۱. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۱۰.

۲. سوره‌ی بقره، آیات ۴۵ و ۴۶.

محکم ۳: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»<sup>۱</sup>  
قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به  
حقیقت] راه نیافتند.

محکم ۴: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى  
الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ  
يَفْصِلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ»<sup>۲</sup>

خدا [همان] کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها  
را ببینید برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه  
را رام گردانید هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه  
می‌دهند [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند و آیات [خود] را  
به روشنی بیان می‌نماید امید که شما به لقای پروردگارتان یقین  
حاصل کنید.

محکم ۵: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ»<sup>۳</sup>

کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] اجل [او از سوی] خدا  
آمدنی است و اوست شنوای دانا.

محکم ۶: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ  
رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۴</sup>

۱. سوره یونس، آیه ۴۵.

۲. سوره یعد، آیه ۲.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۵.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۲۳.

و کسانی که آیات خدا و لقای او را منکر شدند آنانند که از رحمت من نومیدند و ایشان را عذابی پر درد خواهد بود.

محکم ۷: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا \* تَحِيَّهِمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا»<sup>۱</sup>

اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی برآورد و به مؤمنان همواره مهربان است. درودشان روزی که دیدارش کنند، سلام خواهد بود و برای آنان پاداشی نیکو آماده کرده است.

نکته‌ای که لازم است مورد دقت قرار گیرد این است که «لقاء الله» را نمی‌توان به معنی دیدن خدای تعالی معنی کرد. این معنی هم از لحاظ شرعی و هم از لحاظ عقلی، مردود است. زیرا ذات مقدس حق تعالی دارای جسم و جرم نیست تا بر اثر انعکاس نور، قابل دیدن با چشم بشر باشد.

ذات مقدس حق تعالی، نه تنها در دنیا قابل دیدن نیست بلکه در آخرت نیز قابل دیدن نیست؛ و نه تنها برای انسان‌های عادی قابل دیدن نیست بلکه برای پیامبران و سید پیامبران حضرت ختمی مرتبت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز قابل دیدن نیست و فرشتگان مقرب نیز از دیدن ذات او عاجزند.

پس لازم است «دیدن خدا» را به معنی دیگری بگیریم که بهترین معنی آن، «دیدن تجلیات خاصه‌ی خدا» یا «دیدن ثواب‌های خدا» است. با این حساب، - که دیدار خدا را دیدار پاداش‌های خدا بگیریم - برگشت این نیت به بهشت و نعمت‌های آن است البته درجات عالی‌هی آن.

---

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۴.

## ز) حُبِّ حق تعالی؛

این انگیزه - گرچه مستندی از قرآن ندارد ولی - در روایتی آمده است که امام صادق (علیه السلام) بدان اشاره داشته‌اند، می‌فرمایند:

«إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>

پرستندگان بر سه دسته‌اند، گروهی خدای عز و جل را از ترس می‌پرستند که {این نوع پرستش مانند} فرمانبرداری بردگان است و گروهی خدای تبارک و تعالی را به طلب پاداش، عبادت می‌کنند که {مانند} فرمانبرداری اجیران است و گروهی خدای عز و جل را از سر محبت می‌پرستند که این {گونه پرستیدن،} عبادت کردن آزادگان {از بند هواها و شهوت‌ها} است و این {قسم آخر،} برترین نوع عبادت است.

یا به این عبارت که می‌فرمایند:

«إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْْبُدُونَهُ رَجَاءً ثَوَابِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْمُخْدَمِ وَصِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنْ نَارِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَصِنْفٌ مِنْهُمْ يَعْْبُدُونَهُ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ»<sup>۲</sup>

۱. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ۸۴؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۱، صفحه ۶۲؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه ۲۴۶.  
۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۲۰۰.

مردم خدا را به سه گونه می‌پرستند. گروهی به امید ثواب و گروهی از ترس آتش و گروهی به خاطر حبّ الهی و محبت حضرت پروردگار.

به هر حال می‌توان به استناد این روایت، به این نیت نیز عبادت کرد. گرچه شاید سطح آن بالا بوده و حتی برای عموم مردم، غیر قابل درک باشد.

### چند تذکر مرتبط با بحث نیت در عبادت:

برای اتمام فایده، لازم است به چند نکته تذکر داده شود؛ بدین شرح:

#### تذکر اول: نقدی بر یکی از مشاهیر حوزوی:

با توجه به مطالب گفته شده معلوم می‌شود سخن کسانی که نیت صحیح در عبادات را فقط «محبت» می‌دانند، تمام نیست، می‌نویسد:

«در اخبار زیادی وارد شده است که نیت، سه مرتبه دارد، منها ما قال الصادق (علیه السلام): «العباد ثلاثة، قوم عبدوا الله خوفاً فتلک عبادة العبيد، و قوم عبدوا الله طمعاً فتلک عبادة الاجراء، و قوم عبدوا الله حباً فتلک عبادة الأحرار». در اثر تأمل و دقت، واضح خواهد شد که عبادت دو دسته‌ی اول، به حقیقت صحیح نیست زیرا عبادت آنها به خدا و برای خدا نبوده و مرجع عبادت آنها به خودپرستی است و در واقع، آنها خود را پرستیده‌اند نه خدای تعالی را، چون بازگشت عبادت آنها به همان علائق و مشتتهیات نفسانی است، و چون خودپرستی با خداپرستی جمع نمی‌شود بنا بر این باید بر حسب نظریه‌ی اول، این جماعت به خدا کافر بوده و خدا را منکر باشند لیکن چون قرآن کریم به نصّ خود، اصل



خداپرستی را فطری هر بشری بیان فرموده است و هرگونه تغییر و تبدیلی را در خلقت، نفی نموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَلَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای، تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»<sup>۱</sup> بنا بر این انحراف بشر از جا‌دهی خداپرستی نیست بلکه از جا‌دهی توحید است که خدا را در فعل و صفت واحد نمی‌دانند بلکه غیر او را با او سهیم و شریک می‌کنند، و لذا قرآن در همه جا برای اثبات توحید خداوند و نفی شرک از او قیام فرموده است. و بر این اساس، دو دسته‌ی اول، خدا را در منظور خود سهیم و شریک می‌دانند و در عین خداپرستی نیز از خودپرستی دست باز نمی‌دارند و فعل خود را در عبادات برای هر دو منظور بجا می‌آورند و این، همان شرک است، و در حقیقت این دو گروه، مشرک به خدای متعال می‌باشند که به نص قرآن برای آن آمرزشی نیست. «إِنَّ اللَّهَ لَا یَغْفِرُ ۤأَنْ یُّشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ مَا دُونِ ذَٰلِکَ لِمَنْ یَشَاءُ؛ مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید»<sup>۲</sup> بنابراین عبادت آنها ابداً مثمر ثمر نبوده و آنها را به خدای متعال

---

۱. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰.

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۴۸.

نزدیک نخواهد ساخت.

اَمَّا دَسْتَهی سَوْمَ که خدا را بر اصل محبت می‌پرستند که همان عبادت احرار است و در بعضی از روایات وارد است که «تَلک عِبَادَةُ الْکَرَامِ» این همان عبادت صحیح‌هی واقعیه است و به آن نمی‌رسند مگر پاکان درگاه الهی. فَهَذَا مَقَامٌ مَکْنُونٌ «لَا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۱</sup>

محبت، عبارت است از انجذاب، یعنی کشیده شدن چیزی به سویی و حقیقتی. دسته‌ی سَوْم گروهی هستند که پایه‌ی عبادت و پرستش خود را بر محبت و کشش به سوی خدا قرار داده غیر از کشیده شدن به سوی او و تقرّب به حضرت او هیچ مقصود و منظوری ندارند و صرفاً همان انجذابی که از ناحیه‌ی محبوب در خود حس می‌کنند داعی و محرک آنها به سوی محبوب و موجب حرکت آنها بدان حریم است.

در بعضی از اخبار وارد شده است که حق تعالی را از آن جهت که اهلیت عبادت دارد پرستش نمایند. و معلوم است که این اهلیت بازگشتش به صفات الهی نبوده بلکه راجع به مقام ذات مقدّس اوست (جلّ جلاله و عظم شأنه)، و بنا بر این مفادش آن خواهد بود که خداوند را چون خداوند است عبادت کنید: «إِلَهِی مَا عِبَدتْکَ خَوْفًا مِّن نَّارِکَ وَلَا طَمَعًا فِی جَنَّتِکَ، بَلْ وَجَدتْکَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعِبَدتْکَ»<sup>۲</sup>

۱. سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹.

۲. رساله‌ی لب اللباب، طهرانی، صص ۱۱۹ تا ۱۲۱.

اشکال بر عبارات فوق: گر چه به تصریح استاد معظم حضرت صادق (علیه‌السلام) عبادت‌کنندگان، سه دسته‌اند ولی به زعم نویسندگی عبارات فوق، کسی که از ترس جهنم یا به شوق بهشت عبادت کند، «مشرک» است. آن هم نه شرک قابل گذشت بلکه شرکی که آمرزشی ندارد! به این عبارت دقت کنید: «در حقیقت این دو گروه، مشرک به خدای متعال می‌باشند که به نصّ قرآن برای آن آمرزشی نیست» **«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»**

همچنین وی معتقد است که چنین عبادتی «ابداً مثمر ثمر نبوده و آنها را به خدای متعال نزدیک نخواهد ساخت»! در حالی که در بالا گذشت که قرآن کریم اصرار دارد که عمل‌کنندگان باید برای رسیدن به نعمت‌های بهشت، عمل کنند. اگر سخن این نویسنده را بپذیریم، قرآن کریم، دعوت به «شرک» می‌کند در حالی که از اصول اعتقادی ما این است که قرآن کریم، کتاب توحید است.

در صورت پذیرش سخن این نویسنده، قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان‌سازی است، انسان را به انگیزه‌ای راهنمایی می‌کند که عبادت کردن با آن انگیزه، «ابداً مثمر ثمر نبوده و آنها را به خدای متعال نزدیک نخواهد ساخت»!

### تذکر دوم: نقدی بر یکی دیگر از مشاهیر حوزوی:

همچنین سخنان بعضی مشاهیر حوزوی که عبادت کردن از ترس جهنم و شوق به بهشت را نشان بی‌ولایتی یا ضعف ولایت می‌شمارد، ناتمام است. می‌گوید:

**«برخی عبادت را «خوفاً من النار» و از ترس جهنم انجام**

می‌دهند، اینها یا اصلاً ولی الله نیستند یا ولایتشان بسیار اندک و ضعیف است به گونه‌ای که اصلاً به حساب نمی‌آید. چنین افرادی خودشان را می‌خواهند، و تنها می‌خواهند در امنیت باشند. گروه دیگر «شوقاً للجنة» و برای رسیدن به بهشت عبادت می‌کنند اینها هم دنبال رفاه خودشان هستند و نمی‌خواهند تحت ولایت مولا باشند. گروه سوم کسانی‌اند که دنبال رسیدن به بهشت و فرار از جهنم نیستند بلکه می‌خواهند به حق تعالی مهر بورزند و ارادتشان را به خدا نشان دهند و بندگی کنند... اگر کسی بخواهد ولی خدا باشد تنها راهش عبادت «حُباً لله و شُكراً له» است. این، طبیعتی ولایت است. هر چه این راه را بیشتر ادامه دهد ولایتش شکوفاتر می‌شود تا جزو اولیای الهی شود... برخی فقها به عدم قبول عبادت کسانی که برای رسیدن به بهشت و فرار از جهنم عبادت می‌کنند، فتوا داده‌اند؛ چون اینها خدا را واسطه برای نجات از دوزخ یا رسیدن به بهشت قرار داده‌اند لکن مرحوم بوعلی در اشارات می‌فرماید: اینها هم مورد رحمت الهی‌اند هر چند خدا را واسطه قرار داده‌اند اما درکشان همین است. اینها ولی الله نمی‌شوند و از برکاتی که برای ولایت ثابت است بهره‌مند نمی‌شوند»<sup>۱</sup>

برای نقد سخنان فوق، به سه مقدمه توجه می‌دهیم:

مقدمه‌ی اول: اصل ولایت، حضرت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و امامان معصوم از نسل این دو بزرگوار هستند. یعنی کسی نمی‌تواند و نخواهد توانست در ولایت، از امیر المؤمنین

---

۱. گزارش خبرگزاری رسا از بیانات آیت الله جوادی آملی در پایان درس خارج فقه.

(علیه السلام) جلوتر برود.

مقدمه‌ی دوم: قرآن کریم از حال افرادی چنین خبر می‌دهد:

«يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيَطْعَمُونَ  
الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لِرِجَالِ اللَّهِ  
لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا  
قَمْطَرِيرًا \* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا \*  
وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا»<sup>۱</sup>

[همان بندگانی که] به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن  
فراگیرنده است می‌ترسیدند. و بینوا و یتیم و اسیر را - با  
دوستی‌اش - خوراک می‌دادند. ما برای خشنودی خداست که به  
شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از  
پروردگارمان از روز ترش‌رو، سخت‌هراسناکیم. پس خدا [هم]  
آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان  
ارزانی داشت. و به [یاس] آنکه صبر کردند بهشت و لباس  
ابریشمی پاداششان داد.

مقدمه‌ی سوم: به اجماع امامیه، این افراد، حضرت امیر المؤمنین، حضرت  
فاطمه و حسنین (علیهم السلام) بودند.

نتیجه‌گیری: وقتی صاحبان اصلی ولایت، از ترس روز قیامت و سختی‌هایش  
عبادت می‌کنند، آیا صحیح است گفته شود: «[کسانی که از ترس عبادت  
کنند،] یا اصلاً ولی الله نیستند یا ولایتشان بسیار اندک و ضعیف است به

---

۱. سوره‌ی انسان، آیات ۷ تا ۱۲.

گونه‌ای که اصلاً به حساب نمی‌آید؟!!

اگر سخن فوق را صحیح بدانیم، یا باید نتیجه گرفت که «ولایت» حضرت امیر المؤمنین، حضرت فاطمه و حسنین (علیهم‌السلام) ضعیف بوده است! و یا اگر «ولایت» حضرت امیر المؤمنین، حضرت فاطمه و حسنین (علیهم‌السلام) را ضعیف ندانیم، باید گزارش قرآن کریم را دروغ بدانیم. پس بین سه ضلع، باید انتخاب کرد: یا «ولایت» صاحبان اصلی ولایت، ضعیف است؛ یا گزارش قرآن کریم از حال و سخن آنان، دروغ است؛ یا سخن این گوینده، صحیح نیست.

### تذکر سوم: تحقیر بهشت و جهنم در تعابیر صوفیه:

صوفیان دور از معارف حقّی الهیه، در عبارات خود، به تحقیر دو رکن اعتقادی بهشت و جهنم می‌پردازند و این را نشانه‌ی نهایت اخلاص خود و مشایخ گمراه خویش می‌شمارند.

یکی از این گمراهان در مناجات‌هایش می‌نویسد:

«الهی گل بهشت در چشم عارفان خار است و جوینده‌ی تو را با بهشت چه کار است؟ الهی اگر بهشت، چشم و چراغ است، بی‌دیدار تو درد و داغ است. الهی بهشت بی‌دیدار تو زندان است و زندانی به زندان برون، نه کار کریمان است. [اگر نه روی تو بود، من چه کنم باغ بهشت؟ \* نتوان بهر گل و میوه به زندان بودن] الهی اگر به دوزخ فرستی دعوی دار نیستم و اگر به بهشت فرمایی، بی‌جمال تو خریدار نیستم. مطلوب ما بر آر که جز وصال تو طلبکار نیستم.

روز محشر، عاشقان را با قیامت کار نیست

کار عاشق جز تماشای وصال یار نیست

از سرکوبش اگر سوی بهشتم می‌برند

پای نهم که در آنجا وعده‌ی دیدار نیست»<sup>۱</sup>

اینان نتوانسته‌اند به این دیدگاه روشن برسند که «رضای الهی» رابطه‌ی مستقیمی با «درجات بهشت» و «نعمت‌های آن» و «قرب» دارد؛ یعنی هر چه به «رضای» بیشتری دست یابند، درجه‌شان در بهشت، بالاتر می‌رود و از نعمت‌های بیشتری بهره‌مند می‌شوند و «قرب» بیشتری می‌یابند و هر چه درجه‌شان در بهشت، بالاتر باشد، بهره‌ی بیشتری از رضای حق تعالی دارند. و هر چه نعمت بیشتری به دست بیاورند، نشان از بیشتر بودن رضایت خدای تعالی از آنان است.

چنان که در دعای جوشن کبیر می‌فرماید:

«يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ تَوَّابُهُ يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ»

ای خدایی که پادشاهی‌ت در بهشت است و کیفرهایت در جهنم».

همچنین نمی‌دانند که «غضب الهی» رابطه‌ی مستقیم با «درکات جهنم» دارد؛ یعنی هر چه غضب الهی بر کسی بیشتر باشد، عذاب و درکه‌اش در جهنم، بیشتر خواهد بود. هر کس به «جهنم» افکنده شود، مورد «غضب» خدای تعالی است و هیچ رضایتی از او ندارد. و هر چه «عذاب‌هایش» بیشتر باشد، نشان از بیشتر بودن «غضب الهی» بر آن شخص است. این بی‌تفاوتی نسبت به کسب بهشت و رها شدن از جهنم، که در صوفیه به وفور دیده می‌شود و آن را علامت اخلاص می‌دانند، مخالف دستور استاد

---

۱. مناجات نامه‌ی خوجه عبدالله انصاری.

معظم حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) است؛ آنجا که می فرمایند:

«لَا يَنْفِيْلُ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَيَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَأَنْ يَزُوْجَهُ الْحُوْرَ الْعَيْنِ»<sup>۱</sup>

بنده نباید از حالت نماز خارج شود مگر این که از خدای تعالی، بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه ببرد و بخواهد که از حور العین به او تزویج نماید.

زیرا بر طبق معارف وحیانی، یکی از اصول اعتقادی، اعتقاد به بهشت و جهنم است. چنان که در زیارت آل یاسین می فرمایند:

«وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا»

بهشت و جهنم، حق است و وعده و وعید به آن دو، حق است.

#### تذکر چهارم: تغییر نیت عبادت به تناسب دوره‌های تکامل:

به هر یک از نیت‌های فوق که عبادتی صورت گیرد، صحیح و سعادت‌آفرین است و منهاجی می‌تواند متناسب با حالش به یکی از آنها توجه کند. حال جویندگان کمال و سعادت در دوران‌های مختلف زندگی تکاملی، دچار تغییرات بسیاری می‌شود. گاهی غلبه‌ی خوف (ترس) است و گاهی غلبه‌ی رجا (امید). آن نیتی که در حال خوف، مناسب است، و می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام عبادات باشد، ترس از جهنم و روز قیامت می‌باشد و آن نیتی که در حال غلبه‌ی امید، مناسب است و می‌تواند عمل‌کننده را به عمل وادارد، طلب بهشت و نعمت‌های آن است. در غلبه‌ی حال شکر، شکرگزاری انگیزه‌ی مناسبی برای عبادت است. در حالت بسط، طلب خشنودی خداوند متعال یا

---

۱. خصال، شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۲۹.



لقای حضرت پروردگار، نیت شایسته‌ای برای عبادات می‌باشد.

### تذکر پنجم: نیت‌های انحرافی:

در منهاج فردوسیان، فقط و فقط می‌توان به یکی از اهداف فوق، عبادت کرد و هیچگونه هدف و نیت دیگری برای عبادت کردن، مقبول و صحیح نیست. اهدافی همچون: دستیابی به قدرتهای خارق العاده برای ظهور دادن کرامت (مثل مستجاب الدعوه شدن و طی الارض و خواندن ضمائر)؛ رسیدن به مکاشفات و مشاهدات روحی؛ رسیدن به آرامش روحی (ریلکسیشن مذهبی)؛ به دست آوردن سلامت جسمانی (نقش روزه در درمان بیماری‌ها - تلاوت قرآن برای زیاد شدن حافظه و نور چشم - ترک مشروبات الکلی برای سلامتی)؛ تقویت اراده (جهت اموری مثل تسخیر جن و ارتباط با ارواح و شفای بیماری‌ها)؛ مشهور شدن به عبادت؛ کسب مال از طریق عبادت (مثل به دست آوردن موقوفه‌ی عباد)؛ کسب آبرو و جایگاه اجتماعی (در جامعه‌ی مذهبی)؛ دل به دست آوردن و خوش آمد مخلوق (نماز بخواند چون پدرش دوست دارد بچه‌ی مذهبی داشته باشد)؛ به دست آوردن موفقیت‌های علمی (نماز شب برای قبولی در کنکور) و..

### تذکر ششم: اغراض دنیوی در روایات:

برخی عبادت‌ها که به هدفی غیر از اهداف فوق از سوی استادان منهاج فردوسیان (علیهم السلام) به ما رسیده، بهره‌اش همان نتیجه‌ی عاجلی است که از آن به دست می‌آید. مثل ادعیه‌ی زیادی رزق (که نتیجه‌اش زیاد شدن رزق مادی و دنیوی است و بهره‌ی اخروی ندارد) یا ادعیه‌ی سلامتی (که بهره‌اش رسیدن به سلامتی جسمی است). لهنذا نباید انتظار داشت

نمازی که به قصد بازگشت مسافر یا دعایی که به قصد آزادی زندانی خوانده می‌شود، پاداش اخروی هم داشته باشد. البته نفس دعا کردن عبادت محسوب می‌شود و اجر دارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»<sup>۱</sup>

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

#### تذکر هفتم: تبت اولیاء الهی در عبادت:

گاهی اوقات، افرادی که در صدد توجیه مواضع نادرست صوفیه هستند، می‌گویند: توصیه‌های قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به عمل کردن برای رسیدن به پاداش‌های الهی در بهشت و رهیدن از عذاب‌های جهنم، برای انسان‌های عادی (غیر معصوم) است ولی انبیاء و اوصیاء برای دریافت پاداش‌های الهی عبادت نمی‌کردند.

در پاسخ، توجه اصحاب منهاج فردوسیان را به وصیت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) به امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) که قله‌های اخلاص و کمال بشری هستند، جلب می‌نماییم؛ آنجا که می‌فرمایند:

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... وَأَعْمَلًا لِلْآجْرِ»<sup>۲</sup>

توصیه می‌کنم شما را به پرهیزکاری و این که برای رسیدن به

۱. سوره‌ی شورا، آیه‌ی ۲۰.

۲. نهج‌البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۴۷.

پاداش، عمل کنید.

همچنین به سخن سید الساجدین (علیه السلام) از انگیزه‌شان برای رفتن به مسجد النبی و عبادت کردن، توجه می‌دهیم. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) اسْتَقْبَلَهُ مَوْلَى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَ عَلَيْهِ جُبَّةٌ خَزْرَاءٌ وَمِطْرَفٌ خَزْرٍ وَعِمَامَةٌ خَزْرٍ وَهُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ فَقَالَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى أَيْنَ؟ فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَخْطَبُ الْحُورَ الْعَيْنِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup>

یکی از یاران علی بن الحسین (علیهما السلام) در شبی سرد، آن حضرت را دید که لباس و عمامه‌ای از خز در بر داشتند و عطرزده بودند. پس عرض کرد: فدایتان شوم، در چنین ساعتی و چنین آراسته به کجا می‌روید؟ فرمودند: به مسجد پدر بزرگم رسول خدا می‌روم تا حور العین را از خدای تعالی خواستگاری نمایم.

همچنین در روایت مفصلی که سید بن طاووس (رحمه الله) در اقبال نقل کرده، امام سجاد (علیه السلام) در طول ماه رمضان، نافرمانی‌های بردگان و کنیزان خود را می‌نوشتند و در شب آخر ماه، آنان را جمع کرده و همه را می‌بخشیدند و آزادشان می‌نمودند و انگیزه‌ی این کار را اینگونه بیان می‌فرمودند:

«أَذْهَبُوا فَقَدْ عَفَوْتُ عَنْكُمْ وَأَعْتَقْتُ رِقَابَكُمْ رَجَاءً لِلْعَفْوَعِيِّ وَعَتَّقِ

۱. کافی، محدث کلینی، جلد ۶، صفحه‌ی ۵۱۶.

## رَقَبَتِي<sup>۱</sup>

بروید که شما را بخشیدم و آزادتان کردم به امید این که بخشیده شوم و آزاد گردم.

### تذکر هشتم: بهشت را به بها می‌دهند یا به بهانه؟

برخی افراد معتقدند «بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه» و گروهی در مقابل، معتقدند «بهشت را به بهانه می‌دهند نه به بها». اینان چون از دو منظر به یک حقیقت نگریسته‌اند، هر دو درست می‌گویند ولی در عین حال، هر دو ناقص می‌گویند.

از منظر وحی، بهشت را به بهای ایمان و عمل صالح می‌دهند؛ پس کسی که ایمان و عمل صالح ندارد، بهشت نمی‌خرد؛ ولی با توجه به این که بهشت جاودان با نعمت‌های فوق تصور آن، با چند سال عمل محدود و پر و بال شکسته به دست می‌آید، برخی را به این سو کشانده که ایمان و عمل صالح، فقط بهانه‌ای بوده و این فضل بیکران الهی است که موجب بهشتی شدن برخی انسان‌ها می‌شود.

با این تفسیر، آنان که معتقدند بهشت را به بهانه می‌دهند، منکر نقش کلیدی ایمان و عمل صالح در رسیدن به بهشت نیستند بلکه در مقایسه‌ی محدود با نامحدود، محدود را بهانه‌ای بیش نمی‌دانند.

تعبیر جامع و کامل در این زمینه این است که گفته شود «پس از ورود به بهشت، خواهیم فهمید که بهای بهشت (ایمان و عمل صالح)، بهانه‌ای بیش نبود». پس بهشت را به «بها» می‌دهند ولی بهایش آنقدر اندک و غیر قابل

---

۱. اقبال الاعمال، سید بن طاووس، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۶۱.

مقایسه با نعمت‌هایش است که به «بهانه»، شبیه‌تر است تا بها و قیمت واقعی.

### یک سؤال و جواب آن در باره‌ی قید «در منهاج فردوسیان»:

اگر بررسی منظور از قید «در منهاج فردوسیان» که در نام کتاب آمده چیست؟

جواب می‌دهم: هر مکتب فکری و سلوکی برای خودش بهشت و جهنمی با اوصاف مشخص دارد. بعضی مکاتب، «آرامش» را بهشت و «نگرانی» را جهنم می‌دانند. در بعضی دیدگاه‌ها، «وصال» دوست و با معشوقه بودن، بهشت است و «فراق» و دوری او، جهنم.

یکی معتقد است که:

بهشت آنجاست کآزاری نباشد  
کسی را با کسی کاری نباشد  
و دیگری معتقد است:

بهشت ارزانی خوبان عالم  
بهشت من، تماشای رفیق است

حتی بر طبق روایت شریفه که می‌فرماید:

«الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»<sup>۱</sup>

دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است.

همین زر و زور و زن و زندگی دنیوی، «بهشت» برخی کوتاه‌بینان است که

«رُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا»<sup>۲</sup>

این زندگی دنیا برای کسانی که کفر می‌ورزند، زینت داده شده

---

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۶۲.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۲.

است.

ولی این کتاب، بهشت و جهنم در «منهاج فردوسیان» را به تصویر می‌کشد و اوصاف آن را بیان می‌دارد تا منہاجیون و منہاجیات، راه را گم نکنند و هر سرابی را آب نپندارند و هر ادعایی را «بهشت» موعود نشمارند و از هر موهومی به عنوان «جهنم» گریزان نباشند.

ما معتقدیم، هیچ بهستی - جز آنچه در این کتاب وصف شده - واقعی و دلکش نیست و نباید تمنایش را در دل داشت. و هیچ جهنمی - جز آنچه در این کتاب وصف شده - واقعی و هول‌انگیز نیست و نباید هراسش را در دل داشت.

### سخن آخر:

در پایان این مقدمه، توجه رفقای منہاجی‌ام را به چند توصیه و مطلب مهم جلب می‌کنم:

۱. هیچگاه بهشت و جهنم را فراموش نکنید.<sup>۱</sup>

---

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا تَسْأُوا الْعَظِيمِينَ: الْجَنَّةَ وَ النَّارَ؛ دو امر بزرگ را از یاد نبرید؛ بهشت و جهنم را» (تاریخ کبیر، جلد ۱، صفحه ۴۱۷؛ مطالب العالیة، جلد ۳، صفحه ۲۱۹) و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ، ارْغَبُوا فِيمَا رَغَبَكُمْ اللَّهُ فِيهِ، وَ احْذَرُوا مِمَّا حَذَرَكُمْ اللَّهُ مِنْهُ، وَ خَافُوا مِمَّا خَوَّفَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنْ غَذَابِهِ وَ عِقَابِهِ، وَ مِنْ جَهَنَّمَ؛ ای گروه مسلمانان، رغبت کنید به چیزی که خداوند، شما را بدان ترغیب کرده است، و حذر کنید از آنچه خداوند شما را از آن برحذر داشته است. از عذاب و کیفر خدا و از دوزخ، که شما را از آن ترسانده است، بترسید» (البعث و النشور، صفحه ۳۰۳)

و قال أمير المؤمنين (عليه السلام): «كَثِيرُ ذِكْرِ الْأَخْرَةِ وَ مَا فِيهَا مِنَ النَّجِيمِ وَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُرْهَدُكَ فِي الدُّنْيَا وَ يُضَعَّرُهَا عِنْدَكَ؛ از آخرت و نعمت‌های بهستی] و عذاب دردناک [جهنم] آن، بسیار یاد کن؛ زیرا این کار، تو را به دنیا بی‌رغبت می‌سازد و آن را در نزد تو، خوار و بی‌مقدار می‌گرداند». (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه ۷۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۴، صفحه ۲۰۷)

۲. بهشت، با عمل صالح به دست می‌آید.<sup>۱</sup>

۳. در عین حال که باید با تمام توان برای رها شدن از جهنم و رسیدن به بهشت تلاش نمود، ولی نباید بر عمل خود اعتماد کرد بلکه باید به فضل و رحمت خداوند مهربان، امیدوار بود.<sup>۲</sup>

۱. قال علی (علیه‌السلام): «تَمَنُّ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ بهای بهشت، کار نیک است» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۴۶۹۸)

و کذا قال: «عَلَيْكَ بِصَالِحِ الْعَمَلِ، فَإِنَّهُ الرِّزْقُ إِلَى الْجَنَّةِ؛ بر تو باد به [انجام دادن] کار نیک؛ چرا که رهتوشی بهشت است» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۶۱۰۷؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۳۳۵)

و کذا قال: «بِالْعَمَلِ تَحْضُلُ الْجَنَّةُ لَا بِالْأَمَلِ؛ بهشت، با تلاش به دست می‌آید نه با آرزو» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۴۲۹۷؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۱۸۹)

و کذا قال: «لَنْ يَفُوزَ بِالْجَنَّةِ إِلَّا السَّاعِي لَهَا؛ هرگز به بهشت دست نمی‌یابد، مگر کسی که برای [رسیدن به] آن تلاش کند» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۷۴۰۳؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۴۰۷)

و کذا قال: «لَا تَحْضُلُ الْجَنَّةُ بِالتَّمَنِّي؛ بهشت با آرزو کردن به دست نمی‌آید» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۱۰۵۶۶؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۵۳۳)

و کذا قال: «طَلَبُ الْجَنَّةِ بِلا عَمَلٍ حُمُقٌ؛ طلبیدن بهشت بدون عمل، حماقت است» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۵۹۹۱؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۳۱۷)

و کذا قال: «اعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا، لِنَرْزُقُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ؛ برای بهشت کار کنید؛ چرا که دنیا برای اقامت دائمی شما آفریده نشده است؛ بلکه برایتان گذرگاهی آفریده شده تا از آن برای اقامتگاهتان توشه‌ی عمل بردارید» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۳۲)

و قال الصادق (علیه‌السلام): «إِنَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ لِيَذْهَبَ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَمَهِّدُ لِصَاحِبِهِ كَمَا يَبْعَثُ الرَّجُلُ عُلَمَاءَ فَيَفْرُسُ لَهُ. ثُمَّ قَرَأَ: أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ «فَلْيَأْتِسِبْهُمْ يُمَهِّدُونَ»؛ عمل نیک، [پیشاپیش] به بهشت می‌رود و برای صاحب خود، تدارک می‌بیند، چنان که شخص، غلام خود را جلوتر می‌فرستد و او برایش فرش می‌گستراند». سپس حضرت [با اشاره به آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی روم] فرمودند: «و کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده‌اند، برای خودشان [زمینه‌ی پذیرایی دائمی را] آماده می‌کنند» (امالی، شیخ مفید، صفحه ۱۹۵؛ زهد، حسین بن سعید، صفحه ۲۱؛ عدة الداعی، ابن فهد حلی، صفحه ۲۱۷؛ مجمع البیان، طبرسی، جلد ۸، صفحه ۴۸۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۹۷)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ هیچ کس

به بهشت نمی‌رود، مگر با رحمت خدای عز و جل» (الاعتقادات، شیخ صدوق، صفحه ۶۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه ۲۵۱؛ صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۲۳۷۳؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه ۱۰۴؛ مسند ابن جعد، صفحه ۲۹۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۴، صفحه ۲۵۴)

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مِنْ النَّاسِ أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ. قَالُوا: وَ لَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: وَ لَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ؛ قسم به آن کسی که جانم در دست [قدرت] اوست هیچ کس از مردم نیست که کردارش او را به بهشت ببرد. [اصحاب با تعجب] گفتند: حتی شما ای رسول خدا؟! فرمودند: حتی من، مگر آن که رحمت و فضل پروردگارم مرا در بر گیرد» (امالی سید مرتضی، جلد ۲، صفحه ۲۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه ۱۱؛ صحیح بخاری، جلد ۴، صفحه ۲۱۶۹؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه ۲۱۷؛ المعجم الكبير، جلد ۷، صفحه ۳۰۹؛ کنز العمال، متقی هندی، ۱، صفحه ۲۵۳)

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: لَا يَثْكَرُ الْعَامِلُونَ عَلَيَّ أَعْمَالِهِمْ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِتَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ (أَعْمَارَهُمْ) فِي عِبَادَتِي، كَانُوا مُقْصِرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كِرَامَتِي وَ النَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جَوَارِي، وَ لَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا، وَ فَضْلِي فَلْيَبْتَغُوا، وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا، فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ نَدْرَكُهُمْ، وَ مَنِّي يَبْلَغُهُمْ رِضْوَانِي، وَ مَغْفِرَتِي تُلْبِسُهُمْ عَفْوِي، فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسْمِيَّتُ؛ خدای بزرگ و والا فرمود: آنان که برای پاداش من کار می‌کنند، نباید به کردارهای خویش تکیه کنند؛ زیرا اگر همه‌ی عمرشان را در عبادت من بکوشند و خویشتن را به زحمت اندازند، باز کوتاهی کرده‌اند و در عبادتشان به عمق بندگی من، و کرامت من و نعمت‌های باغ‌های بهشتم و درجات بلند در جوارم که از من می‌طلبند، نمی‌رسند؛ بلکه تنها به رحمت من باید اعتماد کنند و به فضل من، امید داشته باشند و به گمان نیک داشتن به من، دل ببندند. در این صورت است که رحمت به ایشان می‌رسد، و لطفم، آنان را به خشنودی ام می‌رساند، و آمرزشم جامه‌ی گذشتم را بر ایشان می‌پوشاند؛ چرا که من خدای مهرگستر مهربانم و بدین نامیده شده ام» (کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه ۲۱۲؛ کنز الفوائد، کراچی، جلد ۱، صفحه ۲۲۳؛ التمهیص، اسکافی، جلد ۷، صفحه ۵۷؛ عده الداعی، ابن فهد حلی، صفحه ۲۲۳؛ مشکاة الانوار، طبرسی، صفحه ۵۴۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه ۳۸۵)

و قال علی (عليه السلام): «تَاللَّهِ لَوْ أَنْمَأْتِ قُلُوبُكُمْ أَنْمِيَانًا، وَ سَأَلْتِ مِنْ رَهْبَةِ اللَّهِ غِيُوبَكُمْ دَمًا، ثُمَّ عُمَرْتُمْ عُمُرَ الدُّنْيَا عَلَيَّ أَفْضَلَ اجْتِهَادٍ وَ عَمَلٍ، مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ حَقَّ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ لَا اسْتَحَقَّقْتُمُ الْجَنَّةَ بِسُؤَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ مَنِّهِ عَلَيْكُمْ؛ به خدا سوگند که اگر دل‌هایتان یکسره آب شود و از ترس خدا چشمانتان خون ببارد، سپس به اندازه‌ی عمر دنیا عمر کنید و در همه‌ی عمر، برترین کار و کوشش را به جای آورید، کارهای شما حق نعمت‌هایی را که خدا به شما ارزانی داشته، ادا نمی‌کند؛ و سزاوار بهشت نمی‌شوید، جز با رحمت خدا و نعمتش بر شما» (مصباح‌المتهجد، شیخ طوسی، صفحه ۳۹)



۴. آن عمل صالحی نتیجه می‌دهد [یعنی از جهنم میرهاند و به بهشت می‌رساند] که برخاسته از اعتقادات صحیح باشد.<sup>۱</sup>

۶۶۴؛ فتح الابواب، صفحه ۱۶۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۱، صفحه ۱۰۰؛ من لایحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۵۲۰)

و قال الباقر (علیه السلام): «إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي، وَ انْجُوا مِنَ النَّارِ بِعُيُوبِي، وَ تَقَسَّمُوا الْجَنَّةَ بِأَعْمَالِكُمْ، فَوَ عِزَّتِي لَأُنْزِلَنَّكُمْ دَارَ الْخُلُودِ وَ دَارَ الْكَرَامَةِ؛ پروردگار بزرگ و والا می‌فرماید: با رحمت من، به بهشت وارد شوید و با بخشایش من، از آتش برهید و با کردارهایتان، بهشت را قسمت کنید. به عزتم سوگند که شما را در سرای جاودانگی و خانه‌ی کرامت، جای می‌دهم» (اختصاص، شیخ مفید، صفحه ۳۵۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۲۱۸)

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «الزُّمُّوَا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مِنْ لِقَى اللَّهِ وَ هُوَ يُوَدُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقَّنَا؛ به دوستی با ما خاندان چنگ بزیند؛ زیرا هر کس خدا را در حالی دیدار کند که ما را دوست دارد، با شفاعت ما به بهشت می‌رود. قسم به آن کسی که جانم در درست [قدرت] اوست، هیچ بنده ای از کردار خود بهره‌مند نمی‌شود، مگر با اعتقاد داشتن به حقانیت ما» (امالی مفید، صفحه ۱۳؛ محاسن، محدث برقی، جلد ۱، صفحه ۱۳۵؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه ۱۸۷؛ المناقب کوفی، جلد ۲، صفحه ۱۰۰؛ شرح الاخبار، جلد ۱، صفحه ۴۴۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۷، صفحه ۱۰۱)

و كَذَا قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى الْخَوْضِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)؛ در روز قیامت، علی (علیه السلام) نگهبان حوض است و کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر این که پروانه‌ی عبور از جانب علی بن ابی طالب (علیه السلام) بیاورد» (المناقب مغزلی، صفحه ۱۱۹؛ کشف اليقین، صفحه ۳۲۰؛ العمدة، صفحه ۳۷۳؛ الصراط المستقیم، عاملی نباطی، جلد ۱، صفحه ۲۰۰؛ تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)، صفحه ۴۴۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۷، صفحه ۱۴۲)

و كَذَا قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقْعُدُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَ هُوَ جَبَلٌ قَدْ عَلَا عَلَى الْجَنَّةِ وَ فَوْقَهُ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مِنْ سَفْحِهِ تَنْفَجِرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ وَ تَنْفَرِقُ فِي الْجَنَّاتِ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ تَجْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ السَّنَنِيمُ، لَا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا وَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِوَلَايَتِهِ وَ وَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مُشْرِفٌ عَلَى الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا مُجْتَبَاهُ، وَ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ فَيَدْخُلُهَا مُبْغُضَةٌ؛ چون روز قیامت شود، علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر فراز فردوس می‌نشیند. فردوس، کوهی است بر بلندای بهشت که بالای آن، عرش پروردگار جهانیان قرار دارد و از دامنه‌ی آن، جوئی‌های بهشت، سرچشمه می‌گیرند و در باغ‌های بهشت، پراننده می‌شوند. او بر تختی از نور می‌نشیند و نه‌ری از تسنیم در برابرش جاری است، و هیچ کس از صراط نمی‌گذرد، مگر آن که جواز عبوری از ولایت او و ولایت اهل بیتش داشته باشد. او مشرف بر بهشت است و دوستانش

وارد آن می‌شوند. نیز بر آتش، مشرف است و دشمنانش وارد آن می‌شوند» (مئة منقبة، ابن شاذان، صفحه‌ی ۱۰۷؛ کشف الغمة، اربلی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۰۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۲، صفحه‌ی ۱۵۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۷، صفحه‌ی ۱۱۶؛ مناقب خوارزمی، صفحه‌ی ۷۱؛ فرائد السمطين، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹۲)

و کذا قال (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَ أَطَاعَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَرَدَّ عَلَيَّ حَوْضِي غَدَاً وَ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ عَصَاهُ لَمْ أَرَهُ وَ لَمْ يَرْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اخْتَلَجَ دُونِي وَ أُجْذِ بِه ذَاتِ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ؛ هر کس علی (علیه‌السلام) را در سرای دنیا دوست بدارد و از او اطاعت کند، فردا در کنار حوض من بر من وارد می‌شود و در بهشت، هم‌درجه‌ی من است، و هر کس علی را در سرای دنیا دشمن بدارد و نافرمانی‌اش کند، در روز قیامت، نه من او را می‌بینم و نه او مرا می‌بیند. او از برابر من ربوده می‌شود و او را از سمت چپ به دوزخ می‌برند» (امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۳۷۴؛ بشارة المصطفى، صفحه‌ی ۳۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۲)

و کذا قال (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ جَنَّةَ رَبِّي الَّتِي وَعَدْتَنِي جَنَّةَ عَدْنٍ ... فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ دُرِّيَّةِ إِبْنِهِمُ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِي هُمْ عِترَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي رَزَقَهُمُ اللهُ فَضْلِي وَ عِلْمِي وَ وَيْلٌ لِلْمُنْكَرِينَ فَضْلَهُمْ مِنْ أُمَّتِي؛ هر که دوست دارد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشت عدنی که پروردگارم وعده‌اش را داده است وارد شود ... باید ولایت علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و جانشینانش را بپذیرد که آنان پیشوایان پس از من هستند. ایشان خانواده‌ی من و از گوشت و خون من هستند. خداوند آنان را فضل و عمل من عنایت کرده است. وای بر انکار کنندگان فضل آن‌ها از امتم» (کافی، محدث کلینی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۹؛ بصائر الدرجات، صفار، صفحه‌ی ۴۸؛ بشارة المصطفى، طبری آملی، صفحه‌ی ۱۹۱؛ حلیة الاولیاء، جلد ۱، صفحه‌ی ۸۶)

و قال علی (علیه‌السلام): «إِنَّمَا الْأَيْمَةُ قَوْمًا اللهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ عَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أَلَا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ؛ امامان [دوازده گانه‌ی معصوم: در حقیقت]، سرپرستان خدا بر خلق او و پیشکاران او در میان بندگانش هستند. به بهشت نمی‌رود مگر کسی که آن‌ها را بشناسد و آنان او را بشناسند، و به دوزخ نمی‌رود مگر کسی که ایشان را انکار کند و ایشان او را انکار کنند» (نهج‌البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۵۲؛ غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۳۹۱۱؛ تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۴، صفحه‌ی ۲۵۵)

و قال الباقر (علیه‌السلام): «نَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا، وَ نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ نَحْنُ عَرَى الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَنَاطِرُ، مَنْ مَضَى عَلَيْنَا سَبَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَخَقَ؛ ما [هل بیت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)] برای کسی که از ما روشنی بجوید، چراغیم. ما برای آن که از ما پیروی کند، راهیم. ما راهنمایان به سوی بهشتیم. ما دستگیره‌های اسلامییم. ما پُل و گذرگاهیم که هر کس بر آن بگذرد، عقب نمی‌ماند و هر کس بر آن

۵. به یاد داشته باشید که هر چه درباره‌ی نعمت‌های بهشت تصوّر کنید، بهشت از آن بهتر است و هر چه از عذاب‌های جهنم تصوّر کنید، جهنم از آن سخت‌تر است.<sup>۱</sup>

۶. همیشه و در همه حال، از خدای متعال، بهشت را بخواهید و از جهنم به او پناه ببرید.<sup>۲</sup>

نگذرد، نابود می‌شود» (کمال الدین، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۰۶؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۱۵۴؛ بصائر الدرجات، صفار، صفحه‌ی ۶۳؛ المناقب ابن شهر آشوب، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۰۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۶، صفحه‌ی ۲۴۸)

و قال الصادق (عليه السلام): «مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللَّهِ، وَ اجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللَّهِ، وَ أَحْسَنَ الْوَالِيَّةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ تَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ؛ هَر كَس وَاجِبَاتِ خِدا رَا بَه جَا أَوْرَد وَ از حرام‌های خدا دوری کند و ولایت اهل بیت پیامبر خدا را به خوبی داشته باشد و از دشمنان خدا برائت جوید، از هر دری از هشت در بهشت که بخواهد، وارد می‌شود» (امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۵۶۱؛ بشارة المصطفی، طبری آملی، صفحه‌ی ۱۷۶؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۲۵۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۷، صفحه‌ی ۸۸)

۱. قال الباقر (عليه السلام): «اذْكُرُوا مِنَ النَّارِ مَا شِئْتُمْ، وَ لَا تَذْكُرُونَ مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا وَ هِيَ أَشَدُّ مِنْهُ. وَ اذْكُرُوا مِنَ الْجَنَّةِ مَا شِئْتُمْ، وَ لَا تَذْكُرُونَ مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا وَ هِيَ أَفْضَلُ؛ از [سختی] آتش دوزخ هر چه خواستید بگویید؛ ولی هر چه از آن بگویید، باز آتش دوزخ سخت‌تر از آن [گفته‌ها و تصورات شما] است و از بهشت، هر چه خواستید بگویید؛ اما هر چه از آن بگویید، باز بهشت برتر از آن [گفته‌ها و خیالات شما] است» (سیر اعلام النبلاء، جلد ۴، صفحه‌ی ۴۰۶؛ تاریخ دمشق، جلد ۵۴، صفحه‌ی ۲۸۲)

۲. قال الصّادق (عليه السلام) في قولِهِ تَعَالَى «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» : «حَقَّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ يَسْأَلُ فِي الْأُولَى وَ يَسْتَعْبِدُ مِنَ الْأُخْرَى؛ حق تلاوت قرآن آن است که هنگام یاد شدن از بهشت و دوزخ، درنگ شود؛ اولی را طلب کند و از دومی به خدا پناه ببرد» (وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۱۷؛ تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه‌ی ۵۷؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۳۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸۹، صفحه‌ی ۲۱۴)

و مما كان يدعو به على (عليه السلام) في قنوت صلاة الوتر: «فَيَا مَنْ كَرَّمَنِي وَ شَرَّفَنِي وَ نَعَّمَنِي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّقُومِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَمِيمِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقِيلٍ فِي النَّارِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّارِ فِي ظِلَالِ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ يَا رَبَّ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَقِيلًا فِي الْجَنَّةِ بَيْنَ أَنْهَارِهَا وَ أَشْجَارِهَا وَ ثِمَارِهَا وَ رِيحَانِهَا وَ خَدَمِهَا وَ أَرْوَاجِهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ

۷. مواظب باشید زیبایی‌های زودگذر این دنیا، شما را از نعمت‌های جاودانه‌ی آن جهان غافل نکند و به عذاب و حسرت جاوید، گرفتار نسازد.<sup>۱</sup>
۸. سعی کنید همیشه دل و روحتان در آرزوی بهشت و شوق رسیدن به نعمت‌های آن، و ترس از جهنم و عذاب‌های آن باشد.<sup>۲</sup>

النَّارُ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ؛ در دعایی که در قنوت وتر می‌خوانند: ای آن که مرا گرامی داشتی و شرافت بخشیدی و نعمتم دادی، از زقوم به تو پناه می‌برم و از آب جوشان، به تو پناه می‌برم و ای پروردگار آتش، از خفتن در آتش در میان طبقات آتش، در سایه‌های آتش، در روز آتش به تو پناه می‌برم. بار خدایا، آسودن در بهشت را در میان جویباران و درختان و میوه‌ها و گل‌ها و خدمتکاران و همسران بهشتی، از تو می‌خواهم.

بار خدایا، بهترین بهترین‌ها را که همان خشنودی است و بهشت است از تو می‌خواهم و از بدترین بدها که همان خشم تو و آتش است به تو پناه می‌برم. اینک در پیشگاه تو کسی ایستاده است که از آتش به تو پناه آورده است» (من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جلد ۱، صفحه ۴۹۱؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۸۴، صفحه ۳۶۹)

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَا تَخْذَعُكُمْ زَخْرَفُ دُنْيَا دَنِيَّةٍ عَنْ مَرَاتِبِ جَنَّاتٍ عَلِيَّةٍ؛ مبادا زرق و برق فریبنده‌ی دنیا، شما را از درجات بهشت‌های بلند جایگاه، غافل کند» (أعلام الدین، صفحه ۳۴۰؛ بحار الأنوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۸۴)

۲. قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «شَوْقُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ، تُجْبُوا الْمَوْتَ وَتَمَقُّتُوا الْحَيَاةَ؛ جان‌هایتان را به نعمت‌های بهشت، مشتاق سازید تا این که مرگ را دوست بدارید و از زندگی [دنیا] بیزار باشید» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه ۱۵۰)

و قال علی (عليه السلام) في صفة المتقين: «لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرُّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى النَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ ... فَهَمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهَمْ فِيهَا مُتَعَمِّمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهَمْ فِيهَا مُعَدِّبُونَ؛ در وصف پرهیزکاران: اگر نبود اجلی که خداوند برای آنان نوشته است، از شوق پاداش و ترس کیفر، جان‌هایشان چشم برهم‌زدنی در کالبدشان نمی‌ماند ... پس [رابطه‌ی] ایشان با بهشت چنان است که گویا آن را می‌بینند و در آن [هستند] و بهره‌مند از نعمت‌های آن می‌باشند] و [رابطه‌ی] ایشان با آتش [جهنم] چنان است که گویا آن را می‌بینند و در آن عذاب می‌شوند» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۳؛ صفات الشیعه، صفحه ۱۸؛ کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ۲۳۷؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۱، صفحه ۸۷؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۳، صفحه ۲۲۴)

و قال (عليه السلام): «إِنِّي لَمِنَ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ سِيمَاهُمْ سِيمَا الصَّادِقِينَ وَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ عُمَارِ اللَّيْلِ وَ مَنَارِ النَّهَارِ مُتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ يُحْيُونَ سُنَنَ اللَّهِ وَ سُنَنَ

رَسُولِهِ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَلَا يَغْلُونَ وَلَا يَغْلُونَ وَلَا يُفْسِدُونَ قُلُوبَهُمْ فِي الْجَنَانِ وَأَجْسَادَهُمْ فِي الْعَمَلِ؛ من از کسانی هستیم که در راه خدا از هیچ ملامتی نمی ترسند؛ از کسانی که سیمایشان سیمای صدیقان و سخنانشان، سخنان نیکان است؛ شبزنده دارانند و روشنی بخش روز؛ به دامن قرآن تمسک جسته اند و سنت های خدا و رسولش را احیاء می کنند؛ نه تکبر می ورزند و نه علو و برتری پیشه می سازند. نه خیانت می کنند و نه فساد به راه می اندازند. دل ها و قلب هایشان در بهشت و بدن هایشان در انجام وظیفه و عمل است» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ی ۱۹۲)

و قال السجّاد (عليه السلام): «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَمَنْ رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخَلِّدِينَ، وَ كَمَنْ رَأَى أَهْلَ النَّارِ فِي النَّارِ مُعَذِّبِينَ، شُرُورَهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَ قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ، أَنْفُسُهُمْ غَفِيفَةٌ، وَ خَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ، صَبَرُوا أَيَّامًا قَلِيلَةً، فَصَارُوا بِعُقْبَى رَاحَةٍ طَوِيلَةٍ، أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَجْرِي دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ، وَ هُمْ يَجَارُونَ إِلَى رَبِّهِمْ، يَسْعَوْنَ فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ، وَ أَمَّا النَّهَارُ فَخُلَمَاءُ، عُلَمَاءُ، بَرَزَةٌ، أَتْقِيَاءُ، كَأَنَّهُمْ الْقِدَاحُ، قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ مِنَ الْعِبَادَةِ، يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ يَقُولُ: مَرَضَى - وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ - أَمْ حُويلُوا! فَقَدْ خَالَطَ الْقَوْمُ أَمْرٌ عَظِيمٌ مِنْ ذِكْرِ النَّارِ وَ مَا فِيهَا؛ خداوند را بندگان است که [در دنیا] چونان کسی هستند که بهشتیان را در بهشت، جاویدان می بیند و نیز مانند کسی هستند که دوزخیان را در دوزخ معذب می بیند. گزندشان به کس نمی رسد و دل هایشان اندوهناک است، جان هایشان خویشتندار و نیازهایشان اندک. چند روزه ای اندک [دنیا] را تحمل کرده اند و در نتیجه، به فرجامی آسوده و بی پایان، دست یافته اند. شب هنگام، برپا می خیزند و اشک هایشان بر گونه هایشان روان می شود و به پروردگار خویش پناه می برند، و برای آزادی خود [از عذاب دوزخ] می کوشند. ولی روز هنگام، مردمانی هستند بردبار، دانا، نیکوکار و پرهیزکار. از [لاغری و نحیفی] گویی تیرهایی تراش خورده اند. ترس از عبادت، آنان را تراش داده است. دیگران که او را می بینند، یا می گویند: بیمار است - در حالی که این طایفه را هیچ بیماری ای نیست - و یا [می گویند]: قاطی کرده اند! در صورتی که پدیده ای بزرگ یعنی یاد دوزخ و عذاب های آن - با وجود آنان در آمیخته است [و آنان را اینگونه، پربشان و در هم ساخته است].» (کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ی ۱۳۲؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه ی ۲۸۱؛ کنز الفوائد، کراچکی، جلد ۱، صفحه ی ۹۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۰، صفحه ی ۴۳)

و قال الباقر (عليه السلام): «بِكَيْ أَوْ ذَرَّ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى اسْتَكَى بَصْرَةَ، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ يَشْفِي بَصْرَكَ. فَقَالَ: إِنِّي عَنْهُ لَمَشْغُولٌ، وَ مَا هُوَ مِنْ أَكْبَرِ هَمِّي. قَالُوا: وَ مَا يَشْغَلُكَ عَنْهُ؟! قَالَ: الْعَظِيمَتَانِ، الْجَنَّةُ وَ النَّارُ؛ ابودر - که خدایش رحمت کند - از ترس خدای عز و جل چندان گریست که دیده اش آسیب دید. به او گفته شد: ای ابودر، خوب است دعا کنی که خداوند چشمت را شفا دهد. ابودر گفت: من از آن غافلم، و [درد] چشمم بزرگ ترین غم و اندوه من نیست. گفتند: چه چیزی تو را از آن غافل ساخته است؟ گفت: آن دو امر بزرگ: [یعنی] بهشت و جهنم» (خصال، شیخ صدوق، جلد ۴۰؛ امالی،

۹. به یاد داشته باشید که بهشت، بهترین هدف برای عبادت و بهترین تشویق کننده برای حرکت است، پس فقط به آن فکر کنید و برای رسیدن به آن تلاش نمایید تا حدی که یقین کنید، بهشتی هستید.<sup>۱</sup>
۱۰. تمام همت و تلاشتان را برای نجات یافتن از جهنم صرف کنید به حدی که یقین کنید هیچگاه به عذاب‌های آن گرفتار نخواهید شد.<sup>۲</sup>

شیخ طوسی، صفحه‌ی ۷۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۲۲، صفحه‌ی (۴۳۱)  
 ۱. قال الله تعالى: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزکاران آماده شده است، بشتابید» (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۳)  
 و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «فُؤَمُوا إِلَىٰ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ برخیزید [و] پیش] به سوی بهشتی که پهنه‌اش آسمان‌ها و زمین است [به تلاش و جدیت بپردازید]. (صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۵۱۰؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۷۵؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۳، صفحه‌ی ۴۸۱؛ سنن الکبری، بیهقی، جلد ۹، صفحه‌ی ۷۵؛ دلائل النبوة، بیهقی، جلد ۳، صفحه‌ی ۶۹)

و قال علی (عليه السلام): «الْجَنَّةُ أَفْضَلُ غَايَةٍ؛ [رسیدن به] بهشت، برترین هدف [زندگی و عبادت] است.» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه‌ی ۱۰۲۴)  
 و قال علی (عليه السلام): «الْمَغْبُوثُ مَن بَاعَ جَنَّتَهُ غَلِيَّةً بِمَعْصِيَةِ ذِيئَةٍ؛ زیان دیده، کسی است که بهشت برینی را به گناهی پست بفروشد» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه‌ی ۱۳۵۲؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه‌ی ۹۸)

و قال علی (عليه السلام): «إِنَّ مَن بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ الْمِحْنَةُ؛ کسی که خویشتن را به غیر بهشت بفروشد، به رنج بزرگ در می‌افتد [و] خیلی خیلی حسرت خواهد خورد.» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه‌ی ۴۷۴؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه‌ی ۱۵۰)  
 و قال علی (عليه السلام): «مَن بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ تَعِيمِ الْجَنَّةِ، فَقَدْ ظَلَمَهَا؛ کسی که خود را به غیر از ناز و نعمت بهشت بفروشد، به خویشتن ستم کرده است.» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، حدیث ۹۱۶۴)

و قال موسى بن جعفر (عليه السلام): «أَمَا إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِعُوهَا بِغَيْرِهَا؛ بدانید که بدن‌های شما، بهایی جز بهشت ندارد. پس آن‌ها را به جز بهشت نفروشید» (کافی، محدث کلینی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۹؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۳۸۹؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۸، صفحه‌ی ۳۰۳)  
 ۲. قال علی (عليه السلام): «إِجْعَلْ كُلَّ هَمِّكَ وَ سَعِيكَ لِلْخُلَاصِ؛ مِنْ مَحَلِّ الشَّقَاءِ وَ الْعِقَابِ، وَ

۱۱. بر خلاف تصور رایج، ورود به بهشت، ارزان و ورود به جهنم، گران است.<sup>۱</sup>
۱۲. هوشیار باشید کسی که بگوید از جهنم می‌ترسم ولی نفسش را از هوس‌ها و شهوات باز ندارد، خودش را مسخره کرده است.<sup>۲</sup>
۱۳. در نظر داشته باشید که هر خوشی دنیا که منجر به جهنم شود، خوشی نیست و هر ناخوشی دنیا که منجر به بهشت شود، ناخوشی نیست.<sup>۳</sup>
۱۴. اشک ریختن از ترس خدا، اثر عظیمی در رهایی از آتش جهنم دارد.<sup>۴</sup>

النَّجَاةُ مِنْ مَقَامِ الْبَلَاءِ وَالْعَذَابِ» (غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، صفحه‌ی ۱۴۴؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه‌ی ۷۶)

۱. قال علی (علیه‌السلام): «دُخُولُ الْجَنَّةِ رَیْضٌ وَ دُخُولُ النَّارِ غَالٌ؛ ورود به بهشت، ارزان است و ورود به دوزخ، گران» (أعلام الدین، صفحه‌ی ۱۸۶؛ کنز الفوائد، کراچی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۷۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۵، صفحه‌ی ۹۰)

۲. قال الرضا (علیه‌السلام): «مَنْ تَعَوَّدَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ لَمْ يَتْرُكْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَقَدْ اشْتَهَرَ بِنَفْسِهِ؛ کسی که از آتش [جهنم] به خدا پناه برد ولی از هوس‌های دنیا دست بر ندارد، [در واقع] خودش را مسخره کرده است» (کنز الفوائد، کراچی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۰؛ معدن الجواهر، صفحه‌ی ۵۹؛ تنبیه الخواطر، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۱۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۸، صفحه‌ی ۳۵۶)

و قال السجّاد (علیه‌السلام): «مَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ نَسَلًا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ اشْتَقَّ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ؛ هر کس مشتاق بهشت باشد، از هوس‌های خویش غافل می‌شود [یعنی باید غافل شود] و آن که از آتش بهراسد، از حرام‌ها روی می‌گرداند [یعنی باید روی بگرداند]» (کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۲؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۲۸۱؛ کنز الفوائد، کراچی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۰، صفحه‌ی ۴۳)

۳. قال علی (علیه‌السلام): «مَا شَرُّ بَشَرٍ بَعْدَهُ الْجِنَّةُ وَ مَا خَيْرٌ بَخِيرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَخْفُورٌ وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ غَافِيَةٌ» (کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۲؛ من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۹۲؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، کلمه‌ی ۳۸۷؛ توحید، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۷۲)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ بَكَى عَلَى ذَنْبِهِ حَتَّى تَسِيلَ دُمُوعُهُ عَلَى لِحْيَتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ دِيْبَانَةَ وَجْهِهِ عَلَى النَّارِ؛ هر کس بر گناه خویش بگرید، چندان که اشک‌هایش بر گونه‌ها و ریش او جاری شود، خداوند رخسارش را بر آتش، حرام می‌گرداند» (مکارم الاخلاق، طبرسی، جلد ۲، صفحه‌ی ۹۵؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۴۹۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۳، صفحه‌ی ۳۳۶؛ تاریخ اصبهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۱۰)

و كذا قال (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى يُصِيبَ الْأَرْضَ

من دُموعه، لَمْ يُعَذِّبَهُ اللهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس خدا را یاد کند و از ترس خداوند، اشک از چشمانش جاری شود، به طوری که از اشک‌هایش بر زمین بریزد، خداوند، روز قیامت، او را عذاب نمی‌کند» (المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه ۲۸۹؛ المعجم الاوسط، جلد ۲، صفحه ۱۷۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱، صفحه ۴۲۵)

و كَذَا قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا يَلِيحُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ حَسْبِيَةِ اللهِ حَتَّى يَعُوذَ اللَّبَنُ فِي الصَّرْعِ؛ مردی که از ترس خدا گریسته باشد، وارد آتش نمی‌شود مگر آن که شیر رفته، به پستان باز گردد [که چنین کاری محال است]» (سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۱۷۱؛ سنن نسائی، جلد ۶، صفحه ۱۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه ۵۷۶؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه ۲۸۹؛ شعب الایمان، جلد ۱، صفحه ۴۹۰؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۳، صفحه ۱۴۳)

و كَذَا قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابَةِ مِنَ الدُّمُوعِ فَيُصِيبُ حَرْزَ وَجْهِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النَّارِ؛ هیچ مؤمنی نیست که [برای ترس از خداوند متعال] از چشمانش به اندازه‌ی سر مگسی اشک بیرون بیاید و بر گونه‌اش بغلند، مگر آن که خداوند، او را بر آتش [دوزخ] حرام می‌گرداند» (ارشاد القلوب، دیلمی، صفحه ۹۷؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۱۱، صفحه ۲۴۶)

و كَذَا قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدَّ هَوَى فِي النَّارِ فَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ حَسْبِيَةِ اللهِ فَاسْتَحْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ؛ دیدم که مردی از امتم در آتش [جهنم] افتاد اما اشک‌هایش که از ترس خدا گریسته بود، آمدند و او را از آن، بیرون کشیدند» (امالی، شیخ صدوق، صفحه ۳۰۲؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۴۹۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه ۲۹۱؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۳۴، صفحه ۴۰۷؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه ۴۲۲؛ نوادر الاصول، جلد ۲، صفحه ۲۳۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۵، صفحه ۹۲۷)

و قال الباقر (عليه السلام): «قَالَ [موسى (عليه السلام)] إِيَّاهِى فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَمَعَتْ غَيْتَاهُ مِنْ حَسْبِيَّتِكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَمِنَ وَجْهَهُ مِنَ حَرِّ النَّارِ وَ أَوْمِنُهُ يَوْمَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ؛ [آنگاه که موسی (عليه السلام) با خدای عز و جل سخن گفت، پرسید: معبودا پاداش کسی که چشمانش از ترس تو اشک بریزند، چیست؟ [خدای متعال] فرمود: ای موسی، [پاداشش این است که] چهره‌اش را از گرمای آتش [دوزخ] در امان می‌دارم» (امالی، شیخ صدوق، صفحه ۱۵۷؛ روضة الواعظین، فتال طبرسی، جلد ۲، صفحه ۹۴؛ عدة الداعی، ابن فهد حلی، صفحه ۱۵۷؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۴۹۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۹، صفحه ۴۱۲)

و قال الصادق (عليه السلام): «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُنْفِئُ بِحَاراً مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرُورِقَتِ الْعَيْنُ بِمَا يَبْأَيْهَا لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ فَإِذَا فَاصَتْ حَرَمَهَا اللهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرُجِمُوا؛ هیچ چیزی نیست مگر اینکه پیمانه و وزنی دارد، مگر اشک‌ها. چرا که قطره‌ای [اشک] دریاهاى از آتش را خاموش می‌کند. چون چشم بگیرد، گرد زبونی و خواری بر آن



وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

قم مقدسه - حاج فردوسی

فروردین ماه ۱۳۹۳ خورشیدی



## فصل اول: اوصاف بهشت در قرآن کریم

[۱] محکم:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ

---

چهره نمی‌نشیند. چون [چشمه‌ی اشک از ترس خدا، بجوشد و] جاری شود، خداوند آن [بدن] را بر آتش [جهنم] حرام می‌گرداند و [گریه تا آنجا اثر دارد که] اگر یک نفر در امتی گریه کند، [به واسطه‌ی اشک همان یک نفر، تمام آن امت] مورد ترحم قرار می‌گیرند» (کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۸۲؛ امالی، شیخ مفید، صفحه‌ی ۱۴۳؛ زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۷۶؛ عدة الداعی، ابن فهد حلی، صفحه‌ی ۱۵۷؛ وسائل الشیعة، محدث عاملی، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۱۷۸)

وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>۱</sup>

«و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آن‌ها جوی‌ها روان است؛ هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود می‌گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمت‌ها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند»

[۲] محکم:

«قُلْ أُو۟سِب۟تُكُم۟ بِخَيْرٍ مِّنۢ ذٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنۢدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجۜرِي مِنۢ تَحۜتِهَا الۡأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزۜوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضۜوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌۢ بِالۡعِبَادِ»<sup>۲</sup>

«بگو آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آن‌ها نهرها روان است. در آن [باغ‌ها] جاودانه بمانند و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند] و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست»

[۳] محکم:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّاتٍ تَجۜرِي مِنۢ تَحۜتِهَا

۱. سوره بقره، آیه ۲۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵.

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدَّخِلُهُمْ ظِلًّا  
ظَلِيلًا<sup>۱</sup>

«و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، داخل می‌کنیم. برای همیشه در آن [باغ‌ها] جاودانند و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم»

[۴] محکم:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۲</sup>

«خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن [باغ‌ها] جاودانه خواهند بود و [نیز] سرراهی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر [از همه‌ی آن نعمت‌ها] است. [به راستی] این است همان کامیابی بزرگ»

[۵] محکم:

«وَأُمَّاتٍ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۷.

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۲.

وَالْأَرْضِ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ<sup>۱</sup>

«و اما کسانی که نیک بخت [واقعی] شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت، جاودانند؛ مگر آنچه پروردگارت بخواند [که این]، [بخششی است که [هرگز] قطع نمی‌شود»

[۶] محکم:

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ \* جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ \* سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>۲</sup>

«و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا، انفاق کردند و بدی را با نیکی می‌زدایند؛ ایشان را فرجامی خوش [در] سرای باقی است. [همان] بهشت‌های عدن که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندان‌شان، که درستکارند، در آن داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌شوند. [و به آنان می‌گویند:] «درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید» راستی، فرجام آن سرای چه نیکوست»

[۷] محکم:

۱. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۰۸.

۲. سوره‌ی رعد، آیات ۲۲ تا ۲۴.

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ  
وِظْلُهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ»<sup>۱</sup>

«وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [این است که]  
از زیر [درختان] آن، نهرها روان است. میوه و سایه‌اش پایدار  
است. این است فرجام کسانی که پرهیزکاری کرده‌اند و فرجام  
کافران، آتش [دوزخ] است [و باید در این دو فرجام، تدبّر کنیم]»

[۸] محکم:

«وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»<sup>۲</sup>

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به  
بهشت‌هایی در آورده می‌شوند که از زیر [درختان] آن جویبارها  
روان است که به اذن پروردگارشان در آنجا جاودانه به سر می‌برند  
و درودشان در آنجا سلام است»

[۹] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ \* وَنَزَعْنَا مَا  
فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ \* لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا  
نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۵.

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۳.

۳. سوره‌ی حجر، آیات ۴۵ تا ۴۸.

«همانا پرهیزکاران در باغها و چشمه‌سارانند. [به آنان گویند] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید. و آنچه کینه [و شائبه‌های نفسانی] در سینه‌های آنان است برکنیم. برادرانه بر تخت‌هایی روبروی یکدیگر نشستند [و از ملاقات و گفتگو با هم، لذت می‌برند]. نه رنجی در آنجا به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند»

#### [۱۰] محکم:

«وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ \* جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>

«و به کسانی که تقوا پیشه کردند گفته شود پروردگارتان چه نازل کرد؟ می‌گویند: [فقط] خوبی [و دیگر، هیچ]. برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش‌های] نیکویی است و قطعاً سرای آخرت، بهتر است و سرای پرهیزکاران چه نیکوست؛ بهشت‌های عدن که در آن داخل می‌شوند. رودها از زیر [درختان] آن‌ها روان است. در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [قراهم] است. خدا این

۱. سوره‌ی نحل، آیات ۳۰ تا ۳۲.

گونه، پرهیزکاران را پاداش می‌دهد. همان کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی که پاکند می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند: درود بر شما باد به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید، به بهشت درآیید»

[۱۱] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا \*  
أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَجْأُونَ فِيهَا مِنْ  
أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ  
مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا»<sup>۱</sup>

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی‌کنیم. آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر سببر می‌پوشند. در آنجا بر تخت‌هایی مرتفع که چشم‌اندازی بس نیکو دارد، [تکیه می‌زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی»

[۱۲] محکم:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظَلَمُونَ  
شَيْئًا \* جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ

۱. سوره‌ی کهف، آیات ۳۰ و ۳۱.

مَاتِيًّا \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَعْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً  
وَعَشِيًّا \* تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا<sup>۱</sup>

«مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت. باغ‌های جاودانی که [خدای] رحمان به بندگانش در جهان ناپیدا وعده داده است، در حقیقت وعده‌ی او انجام شدنی است. در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، جز درود [و سخن نیکو چینی گفته نمی‌شود] و روزی‌شان صبح و شام در آنجا [آماده] است. این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزکار باشند به میراث می‌دهیم»

### [۱۳] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ \* لَا  
يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ»<sup>۲</sup>

«بی‌گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده‌ی نیکو داده شده است از آن [آتش] دور داشته خواهند شد. صدای آن را نمی‌شنوند و آنان در میان آنچه دل‌هایشان بخواهد جاودانند [یعنی هر چه می‌خواهند را آرزو می‌کنند و بلافاصله برایشان فراهم می‌شود]»

۱. سوره‌ی مریم، آیات ۶۰ تا ۶۳.

۲. سوره‌ی انبیاء، آیات ۱۰۱ و ۱۰۲.



[۱۴] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا \* خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا»<sup>۱</sup>

«بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند باغ‌های فردوس [که بالاترین و عالی‌ترین جای بهشت است] جایگاه پذیرایی آنان است. جاودانه در آن خواهند بود و از آنجا درخواست انتقال نمی‌کنند [چون از فردوس، بالاتری نیست که بخواهند به آنجا بروند]»

[۱۵] محکم:

«إِنَّ اللَّهَ يَدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ»<sup>۲</sup>

«بی‌گمان خدا، کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، به باغ‌هایی درمی‌آورد که از زیر [درختان] آن، رودها روان است. خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد»

[۱۶] محکم:

«إِنَّ اللَّهَ يَدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَجْلِسُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ\*»

۱. سوره‌ی کهف، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۱۴.

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ<sup>۱</sup>

«خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است درمی‌آورد. در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آنجا از پرنیان (= ابریشم خالص) است. و به گفتار پاک، هدایت می‌شوند و به سوی راه [خدای] ستوده هدایت می‌گردند»

[۱۷] محکم:

«قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا \* لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُورًا<sup>۲</sup>»

«بگو آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزکاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است. جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند. پروردگار تو مسؤول [تحقق] این وعده است»

[۱۸] محکم:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرْقَةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا \* أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ

۱. سوره‌ی حج، آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. سوره‌ی فرقان، آیات ۱۵ و ۱۶.

سَلَامًا \* خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا»<sup>۱</sup>

«و [منهاجیون] کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه‌ی روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان. اینانند که به پاس آن که صبر کردند، غرفه [های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود، مواجه خواهند شد. در آنجا جاودانه خواهند ماند. [جداً بهشت پر نعمت] چه خوش قرارگاه و مقامی [است]»

[۱۹] محکم:

«جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ \* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ \* الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْغُوبُ»<sup>۲</sup>

«[فرجام منهاجیون و منهاجیات،] بهشت‌های همیشگی [است که] به آن‌ها درخواهند آمد. در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید، زیور یابند و در آنجا جامه‌شان پرنیان خواهد بود. و می‌گویند: «سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق‌شناس است». همان [خدایی] که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. [آسودگانی شادمان هستیم که] در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و [ثروتمندانی هستیم

۱. سوره‌ی فرقان، آیات ۷۴ تا ۷۶.

۲. سوره‌ی فاطر، آیات ۳۳ تا ۳۵.

که] در اینجا در ماندگی به ما دست نمی‌دهد»

[۲۰] محکم:

«إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكُهُونَ \* هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ  
عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ \* لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ \* سَلَامٌ  
قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»<sup>۱</sup>

«در این روز [قیامت که همه گرفتار حساب و کتاب خویشند،  
اهل بهشت، کار و باری خوش در پیش دارند. آن‌ها با  
همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌ها [مرتفع و خوش‌منظر]  
تکیه می‌زنند. در آنجا برای آن‌ها [هر گونه] میوه [که بخواهند،  
فراهم] است و هر چه دلشان بخواهد [برایشان حاضر  
می‌شود]. [و از همه اینها مهم‌تر این که] از جانب پروردگار [ای]  
مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود.»

[۲۱] محکم:

«وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ \*  
أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ \* فَوَاكِهِ وَهُمْ مُكْرَمُونَ \* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ \*  
عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ \* يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ \* بِيضَاءَ لَذَّةٍ  
لِلشَّارِبِينَ \* لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يَنْزِفُونَ \* وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ  
الطَّرْفِ عِينٌ \* كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ \* فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

۱. سوره یس، آیات ۵۵ تا ۵۸.

يَتَسَاءَلُونَ \* قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ \* يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ  
 الْمُصَدِّقِينَ \* أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ \* قَالَ هَلْ  
 أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ \* فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ \* قَالَ تَاللَّهِ إِن  
 كِدَّتْ لِرَبِّدِينِ \* وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ \* أَفَمَا نَحْنُ  
 بِمَبِينٍ \* إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ \* إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ  
 الْعَظِيمُ \* لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ»<sup>۱</sup>

«آنان [یعنی منهاجیون و منهاجیات] روزی معین خواهند داشت؛  
 [انواع] میوه‌ها و آنان مورد احترام خواهند بود. در باغ‌های پُر  
 نعمت. بر تخت‌ها در برابر همدیگر [می‌نشینند]. [پسران جاودانه  
 و کنیزکان زیباروی] با جامی از باده‌ی ناب، پیرامونشان به گردش  
 درمی‌آیند. [باده‌ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص]  
 می‌دهد. [مانند شراب دنیا، آلوده و بدفراجم نیست بلکه] نه در  
 آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی [و فرسودگی]  
 می‌افتند. و نزدشان [دلبرانی] فروهشته‌نگاه و فراخ‌دیده باشند. [از  
 شدت سپیدی] گویی تخم [شترمرغ] زیر پزند. پس [با هم به  
 یادآوری خاطرات دنیا می‌نشینند]. برخی‌شان به برخی روی نموده  
 و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند. گوینده‌ای از آنان می‌گوید: راستی  
 من [در دنیا] همنشینی داشتم. [که انکار خدا و پیامبران داشت و  
 به من] می‌گفت: آیا واقعاً تو از باوردارندگانی؟! آیا [تو باور  
 کرده‌ای که] وقتی مُردیم و خاک و [مُشتی] استخوان شدیم، آیا

۱. سوره‌ی صافات، آیات ۳۹ تا ۶۱.

واقعاً جزا می‌یابیم. [سپس از یارانش] می‌پرسد: آیا شما [از حال او] اطلاع دارید؟ [و می‌دانید الان کجاست؟]. پس [به کمک دوستان بهشتی‌اش از حال او] اطلاع حاصل می‌کند و او را در میان آتش می‌بیند. [او را خطاب قرار می‌دهد و] می‌گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی. و اگر رحمت پروردگارم نبود هرآینه من [نیز] از احضارشدگان [در حساب سخت قیامت و حاضر شدگان در آتش سوزان جهنم] بودم. [آنگاه از روی شوق می‌گوید:] آیا [واقعاً] دیگر روی مرگ را نمی‌بینیم؟! جز همان مرگ نخستین خود، و [یعنی به راستی] ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! [بله، چنین است و ما هرگز نمی‌میریم و هرگز عذاب نمی‌شویم]. راستی که این، همان کامیابی بزرگ است. برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند [و تلاشگران تلاش کنند].»

## [۲۲] محکم:

«إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ \* جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ \*  
مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهِةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ \* وَعِنْدَهُمْ  
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابٌ \* هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ \* إِنَّ هَذَا  
لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ»<sup>۱</sup>

«قطعاً برای پرهیزکاران [یعنی منهایون و منهایات] فرجامی

۱. سوره‌ی ص، آیات ۴۹ تا ۵۴.

نیک است. باغهای همیشگی در حالی که درهای [آنها] برایشان گشوده است. در آنجا تکیه می‌زنند [و] میوه‌های فراوان و نوشیدنی در آنجا طلب می‌کنند. و نزدشان [دلبران] فروهشته‌نگاه همسال است. این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شد. [می‌گویند] در حقیقت، این روزی ماست و [از مزایای مهمش این است که] آن را پایانی نیست»

[۲۳] محکم:

«لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ»<sup>۱</sup>

«لکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آن‌ها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است. [همچنین] نهرها از زیر آن روان است. [وعده‌ای نیست که احتمال خلاف در آن باشد چون اینها] وعده‌ی خداست. [و] خدا [ی] قادر متعال [خلاف وعده نمی‌کند»

[۲۴] محکم:

«وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ \* لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>

«و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود، آنانند که خود

۱. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۲۰.

۲. سوره‌ی زمر، آیات ۳۳ و ۳۴.

پرهیزکارانند. برای آنان هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود. این است پاداش نیکوکاران»

[۲۵] محکم:

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفَتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ \* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُونَ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»<sup>۱</sup>

«و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید. در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]». و گویند: «سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد. از هر جای آن باغ [بپناور و همیشه سرسبز] که بخواهیم جای می‌گزینیم. چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان»

[۲۶] محکم:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَرزُقُونَ فِيهَا بغيرِ حِسَابٍ»<sup>۲</sup>

۱. سوره‌ی زمر، آیات ۷۳ و ۷۴.

۲. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۴۰.



«هر که کار شایسته کند، چه مرد باشد یا زن در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا، بی حساب روزی می‌یابند. [یعنی هر چه بخورند و بریزند و بیاشند، هیچ مانعی نیست و هیچگاه پاسخگوی آن نخواهند بود و نباید حسابی برایش پس بدهند]»

[۲۷] محکم:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»<sup>۱</sup>  
«و [اما] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌های بهشتند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت. این است همان فضل بزرگ»

[۲۸] محکم:

«يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ \* ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ \* يَطَّافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ \* وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا

۱. سوره‌ی شورا، آیه‌ی ۲۲.

## تَأْكُلُونَ<sup>۱</sup>

«خدای متعال در روز قیامت به اصحاب منهاج می‌فرماید: ای بندگان من، امروز بر شما بیمی نیست و غمگین نخواهید شد. [منهاجیون] همان کسانی [هستند] که به آیات ما ایمان آورده و تسلیم بودند. شما با همسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید. سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنان می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید. و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه می‌کردید، میراث یافتید. در آنجا برای شما [منهاجیون و منهاجیات] میوه‌هایی فراوان خواهد بود که از آن‌ها می‌خورید [و فراوان لذت می‌برید].»

### [۲۹] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ \* فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتْقَانِينَ \* كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ \* يَدْخُلُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكْهَةٍ آمِينَ \* لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ \* فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكِ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۲</sup>

«به راستی پرهیزکاران در جایگاهی آسوده‌اند]. در بوستان‌ها و

۱. سوره‌ی زخرف، آیات ۶۸ تا ۷۳.

۲. سوره‌ی دخان، آیات ۵۱ تا ۵۷.

کنار چشمه سارها. پرنیان نازک و دیبای ستبر می پوشند [و] برابر هم نشستند. [آری] چنین [خواهد بود] و آن‌ها را با حوریان درشت چشم همسر می گردانیم. در آنجا هر میوه‌ای را [که بخوانند] آسوده خاطر می طلبند. در آنجا جز مرگ نخستین، مرگی نخواهند چشید و [خدا] آن‌ها را از عذاب دوزخ نگاه می دارد. [این] بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ»

### [۳۰] محکم:

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»<sup>۱</sup>

«مَثَل بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [اینگونه است که آن، باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جوی‌هایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود و رودهایی از باده‌ای که برای نوشندگان [دارای] لذتی [شگفت انگیز] است و جویبارهایی از عسل ناب و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر،] آمرزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند

۱. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۵.

کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فرو پاشد؟!»

[۳۱] محکم:

«وَأَزْلَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ \* هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ \* مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ \* ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ \* لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»<sup>۱</sup>

«و [در روز قیامت،] بهشت را برای پرهیزکاران نزدیک گردانند بی‌آن که دور باشد. [و به آنان گویند:] این همان [بهشت اعلایی] است که وعده یافته‌اید [و] برای هر توبه‌کار نگهبان [حدود خدا] خواهد بود. آن که در نهان، از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌کار [باز] آید. [سپس ندا می‌رسد که ای منہاجیون و ای منہاجیات] به سلامت [و شادکامی] در آن درآیید [که] این روز جاودانگی است. [آنان که به بهشت در آیند،] هر چه بخواهند در آنجا دارند و پیش ما فزونی‌تر [هم] هست»

[۳۲] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ»<sup>۲</sup>

«پرهیزکاران در باغ‌های وسیع بهشت [و چشمه‌ساران [چشم‌نواز] آن قرار دارند. [و با سرخوشی و خوشحالی بسیار،] آنچه را

۱. سوره‌ی ق، آیات ۳۱ تا ۳۵.

۲. سوره‌ی ذاریات، آیات ۱۵ و ۱۶.

پروردگارشان [به آنان] عطا فرموده، می‌گیرند.»

[۳۳] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ \* فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ \* كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* مُتَّكِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ \* وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهينَ \* وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ \* يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعُوفِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ \* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ \* وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ \* قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ \* فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ \* إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup>

«پرهیزکاران در باغ‌هایی [وسیع] و [در] ناز و نعمتند. به آنچه پروردگارشان به آنان داده، دلشاندند و پروردگارشان آن‌ها را از عذاب دوزخ مصون داشته است. [به آنان گویند:] به [پاداش] آنچه به جای می‌آوردید، بخورید و بنوشید، گوارایتان باد. بر تخت‌هایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم. و کسانی که گرویده و فرزندانشان آن‌ها را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم

۱. سوره‌ی طور، آیات ۱۷ تا ۲۸.

کرد و چیزی از کار[ها]شان را نمی‌کاهیم. [همواره متوجه باشید که] هر کسی در گرو دستاورد خویش [و کارهایی که انجام داده،] است. [از دیگر نعمت‌های بهشت این است که بهشتیان را] با [هر نوع] میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست، مدد [و تقویت] می‌کنیم.

در آنجا [چنان شاد و سرحالند که] جامی [از نوشیدنی‌های بهشتی را برای شوخی و سرگرمی] از دست هم می‌ربایند [و بر سرش همچشمی می‌کنند] که در [نوشیدن] آن [جام،] نه یابوہ‌گویی است و نه گناه.

و برای [خدمت] آنان پسرانی [ایستاده] هستند که بر گردشان همی‌گردند. انگار آن‌ها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است. و برخی‌شان رو به برخی‌کنند [و] از [احوال] هم پرسند. گویند: ما پیشتر در میان خانواده‌ی خود، بیمناک بودیم. پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب داغ [و مرگبار] حفظ کرد. ما از دیرباز او را می‌خواندیم که او همان نیکوکارِ مهربان است»

#### [۳۴] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ\* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»<sup>۱</sup>  
«در حقیقت، مردم پرهیزکار در میان باغ‌ها و نهرها، در قرارگاه راستی [یعنی بهشت برین] نزد پادشاهی توانا [یعنی خدای متعال] جای دارند.»

۱. سوره‌ی قمر، آیات ۵۴ و ۵۵.

[۳۵] محکم:

«وَلَمَنْ حَافٍ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* ذَوَاتَا أَفْنَانٍ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهِةٍ زَوْجَانِ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* مُتَّكِفِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* مُدْهَمَمَاتٍ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَا \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِمَا فَاكِهِةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ \* فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* مُتَّكِفِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ»<sup>۱</sup>

«و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ

۱. سوره رحمان، آیات ۴۶ تا ۷۶.

می‌پندارید؟! که دارای شاخسارانند. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آن دو [باغ]، دو چشمه روان است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آن دو [باغ]، از هر میوه‌ای دو گونه است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! بر بسترهایی که آستر آن‌ها از ابریشم درشت‌بافت است تکیه کنند و چیدن میوه [از] آن دو باغ [به آسانی] در دسترس است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آن [باغ‌ها، دلبرانی] فروهشته‌نگاهند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آن‌ها نرسیده است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! گویی که آن‌ها [از شدت درخشش و ارزشمند بودن]، یاقوت و مرجانند. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! [آنان که در دنیا احسان کردند، در اینجا چنین احسانی نصیبشان می‌شود] مگر پاداش احسان جز احسان است؟! پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! و غیر از آن دو [باغ]، دو باغ [دیگر نیز] هست. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! که از [شدت] سبزی، سیه‌گون می‌نماید. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آن دو [باغ]، دو چشمه‌ی همواره جوشان است.



پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آن دو [باغ]، میوه و خرما و انار است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! در آنجا [حوریانی] نکوخی و نکوریند. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! حورانی پرده‌نشین در [دل] خیمه‌ها. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آن‌ها نرسیده است. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند [و غرق در نعمت و لذت جاویدان خداوند هستند].»

### [۳۶] محکم:

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ \* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ \* ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولَى \* وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ \* عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ \* مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ \* يُطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ \* بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ \* لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ \* وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ \* وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ \* وَحُورٍ عِينٍ \* كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ \* جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا \* إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا \* وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ \* مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ \* فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ \* وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ \* وَظِلِّ مَمْدُودٍ \* وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ \*

وَفَاكِهِ كَثِيرَةٍ \* لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ \* وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ \* إِنَّا  
 أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً \* فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا \* غُرْبًا أَثْرَابًا \* لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ  
 \* ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ \* وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ<sup>۱</sup>

«و سبقت‌گیرندگان [در ایمان و عمل صالح، در رسیدن به نعمت‌های بهشتی] مقدمند. آنانند همان مقربان [خدایند]. در باغستان‌های پر نعمت [جای دارند]. گروهی [زیاد] از پیشینیان و اندکی از متأخران [هستند]. بر تخت‌هایی جواهرنشان، روبروی یکدیگر، تکیه داده‌اند [و از گفتگو و یادآوری خاطرات دنیا، لذت می‌برند]. بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند؛ با جام‌ها و آبریزها و پیاله‌ها [هایی از باده‌ی ناب روان. که] نه از [نوشیدن] آن، دردسر گیرند و نه بی‌خرد گردند. و میوه از هر چه اختیار کنند. و از گوشت پرنده هر چه بخواهند. و حوران چشم‌درشت. مثل لؤلؤ نهان میان صدف [همیشه برای کامجویی‌شان آماده است]. [اینها] پاداشی است برای آنچه می‌کردند. در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه [سخنی] گناه‌آلود. سخنی جز سلام و درود نیست. و [حال] یاران راست [را بشنو. اگر بپرسی] یاران راست، کدامند؟ [می‌گوییم: کسانی هستند که] در [زیر] درختان کنار بی‌خار و درخت‌های موز که میوه‌اش خوشه خوشه روی هم چیده است [آرمیده‌اند] و [تا ابد برایشان] سایه‌ای پایدار و آبی ریزان و میوه‌ای فراوان [که] نه بریده [است] و نه ممنوع و همخوابگانی بالا بلند [فراهم است]. ما [به دست قدرت

۱. سوره‌ی واقعه، آیات ۱۰ تا ۴۰.

خود، [آنان را پدید آورده/ایم، پدید آوردنی. و ایشان را دوشیزه گردانیده/ایم. شوی دوست همسال. برای یاران راست. که گروهی [زیاد] از پیشینیانند. و گروهی [زیاد] از متأخران»

[۳۷] محکم:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ  
بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ  
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۲</sup>

«آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند:] امروز، شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است. [هیچگاه رانده و محروم نخواهید شد بلکه] در آنها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ»

[۳۸] محکم:

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أقرُّوْا كِتَابِيَهٗ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حَسَابِيَهٗ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَهٗ \* فِي جَنَّةٍ عَالِيَهٗ \* قُطُوفُهَا دَانِيَهٗ \* كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَهٗ»<sup>۳</sup>

«اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود [با شادمانی فراوان به اهل محشر] گوید: بیایید و کتابم را بخوانید. من یقین

۲. سورهی حدید، آیهی ۱۲.

۳. سورهی حاقه، آیات ۱۹ تا ۲۴.

داشتم که به حساب خود می‌رسم. پس [خوشا به حالش که] او در یک زندگی رضایت‌بخش است. در بهشتی برین. [که] میوه‌هایش [برای چیدن و خوردن] در دسترس است. [ندا می‌رسد:] بخورید و بنوشید، گوارایتان باد به [یاداش] آنچه در روزهای گذشته [در دنیا] انجام دادید»

[۳۹] محکم:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»<sup>۴</sup>

«به یقین، ابرار [و نیکان] از جامی می‌نوشند که [نوشیدنی درون آن] با عطر خوشی آمیخته [شده] است. [آن نوشیدنی دل‌انگیز از] چشمه‌ای [است] که بندگان [خاص] خدا از آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می‌کنند»

[۴۰] محکم:

«يُوفُونَ بِالَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا \* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا \* وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا \* مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ

۴. سوره‌ی انسان، آیات ۵ و ۶.

فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا \* وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا  
تَذَلِيلًا \* وَيَطَافُ عَلَيْهِم بِأَنِيَّةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا  
\* قَوَارِيرٍ مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا \* وَيَسْقُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ  
مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا \* عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا \* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ  
مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا \* وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا  
وَ مُلْكًا كَبِيرًا \* عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوعًا سَاوِرَ  
مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا \* إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ  
كَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا»<sup>ه</sup>

«خدا آنان را [که از روز سخت قیامت می‌ترسیدند،] از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی نمود. و به [پاس] آن که صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان داد. در آن [بهشت] بر تخت‌های خویش [تکیه زنند. در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی] نه از گرما آزرده شوند و نه از سرما ناراحت گردند. و سایه‌های [درختان] به آنان نزدیک است و میوه‌هایش [برای چیدن] رام [و در دسترس]. و ظروف سیمین و جام‌های بلورین در اطراف آنان گردانده می‌شود. جام‌هایی از نقره که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آن‌ها را از کار در آورده [و تراشیده] اند. و در آنجا از جامی که آمیزه‌ی زنجفیل دارد به آنان می‌نوشانند. از چشمه‌ای در آنجا که سلسبیل نامیده می‌شود. و برگرد آنان پسرانی جاودانی می‌گردند. چون آن [پسر]ها را ببینی، گویی که

مرواریدهایی پراکنده‌اند. و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می‌بینی. [بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و زیورآلات آنان، دستبندهای نقره‌ای است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند. [سپس به آنان ندا می‌رسد:] این [یاداش] برای شماست و کوشش شما مقبول افتاده است»

#### [۴۱] محکم:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ \* وَفَوَاكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ \* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»<sup>۶</sup>  
«اهل تقوا در [بهشت]، زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌ساراند. با هر میوه‌ای که خوش داشته باشند. [ندا می‌رسد:] به [یاداش] آنچه می‌کردید، بخورید و بیاشامید. گوارایتان باد. ما نیکوکاران را چنین یاداش می‌دهیم»

#### [۴۲] محکم:

«إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا \* حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا \* وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا \* وَكَأْسًا دِهَاقًا \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا \* جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا»<sup>۷</sup>  
«مسلماً پرهیزکاران را رستگاری [فرجام] است. باغچه‌ها و تاکستان‌ها و دخترانی همسال با پستان‌های برجسته و پیاله‌های

۶. سوره‌ی مرسلات، آیات ۴۱ تا ۴۴.

۷. سوره‌ی نبأ، آیات ۳۱ تا ۳۶.

لبالب. در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه [یکدیگر را] تکذیب [می‌کنند]. [این است] پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب»

[۴۳] محکم:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ \* تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ \* يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ \* خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ \* وَمِمَّا جَزَاهُ مِنْ تَسْنِيمٍ \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»<sup>۸</sup>

«به راستی [باور کنید که] نیکوکاران در نعمت‌های [الهی] خواهند بود. بر تخت‌های مرتفع و خوش‌منظر، نشسته و به مناظر بهشتی و چهره‌ی زیبای بهشتیان [می‌نگرند]. [آنقدر شکفته و بشاشند که] از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابی. از باده‌ی مُهر شده نوشانیده می‌شوند. [باده‌ای که] مُهر آن، مشک است. [به هوش باشید که] مشتاقان، در [به دست آوردن] این [نعمت‌ها] باید بر یکدیگر پیشی گیرند. و [آن باده‌ی مُهر شده] ترکیبش از [چشمه‌ی] تسنیم است. چشمه‌ای که مقربان [خدا] از آن می‌نوشند»

[۴۴] محکم:

۸. سوره‌ی مطففین، آیات ۲۲ تا ۲۸.

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ \* لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ \* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ \* لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَآغِيَةً \* فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ \* فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ \* وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ \* وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ \* وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ»<sup>۹</sup>

«در آن روز [قیامت،] چهره‌هایی شادابند. [چون] از کوشش خود خشنوندند. در بهشت برین‌اند. سخن بیهوده‌ای در آنجا نشنوندند. در آن [بهشت برین،] چشمه‌ای روان باشد. تخت‌هایی بلند [با چشم‌اندازی عالی] در آنجاست. و قدح‌هایی نهاده شده و بالش‌هایی پهلوی هم [چیده] و فرش‌هایی [زربفت] گسترده [شده]»

#### [۴۵] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ \* جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ»<sup>۱۰</sup>

«در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنانند که بهترین آفریدگانند. پاداش آنان نزد پروردگارشان باغ‌های همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. جاودانه در آن می‌مانند. خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنوندند. این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد»

۹. سوره‌ی غاشبه، آیات ۸ تا ۱۶.

۱۰. سوره‌ی یسین، آیات ۷ و ۸.



## فصل دوم: اوصاف بهشت در روایات

[۴۶] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «طُوبَى شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْهَا لَا تَحْطُرُ عَلَى قَلْبِهِ شَهْوَةٌ شَيْءٍ إِلَّا أَتَاهُ بِهِ ذَلِكَ الْغُصْنُ وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجِدًّا سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهَا وَلَوْ طَارَ مِنْ أَسْفَلِهَا غُرَابٌ مَا بَلَغَ أَعْلَاهَا حَتَّى يَسْقُطَ هَرِمًا. إِلَّا فِي هَذَا فَارْغَبُوا»<sup>۱۱</sup>.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «طوبی درختی است در بهشت که اصلش در خانه‌ی حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) قرار دارد و هیچ مؤمنی نیست مگر این که شاخه‌ای از آن [درخت طوبی] در خانه‌اش [در بهشت] قرار دارد. هیچ خواهشی بر قلب مؤمن نمی‌گذرد مگر این که آن شاخه، خواهشش را برآورده می‌کند. [این درخت، آنقدر شکوه و عظمت دارد که] اگر سوارکاری کوشا در سایه‌ی درخت طوبی، صد سال بتازد نمی‌تواند از آن خارج شود! و اگر کلاغی از پایین درخت طوبی به پرواز درآید نمی‌تواند به بالایش

---

۱۱. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ۳۳۹؛ اعلام الدین، دیلمی، صفحه ۱۲۲؛ امالی، شیخ صدوق، صفحه ۲۲۱؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۲، صفحه ۴۳۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۱۸.

برسد و از پیری خواهد افتاد. پس در رسیدن به این [نعمت عظیم و عجیب الهی] رغبت کنید».

[۴۷] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يُخْرَجُ مِنْ أَعْلَاهَا الْحُلُّ وَمِنْ أَسْفَلِهَا خَيْلٌ بُلُقٌ مُسْرَجَةٌ مُلْجَمَةٌ ذَوَاتُ أَجْنِحَةٍ لَا تَرُوثُ وَلَا تَبُولُ فَيَرْكَبُهَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَتَطِيرُ بِهِمْ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُوا فَيَقُولُ الَّذِينَ أَسْفَلُ مِنْهُمْ يَا رَبَّنَا مَا بَلَغَ بِعِبَادِكَ هَذِهِ الْكَرَامَةَ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يَقُومُونَ اللَّيْلَ وَلَا يَنَامُونَ وَيَصُومُونَ النَّهَارَ وَلَا يَأْكُلُونَ وَيَجَاهِدُونَ الْعَدُوَّ وَلَا يَجْبُنُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا يَبْخُلُونَ»<sup>۱۲</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «در بهشت درختی است که از بالایش زیور آلات و از پایینش اسب‌های سیاه و سفیدی که زین شده و لگام زده و بالدار هستند و سرگین و ادراار ندارند، خارج می‌شود. دوست خدا سوارش می‌شود؛ پس او را در فضای بهشت به پرواز در می‌آورد و به هر کجا [که بهشتی] بخواهد می‌برد. کسانی که از پایین به آنان [بهشتیانی که بر اسب بالدار سوارند و در پهنای بهشت پرواز می‌کنند] نگاه می‌نمایند، می‌گویند: پروردگارا چه کاری بندگانت را به این کرامت [و نعمت]

۱۲. امالی، شیخ صدوق، صفحه ۳۶۶؛ زهد، حسین بن سعید، صفحه ۱۰۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۱۸؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، جلد ۱، صفحه ۲۶۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۵، صفحه ۸۷۰.

رسانده است؟!]

خدای جلّ جلاله می‌فرماید: اینان شب‌ها بر پا می‌ایستادند [و مرا عبادت می‌کردند] و نمی‌خوابیدند و روزها روزه می‌گرفتند و نمی‌خوردند و با دشمنان، جهاد می‌کردند و نمی‌ترسیدند و بخشش می‌کردند و بخل نمی‌ورزیدند».

[۴۸] سند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ شَوْقِي. فَقَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْجَنَّةَ تُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ الْفِ عَامٍ وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا لَوْ نَزَلَ بِهِ الثَّقَلَانِ الْجَنُّ وَالْإِنْسُ لَوَسَعَهُمْ طَعَامًا وَشَرَابًا وَلَا يَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَهُ شَيْءٌ وَإِنَّ أَيْسَرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيَرْفَعُ لَهُ ثَلَاثَ حَدَائِقَ فَإِذَا دَخَلَ أَدْنَاهُنَّ رَأَى فِيهَا مِنَ الْأَزْوَاجِ وَالْخَدَمِ وَالْإِنْتِهَارِ وَالشِّمَارِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا شَكَرَ اللَّهَ وَحَمِدَهُ قِيلَ لَهُ ارْفَعْ رَأْسَكَ إِلَى الْحَدِيقَةِ الثَّانِيَةِ ففِيهَا مَا لَيْسَ فِي الْأُولَى فَيَقُولُ يَا رَبِّ اعْطِنِي هَذِهِ فَيَقُولُ لَعَلِّي إِنْ أَعْطَيْتُكَهَا سَأَلْتَنِي غَيْرَهَا فَيَقُولُ رَبِّ هَذِهِ هَذِهِ فَإِذَا هُوَ دَخَلَهَا وَعَظُمَتْ مَسَرَّتُهُ شَكَرَ اللَّهَ وَحَمِدَهُ»

قال: «فَيَقَالُ افْتَحُوا لَهُ بَابَ الْجَنَّةِ وَيَقَالُ لَهُ ارْفَعْ رَأْسَكَ فَإِذَا قَدْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخُلْدِ وَيَرَى أَصْعَافَ مَا كَانَ فِيهَا قَبْلُ فَيَقُولُ عِنْدَ تَضَاعُفِ مَسَرَّاتِهِ رَبِّ لَكَ الْحَمْدُ الَّذِي لَا يَحْصَى إِذْ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِالْجَنَانِ وَالْأَجْيَتِي مِنَ النَّبِيرَانِ فَيَقُولُ: رَبِّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ وَأَنْجِنِي مِنَ

التَّارِ

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: فَبَكَيْتُ وَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي.

قَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا فِي حَافَتَيْهَا جَوَارٍ نَابِتَاتٌ إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ بِجَارِيَةٍ أَحَبَبَتْهُ قَلَعَهَا وَأَنْبَتَ اللَّهُ مَكَانَهَا الْآخَرَى»  
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي.

قَالَ: «الْمُؤْمِنُ يَزُوجُ ثَمَانَ مِائَةِ عَدْرَاءَ وَأَرْبَعَةَ أَلْفِ ثَيْبٍ وَزَوْجَتَيْنِ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ»

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ ثَمَانَ مِائَةِ عَدْرَاءَ!؟

قَالَ: «نَعَمْ مَا يَفْتَرِشُ مِنْهُنَّ شَيْئًا إِلَّا وَجَدَهَا كَذَلِكَ».

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْ أَى شَيْءٍ خُلِقَ الْخُورُ الْعَيْنُ؟

قَالَ: «مِنَ الْجَنَّةِ [مِنْ تَرْبَةِ الْجَنَّةِ النُّورَانِيَةِ] وَيَرَى مُخَّ سَاقِيهَا مِنْ وَرَاءِ سَبْعِينَ حُلَّةً»

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَلْهَنَ كَلَامٍ يَتَكَلَّمَنَ بِهِ فِي الْجَنَّةِ؟

قَالَ: «نَعَمْ كَلَامٌ يَتَكَلَّمَنَ بِهِ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ بِمِثْلِهِ»

قُلْتُ: مَا هُوَ؟

قَالَ: «يَقْلَنُ مَخْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ التَّاعِمَاتُ فَلَا نَبَّأُسُ وَ نَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَنْظَعُ وَ نَحْنُ الرَّاضِيَاتُ فَلَا نَسْخَطُ طُوبَى لِمَنْ خُلِقَ لَنَا وَ طُوبَى لِمَنْ خُلِقْنَا لَهُ نَحْنُ اللَّوَاتِي (لَوْ عَلِقَ إِحْدَانَا فِي جَوْ السَّمَاءِ لِأَعْنَى نُورُنَا عَنِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ) لَوْ أَنَّ قَرْنَ إِحْدَانَا عَلِقَ فِي

### جَوِّ السَّمَاءِ لِأَعْشَى نُورُهُ الْأَبْصَارِ<sup>۱۳</sup>

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فدایت شوم سخنی بفرما که [برای انجام اعمال خیر] تشویق شوم.

حضرت فرمودند: ای ابامحمد، بوی بهشت از فاصله‌ی هزار ساله به مشام می‌رسد. کمترین بهشتی [آنقدر امکانات و نعمت دارد] که اگر تمام انسان‌ها و جنی‌ها میهمانش شوند، می‌تواند آن‌ها را خوراکی و نوشیدنی بدهد و هیچ از نعمتش کم نشود. کمترین بهشتی از لحاظ درجه، وقتی وارد بهشت می‌شود، سه باغ به او اختصاص می‌یابد. وقتی وارد نزدیکترین [اولین] باغ می‌گردد، در آن، زن‌ها و خادمان و نهرها و میوه‌ها می‌بیند به اندازه‌ای که خدا بخواهد. وقتی خدا را بر این نعمت‌ها شکر کرد، ندا می‌رسد: سرت را بلند کن [و] به باغ دوم [بنگر] که در آن نعمت‌هایی است که در اولی نیست.

بهشتی می‌گوید: خدایا آن باغ را به من عطا فرما. ندا می‌رسد: اگر آن را به تو بدهم شاید باز هم [زیاده] بخواهی و غیر از آن را خواستار شوی. بهشتی می‌گوید: خدایا فقط همین را بده [دیگر چیزی نخواهم خواست]. وقتی [باغ دوم بدو عطا می‌شود و] داخل آن می‌گردد و شادی‌اش بسیار می‌شود [از دیدن آن همه نعمت] خدا [ای مهربان] را شکر و سپاس می‌گزارد.

[در این حال] ندا می‌رسد: در بهشت [اصلی] را به رویش

---

۱۳. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۲۱.

بگشایید. سپس بهشتی را ندا می‌دهند: سرت را بلند کن. [به ناگاه] در بهشت جاودان گشوده می‌شود و چندین برابر نعمت‌هایی که [در دو باغ قبلی] دیده بود، می‌بیند. وقتی شادمانی‌اش چندین برابر شد، می‌گوید: پروردگارا تو را سپاس، چندان که به شماره نیاید که بر من منت نهادی به بهشت و مرا از آتش نجات بخشیدی. سپس می‌گوید: پروردگارا مرا داخل بهشت کن و [برای همیشه] از [هراس] آتش نجات بده. ابوبصیر می‌گوید: گریه‌ام گرفت. عرض کردم: جانم فدایت باد، بیشتر بفرما.

حضرت فرمودند: ای ابامحمد، در بهشت جویباری است که بر حاشیه‌ی آن، [مثل گل‌های کنار جویبارهای دنیا] حوریه‌هایی روییده است. وقتی مؤمن از کنار حوریه‌ای بگذرد و از او خوشش بیاید، او را می‌چیند و خدا به جایش حوریه‌ی دیگری می‌رویانند. عرض کردم: فدایت شوم بیشتر بفرما.

حضرت فرمودند: مؤمن [حداقل] با هشتصد باکره و چهار هزار غیر باکره و دو حورالعین ازدواج می‌کند.

[با تعجب] عرض کردم: هشتصد باکره؟! فرمودند: آری [آن حوریه‌ها به نحوی ساخته شده‌اند که] هر قدر مؤمن با آن‌ها همبستر شود باز هم آن‌ها را باکره می‌یابد.

عرض کردم: حورالعین از چه چیزی ساخته شده‌اند؟ فرمودند: از خاک نورانی بهشت و [چنان لطافتی دارد] که باطن ساق‌هایش از پشت هفتاد لباس بهشتی دیده می‌شود.

عرض کردم: فدایت شوم آیا آن‌ها قدرت سخن گفتن هم دارند که بتوانند در بهشت سخن بگویند؟  
فرمودند: آری، سخنی دارند که هیچ کسی از آفریدگان مانند چنان کلامی نشنیده است.

گفتم: آن سخن چیست؟

فرمودند: می‌گویند: ما جاودانه‌هایی هستیم که هرگز نمی‌میریم و تازه‌هایی هستیم که هرگز نمی‌پوسیم و اقامت گزیدگانی هستیم که هرگز کوچ نمی‌کنیم. ما همواره خشنودیم و هیچگاه ناراضی نمی‌شویم. خوش به حال کسی که برای ما آفریده شده است و خوش به حال آنکه ما برای او آفریده شده‌ایم. ما چنانیم که اگر یکی از ما از آسمان دنیا بیاویزد، نورش [خورشید و ماه را بی‌فروغ می‌کند و مردم را از آن] بی‌نیاز می‌سازد. و اگر کاکل یکی از ما از آسمان دنیا آویخته شود، [از شدت درخشندگی] نور چشم‌ها را می‌پوشاند [و دیدگان را خیره می‌سازد].

[۴۹] سند:

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: «إِنَّ حَلَقَةَ بَابِ الْجَنَّةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ عَلَى صَفَائِحِ الذَّهَبِ فَإِذَا دُقَّتِ الْحَلَقَةُ عَلَى الصَّفْحَةِ طَنَّتْ وَقَالَتْ: «يَا عَلِيٌّ»<sup>۱۴</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «حلقه‌ی در بهشت از یاقوت سرخ است که بر صفحه‌هایی از طلا می‌خورد. هرگاه

۱۴. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۵۸۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۲۲.

حلقه بر صفحه بخورد، ندای «یا علی» طنین انداز می‌شود».

[50] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) . فِي خَبَرِ الْمِعْرَاجِ : «ثُمَّ خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَأَنْقَادَ لِي نَهْرَانِ نَهْرٌ نُسِيَ الْكُوْثَرُ وَنَهْرٌ نُسِيَ الرَّحْمَةُ فَشَرِبْتُ مِنَ الْكُوْثَرِ وَاعْتَسَلْتُ مِنَ الرَّحْمَةِ ثُمَّ انْقَادَا لِي جَمِيعاً حَتَّى دَخَلْتُ الْجَنَّةَ وَإِذَا عَلَى حَافَتَيْهَا بَيْوتِي وَبَيْوتُ أَزْوَاجِي وَإِذَا تُرَابُهَا كَالْمِسْكِ وَإِذَا جَارِيَةٌ تَتَغَمَّسُ فِي أَنْهَارِ الْجَنَّةِ فَقُلْتُ: لِمَنْ أَنْتِ يَا جَارِيَةُ؟ فَقَالَتْ: لِيَزِيدَ بْنِ حَارِثَةَ. فَبَشَّرْتُهُ بِهَا حِينَ أَصْبَحْتُ. وَإِذَا يُطِيرُهَا كَالْبُحْتِ وَإِذَا رُمَانُهَا مِثْلُ الدُّلِيِّ الْعِظَامِ وَإِذَا شَجَرَةٌ لَوْ أُرْسِلَ طَائِرٌ فِي أَصْلِهَا مَا دَارَهَا سَبْعُمِائَةِ سَنَةٍ وَلَيْسَ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلٌ إِلَّا وَفِيهَا قُتْرٌ [غُصْنٌ] مِنْهَا. فَقُلْتُ: مَا هَذِهِ يَا جَبْرَيْلُ؟ فَقَالَ هَذِهِ شَجَرَةٌ طُوبَى قَالَ اللَّهُ: «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بٍ»<sup>١٦، ١٥</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرازی از خبر معراج فرمودند: سپس از بیت المعمور خارج شدم. دو جویبار در دسترسم قرار گرفتند یکی به نام کوثر و دیگری به نام رحمت. از نهر کوثر آشامیدم و در نهر رحمت غسل کردم. پس وارد بهشت شدم. دیدم خانه‌های من و همسرانم بر حاشیه‌ی آن [نهر رحمت] قرار دارد. خاکش مانند مشک بود و حوریه‌ای در جویباری شنا

١٥. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ٢٩.

١٦. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٢٤.



می‌کرد. گفتم: تو برای که آفریده شده‌ای؟! گفت: برای زید بن حارثه. صبح که برگشتم، بشارتش را به زید دادم. پرندگانی در بهشت دیدم که هر یک به اندازه‌ی شتری بودند و انارهایش مانند سطل‌های بزرگ بود. و درختی دیدم که پرنده‌ای نمی‌توانست در هفتصد سال آن را دور بزند. هیچ منزلی در بهشت نیست مگر این که شاخه‌ای از آن درخت در آن منزل قرار دارد. گفتم: ای جبرئیل این [درخت] چیست؟ گفت: این درخت طوبی است که خداوند می‌فرماید: «طوبی برای ایشان است و بازگشتگاه نیکو».

[۵۱] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ لِلَّهِ كِرَامَةً فِي عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مَلَكًا مَعَهُ حُلَّةً فَيَنْتَهِي إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَيَقُولُ: اسْتَأذِنُوا لِي عَلَى فُلَانٍ. فَيَقَالُ لَهُ: هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ عَلَى الْبَابِ. فَيَقُولُ لِأَزْوَاجِهِ: أَيُّ شَيْءٍ تَرِينَ عَلَى أَحْسَنَ؟ فَيَقُلْنَ: يَا سَيِّدَنَا وَالَّذِي أَبَاحَكَ الْجَنَّةَ مَا رَأَيْنَا عَلَيْكَ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْ هَذَا» بَعَثَ إِلَيْكَ رَبُّكَ فَيَنْزِرُ بِوَاحِدَةٍ وَ يَتَعَطَّفُ بِالْأُخْرَى. فَلَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ لَهُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَوْعِدِ فَإِذَا اجْتَمَعُوا تَجَلَّى لَهُمُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ خَرُّوا سُجَّدًا. فَيَقُولُ: عِبَادِي ازْفَعُوا رُءُوسَكُمْ لَيْسَ هَذَا يَوْمٌ سُجُودٍ وَلَا يَوْمٌ عِبَادَةٍ قَدْ رَفَعْتُ عَنْكُمْ الْمَوْنَةَ. فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ وَ أَى شَيْءٍ أَفْضَلُ مِمَّا

أَعْطَيْتِنَا؟! أَعْطَيْتَنَا الْجَنَّةَ. فَيَقُولُ: لَكُمْ مِثْلُ مَا فِي أَيْدِيكُمْ سَبْعِينَ  
ضِعْفًا!

فَيَرْجِعُ الْمُؤْمِنُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِسَبْعِينَ ضِعْفًا مِثْلَ مَا فِي يَدَيْهِ وَهُوَ  
قَوْلُهُ «وَلَدِينَا مَرِيدٌ»<sup>۱۷</sup>

قَالَ: فَيَمُرُّ الْمُؤْمِنُ فَلَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ لَهُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى أَزْوَاجِهِ  
فَيَقْلُنَ: وَالَّذِي أَبَاحَنَا الْجَنَّةَ يَا سَيِّدَنَا مَا رَأَيْنَا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْكَ  
السَّاعَةَ. فَيَقُولُ: إِنِّي قَدْ نَظَرْتُ بِنُورِ رَبِّي.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَزْوَاجَهُ لَا يَغْرَنَ وَلَا يَحْضَنُ وَلَا يَصْلَفَنَ. قَالَ: قُلْتُ:  
جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ اسْتَحْيِي مِنْهُ. قَالَ:  
سَلْ. قُلْتُ: هَلْ فِي الْجَنَّةِ غِنَاءٌ؟ قَالَ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرًا يَأْمُرُ اللَّهُ  
رِيَاحَهَا فَتَهْبُ فَتَضْرِبُ تِلْكَ الشَّجَرَةَ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ  
بِمِثْلِهَا حُسْنًا. ثُمَّ قَالَ: هَذَا عَوْضٌ لِمَنْ تَرَكَ السَّمَاعَ فِي الدُّنْيَا مِنْ  
مَخَافَةِ اللَّهِ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ زِدْنِي. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ جَنَّةً  
بِيَدِهِ وَلَمْ تَرَهَا عَيْنٌ وَلَمْ يَطَّلِعْ مَخْلُوقٌ يَفْتَحُهَا الرَّبُّ كُلَّ صَبَاحٍ  
فَيَقُولُ: «ازْدَادِي رِيحًا ازْدَادِي طَيْبًا» وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ  
مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱۸، ۱۹</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدا در هر روز جمعه برای  
مؤمنین کرامتی [ویژه] دارد. چون روز جمعه می شود خدا

۱۷. سورهی ق، آیهی ۳۵.

۱۸. سورهی سجد، آیهی ۱۷.

۱۹. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحهی ۱۷۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحهی ۱۲۷.

فرشته‌ای که به همراهش لباسی از لباس‌های بهشتی است به سوی مؤمن می‌فرستد تا به در بهشت برسد. پس آن فرشته می‌گوید: به من اجازه بدهید تا بر او وارد شوم. به بهشتی می‌گویید: فرستاده‌ی پروردگارت بر در ایستاده است. بهشتی به همسرانش می‌گوید: چه چیزی بر من بهتر است؟ همسران آن مؤمن می‌گویند: ای آقای ما، قسم به کسی که بهشت را بر تو مباح کرد، بهتر از این نمی‌شود که پروردگارت برایت قاصد و هدیه فرستاده است. [پس آن هدیه را قبول می‌کند و] قسمتی از آن [لباس بهشتی] را شلوار و قسمتی را [مانند پیراهن] می‌پوشد. پس به چیزی نمی‌گذرد مگر آن که برایش روشن می‌شود تا به جایگاه می‌رسد. چون همه جمع شوند، پروردگار تبارک و تعالی بر آن‌ها تجلی می‌فرماید. چون به [آن تجلی ویژه‌ی] او نظر می‌کنند جملگی به سجده می‌افتند. خدای متعال ندا می‌دهد: ای بندگان من! سرهایتان را بلند کنید. امروز روز سجده و عبادت نیست. زحمت عبادت را از شما برداشته‌ام.

می‌گویند: پروردگارا چه چیزی با فضیلت‌تر از آنچه به ما عطا کرده‌ای؟! بهشت را به ما داده‌ای. [خدای متعال] می‌فرماید: هفتاد برابر آنچه تا کنون داده‌ام را [اینک به خاطر شکری که کردید] عطا می‌کنم. به همین دلیل مؤمن در هر جمعه با هفتاد برابر آنچه داشته [از ملاقات تجلی خاص حضرت پروردگارا] بر می‌گردد. و این [تفسیر] سخن خدا [در قرآن] است که می‌فرماید: و در نزد ما، بیشتر از آن هم موجود است.

سپس فرمودند: مؤمن به هیچ چیزی عبور نمی‌کند مگر اینکه برایش روشن می‌شود تا اینکه به نزد همسرانش بر می‌گردد. به او می‌گویند: آقای ما، به آن کسی که بهشت را برای ما مباح کرد قسم می‌خوریم که هرگز تو را به حالی بهتر از اکنون ندیده‌ایم. مؤمن می‌گوید: من به نور پروردگارم نظر کرده‌ام.

سپس حضرت فرمودند: زنان بهشتی [پیرو] ضعیف نمی‌گردند و حیض نمی‌شوند و لاف نمی‌زنند و چاپلوسی و خودستایی نمی‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم می‌خواهم چیزی از شما بی‌رسم ولی خجالت می‌کشم. فرمودند: بی‌رسم

عرض کردم: آیا در بهشت، موسیقی هم هست؟ فرمودند: [آری،] در بهشت، درختی وجود دارد که خدای متعال باد را امر می‌کند تا [بر آن درخت،] بوزد. پس آن درخت [به واسطه‌ی وزش آن باد،] صداهایی تولید می‌کند که هیچکس به خوبی آن را نشنیده است.

سپس فرمودند: این [شنیدن نغمه‌ها و موسیقی‌های بهشتی] پاداش کسی است که موسیقی را در دنیا به خاطر ترس از خدا ترک کرده باشد.

عرض کردم: جانم فدایتان باد، بیشتر بفرمایید. فرمودند: بهشت را خدای تعالی به دست [قدرت] خویش ساخته و هیچ چشمی آن را ندیده است و به هیچ مخلوقی بر آن مطلع نشده است. پروردگار، هر صبح آن را می‌گشاید و می‌فرماید:

خوشبوتر باش. این [تفسیر] سخن خدای بزرگ است که:  
هیچکس نمی‌داند چه چشم‌روشنی‌ای، به پاداش آنچه انجام  
می‌داده‌اند، برای آن‌ها پنهان شده است.

[۵۲] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): سَأَلَ عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَسُولَ اللَّهِ  
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ نَحْشُرُ  
الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»<sup>۲۰</sup> فَقَالَ: يَا عَلِيُّ إِنَّ الْوَفْدَ لَا يَكُونُونَ إِلَّا  
رُكْبَانًا أَوْلِيكَ رِجَالٌ اتَّقَوْا اللَّهَ فَأَحَبَّهُمُ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ وَأَحْتَصَّهُمْ وَرَضِيَ  
أَعْمَالَهُمْ فَسَمَّاهُمْ الْمُتَّقِينَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ  
وَبَرَأ النَّسَمَةَ إِنَّهُمْ لَيُخْرَجُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَسْتَقْبِلُهُمْ  
بِنُوقٍ مِنْ نُوقِ الْعِزِّ عَلَيْهَا رَحَائِلُ الذَّهَبِ مَكْلَلَةٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ وَ  
جَلَائِلُهَا الْإِسْتَبْرَقُ وَالسُّنْدُسُ وَخُطْمُهَا جُدْلُ الْأَرْجُوانِ تَطِيرُ بِهِمْ  
إِلَى الْمَحْشَرِ. مَعَ كُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ الفُ مَلَكٌ مِنْ قُدَامِهِ وَعَنْ  
يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ يُزْفُونَهُمْ زَفًّا حَتَّى يَنْتَهُوا بِهِمْ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ  
الْأَعْظَمِ وَعَلَى بَابِ الْجَنَّةِ شَجْرَةٌ إِنَّ الْوَرَقَةَ مِنْهَا لَيَسْتَنْظِلُ تَحْتَهَا الفُ  
رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ وَعَنْ يَمِينِ الشَّجَرَةِ عَيْنٌ مُطَهَّرَةٌ مَرْكِيَةٌ قَالَ  
فَيَسْقُونَ مِنْهَا شَرْبَةً شَرْبَةً فَيَطَهِّرُ اللَّهُ بِهَا قُلُوبَهُمْ مِنَ الْحَسَدِ وَ  
يَسْقِطُ عَنْ أَبْشَارِهِمُ الشَّعْرَ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَسَقَاهُمْ

۲۰. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۸۵.

رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>۲۱</sup> مِنْ تِلْكَ الْعَيْنِ الْمُطَهَّرَةِ. قَالَ: ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ إِلَى عَيْنٍ أُخْرَى عَنْ يَسَارِ الشَّجَرَةِ فَيَغْتَسِلُونَ فِيهَا وَهِيَ عَيْنُ الْحَيَاةِ فَلَا يُمُوتُونَ أَبَدًا. قَالَ: ثُمَّ يَوْقَفُ بِهِمْ قُدَّامَ الْعَرْشِ وَقَدْ سَلِمُوا مِنْ الْآفَاتِ وَالْأَسْقَامِ وَالْحَرِّ وَالْبَرْدِ أَبَدًا. قَالَ: فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ ذِكْرُهُ لِلْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَهُمْ: احْشُرُوا أَوْلِيَائِي إِلَى الْجَنَّةِ وَلَا تُوَفُّوهُمْ مَعَ الْخَلَائِقِ فَقَدْ سَبَقَ رِضَايَ عَنْهُمْ وَوَجَبَتْ رَحْمَتِي لَهُمْ وَكَيْفَ أَرِيدُ أَنْ أَوْقِفَهُمْ مَعَ أَصْحَابِ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ. قَالَ: فَتَسْوِقُهُمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى الْجَنَّةِ فَإِذَا انْتَهَوْا بِهِمْ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ الْأَعْظَمِ ضَرَبَ الْمَلَائِكَةُ الْحَلْقَةَ ضَرْبَةً عَظِيمَةً تَصْرُ صَرِيرًا [فَبَلَّغْ] يَبْلُغُ صَوْتُ صَرِيرِهَا كُلَّ حَوْرَاءٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَوْلِيَائِهِ فِي الْجَنَانِ فَيَتَبَاشَرُونَ بِهِمْ إِذَا سَمِعُوا صَرِيرَ الْحَلْقَةِ. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ [فَيَتَبَاشَرَنَ] بِهِمْ إِذَا سَمِعَنَ صَرِيرَ الْحَلْقَةِ فَيَقُولُ بَعْضُهُنَّ [لِبَعْضٍ]: قَدْ جَاءَنَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ. فَيَفْتَحُ لَهُمُ الْبَابَ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَتُشْرِفُ عَلَيْهِمْ أَزْوَاجُهُمْ مِنَ الْحَوَارِ الْعَيْنِ وَالْأَدَمِيِّينَ فَيَقُلْنَ: مَرَحَبًا بِكُمْ فَمَا كَانَ أَشَدَّ شَوْقَنَا إِلَيْكُمْ وَيَقُولُ لَهُنَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

ثم سأل عن تفسير هذه الآية «لكن الذين اتَّقوا ربَّهم لهم عُرفٌ من فوقها عُرفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ»<sup>۲۲</sup> فقال: لِمَا ذَا بُنِيَتْ هَذِهِ الْعُرْفُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

۲۱. سورهی انسان، آیهی ۲۱.

۲۲. سورهی زمر، آیهی ۲۰.

فَقَالَ: يَا عَلَى تِلْكَ الْغُرْفِ بَنَى اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ وَ  
 الزَّبْرَجِدِ سُقُوفَهَا الذَّهَبُ مَحْكُوكَةً بِالْفِضَّةِ لِكُلِّ غُرْفَةٍ مِنْهَا الْف  
 بَابٌ مِنْ ذَهَبٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ وَفِيهَا فُرْشٌ  
 مَرْفُوعَةٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ مِنَ الْحَرِيرِ وَالذَّبِيجِ بِالْوَانِ مُخْتَلِفَةٌ وَ  
 حَشُوهَا الْمِسْكُ وَالْعَنْبَرُ وَالْكَافُورُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «وَ فُرُشٌ  
 مَرْفُوعَةٌ»<sup>۲۳</sup>. فَإِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ إِلَى مَنَازِلِهِ فِي الْجَنَّةِ وُضِعَ عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ  
 الْمُلْكِ وَالْكَرَامَةِ وَالْبِسَ حُلَّةَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْيَاقُوتِ وَالذَّرِّ  
 مَنظُومًا فِي الْإِكْلِيلِ تَحْتَ التَّاجِ وَالْبِسَ سَبْعُونَ حُلَّةً بِالْوَانِ  
 مُخْتَلِفَةً مَنسُوجَةً بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَذَلِكَ  
 قَوْلُهُ «يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ»<sup>۲۴</sup>  
 فَإِذَا جَلَسَ الْمُؤْمِنُ عَلَى سَرِيرِهِ اهْتَزَّ سَرِيرُهُ فَرِحًا فَإِذَا اسْتَقَرَّتْ بِوَلِي  
 اللَّهِ مَنَازِلُهُ فِي الْجَنَّةِ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ الْمَلِكُ الْمُوَكَّلُ بِجِنَانِهِ لِيَهْتِنَهُ  
 كَرَامَةَ اللَّهِ إِيَّاهُ. فَيَقُولُ لَهُ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِ وَوَصَفَاؤُهُ: مَكَانَكَ فَإِنَّ وِلِي  
 اللَّهِ قَدْ اتَّكَأَ عَلَى أَرَائِكِهِ فَرَزَّوَجَتُهُ الْحَوْرَاءُ الْعَيْنَاءُ قَدْ هَبَّتْ لَهُ فَاصْبِرْ  
 لِوَلِي اللَّهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ شُغْلِهِ. قَالَ: فَتَخَرَّجُ عَلَيْهِ زَوْجَتُهُ الْحَوْرَاءُ مِنْ  
 خِمْتِهَا تَمَشِي مُقْبِلَةً وَحَوْلَهَا وَوَصَفَاؤُهَا يُحْيِينَهَا عَلَيْهَا سَبْعُونَ حُلَّةً  
 مَنسُوجَةً بِالْيَاقُوتِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالزَّبْرَجِدِ صُبِغَ بِمِسْكٍ وَعَنْبَرٍ وَعَلَى  
 رَأْسِهَا تَاجُ الْكَرَامَةِ وَفِي رِجْلَيْهَا نَعْلَانِ مِنْ ذَهَبٍ.

۲۳. سورهی واقعه، آیهی ۳۴.

۲۴. سورهی فاطر، آیهی ۳۳.

قَالَ: فَيَعْلَمُونَ الْحُدَامَ. قَالَ: فَيُؤَدَّنُ [فَيَأْذُنُ] لَهُمْ فَيَدْخُلُونَ عَلَى ولى الله وَهُوَ فِي الْعُرْفَةِ وَلَهَا الْفُ بَابٍ وَعَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ فَإِذَا أذِنَ لِلْمَلَائِكَةِ بِالْدُخُولِ عَلَى ولى الله فَتَفْتَحُ كُلُّ مَلَكٍ بَابَهُ الَّذِي قَدْ وَكَّلَ بِهِ فَيَدْخُلُ كُلُّ مَلَكٍ مِنْ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْعُرْفَةِ فَيَبْلِغُونَهُ رِسَالَةَ الْجَبَّارِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ»<sup>٢٥</sup> يَعْنِي مِنْ أَبْوَابِ الْعُرْفَةِ «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>٢٦</sup> وَذَلِكَ قَوْلُهُ «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»<sup>٢٧</sup> يَعْنِي بِذَلِكَ ولى الله وَمَا هُوَ فِيهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالتَّعِيمِ وَ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ مِنْ رُسُلِ اللَّهِ لَيْسَتْ أَذْنُونَ عَلَيْهِ فَلَا يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَذَلِكَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ.

قَالَ وَالْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِ مَسَاكِينِهِمْ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ»<sup>٢٨</sup> وَالتِّمَارُ دَانِيَةٌ مِنْهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَدَانِيَةٌ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذَلَّلَتْ فُطُوفُهَا تَذْلِيلًا»<sup>٢٩</sup> مِنْ قُرْبِهَا مِنْهُمْ يَتَنَاوَلُ الْمُؤْمِنُ مِنَ النَّوْعِ الَّذِي يَسْتَهِيهِ مِنَ التِّمَارِ بِفِيهِ وَهُوَ مُتَكَيٌّ وَ إِنَّ الْأَنْوَاعَ مِنَ الْفَاكِهِةِ لَيَقْلَنَ لِوَلِيِّ اللَّهِ: يَا ولى الله كَلْنِي قَبْلَ أَنْ تَأْكُلَ هَذَا قَبْلِي. قَالَ: وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ فِي الْجَنَّةِ إِلَّا وَلَهُ جَنَانٌ كَثِيرَةٌ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرِ وَأَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ وَ

٢٥. سورهی رعد، آیهی ٢٣.

٢٦. سورهی رعد، آیهی ٢٤.

٢٧. سورهی انسان، آیهی ٢٠.

٢٨. سورهی اعراف، آیهی ٤٣ و سورهی یونس، آیهی ٩ و سورهی کهف، آیهی ٣١.

٢٩. سورهی انسان، آیهی ١٤.



أَنْهَارٍ مِنْ لَبَنٍ وَأَنْهَارٍ مِنْ عَسَلٍ فَإِذَا دَعَا إِلَى اللَّهِ بِغِذَائِهِ آتَى بِمَا تَشْتَهَى  
نَفْسُهُ عِنْدَ طَلْبِهِ الْغِذَاءَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْمَى شَهْوَتَهُ. قَالَ: ثُمَّ يَتَخَلَّى  
مَعَ إِخْوَانِهِ وَيَزُورُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَتَنَعَّمُونَ فِي جَنَّاتٍ فِي ظِلِّ مَمْدُودٍ  
فِي مِثْلِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ وَأَطْيَبَ مِنْ ذَلِكَ  
لِكُلِّ مُؤْمِنٍ سَبْعُونَ زَوْجَةً حَوْرَاءَ وَأَرْبَعُ نِسْوَةٍ مِنَ الْآدَمِيِّينَ وَالْمُؤْمِنِ  
سَاعَةً مَعَ الْحَوْرَاءِ وَ سَاعَةً مَعَ الْآدَمِيَّةِ وَ سَاعَةً يَخْلُو بِنَفْسِهِ عَلَى  
الْأَرَائِكِ مُتَكِنًا يَنْظُرُ بَعْضُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى بَعْضٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَعِشَاهُ  
شِعَاعَ نُورٍ وَ هُوَ عَلَى أَرِيكْتِهِ وَيَقُولُ لِحُدَامِهِ: مَا هَذَا الشُّعَاعُ اللَّامِعُ  
لَعَلَّ الْجَبَّارَ لَحَظَنِي؟! فَيَقُولُ لَهُ خِدَامُهُ: قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ جَلَّ جَلَالُهُ؛ بَلْ  
هَذِهِ حَوْرَاءٌ مِنْ نِسَائِكَ مِمَّنْ لَمْ تَدْخُلْ بِهَا بَعْدُ أَشْرَفَتْ عَلَيْكَ مِنْ  
خِيَمَتِهَا شَوْقًا إِلَيْكَ وَ قَدْ تَعَرَّضَتْ لَكَ وَ أَحَبَّتْ لِقَاءَكَ فَلَمَّا أَنْ  
رَأَتْكَ مُتَكِنًا عَلَى سَرِيرِكَ تَبَسَّمَتْ نَحْوَكَ شَوْقًا إِلَيْكَ فَالْشُّعَاعُ الَّذِي  
رَأَيْتَ وَ النُّورُ الَّذِي عَشِيكَ هُوَ مِنْ بَيَاضِ ثَعْرِهَا وَ صَفَائِهِ وَ نَقَائِهِ وَ  
رِقَّتِهِ! فَيَقُولُ وَلى اللَّهِ: أُنذِنُوا لَهَا فَتَنْزِلُ إِلَى فَيْبَتِدِرُ إِلَيْهَا الْفُ وَ صَيْفِ  
وَ الْفِ وَ صَيْفَةٍ يَبْشُرُونَهَا بِذَلِكَ فَتَنْزِلُ إِلَيْهِ مِنْ خِيَمَتِهَا وَ عَلَيْهَا  
سَبْعُونَ حُلَّةً مَنَسُوجَةً بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مُكَلَّلَةً بِالذُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ  
الرَّبْرِجِدِ صِبْغُهُنَّ الْمَسْكُ وَ الْعَنْبَرُ بِالْوَانِ مُخْتَلِفَةٍ يَرَى مُخُ سَاقِهَا  
مِنْ وَرَاءِ سَبْعِينَ حُلَّةً طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَ عَرْضُ مَا بَيْنَ مَنْكَبَيْهَا  
عَشْرَةٌ أَدْرُع. فَإِذَا دَتَّتْ مِنْ وَلى اللَّهِ أَقْبَلَ الْحُدَّامُ بِصَحَافِ الذَّهَبِ وَ  
الْفِضَّةِ فِيهَا الذُّرُّ وَ الْيَاقُوتُ وَ الرَّبْرِجِدُ فَيَنْشُرُونَهَا عَلَيْهَا ثُمَّ يَعَانِقُهَا وَ  
تُعَانِقُهُ فَلَا تَمَلُّ وَ لَا يَمَلُّ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): أَمَّا الْجِنَانُ الْمَذْكُورَةُ فِي الْكِتَابِ فَإِنَّهُنَّ جَنَّةُ عَدْنٍ وَجَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ وَجَنَّةُ الْمَأْوَى. قَالَ: وَ إِنْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَنَّاتٌ مَحْفُوفَةٌ بِهَذِهِ الْجِنَانِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكُونُ لَهُ مِنَ الْجِنَانِ مَا أَحَبَّ وَاشْتَهَى يَتَنَعَّمُ فِيهِنَّ كَيْفَ يَشَاءُ وَإِذَا أَرَادَ الْمُؤْمِنُ شَيْئًا إِنَّمَا دَعَاهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُولَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ فَإِذَا قَالَهَا تَبَادَرَتْ إِلَيْهِ الْخُدَّامُ بِمَا اشْتَهَى مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ طَلَبَهُ مِنْهُمْ أَوْ أَمَرَ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «دَعَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»<sup>٣٠</sup> يَعْنِي الْخُدَّامَ قَالَ «وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>٣١</sup> يَعْنِي بِذَلِكَ عِنْدَ مَا يَقْضُونَ مِنْ لَذَائِهِمْ مِنَ الْجَمَاعِ وَالطَّعَامِ وَالشَّرَابِ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ فِرَاقِهِمْ وَ أَمَّا قَوْلُهُ «أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ»<sup>٣٢</sup> قَالَ يَعْلَمُهُ الْخُدَّامُ فَيَأْتُونَ بِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلُوهُمْ إِيَّاهُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «فَوَاكِهِ وَ هُمْ مُكْرَمُونَ»<sup>٣٣</sup> قَالَ فَآيَتُهُمْ لَا يَشْتَهُونَ شَيْئًا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَكْرَمُوا بِهِ»<sup>٣٤</sup>

امام باقر (عليه السلام) می فرماید: امیرالمؤمنین (عليه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای تعالی که می فرماید: «روزی که پرهیزکاران را به سوی [خدای]

٣٠. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ١٠.

٣١. همان.

٣٢. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ٤١.

٣٣. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ٤٢.

٣٤. کافی، محدث کلینی، جلد ٨، صفحه‌ی ٩٩؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٢٩ و

١٣٠.

رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم [یاد کن]» پرسیدند.

حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: ای علی، «وفد» جمعی از سوارکاران هستند از مردانی که پروای الهی داشتند پس [بدین سبب] خدای عزّ ذکره (= که یادش بلند است) آنان را دوست داشت و [به نعمت‌ها و عنایت‌های ویژه‌اش] برگزید و از کرده‌هایشان راضی شد و آنان را متقین (= پروا پیشگان) نامید.

سپس فرمودند: ای علی، قسم به آنکه دانه را می‌شکافد و گیاه را می‌رویاند؛ اینان از قبرهای خود خارج می‌شوند [در حالی که] ملائکه با مرکبی از مرکب‌های عزت [و جلال] به استقبالشان می‌آیند. بر آن [مرکب]ها پالان‌هایی از طلا است و تاج‌های درّ و یاقوت بر سرشان است و جُلّ آن [مرکب]ها دیبای ستبر و نازک و مهارشان ارغوان تیره می‌باشد. با آن [مرکب]ها به سوی [صحرای] محشر می‌پرند. با هر مردی از آن‌ها هزار فرشته از جلو و سمت راست و سمت چپ [همراهی می‌کنند] و همچون عروس می‌برندشان تا اینکه به در بهشت بزرگ می‌رسند.

بر در بهشت درختی است که هر برگش هزار نفر را سایه می‌افکند. از [سمت] راست درخت، چشمه‌ای پاکیزه و تصفیه شده [جاری است]. جرعه جرعه از آن [چشمه] نوشانده می‌شوند و خدا به [واسطه‌ی] آن، دل‌هایشان را از حسد پاک می‌سازد و مو از پوستشان می‌ریزد و این [تفسیر] سخن خدای عز و جل است که می‌فرماید: «و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند» از آن چشمه‌ی پاکیزه.

سپس بر می‌گردند [و] به سوی چشمه‌ی دیگری از [سمت] چپ [آن] [درخت] [می‌روند] پس در آن [نهر سمت چپی] شستشو می‌کنند و آن، چشمه‌ی زندگی است [که بعد از شستشو در آن،] هرگز نمی‌میرند.

سپس در مقابل عرش [الهی] می‌ایستند در حالی که از آفت‌ها و ناخوشی‌ها و گرما و سرما به طور جاودانه رهیده‌اند. خدای جبار جل ذکره (= که یادش بلند باد) به ملائکه‌ای که همراه آن [بهشتی]‌ها هستند، می‌فرماید: دوستان مرا به بهشت درآورید و با دیگر مردمان ننگه‌شان مدارید [من از سایر مردم راضی نیستم ولی] رضایتم به سوی آنان [سرازیر شده و] پیشی گرفته است و رحمتم برای آن‌ها واجب شده است. چگونه اینان [که چنین رحمت شده‌اند] را با کسانی که خوب و بد [اعمال را به هم آمیخته] دارند، ننگه دارم!؟

ملائکه آن [اولیای الهی] را [با احترام بسیار] به سوی بهشت می‌رانند تا اینکه به [پشت] در بهشت بزرگ می‌رسند. [در این هنگام] ملائکه حلقه [ی در] را با قدرت و عظمت می‌کوبند، چنان که صدایی [بزرگ] تولید می‌کند که به گوش هر حوریه‌ای که خدا برای دوستان خودش در بهشت آماده کرده، می‌رسد. وقتی صدای حلقه [ی در بهشت] بلند می‌شود، [حوریه‌ها] به یکدیگر بشارت می‌دهند؛ بعضی به بعض دیگر می‌گویند: [شاد باشید که] دوستان خدا به نزد ما آمدند! [در این حال] در [بهشت] برایشان باز می‌شود و داخل بهشت می‌شوند. زنانی که از حور العین

می‌باشند و زنانی که از آدمیان هستند به حضورشان مشرف می‌گردند و [با مسرت بسیار] می‌گویند: مرحبا به شما [و خوش آمدید] چقدر مشتاق دیدار شما بودیم. دوستان خدا [نیز] به آن‌ها مانند این جملات را می‌گویند [و شوقشان از ملاقات آن زنان را ابراز می‌نمایند].

سپس از تفسیر این آیه‌ی شریفه پرسیدند که می‌فرماید: «برای آن‌ها که از پروردگارشان پروا داشتند غرفه‌هایی است که بالای آن، غرفه‌های [دیگری] بنا شده است». چرا این غرفه‌ها ساخته شده‌اند؟ حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: ای علی آن غرفه‌ها را خدای تعالی برای دوستانش از درّ و یاقوت و زبرجد ساخته است. سقف‌هایش از طلای حک شده با نقره است. هر غرفه هزار در از طلا دارد که بر هر دری فرشته‌ای به پاسبانی ایستاده است. در آن [غرفه‌ها] بسترهای بلندی است که بعضی بالای بعضی دیگر قرار دارد و از حریر و دیباج با رنگ‌های مختلف است. اندرونش از مشک و عنبر و کافور انباشته است و این [معنی] سخن خداست که می‌فرماید: «[بهشتان در بهشت] دارای فرش‌ها و گستردنی‌های عالی و گران‌بها [یا دارای زنان بلندپایه و والامرتبه] می‌باشند».

چون مؤمن، داخل منزل‌های بهشتی‌اش گردد، تاج پادشاهی و بزرگواری بر سرش نهد و به لباس‌های طلا [دوز] و نقره [دوز] و [آراسته به] یاقوت و درّ، که به نظم بر تاج او قرار گرفته، پوشانده می‌شود.

و هفتاد حله از رنگ‌های مختلف که با طلا و نقره و لؤلؤ و یاقوت سرخ بافته شده بر او می‌پوشانند. این [تفسیر] سخن خداست که می‌فرماید: «در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند، و لباسشان در آنجا از پرنیان (= ابریشم) است».

وقتی مؤمن بر تختش می‌نشیند، تختش از شادی [بر خود] می‌لرزد. وقتی دوست خدا در منزل‌های بهشتی‌اش مستقر شد، فرشته‌ای که کارگزار الهی برای اداره‌ی بهشت‌های اوست، اجازه می‌گیرد تا بزرگواری خداوند متعال در حق مؤمن را بدو تهنیت [و شاد باش] بگوید. خادمان مؤمن او را می‌گویند: [صبر کن و] بر جای خویش بمان که ولی خدا بر تخت‌هایش تکیه داده و یکی از همسرانش که حورالعین است برای او به هیجان آمده است. صبر کن تا از آنچه بدان مشغول است، فارغ شود.

پس آن حورالعین از خیمه‌اش به جانب مؤمن خارج می‌شود در حالی که اطرافش را [ستایشگرانی از] کنیزان خدمتکارش گرفته و او را تحیت می‌گویند و هفتاد لباس بافته شده با یاقوت و لؤلؤ و زبرجد که با مشک و عنبر رنگ شده، در بر دارد و بر سرش تاجی از بزرگواری و در پاهایش کفش‌هایی از طلا و آراسته شده با یاقوت و در می‌باشد و بند آن [کفش‌ها] از یاقوت سرخ است.

چون [حورالعین] به دوست خدا نزدیک می‌شود، [مؤمن] می‌خواهد از شوق برخیزد. [حورالعین] می‌گوید: «ای دوست خدا امروز روز رنج و سختی نیست، بر مخیز. من از آن تو هستم و تو از آن من هستی». پس یکدیگر را به اندازه‌ی پانصد سال از

سال‌های دنیا در آغوش می‌گیرند؛ نه مؤمن از [در بر گرفتن] حور العین ملول می‌شود و نه حور العین از [هم‌آغوشی با] مؤمن خسته می‌گردد.

مؤمن در همان حال به گردن حور العین می‌نگرد و گردنبندی از یاقوت سرخ می‌بیند که لوحی از وسط آن آویزان است و بر آن نوشته شده: «ای دوست خدا، تو معشوق من هستی و من حوریه، معشوق تو هستم. [بیاخره] من به تو رسیدم و تو به من رسیدی».

پس خدای متعال، هزار فرشته می‌فرستد تا بهشت را به او تهنیت گویند و او را با حوریه تزویج نمایند. وقتی [آن گروه فرشتگان] به اولین در از [درهای] بهشت‌های او (= مؤمن) می‌رسند، به کارگزاری که نگهبان درهاست می‌گویند: اجازه بده تا بر ولی خدا داخل شویم که خداوند ما را برای تهنیت گفتن به سوی او فرستاده است. فرشته‌ی نگهبان می‌گوید: باید به حاجب [دریان اصلی] خبر [و تقاضای] شما را برسانم [و از او اجازه‌ی ورود بگیرم]. فرشته‌ی نگهبان به نزد حاجب می‌رود در حالی که بین او و حاجب، سه بهشت فاصله است. پس به حاجب می‌گوید: هزار فرشته بر در باغ هستند که پروردگار عالمیان آن‌ها را برای تهنیت‌گویی به ولی خود (= همان مؤمن بهشتی) فرستاده است. اکنون اجازه‌ی ورود می‌خواهند.

حاجب می‌گوید: برای من کار [سخت و] عظیمی است که اجازه دهم کسی بر ولی خدا داخل شود در حالی که او با همسرش

خلوت کرده است. [سپس می‌گوید: باید از بالاتر از خودم اجازه بگیرم.] بین حاجب و ولی خدا، دو بهشت فاصله است. پس حاجب بر قیم وارد می‌شود و می‌گوید: هزار فرشته بر در باغ هستند که پروردگار عالمیان برای تهنیت‌گویی به ولی خدا فرستاده است که اجازه‌ی ورود می‌خواهند. قیم به نزد خادمان می‌رود و می‌گوید: فرستادگان خدای جبار بر در باغ‌اند و آنان هزار فرشته هستند که پروردگار عالمیان برای تهنیت‌گویی به ولی خدا فرستاده است. خبرشان را به مؤمن ابلاغ کنید [و دستور لازم را بگیرید].

خادمان به مؤمن بهشتی خبر می‌دهند و او اجازه‌ی ورود می‌دهد. آن‌ها در حالی بر ولی خدا وارد می‌شوند که او در غرفه‌ای است که هزار در دارد و بر هر دری از درهایش یک فرشته به نگهبانی ایستاده است. وقتی به ملائکه اجازه‌ی ورود بر ولی خدا داده می‌شود، هر فرشته‌ی نگهبان، دری که بر آن گماشته شده را می‌گشاید و هر فرشته‌ی فرستاده شده از دری از درهای غرفه وارد می‌شود. آنگاه نامه‌ی خدای جبار را به مؤمن می‌دهند. این است [تفسیر] سخن خدای تعالی که می‌فرماید: «و ملائکه از هر دری بر آن‌ها وارد می‌شوند» یعنی از هر یک از درهای غرفه [و می‌گویند]: «سلام [و آرامش ابدی] به خاطر صبری که [در دنیا] کردید بر شما باد. پس چه خوب است خانه‌ی آخرت» و همچنین آن [تفسیر] این سخن اوست که می‌فرماید: «و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهن‌اور می‌بینی»



یعنی برای دوست خدا آن همه کرامت و نعمت و سلطنت عظیم است [تا بدین حدّ که] فرشتگانی که فرستادگان خدا هستند اجازه‌ی ورود می‌گیرند و بدون اجازه وارد نمی‌شوند. این، همان سلطنت عظیم است.

و جویبارها از زیر منزل‌هایشان [عبور می‌کند و] روان است. و این [معنی] آن سخن خدای عز و جل است که می‌فرماید: «از زیر [قصرهای]شان نهرها جاری است» و میوه‌های [درختان بهشت] به آنان نزدیک است و این [معنی] سخن او (=خدای متعال) است که می‌فرماید: «و سایه‌های [درختان] به آنان نزدیک است، و میوه‌هایش [برای چیدن]، رام» به خاطر نزدیک بودن زیاد آن [میوه]ها به آن [بهشتی]ها.

مؤمن از انواع میوه [و خوراکی]هایی که هوس کند، [بدون زحمت] تکان دادن دست و فقط [با دهانش می‌خورد در حالی که] بر تختش [تکیه داده است]. انواع میوه‌ها به آن مؤمن می‌گویند: ای دوست خدا مرا قبل از دیگر میوه‌ها بخور.

سپس فرمودند: مؤمنی در بهشت نیست مگر این که باغ‌های بسیار دارد [برخی] داریست دار و [برخی] بدون داریست. [و همچنین، میوه] و جویبارهایی از شراب [پاک بهشتی] و جویبارهایی از آب و جویبارهایی از شیر و جویبارهایی از عسل. هرگاه دوست خدا غذا بخواهد، همان چیزی که می‌خواهد [و هوس کرده است] را برایش می‌آورند بدون اینکه به زبان بیاورد که چه می‌خواهد.

سپس با برادرانش خلوت می‌کند و بعضی به زیارت بعضی دیگر می‌روند و در سایه‌سارهای گسترده، تنعم [و عیش و نوش] می‌کنند در [هوایی] مثل فاصله‌ی طلوع فجر تا طلوع خورشید و [حتی] پاکیزه‌تر از آن. هر مؤمن، هفتاد زن از حورالعین دارد و چهار زن از انسان‌ها. ساعتی با حوریه [می‌نشیند] و ساعتی با آدمی [یعنی آن زنی که از جنس بشر است، همنشین می‌شود] و ساعتی با خودش خلوت می‌نماید که بر تخت‌ها [ایش] تکیه می‌زند. [در آن حال] بعضی از مؤمنین به بعضی دیگر می‌نگرند [و از تماشای نور چهره‌ی یکدیگر لذت می‌برند].

وقتی مؤمن بر تختش [آرمیده] است، شعاعی از نور او را در می‌پوشاند. [با تعجب] از خدمتکارانش می‌پرسد: این شعاع درخشان، چیست؟! شاید [خدای] جبار [به رحمت ویژه‌اش] مرا ملاحظه کرده است؟!

خدمتکارانش بدو می‌گویند: [خدای متعال] مقدس و بلند مرتبه است. [نه چنان است که فکر می‌کنی بلکه] این حوریه‌ای از زنان است که تا کنون با او خلوت نکرده‌ای. [کنون] به شوق تو [سر] از خیمه‌اش بیرون آورده و از بالا به تو می‌نگرد و خود را بر تو عرضه می‌نماید و دیدارت را دوست دارد. چون تو را تکیه داده بر تخت دیده است، از [شدت] شوق، رو به تو تبسم نموده است. شعاعی که می‌بینی و نوری که تو را در پوشانده، از سفیدی و صفا و پاکی و نازکی [و درخشش] دندانش است. [پس آن] دوست خدا می‌گوید: اجازه بدهید تا به سوی من پایین بیاید. [برای انجام این

فرمان، [هزار خادم و هزار کنیز به جانب آن [حور العین] می‌روند و به [آن خبر خوش] بشارتش می‌دهند. پس [با شنیدن این خبر مسرت‌بخش، آن حور العین] از خیمه‌اش پایین می‌آید [تا در آغوش دوست خدا قرار گیرد] در حالی که هفتاد حله‌ی طلا باف و نقره باف در بر دارد و تاجی از دُر و یاقوت و زبرجد [بر سر] نهاده که رنگشان از مشک و عنبر و به رنگ‌های مختلف است. مغز ساقش از پس هفتاد حله دیده می‌شود [و چشم‌نواز است]. طول هر حله، هفتاد ذرع و عرضش به اندازه‌ی ما بین دو شانهاش [دو شانهای حور العین، یعنی] ده ذرع است.

چون به دوست خدا نزدیک می‌شود، خدمتکاران با طبق‌هایی از طلا و نقره که در آن دُر و یاقوت و زبرجد وجود دارد به استقبالش می‌آیند و [آن دُر و یاقوت و زبرجد] را بر [سر و قدم حور العین] می‌ریزند. سپس [مؤمن، حور العین را] در آغوش می‌گیرد و [حور العین نیز مؤمن را] در آغوش می‌فشارد. [مؤمن از این هم‌آغوشی طولانی با حور العین] ملول نمی‌شود و [حور العین نیز از این هم‌آغوشی با مؤمن] خسته نمی‌گردد.

سپس امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: اما بهشت [هایی] که در کتاب [مقدس قرآن] ذکر شده، بهشت عدن و بهشت فردوس و بهشت نعیم و بهشت مأواست. خدای عز و جل را بهشتی است که پیچیده [و شامل] به این بهشت‌هاست. برای مؤمن از بهشت آنچه دوست داشته باشد و هوس کند [به آزادی مطلق فراهم است] و در آن به هر گونه که بخواهند کامجویی می‌کند.

هرگاه مؤمن چیزی بخواهد [و اراده کند] اینگونه می‌گوید: «سبحانک اللهم» (= خدایا تو مقدس و منزّه‌ی) چون چنین گوید، خدمتکاران اقدام به تهیه‌ی خواهش‌های او می‌کنند بدون این که از آن‌ها خواسته باشد یا امرشان نموده باشد و این [تفسیر] سخن خدای عزوجل است که می‌فرماید: «نیایش آنان در آنجا [سبحانک اللهم] (= خدایا! تو پاک و منزّه‌ی) و درودشان در آنجا [یا کلمه‌ی] سلام است» یعنی تحیت خادمان [به بهشتیان با عبارت] سلام است. و [این قسمت آیه که می‌فرماید:] «و پایان نیایش آنان این است که «الحمد لله رب العالمین» (= ستایش، ویژه‌ی پروردگار جهانیان است)» این معنی را اراده کرده که وقتی [بهشتیان] به کام خود از همبستری و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها می‌رسند [و از آن‌ها استفاده‌ی کامل می‌کنند] خدای عز و جل را بعد از فراغت یافتن [از آن کامجویی‌ها] حمد [و سپاس] می‌گویند.

و اما [تفسیر] این سخن او (= خدای متعال) که می‌فرماید: «آنان روزی معین خواهند داشت» این است که خدمتکاران [نوع و مقدار روزی هر یک از بهشتیان را] می‌دانند و قبل از اینکه از آنان تقاضا کنند برایشان می‌آورند.

و اما سخن او (= خداوند) عز و جل [که می‌فرماید:] «[انواع] میوه‌ها [در بهشت برایشان فراهم است] و آنان مورد احترام خواهند بود» [تفسیرش این است که بهشتیان] چیزی در بهشت نمی‌خواهند مگر اینکه بدان، اکرام [شده و گرامی داشته] می‌شوند».

[۵۳] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ فِي  
الْجَنَّةِ عَمُوداً مِنْ ياقوتَةٍ حَمْرَاءَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ  
سَبْعُونَ أَلْفَ عُرْفَةٍ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُتَحَابِّينَ وَالْمُتَزَاوِرِينَ فِي  
اللَّهِ»<sup>۳۵</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «خدای تبارک و  
تعالی عمودی در بهشت از یاقوت سرخ آفریده است که بر روی  
آن هفتاد هزار قصر [عالی است] و در هر قصری هفتاد هزار  
غرفه [ی نورانی و وسیع] وجود دارد. این بهشت را خدا برای  
کسانی که برای خدا دوستی می‌کنند و به زیارت یکدیگر می‌روند  
آفریده است.»

[۵۴] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ  
الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ لَبْنَتَيْنِ لَبْنَةٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبْنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ جَعَلَ  
حِيطَانَهَا الْيَاقُوتَ وَ سَقَفَهَا الزَّبْرَجَدَ وَ حَصْبَاءَهَا اللُّؤْلُؤَ وَ تُرَابُهَا  
الرَّعْفَرَانُ وَ الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ فَقَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي. فَقَالَتْ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
الْحَيُّ الْقَيُّومُ قَدْ سَعِدَ مَنْ يَدْخُلُنِي»<sup>۳۶</sup>

۳۵. خصال، شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۳۸؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی

۴۱۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۲.

۳۶. کتاب من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۵۶؛ جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۵۱؛

خصال، شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۳۵؛ مکارم الأخلاق، صفحه‌ی ۴۳۵؛ بحار الانوار، علامه

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: خدای عزّ و جلّ وقتی بهشت را درست می‌کرد، آن را از دو گونه آجر ساخت؛ آجر طلا و آجر نقره و حیاط آن را از یاقوت و سقف آن را از زبرجد و سنگریزه‌های آن [را] از لؤلؤ و خاک آن [را از] زعفران و مشک اعلی [قرار داده] است.

سپس [به بهشت] امر فرمود که سخن بگو. [بهشت] گفت: نیست خدایی جز تو، زنده و استوار هستی. [برای همیشه] خوشبخت شد آن [کسی] که داخل من شود.»

[00] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِعَلِي (عَلَيْهِ السَّلَام): يَا عَلِي إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي رَأَيْتُ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا أبيضَ مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَشَدَّ اسْتِقَامَةً مِنَ السَّهْمِ فِيهِ أَبَارِيقُ عَدَدِ النُّجُومِ عَلَى شَاطِئِهِ قَبَابُ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَالدَّرِّ الْأَبْيَضِ. فَضَرَبَ جَبْرَائِيلُ بِجَنَاحِيهِ إِلَى جَانِبِهِ فَإِذَا هُوَ مِسْكَةٌ ذَفِيرَةٌ.

ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنْ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرًا يَتَصَفَّقُ بِالتَّسْبِيحِ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ بِمِثْلِهِ يَثْمُرُ ثَمَرًا كَالرُّمَّانِ يَلْقَى الثَّمَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَيَشْفُقُهَا عَنْ سَبْعِينَ حَلَّةً وَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى كَرَابِئِي مِنْ نُورِهِمْ الْعُرُّ الْمُحَجَّلُونَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الرَّجُلِ مِنْهُمْ نَعْلَانِ شِرَاكُهُمَا مِنْ نُورِ بِيضِيءُ إِمَامُهُمْ حَيْثُ شَاءُوا

مِنَ الْجَنَّةِ فَبَيَّنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ أَشْرَفَتْ عَلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْ فَوْقِهِ تَقُولُ:  
 سُبْحَانَ اللَّهِ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَمَا لَنَا مِنْكَ دَوْلَةٌ؟! فَيَقُولُ: مَنْ أَنْتِ؟!  
 فَتَقُولُ: أَنَا مِنَ اللّٰوَاتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ  
 مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۳۷</sup>  
 ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّهُ لَيَجِيئُهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ  
 أَلْفَ مَلَكٍ يَسْمُوْنَهُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ»<sup>۳۸</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): به امیرالمؤمنین  
 (علیه السلام) فرمودند: ای علی، در شبی که مرا به معراج بردند  
 در بهشت جویباری سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل و محکمتر  
 [و پایدارتر و راست تر] از تیر [که با شدت پرتاب شود] دیدم. در  
 آن [جویبار] به تعداد ستارگان، کوزه چیده شده بود. بر ساحلش  
 خیمه‌هایی از یاقوت سرخ و گوهر سفید برپا شده بود.  
 جبرئیل بالش را به کناره‌ی آن زد که دیدم مشک اعلی است.  
 سپس فرمود: قسم به آن که جان محمد در دست [قدرت]  
 اوست، در بهشت درختی است که با صدایی [هوش ربا] که  
 هیچکس از اولین و آخرین مانند آن را نشنیده‌اند، تسبیح حق  
 تعالی می‌گوید. میوه‌ای دارد شبیه انار. میوه‌اش را به سوی  
 بهشتیان می‌اندازد. [مؤمن] بهشتی آن را از ورای هفتاد حله‌ی  
 بهشتی می‌شکافد [و می‌خورد].

۳۷. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۳۸. محاسن، محدث برقی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۸۸؛ تأویل الآیات الظاهرة، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۴۱؛  
 نوادر الاخبار، صفحه‌ی ۳۸۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۸.

مؤمنان بر تخت‌هایی از نور هستند و آنان، روسفیدان می‌باشند. تو امام آنان در روز قیامت هستی. هر یک کفشی دارند که بندش از نوری است که پیش رویشان را روشن می‌نماید و به هر جا از بهشت که خواهند [به واسطه‌ی روشنی آن بند کفش] می‌روند. چون مؤمن در حال سیر و گشت باشد، زنی از بالای سرش ندا می‌دهد: سبحان الله (= پاک و منزّه است خدا) ای بنده‌ی خدا، آیا ما را از [گردش] تو نصیبی نیست؟!

مؤمن می‌گوید: تو کیستی؟! می‌گوید: من از آن [چشم‌روشنی]‌هایی هستم که خدای تعالی فرموده است: «هیچ کس نمی‌داند چه چشم روشنی‌ای به پاداش آنچه می‌کردند برای آن‌ها مخفی شده است».

سپس حضرت فرمودند: قسم به آن کس که جان محمد در دست [قدرت] اوست، هر روز هفتاد هزار فرشته به نزد آن [مؤمن بهشتی] می‌آیند که او را به نام و نام پدرش می‌شناسند. [و به او تهنیت و شاد باش می‌گویند و به خدمتکاری‌اش افتخار می‌نمایند]

[۵۶] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِ اللَّهِ «لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»<sup>۳۹</sup>:  
«لَا يَحْضَنَ وَلَا يَحْدِثُنَّ»<sup>۴۰</sup>

امام صادق (علیه‌السلام) در مورد این آیه‌ی شریفه که می‌فرماید:

۳۹. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵؛ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۷.

۴۰. تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۶۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۹.



«ایشان در آنجا (= بهشت) همسرانی پاکیزه خواهند داشت»  
فرمودند: «[پاکیزگی آن زنان بهشتی به این است که] حیض  
نمی‌شوند و ادرار و مدفوع و باد و جنابت ندارند».

[۵۷] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَذَدُونَ بِشَيْءٍ فِي  
الْجَنَّةِ أَشْهَى عِنْدَهُمْ مِنَ النِّكَاحِ لَا طَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ»<sup>٤١</sup>  
امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اهل بهشت از هیچ نعمتی  
در بهشت به اندازه‌ی همبستری [با زنان و حور العین] لذت  
نمی‌برند، نه از خوردن و نه از نوشیدن».

[۵۸] سند:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ وَ  
دَخَلَ وَلى اللَّهِ إِلَى جَنَانِهِ وَمَسَاكِينِهِ وَاتَّكَأَ كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْهُمْ عَلَى  
أَرِيكْتِهِ حَقَّقَهُ خُدَامُهُ وَتَهَدَّلَتْ عَلَيْهِ الشِّمَارُ وَتَفَجَّرَتْ حَوْلَهُ الْعُيُونُ وَ  
جَرَّتْ مِنْ تَحْتِهِ الْأَنْهَارُ وَبَسَطَتْ لَهُ الزَّرَابِي وَصَفَّتْ لَهُ النَّمَارِقُ وَ  
أَتَتْهُ الْخُدَّامُ بِمَا سَاءَتْ شَهْوَتُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَهُمْ ذَلِكَ قَالَ وَيَخْرُجُ  
عَلَيْهِمُ الْحُورُ الْعِينُ مِنَ الْجِنَانِ فَيَمَكُثُونَ بِذَلِكَ مَا سَاءَ اللَّهُ.  
ثُمَّ إِنَّ الْجَبَّارَ يَسْرِفُ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُ لَهُمْ: أَوْلِيَائِي وَ أَهْلَ طَاعَتِي وَ

٤١. کافی، محدث کلینی، جلد ٥، صفحه ٣٢١؛ تفسیر عیاشی، جلد ١، صفحه ١٦٤؛ وسائل  
الشیعه، محدث عاملی، جلد ٢٠، صفحه ٢٣؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ١٤، صفحه  
١٥٧؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه ١٣٩.

سُكَّانَ جَنَّتِي فِي جَوَارِي الْأَهْلِ أَنْتَبِكُمْ بِخَيْرٍ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ؟  
فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا وَ أَى شَيْءٍ خَيْرٌ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ؟! نَحْنُ فِيهَا اسْتَهْتُمْ  
أَنْفُسَنَا وَ لَدَّتْ أَعْيُنُنَا مِنَ النِّعَمِ فِي جَوَارِ الْكَرِيمِ. قَالَ: فَيَعُودُ عَلَيْهِمْ  
بِالْقَوْلِ. فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا نَعَمْ فَأَتَيْنَا بِخَيْرٍ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ.  
فَيَقُولُ لَهُمْ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: رِضَايَ عَنْكُمْ وَ مَحَبَّتِي لَكُمْ خَيْرٌ وَ  
أَعْظَمُ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ. قَالَ: فَيَقُولُونَ نَعَمْ يَا رَبَّنَا رِضَاكَ عَنَّا وَ  
مَحَبَّتِكَ لَنَا خَيْرٌ لَنَا وَ أَطْيَبُ لَأَنْفُسِنَا.  
ثُمَّ قَرَأَ عَلَى بَنِ الْمُحْسِنِ (عليه السلام) هَذِهِ الْآيَةَ «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ  
وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ  
طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ» ٤٢: ٤٣

امام سجاد (عليه السلام) فرمودند: «وقتی اهل بهشت [از حساب و کتاب فارغ شده و] بهشتی شوند و دوست خدا در باغها و منزلگاههای خود داخل شود، هر مؤمنی بر تخت [مخصوصش] تکیه میزند. [در این حال] خدمتکاران، او را دوره می کنند. [انواع] میوهها برایش آویزان می شود و از اطرافش چشمهها می جوشد و از زیر [تختش] جویبارها جاری می شود و فرشهایی [زرزلفت] برایش گسترده می گردد و بالشهایی برایش در پهلوئی هم صف کشیده [و چیده می شود] و خدمتکاران آنچه را بخواد [و هوس

٤٢. سورهی توبه، آیهی ٢٢.

٤٣. تفسیر عیاشی، جلد ٢، صفحهی ٩٦؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحهی ١٤١.

کند] قبل از این که چیزی بگوید [و خواسته‌اش را بیان نماید] برایش فراهم می‌کنند.

سپس حضرت فرمودند: حور العین بر آن‌ها از [اندرون] بهشت خارج می‌شود [مؤمنان بهشتی، حور را در بر می‌کشند] و [بر لذت بردن از حور العین] درنگ می‌کنند آنقدر که خدا بخواهد [یعنی به اندازه‌ای که فقط خدا می‌داند، از همنشینی و همبستری با حور العین، لذت می‌برند].

سپس خدای جبار بر بهشتیان ندا می‌دهد: «ای دوستان من و اهل اطاعتم و ای ساکنان بهشت در همسایگی ام، آیا به بهتر از آنچه در آن هستید، شما را خبر دهم؟» بهشتیان می‌گویند: پروردگارا دگر چه چیزی بهتر از آنچه ما اکنون در آن هستیم می‌تواند باشد؟! ما در خواهش‌های خویش و لذت بردن از آنچه چشمانمان از نعمت‌ها در همسایگی خدای کریم می‌بیند، قرار داریم [و غرق نعمت هستیم. خدای تعالی] باز پرسش خود را تکرار می‌کند. آنان می‌گویند: بله، ما را آنچه بهتر [از این نعمت‌هایی که اکنون در آن هستیم] می‌باشد، عطا فرما.

خدای تبارک و تعالی به آن‌ها می‌فرماید: «رضایت من از شما و محبتم برای شما بهتر و بزرگتر از [تمام این نعمت‌ها] و آنچه در آن هستید، می‌باشد. بهشتیان می‌گویند: آری [البته چنین است و] رضای تو از ما و محبت تو برای ما [از هر نعمتی] بهتر است و موجب آرامش جان‌های ماست.

سپس حضرت سجاد (علیه‌السلام) این آیه‌ی شریفه را تلاوت

فرمودند: «خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود، و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ»

[۵۹] سند:

قال إمام العسکری (علیه السلام) [فی تفسیر المنسوب الیه]: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ طُيُورًا كَالْبَخَاتِي عَلَيْهَا مِنْ أَنْوَاعِ الْمَوَاشِي تَصِيرُ مَا بَيْنَ سَمَاءِ الْجَنَّةِ وَ أَرْضِهَا فَإِذَا تَمَنَّى مُؤْمِنٌ مُحِبُّ لِلنَّبِيِّ وَ آلِهِ (عليهم السلام) الْأَكْلَ مِنْ شَيْءٍ مِنْهَا وَقَعَ ذَلِكَ بَعَيْنِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ فَتَنَاطَرَ رِيشُهُ وَ أَنشَوَى وَ انْطَبَحَ فَأَكَلَ مِنْ جَانِبٍ مِنْهُ قَدِيدًا وَ مِنْ جَانِبٍ مِنْهُ مَسُويًا بِلَا نَارٍ فَإِذَا قَضَى شَهْوَتَهُ وَ نَهَمَّتْهُ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. عَادَتْ كَمَا كَانَتْ فَطَارَتْ فِي الْهَوَاءِ وَ فَحَرَّتْ عَلَى سَائِرِ طُيُورِ الْجَنَّةِ تَقُولُ: مَنْ مِثْلِي وَ قَدْ أَكَلَ مِنِّي وَ لِيَ اللَّهُ عَن أَمْرِ اللَّهِ»<sup>٤٤</sup>

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) آمده است: «بهشت را پرندگانی است به مانند [و اندازه‌ی] شتر که به رنگ‌های مختلف [یا رنگارنگ] هستند. بین زمین و آسمان

٤٤. تفسیر امام عسکری (علیه السلام)، صفحه‌ی ٤٤٠؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٤١ و جلد ١٧، صفحه‌ی ٣٤٨.

بهشت می‌پزند. اگر مؤمنی که دوستدار پیامبر و خاندان [طاهرین]‌شان [علیهم السلام] است، هوس کند که [قسمتی از] آن‌ها را بخورد، [بلافاصله] در جلو چشمش می‌افتد و پرهایش می‌ریزد و بریان شده و پخته می‌گردد. پس [آن مؤمن بهشتی که هوس گوشت این پرنده کرده] از یک طرف [آن پرنده] گوشت خشک شده و از طرف دیگر، گوشت بریان می‌خورد بدون اینکه آتشی در کار باشد. وقتی خواسته‌اش برآورده [و هوسش برطرف] شد، می‌گوید: سپاس خدای را که پروردگار عالمیان است. [سپس آن پرنده به حال اولش] بر می‌گردد و در آسمان [بهشت] به پرواز در می‌آید و بر سایر پرندگان بهشتی مباحات می‌کند و می‌گوید: مانند من [در خوشی و خوشبختی] کیست که دوست خدا به امر [و اجازه‌ی] خدا از گوشت من خورد.»

[۶۰] سند:

سُئِلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَنْ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ كَمْ عَرَضُ كُلِّ نَهْرٍ مِنْهَا؟

فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «عَرَضُ كُلِّ نَهْرٍ مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ يَدُورُ تَحْتَ الْقُصُورِ وَالْحُجُبِ تَتَغَيَّرُ أَمْوَاغُهُ وَتَسْبِخُ وَتَطْرَبُ فِي الْجَنَّةِ كَمَا يَطْرَبُ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا»<sup>۴۵</sup>

از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): سؤال شد که عرض

۴۵. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۳۸۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۷.

جویبارهای بهشت چقدر است؟ فرمودند: عرض هر جویبار [بهشتی، به قدر] پانصد سال راه است. [هر جویبار] از زیر قصرها و [سرا] پرده‌ها، دور می‌زند. موجهایش [پیچ و تاب خوران می‌گذرد و] موسیقی [دلنشینی] تولید می‌کند و تسبیح می‌گوید و در [فضای] بهشت، شادمانی می‌کند همچنان که مردم در دنیا شادمانی [و پایکوبی] می‌کنند».

[۶۱] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «الرَّجُلُ الْوَاحِدِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ سَبْعُمِائَةٍ ضِعْفٍ مِثْلُ الدُّنْيَا وَلَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ قُبَّةٍ وَسَبْعُونَ أَلْفَ قَصْرٍ وَسَبْعُونَ أَلْفَ حِجْلَةٍ وَسَبْعُونَ أَلْفَ إِكْلِيلٍ وَسَبْعُونَ أَلْفَ حُلَّةٍ وَسَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ عِيْنَاءَ وَسَبْعُونَ أَلْفَ وَصِيفٍ»<sup>٤٦</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «برای یک مرد از اهل بهشت، هفتصد برابر دنیاست، و هفتاد هزار قبه (= بناهای مرتفع و برافراشته) و هفتاد هزار قصر و هفتاد هزار حمله و هفتاد هزار تاج و هفتاد هزار حله (= لباس بهشتی) و هفتاد هزار حورالعین و هفتاد هزار غلام و کنیز [دارد]».

[۶۲] سند:

قَالَ الْإِمَامُ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَذْكُرُ فِيهِ مُعْجَزَاتِ

٤٦. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۲۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۷.

النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَنَّ ابْنَ أَبِي سَمٍّ طَعَاماً وَدَعَا النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَصْحَابَهُ لِيُقْتَلَهُمْ فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ غَائِلَةَ السَّمِّ وَوَسَّعَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ وَبَارَكَ لَهُمْ فِي الطَّعَامِ. فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنِّي إِذَا تَذَكَّرْتُ ذَلِكَ الْبَيْتَ كَيْفَ وَسَّعَهُ اللَّهُ بَعْدَ ضَيْقِهِ وَفِي ذَلِكَ الطَّعَامِ بَعْدَ قَلْبَتِهِ وَفِي ذَلِكَ السَّمِّ كَيْفَ أزالَ اللهُ تَعَالَى غَائِلَتَهُ أَذْكَرُ مَا يَزِيدُ اللهُ تَعَالَى فِي مَنَازِلِ شِيعَتِنَا وَخَيْرَاتِهِمْ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ فِي الْفِرْدَوْسِ. إِنَّ مِنْ شِيعَتِنَا لَمَنْ يَهَبُ اللهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الدَّرَجَاتِ وَالْمَنَازِلِ وَالْخَيْرَاتِ مَا لَا يَكُونُ الدُّنْيَا وَخَيْرَاتُهَا فِي جَنَّتِهَا إِلَّا كَالرَّمْلِ فِي الْبَادِيَةِ الْفَضْفَاضَةِ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ يَرَى أَخَاهُ مُؤْمِنًا فَقِيرًا فَيَتَوَاضَعُ لَهُ وَيَكْرُمُهُ وَيَعِينُهُ وَيَمُونُهُ وَيَصُونُهُ عَنْ بَدَلٍ وَجْهَهُ لَهُ حَتَّى يَرَى الْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكِّلِينَ بِتِلْكَ الْمَنَازِلِ وَالْقُصُورِ وَقَدْ تَضَاعَفَتْ حَتَّى صَارَتْ فِي الزِّيَادَةِ كَمَا كَانَ هَذَا الزَّائِدُ فِي هَذَا الْبَيْتِ الصَّغِيرِ الَّذِي رَأَيْتُمُوهُ فِيمَا صَارَ إِلَيْهِ مِنْ كَبْرِهِ وَعِظَمِهِ وَسَعْتِهِ. فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِالْخِدْمَةِ فِي هَذِهِ الْمَنَازِلِ فَأَمْدَدْنَا بِمَلَائِكَةٍ يِعَاوَنُونَنَا. فَيَقُولُ اللهُ: مَا كُنْتُ لِأَحْمِلَكُم مَّا لَا تُطِيقُونَ؛ فَكَمْ تُرِيدُونَ مَدَدًا؟ فَيَقُولُونَ: الْفَ ضِعْفِنَا وَفِيهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: نَسْتَزِيدُ مَدَدًا الْفَ الْفَ ضِعْفِنَا وَأَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ إِيْمَانِ صَاحِبِهِمْ وَزِيَادَةِ إِحْسَانِهِ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ.

فَيَمْدُدُهُمُ اللَّهُ بِتِلْكَ الْأَمْلاَكِ وَكَلَّمَا لَقِيَ هَذَا الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ فَبَرَّهُ  
زَادَ اللَّهُ فِي مَمَالِكِهِ وَفِي خَدَمِهِ فِي الْجَنَّةِ كَذَلِكَ»<sup>۴۷</sup>

در حدیثی منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) که درباره‌ی معجزات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): بیان فرموده‌اند، آمده است که عبد الله بن اُبی (= سرکرده‌ی منافقان مدینه) غذایی درست کرد و آن را به زهری آلوده نمود و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): و اصحابشان را دعوت کرد تا همه را به قتل برساند. خدای متعال ضرر آن زهر را بر طرف نمود و خانه‌ی تنگ عبد الله بن اُبی را وسیع ساخت و در آن غذا [یی که هم کم بود و هم مسموم] برکت داد [چنان که همه‌ی اصحاب خوردند و سیر شدند].

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «وقتی به یاد می‌آورم آن خانه‌ی کوچک را که چگونه خداوند در آن وسعت داد بعد از تنگ بودنش و آن غذا را [که چگونه زیاد کرد و برکت داد] بعد از کم بودنش و آن سم را که چگونه خدای تعالی اثرش را بر طرف نمود؛ به یاد منزل‌های شیعیان و خیراتشان در بهشت عدن در فردوس می‌افتم. خداوند متعال، برخی از شیعیان ما را آنقدر درجات و منازل و خوبی‌ها در بهشت بخشیده که تمام دنیا و خوبی‌های آن در مقابلش به قدر سنگریزه‌ای در مقابل بیابان وسیع است. [این بخشش عظیم الهی به این دلیل است که او]

---

۴۷. تفسیر امام عسکری (علیه السلام)، صفحه‌ی ۱۹۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی



برادر مؤمن فقیرش را دیده و برایش تواضع کرده و او را اکرام نموده و یاری‌اش کرده و جلو ریختن آبرویش را گرفته است. تا اینکه ملائکه‌ی موکل بر آن منازل و قصرها را می‌بیند و [همواره] افزایش می‌یابد تا اینکه زیاد [و زیادت‌تر] می‌گردد؛ همچنان که دیدید این خانه‌ی کوچک چگونه بزرگ و وسیع شد. ملائکه می‌گویند: پروردگارا ما نمی‌توانیم به خدمت در این منزل‌ها [ی] بسیار توسعه یافته و کارهای آن] برسیم. ما را به [واسطه‌ی حضور] ملائکه‌ی دیگر یاری نما. خدا می‌فرماید: من نمی‌خواهم آنچه طاقت ندارید را بر شما تحمیل کنم. چقدر کمک می‌خواهید؟ می‌گویند: هزار برابر! و در بین مؤمنین، افرادی هستند که ملائکه‌ی خدمتکارشان تقاضای هزار هزار (= یک میلیون) برابر شدن خدمتکاران و حتی بیشتر دارند! [این تعداد خدمتکار کمکی] به قدر قدرت ایمان صاحبشان و زیادی احسانش به برادر[ان] مؤمن می‌باشد. خدا نیز [آن خدمتکاران] را به [همان تعدادی که خواسته بودند] کمک می‌کند [و نیروی کمکی برایشان می‌فرستد]. هر وقت مؤمنی برادرش را ببیند و به او نیکی نماید، خداوند به مملکت‌ها و خدمتکارانش در بهشت [به همین صورتی که ذکر شد] می‌افزاید.»

[۶۳] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ سُوقًا مَا فِيهَا شَرِيٌّ وَلَا بَيْعٌ إِلَّا الصُّورُ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ مَنِ اشْتَهَى صُورَةً دَخَلَ

فِيهَا وَإِنَّ فِيهَا مَجْمَعٌ حُورِ الْعَيْنِ يَرْفَعْنَ أَصْوَاتَهُنَّ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعْ  
الْخَلَائِقُ بِمِثْلِهِ: نَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبَأُ أَبَدًا وَنَحْنُ الطَّاعِمَاتُ فَلَا  
مَجُوعٌ أَبَدًا وَنَحْنُ الْكَاسِيَاتُ فَلَا نَعْرَى أَبَدًا وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ  
أَبَدًا وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا نَسْخَطُ أَبَدًا وَنَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَنْظَعُنُ  
أَبَدًا فَطُوبَى لِمَنْ كُنَّا لَهُ وَكَانَ لَنَا نَحْنُ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ أَزْوَاجَنَا  
أَقْوَامٌ كَرَامٌ»<sup>٤٨</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، بازاری است که در آن فقط صورت‌های مردان و زنان بهشتی در [معرض] خرید و فروش قرار می‌گیرد. هر کس صورتی را که بخواهد [برمی‌گزیند و] در آن داخل می‌شود [و به آن شکل در می‌آید]. در آن مجمع، حور العین نیز هستند که صداهایشان را بلند می‌کنند، با صدایی که آفریدگان مانند آن را نشنیده‌اند و می‌گویند: ما تازه‌هایی هستیم که هرگز پژمرده نمی‌شویم. ما سیرانی هستیم که هرگز گرسنه نمی‌شویم. ما پوشیدگانی هستیم که هرگز عریان نمی‌شویم. ما جاودانگانی هستیم که هرگز نمی‌میریم. ما خشنودانی هستیم که هرگز ناراضی نمی‌شویم. ما اقامت‌گزیدگانی هستیم که هرگز کوچ نمی‌کنیم. خوش به حال کسی که ما برای او باشیم و او برای ما باشد. ما

---

٤٨. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ٤٩٤؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٤٨؛ سنن ترمذی، جلد ٤، صفحه‌ی ٩٦٩؛ مسند ابن حنبل، جلد ١، صفحه‌ی ٣٢٩؛ المصنف، ابن ابی شیبیه، جلد ٨، صفحه‌ی ٦٩؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ٨، صفحه‌ی ١٢؛ زهد ابن مبارک، صفحه‌ی ٥٢٣؛ الفردوس، جلد ١، صفحه‌ی ٢١٩؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ١٦، صفحه‌ی ٩٦.

زنان نیکوخوی زیباروی، و شوهرانمان مردمانی بزرگوار هستند».

[۶۴] سند:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ»<sup>۴۹</sup>

بارها امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «اهل بهشت چنان به خانه‌های شیعیان ما می‌نگرند که انسان‌ها [در دنیا] به ستارگان آسمان نگاه می‌کنند [یعنی منازل شیعیان در بهشت می‌درخشد].»

[۶۵] سند:

قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَ تَزْعُمُ أَنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ؟! قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ أَحَدَهُمْ لِيُعْطَى قُوَّةَ مِائَةِ رَجُلٍ فِي الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ» قَالَ: فَإِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ تَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ وَ الْجَنَّةُ طَيْبٌ لَا خُبْثَ فِيهَا؟ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «عَرَقُ يُفِيضُ مِنْ أَحَدِهِمْ كَرَشْحِ الْمِسْكِ فَيَضْمُرُ بَطْنَهُ»<sup>۵۰</sup>

مردی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): عرض کرد: ای ابوالقاسم، آیا گمان می‌کنی که اهل بهشت می‌خورند و

---

۴۹. خصال، شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۲۸؛ جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۷۴؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۱۱۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۸.  
۵۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۹؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۹۱؛ مسند ابن حنبل، جلد ۷، صفحه‌ی ۸۴؛ معجم کبیر، جلد ۵، صفحه‌ی ۱۷۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۶۸.

می‌آشامند؟! حضرت فرمودند: آری، قسم به کسی که جانم در دست [قدرت] اوست به هر یک از شما، قدرت صد مرد در خوردن و آشامیدن داده می‌شود.

[آن مرد] گفت: کسی که می‌خورد، نیازمند قضای حاجت (= مستراح رفتن) می‌باشد و بهشت، پاکیزه است و [اینگونه] آلودگی [ها] در آن نیست.

حضرت فرمودند: [قضای حاجت] به صورت عرقی است که از هر کدامتان ترشح می‌شود مانند ترشح مشک. [همین ترشح] موجب کوچک شدن [و تخلیه‌ی فضولات] شکم می‌شود».

[۶۶] سند:

سُئِلَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً»<sup>۵۱</sup> فَقَالَ: «قَصْرٌ مِنْ لَوْلُؤٍ فِي الْجَنَّةِ فِي ذَلِكَ الْقَصْرِ سَبْعُونَ دَارًا مِنْ ياقوتة حمراء في كلِّ دارٍ سَبْعُونَ بَيْتاً مِنْ زُمُرَدٍ حمراء في كلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ سَريراً عَلَى كلِّ سَرِيرٍ سَبْعُونَ فِرَاشاً مِنْ كلِّ لَوْنٍ عَلَى كلِّ فِرَاشٍ امْرَأَةٌ مِنَ الحُورِ العِينِ فِي كلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ مَائِدَةً عَلَى كلِّ مَائِدَةٍ سَبْعُونَ لَوناً مِنَ الطَّعَامِ فِي كلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ وَصِيفاً وَوَصِيفَةً وَقَالَ فَيُعْطِي اللهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ القُوَّةِ فِي غَدَاةٍ وَاحِدَةٍ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى ذَلِكِ كُلهِ»<sup>۵۲</sup>.

۵۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۲؛ سوره‌ی صف، آیه‌ی ۱۲.

۵۲. تأویل الآيات الظاهرة، استرآبادی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۶۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵۰.

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): درباره‌ی تفسیر این آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: «سراها و منزلگاه‌های خوش و پاکیزه [برای بهشتیان است]» پرسیده شد.

حضرت فرمودند: «قصری در بهشت وجود دارد که در آن، هفتاد خانه از یاقوت سرخ است؛ در هر خانه، هفتاد اتاق از زمرد سرخ؛ در هر اتاق، هفتاد تخت و بر هر تخت، هفتاد بستر از هر رنگی و بر هر بستر، زنی از حور العین و در هر خانه، هفتاد سفره و بر هر سفره، هفتاد رنگ غذا و در هر اتاق هفتاد غلام و کنیز وجود دارد. سپس فرمودند: خدای متعال چنان قوتی به مؤمن می‌دهد که می‌تواند در هر روز از تمام اینها بهره‌برداری [و کامجویی] نماید».

[۶۷] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ»: «هُوَ أَشْرَفُ شَرَابٍ فِي الْجَنَّةِ يَشْرِبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَهُمْ الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ؛ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَيُّمَةُ وَفَاطِمَةُ وَخَدِيجَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَذُرِّيَّتُهُمُ الَّذِينَ اتَّبَعْتَهُمْ بِإِيمَانٍ لِيَتَسَمَّ عَلَيْهِمْ مِنْ أَعَالِي دُورِهِمْ»<sup>۵۳</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در مورد آیه‌ی شریفه «مزاج آن [چشمه] از تسنیم است»، فرمودند: آن [تسنیم] با شرافت‌ترین نوشیدنی بهشت است. محمد و خاندان محمد

۵۳. تأویل الآيات الظاهرة، استرآبادی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۷۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵۰؛ تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۱۱.

(علیهم السلام) از آن می‌نوشتند و ایشان مقربان [درگاه الهی] و سبقت گیرندگان [به سوی خیرات در دنیا و درجات عالی‌هی بهشت در آخرت] هستند. [اینان عبارتند از:] رسول خدا و علی بن ابی طالب و امامان [معصوم] و فاطمه و خدیجه (درود خدا بر ایشان باد) و فرزندان ایشان که در ایمان [و عمل صالح] از آنان پیروی کردند. این [نوشتدنی تسنیم] از فراز خانه‌شان بر ایشان فرو می‌ریزد».

[۶۸] سند:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): «تَسْنِيمٌ أَشْرَفُ شَرَابٍ فِي الْجَنَّةِ يَشْرِبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صِرْفًا وَيَمْرُجُ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَسَائِرِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»<sup>۵۴</sup>

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «تسنیم با شرافت‌ترین نوشیدنی بهشت است که محمد و آل محمد (علیهم السلام) خالص آن را می‌نوشتند ولی برای اصحاب یمنین و سایر بهشتیان [با چشمه‌های دیگر بهشتی] مخلوط می‌شود».

[۶۹] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): «لَمَّا نَزَلَتْ عَلَيَّ

---

۵۴. تأویل الآيات الظاهرة، استرآبادی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۷۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵۰.

رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ»<sup>۵۵</sup>  
 قَامَ مِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)  
 فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا طُوبَى؟ قَالَ: يَا مِقْدَادُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَوْ يَسِيرُ  
 الرَّكَّابُ الْجَوَادُ لَسَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةٌ عَامٍ قَبْلَ أَنْ يَقْطَعَهَا وَرَقَّهَا وَ  
 فُشُورُهَا بُرُودٌ خُضْرٌ وَزَهْرُهَا رِيَاضٌ وَأَفْنَانُهَا سُنْدُسٌ وَاسْتَبْرَقٌ وَ  
 ثَمَرُهَا حُلَلٌ خُضْرٌ وَطَعْمُهَا زَنْجَبِيلٌ وَعَسَلٌ وَبَطْحَاؤُهَا يَأْفُوتُ أَحْمَرٌ وَ  
 زُمُرْدٌ أَحْضَرٌ وَتُرَائِبُهَا مِسْكٌ وَعَنْبَرٌ وَحَشِيشُهَا مَنِيْعٌ وَالنَّجْوَجُ يَتَأَجَّجُ  
 مِنْ غَيْرِ وَقُوْدٌ يَتَفَجَّرُ مِنْ أَصْلِهَا السَّلْسَبِيلُ وَالرَّحِيقُ وَالْمَعِينُ وَ  
 ظِلُّهَا مَجْلِسٌ مِنْ مَجَالِسِ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ  
 (عليه السلام) يَأْلَفُونَهُ وَيَتَحَدَّثُونَ بِمَجْمَعِهِمْ وَبَيْنَا هُمْ فِي ظِلِّهَا  
 يَتَحَدَّثُونَ إِذْ جَاءَهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَقُوْدُونَ نُجْبَاءً جُبِلَتْ مِنَ الْيَأْفُوتِ  
 ثُمَّ نَفَخَ الرُّوحَ فِيهَا مَزْمُومَةً بِسَلْسِلٍ مِنْ ذَهَبٍ كَأَنَّ وُجُوْهَهَا  
 الْمَصَابِيحُ نَضَارَةٌ وَحُسْنًا وَبَرُّهَا خَزْ أَحْمَرٌ وَمِرْعَزَى أَبْيَضٌ مُخْتَلِطَانِ  
 لَمْ يَنْظُرِ النَّاطِرُونَ إِلَى مِثْلِهِ حُسْنًا وَبَهَاءً وَذُلٌّ مِنْ غَيْرِ مَهْلَةٍ نُجْبَاءً  
 مِنْ غَيْرِ رِيَاضَةٍ عَلَيْهَا رِحَالُ الْوَاحِهَا مِنَ الدَّرِّ وَالْيَأْفُوتِ الْمَفْضُضَةِ  
 بِاللُّوْؤِ وَالْمَرْجَانِ صَفَائِحُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ مُلَبَّسَةٌ بِالْعَبْقَرِيِّ وَ  
 الْأَرْجَوَانِ فَأَنَاخُوا تِلْكَ النَّجَائِبَ إِلَيْهِمْ. ثُمَّ قَالُوا لَهُمْ: رَبُّكُمْ  
 يَقْرِيكُمْ السَّلَامَ وَيَرَاكُمْ وَيَنْظُرُ إِلَيْكُمْ وَيَحِبُّكُمْ وَتُحِبُّونَهُ وَيَدْرِيكُمْ  
 مِنْ فَضْلِهِ وَسَعَتِهِ فَإِنَّهُ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلٍ عَظِيمٍ قَالَ فَيَحْمَلُ

۵۵. سورهی رعد، آیهی ۲۹.

كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ عَلَى رَاحِلَتِهِ فَيَنْطَلِقُونَ صَفًّا وَاحِدًا مُعْتَدِلًا وَلَا يَمُرُّونَ بِشَجَرَةٍ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ إِلَّا اتَّخَفْتَهُمْ بِشِمَارِهَا وَرَحَلَتْ لَهُمْ عَنْ طَرِيقِهِمْ كَرَاهِيَةً أَنْ يَثْلَمَ طَرِيقَتَهُمْ وَأَنْ يَفْرَقَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَرَفِيقِهِ فَلَمَّا دَفَعُوا إِلَى الْمَجْبَرِ جَلَّ جَلَالُهُ قَالُوا: رَبَّنَا أَنْتَ السَّلَامُ وَلَكَ يَحِقُّ الْجَلَالُ وَالْإِكْرَامُ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَرَحَبًا بِعِبَادِي الَّذِينَ حَفِظُوا وَصِيَّتِي فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ وَرَعَوْا حَقِّي وَخَافُونِي بِالْغَيْبِ وَكَانُوا مَعِيَ عَلَى كُلِّ حَالٍ مُشْفِقِينَ. قَالُوا: أَمَا وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ مَا قَدَرْنَاكَ حَقًّا قَدْرِكَ وَمَا أَدِينَا إِلَيْكَ كُلَّ حَقِّكَ فَأَذَنْ لَنَا فِي السُّجُودِ. قَالَ: لَهُمْ رَبُّهُمْ إِنِّي وَضَعْتُ عَنْكُمْ مُؤَنَةَ الْعِبَادَةِ وَأَرَحْتُ عَلَيْكُمْ أَبْدَانَكُمْ وَطَالَ مَا أَنْصَبْتُمْ لِي الْأَبْدَانَ وَعَيْنَتُمُ الْوُجُوهَ فَالآنَ أَفْضَيْتُمْ إِلَيَّ رُوحِي وَرَحِمْتِي فَاسْأَلُونِي مَا شِئْتُمْ وَتَمَنَّوْا عَلَيَّ أَعْطَيْتُكُمْ أَمَانِيكُمْ فَإِنِّي لَنْ أَجْزِيَكُمْ الْيَوْمَ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَكِنْ بِرَحِمَتِي وَ كَرَامَتِي وَطَوْلِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي وَعِظَمِ شَأْنِي وَلِحُبِّكُمْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ فَلَا يَزَالُ يَرْفَعُ أَقْدَارَ مُحِبِّي عَلَيَّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فِي الْعَطَايَا وَالْمَوَاهِبِ حَتَّى إِنْ الْمُقْصِرَ مِنْ شَيْعَتِهِ لَيَتَمَنَّى فِي أَمْنِيَّتِهِ مِثْلَ جَمِيعِ الدُّنْيَا مُنْذُ يَوْمَ خَلَقَهَا اللَّهُ إِلَى يَوْمِ أُنْفَاهَا! فَيَقُولُ لَهُمْ رَبُّهُمْ لَقَدْ قَصَّرْتُمْ فِي أَمَانِيكُمْ وَرَضَيْتُمْ بِدُونِ مَا يَحِقُّ لَكُمْ فَانظُرُوا إِلَى مَوَاهِبِ رَبِّكُمْ فَإِذَا بِقُبَابٍ وَقُصُورٍ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ مِنَ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَالْأَخْضَرِ وَالْأَصْفَرِ وَالْأَبْيَضِ فَلَوْ لَا أَنَّهَا مُسْحَرَةٌ إِذَا لِلْمِعْتِ الْأَبْصَارُ مِنْهَا فَمَا كَانَ مِنْ تِلْكَ الْقُصُورِ مِنَ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ فَهُوَ مَفْرُوشٌ بِالْعَبْقَرِيِّ الْأَحْمَرِ يَزْهَرُ نُورَهَا وَمَا كَانَ مِنْهَا مِنَ الْيَاقُوتِ



الْأَخْضَرِ فَهُوَ مَقْرُوشٌ بِالسُّنْدُسِ الْأَخْضَرِ وَ مَا كَانَ مِنْهَا مِنَ  
 الْيَاقُوتِ الْأَبْيَضِ فَهُوَ مَقْرُوشٌ بِالْحَرِيرِ الْأَبْيَضِ وَ مَا كَانَ مِنْهَا مِنَ  
 الْيَاقُوتِ الْأَصْفَرِ فَهُوَ مَقْرُوشٌ بِالرِّيشِ الْأَصْفَرِ مَثْبُوتَةً بِالزُّمُرِدِ  
 الْأَخْضَرِ وَ الْفِضَّةِ الْبَيْضَاءِ وَ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ قَوَاعِدُهَا وَ أَرْكَانُهَا مِنَ  
 الْجَوْهَرِ يَثُورُ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ أَعْرَاصُهَا نُورٌ مِثْلُ شُعَاعِ الشَّمْسِ عِنْدَهُ مِثْلُ  
 الْكَوَاكِبِ الدُّرِّيِّ فِي النَّهَارِ الْمُضِيِّ وَ إِذَا عَلَى بَابٍ كُلِّ قَصْرِ مِنْ  
 تِلْكَ الْقُصُورِ جَنَّتَانِ مُدَاهِمَتَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَصَّاحَتَانِ وَ فِيهِمَا مِنْ  
 كُلِّ فَاكِهَةٍ رَوْجَانِ.

فَلَمَّا أَنْ أَرَادُوا أَنْ يَنْصَرِفُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ رَكَبُوا عَلَى بَرَادِينَ مِنْ نُورٍ  
 بِأَيْدِي وَ لَدَانٍ مُخَلَّدِينَ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَكَمَةٌ بَرْدُونٍ مِنْ  
 تِلْكَ الْبَرَادِينَ لُجْمُهَا وَ أَعْنَتُهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْبَيْضَاءِ وَ أَشْفَارُهَا مِنَ  
 الْجَوْهَرِ فَلَمَّا دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ وَ جَدُّوا الْمَلَائِكَةَ يَهْتِفُونَهُمْ بِكِرَامَةِ رَبِّهِمْ  
 حَتَّى إِذَا اسْتَقَرُّوا قَرَارَهُمْ قِيلَ لَهُمْ: فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟  
 قَالُوا: نَعَمْ رَبَّنَا رَضِينَا فَارِضَ عَنَّا. قَالَ بَرِضَايَ عَنكُمْ وَ بِحَبِّكُمْ أَهْلَ  
 بَيْتِ نَبِيِّ أَحَلَلْتُمْ دَارِي وَ صَاحَحْتُمْ الْمَلَائِكَةَ فَهَنِيئًا هَنِيئًا غَيْرَ  
 مَحْدُورٍ وَ لَيْسَ فِيهِ تَنْغِيصٌ فَعِنْدَهَا قَالُوا «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ  
 عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»<sup>٥٦، ٥٧</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: وقتی این آیه بر پیامبر

٥٦. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ٣٤.

٥٧. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٥٤ به نقل از: تفسیر فرات بن ابراهیم؛ سعد

السعود به نقل از: تفسیر عباس بن مروان.

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شد: «طوبی و بهترین سرانجام‌ها نصیبشان است»، مقداد بن اسود به سوی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): رفت و عرض کرد: ای رسول خدا «طوبی» چیست؟

حضرت فرمودند: درختی است در بهشت که اگر سوارکار [ماهری] با اسب اصیلی صد سال در سایه‌اش بتازد نمی‌تواند از آن خارج شود. برگ‌ها و پوست‌هایش از بُرد<sup>۵۸</sup> سبز رنگ و گل‌هایش درشت و شاخه‌هایش از پرنیان نازک و حریر ستبر و میوه‌اش زیورآلات سبز رنگ و طعمش زنجفیل و عسل و دشت‌های گسترده‌اش از یاقوت سرخ و زمرد سبز؛ و خاکش مشک و عنبر و عودی که بدون افروخته شدن [به وسیله‌ی آتش یا زغال] افروخته است [و رایحه‌ی دلنشین از خود می‌پراکند] از بیخ آن، سلسبیل و رحیق و معین، سرچشمه می‌گیرد. سایه‌اش محل برگزاری جلسات شیعیان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است که با آن الفت می‌گیرند و با یکدیگر به گفتگو می‌نشینند.

در این حال که با یکدیگر سخن می‌گویند، ملائکه، شتران اصیلی را که از یاقوت هستند، عقب، عقب می‌آورند و در آن‌ها روح می‌دمند [تا جاندار شوند]. [این شتران یاقوتی] بسته شده به زنجیرهایی از طلا، از شدت درخشش و زیبایی، گویا چراغ‌هایی هستند. کرک آن‌ها ترکیبی از خز سرخ و مرغزی سفید است. هیچ بیننده‌ای به مانند چنان زیبایی و نورانی‌تی ننگریسته است.

---

۵۸. بُرد: نوعی پارچه‌ی مرغوب.

بدون رنج و زجری، رام هستند و بدون آموزش دادن نجیب می‌باشند. زینی بر آنهاست که لوحه‌هایش از دَر و یاقوت آراسته شده با لؤلؤ و مرجان است. اطرافش از طلای سرخ، پوشانده شده با فرش [های گران‌قیمت است]. این مرکب‌های نجیب را [برای سوار شدن آن بهشتیان] می‌خواه‌باندند. سپس می‌گویند: پروردگار [عالمیان] شما را سلام می‌رساند و [هم اکنون با نظر رحمت] به شما می‌نگرد و دوستتان دارد و دوستش دارید و از فضل و گشایشش بر [نعمت] شما می‌افزاید که او دارای رحمت واسعه و فضل عظیم است.

سپس هر یک از آن بهشتیان بر مرکبش سوار می‌شود و در یک صف با اعتدال به حرکت در می‌آیند. بر هیچ درختی از درختان بهشتی نمی‌گذرند مگر این که میوه‌هایش را پیشکش آنان می‌کند و [سپس] از راهشان کنار می‌رود تا مانعی در حرکتشان ایجاد نکرده و بین یکی از آن [بهشتی]ها و دوستانش فاصله نیانداخته باشد. وقتی به [درگاه] خدای جبار (جل جلاله) می‌رسند، می‌گویند: پروردگارا تو سلام هستی و جلال و اکرام، تو را می‌زید [و شایسته است].

خدای تعالی می‌فرماید: مرحبا [و آفرین] بر بندگانم که وصیتم درباره‌ی اهل بیت پیامبرم را حفظ کردند و حقم را رعایت نمودند و از من نادیده ترسیدند و همواره از من ترسان بودند.

[بهشتیان] می‌گویند: [خدایا] به عزت و جلالت قسم که ما چنان که شایسته‌ی [بزرگی و عظمت] تو بود، قدر تو را ندانستیم و تمام

حَقَّت را ادا نکردیم. به ما اجازه‌ی سجده [در مقابل جلال و عظمتت] عنایت فرما.

خداوند می‌فرماید: [امروز در بهشت] سختی عبادت را از شما برداشتم، و بدن‌هایتان را راحت کردم و چقدر طول کشید که [این] بدن‌ها را برای من به عبادت وا داشتید و صورت‌ها [یتان] را به زحمت انداختید. اکنون کوچ کنید به رُوح و رحمت من پس از من بخواهید آنچه می‌خواهید و آرزو کنید تا آرزوهایتان را بدهم. امروز شما را [به مقدار] عمل‌هایتان پاداش نمی‌دهم [که اگر چنین باشد، عمل‌هایتان در خور اینهمه نعمت نبود] بلکه به رحمت و کرامت و فضل و بلندی مکان و بزرگی شأن خودم و به خاطر محبتی که به اهل بیت رسولم داشتید [چنین نعمت‌هایی عطایتان کردم]. پس همواره منزلت دوستان علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) در عطایا و بخشش‌ها را بالا می‌برد تا این که کمترین شیعه‌اش مثل تمام دنیا از روزی که خدا آن را آفریده تا روزی که از بین رفته را آرزو می‌کند. پروردگار متعال می‌فرماید: آرزوی اندک نمودید! و به کمتر از حَقَّتان راضی شدید پس [اینک] به بخشش‌های پروردگارتان بنگرید. [چون می‌نگرند] بناهای مرتفع و قصرهایی در اعلی‌علیین از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید [می‌بینند]. اگر نبود که نورشان کنترل شده است، [از شدت درخشندگی] چشم بینندگان را بی‌فروغ می‌نمود. آنچه از آن قصرها که از یاقوت سرخ است با عبقری سرخ (= نوعی فرش عالی‌باف و گران‌قیمت) فرش شده است و نورش می‌درخشد. و

آن [قصرهایی] که از یاقوت سبز است با دیباچ نازک سبز، فرش شده است. و آن [قصرهایی] که از یاقوت سفید است با حریر سفید، فرش شده است. و آن [قصرهایی] که از یاقوت زرد است با لباس‌های فاخر زرد که گسترده شده به زمرد سبز و نقره‌ی سفید و طلای سرخ است و پایه‌هایش از گوهر است. از در و صحن آن [قصرها] نوری می‌تابد که شعاع خورشید در مقابلش مانند درخشش ستارگان در روز روشن است. بر در هر قصری از آن قصرها دو باغ وجود دارد که هر دو خرّم و سرسبزند. در آن [باغ]ها دو چشمه‌ی جوشنده است. در آن [باغ]ها میوه‌های فراوان و درخت خرما و انار وجود دارد.

وقتی می‌خواهند به منزلشان بازگردند، بر اسب‌هایی از نور سوار می‌شوند که [لگامشان] به دست [یکی از] پسران جاودانه است. به دست هر یک از آن [پسر]ها لگام یک اسب است که از نقره‌ی سفید می‌باشد و وسیله‌ای که اسب را به واسطه‌ی آن به حرکت در می‌آورند از جواهر است.

وقتی داخل منزل‌هایشان [در بهشت] می‌شوند، ملائکه به آنان با کرامت، خوش آمد می‌گویند تا در جای خود قرار گیرند. [آنگاه به آن بهشتیان] گفته می‌شود: «آیا آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید؟ می‌گویند: آری» [سپس دست به دعا بر می‌دارند و ادامه می‌دهند:] خدایا ما از تو راضی هستیم، تو نیز از ما راضی باش. [در این حال از جانب خدای متعال ندا می‌رسد و] می‌فرماید: به خاطر رضایتم از شما و [همچنین به

خاطر] محبتی که به اهل بیت پیامبرم داشتید، شما را در خانه‌ی [بهشت] ام نشاندم و ملائکه با شما دست دادند. گوارا باد و گوارا باد بدون هیچگونه ممنوعیتی [در استفاده از انواع نعمت‌ها] و اذیت و مکروهی در آن نیست. در این هنگام، [بهشتیان] می‌گویند: «سیاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق‌شناس است».

[۷۰] سند:

قال أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»: «فَبَلَّغْنِي أَنَّ طُوبَى شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَنَابِتُهُ فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَهِيَ لَهُ وَ لِشِيعَتِهِ وَ عَلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ أَسْفَاطٌ فِيهَا حُلٌّ مِنْ سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٌ يَكُونُ لِلْعَبْدِ مِنْهَا أَلْفُ أَلْفِ سَفِطٍ فِي كُلِّ سَفِطٍ مِائَةٌ أَلْفِ حُلَّةٍ لَيْسَ مِنْهَا حُلَّةٌ إِلَّا مُخَالَفَةٌ لِلْوَنِ الْأُخْرَى إِلَّا أَنَّ الْوَانَهَا كُلَّهَا خُضْرٌ مِنْ سُندُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ فَهَذَا أَعْلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ وَسَطُهَا ظِلُّهُمْ يَظُلُّ عَلَيْهِمْ يَسِيرُ الرَّكَّابُ فِي ظِلِّ تِلْكَ الشَّجَرَةِ مِائَةَ عَامٍ قَبْلَ أَنْ يَقْطَعَهَا وَ أَسْفَلُهَا ثَمَرُهَا مُتَدَلِّيٌّ [مُتَدَلِّيَّةٌ] عَلَى بُيُوتِهِمْ يَكُونُ مِنْهَا الْقَضِيبُ مِثْلَ الْقَصَبَةِ فِيهِ مِائَةُ لَوْنٍ مِنَ الْفَوَاكِهِ مَا رَأَيْتَ وَ لَمْ تَرَوْ مَا سَمِعْتَ وَ لَمْ تَسْمَعْ مُتَدَلِّيٌّ [مُتَدَلِّيَّةٌ] عَلَى بُيُوتِهِمْ كَلَّمَا قَطَعُوا مِنْهَا يَنْبُتُ مَكَانَهَا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «لَا مَقْطُوعَةَ وَ لَا مَمْنُوعَةَ»<sup>۱</sup>

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹.

مَمْنُوعَةٍ<sup>۱</sup> وَ تَدْعَى تِلْكَ الشَّجَرَةَ طُوبَىٰ وَيَخْرُجُ نَهْرٌ مِنْ أَصْلِ تِلْكَ  
 الشَّجَرَةِ فَيَسْقِي جَنَّةَ عَدْنٍ وَهِيَ قَصْرٌ مِنْ لَوْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا  
 صَدْعٌ وَلَا وَصْلٌ لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ كُلُّهَا عَلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ  
 لَهُمْ فِيهِ سَعَةٌ لَهَا أَلْفُ أَلْفِ بَابٍ وَ كُلُّ بَابٍ مِصْرَاعَانِ مِنْ  
 زَبْرَجَدٍ وَيَأْفُوتِ اثْنَا عَشَرَ مَيْلًا لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ  
 أَوْ مُتَحَابٌّ فِي اللَّهِ أَوْ ضَعِيفٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تِلْكَ مَنَازِلُهُمْ وَهِيَ جَنَّةُ  
 عَدْنٍ<sup>۲</sup>.

امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند» می‌فرماید: به من [از پدران بزرگوایم] چنین رسیده که طوبی، [نام] درختی در بهشت است که رویشگاه آن در خانه‌ی علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است و آن [درخت و میوه‌هایش] برای او (= امیرالمؤمنین) و شیعیانش است. بر آن درخت صندوق‌هایی است که در آن زیورآلاتی از پرنیان نازک و حریر ستبر وجود دارد. برای یک بنده‌ی [بهشتی] هزار هزار (= یک میلیون) صندوق است که در هر صندوق صد هزار حله [و لباس خاص بهشتی] قرار دارد که هر یک رنگش با دیگری متفاوت است و [البته] رنگ [زمینه‌ی] همگی، سبز از پرنیان نازک و حریر ستبر است. این [وصف، مربوط به] بالاترین

۱. سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۳۳.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵۵ به نقل از تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی.

[قسمت] آن درخت [طوبی] است.

و [اما وصف قسمت] میانی آن [درخت طوبی چنان است که] سایه می‌افکند [بدان وسعت] که اگر سواره‌ای در سایه‌اش صد سال بتازد، نمی‌تواند از آن [سایه] خارج گردد.

و [اما وصف قسمت] پایین آن [درخت طوبی چنان است که] میوه‌هایش بر خانه‌های آن [بهشتی]ها آویخته است. یک شاخه از آن که به مانند قصبه<sup>۱</sup> است صد رنگ از میوه‌هایی دارد که [همانند آن را] ندیده‌ای و [در تمام دنیا] نخواهی دید و [وصفش] نشنیده‌ای و [در تمام دنیا] نخواهی شنید. [این چنین درخت عالی مقداری] آویخته بر خانه‌های ایشان است. هر زمان که [بهشتیان، میوه‌ای] از آن را بچینند، [بلافاصله] در جایش [میوه‌ای همچون قبلی] می‌روید.

خدای متعال می‌فرماید: «[آن نعمت‌های بهشتی] نه بریده [و قطع شده] و نه ممنوع [و خارج از دسترس] است». آن درخت [که هر وقت میوه‌ای از آن چیده شود، میوه‌ی دیگری بر جایش می‌رویاند] «طوبی» خوانده می‌شود. جویباری از ریشه‌ی آن درخت خارج [شده و جاری] می‌گردد که بهشت عدن را آبیاری می‌کند. [و باز بهشت عدن] قصری است که از یک گوهر یکپارچه ساخته شده که هیچ بریدگی و دوختگی در آن نیست. اگر همه‌ی اهل اسلام بر آن قصر اجتماع کنند، گنجایش همه را دارد. هزار هزار (= یک میلیون) در دارد که هر دری دو لنگه [یکی] از زبرجد

---

۱. قصبه: لوله‌ی گرد و بزرگ و توخالی.



و [دیگری] از یاقوت دارد و [هر لنگه به طول] دوازده میل است. داخل آن [بهشت عدن] نمی‌شود مگر پیامبر یا صدیق یا شهید یا دوستی کننده [با مردم] به خاطر خدا یا مؤمنان ضعیف. این [وصف] جایگاه‌هایشان است و آن [بهشت پر فرّ و شکوه] بهشت عدن است.»

[۷۱] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا حَافَتَاهُ حُورٌ نَابِتَاتٌ فَإِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ بِإِحْدَاهُنَّ فَأَعْجَبَتْهُ أَقْتَلَعَهَا فَأَنْتَبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَكَانَهَا»<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «در بهشت جویباری است که بر ساحل آن حوریه روئیده است. هرگاه مؤمن بر یکی از این [حوریه]‌ها [برای خودش] جدا می‌کند [و می‌چیند] پس [بلافاصله] خدای عز و جل بر جای آن [حوریه‌ی جدا شده]، دیگری [مانند او] می‌رویند.»

[۷۲] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ: «دَرَجَاتٌ مُتَفَاضِلَاتٌ وَ مَنَازِلُ مُتَفَاوِتَاتٌ لَا يَنْقَطِعُ نَعِيمُهَا وَلَا يَضَعُنُ

---

۱. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۳۱؛ تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۶۲.

مُقِيمَهَا وَلَا يَهْرُمُ خَالِدَهَا وَلَا يَبْأَسُ سَاكُنُهَا»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره‌ی وصف بهشت فرمودند: «[در بهشت،] درجاتی از یکدیگر برتر و جایگاه‌هایی گوناگون و متفاوت وجود دارد که نعمت‌هایش پایان ندارد، و اقامت‌گزیدگان در آن، هرگز کوچ نکنند، [منزل گرفته‌های] جاودانه‌اش، هرگز پیر و فرسوده نگردند، و ساکنانش گرفتار شداید و سختی‌ها نخواهند شد.»

[۷۳] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «فَلَوْ رَمَيْتَ بِبَصَرِ قَلْبِكَ نَحْوَ مَا يُوَصِّفُ لَكَ مِنْهَا لَعَرَفْتَ نَفْسَكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَاتِهَا وَزَخَارِفِ مَنَاطِرِهَا وَلَذَهَلَتْ بِالْفِكْرِ فِي اصْطِفَاقِ أَشْجَارٍ غَيْبَتْ عُرُوقُهَا فِي كَثْبَانِ الْمِسْكِ عَلَى سَوَاحِلِ أَنْهَارِهَا وَفِي تَعْلِيقِ كَبَائِسِ اللُّؤْلُؤِ الرَّطْبِ فِي عَسَالِيحِهَا وَأَفْنَانِهَا وَطُلُوعِ تِلْكَ الثَّمَارِ مُخْتَلِفَةً فِي عُلْفِ أَكْمَامِهَا تُجْنَى مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ فَتَأْتِي عَلَى مُنِيَّةٍ مُجْتَنِبِيهَا وَيَطَافُ عَلَى نُزَالِهَا فِي أَفْنِيَةِ قُصُورِهَا بِالْأَعْسَالِ الْمُصَفَّقَةِ وَالْحُمُورِ الْمُرَوَّقَةِ قَوْمٌ لَمْ تَزَلِ الْكِرَامَةُ تَتَمَادَى بِهِمْ حَتَّى حَلُّوا دَارَ الْقَرَارِ وَأَمِنُوا نُقْلَةَ الْأَسْفَارِ فَلَوْ شَغَلَتْ قَلْبَكَ أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ بِالْوُصُولِ إِلَى مَا يَهْجُمُ عَلَيْكَ مِنْ تِلْكَ الْمَنَاطِرِ الْمُؤَنِقَةِ لَرَهَقَتْ

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۸۵؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۶، صفحه‌ی ۳۴۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۶۲.

نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهَا وَ لَتَحَمَّلَتْ مِنْ مَجْلِسِي هَذَا إِلَى مُجَاوَرَةِ أَهْلِ  
الْقُبُورِ اسْتِعْجَالًا بِهَا جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ سَعَى بِقَلْبِهِ إِلَى مَنَازِلِ  
الْأَبْرَارِ بِرَحْمَتِهِ»<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «اگر با چشم دل به آنچه که از بهشت برای تو وصف کرده‌اند بنگری، از آنچه در دنیاست دل می‌کنی، هر چند شگفتی‌آور و زیبا باشد، و از خواهش‌های نفسانی و خوشی‌های زندگانی و منظره‌های آراسته و زیبای آن کناره می‌گیری، و اگر فکرت را به درختان بهشتی مشغول داری که شاخه‌هایشان همواره به هم می‌خورند، و ریشه‌های آن در توده‌های مشک پنهان، و در ساحل جویباران بهشت قرار گرفته آبیاری می‌گردند، و خوشه‌هایی از لؤلؤ آبدار به شاخه‌های کوچک و بزرگ درختان آویخته، و میوه‌های گوناگونی که از درون غلاف‌ها و پوشش‌ها سر بیرون کرده‌اند، سرگردان و حیرت زده می‌گردی؛ شاخه‌های پر میوه‌ی بهشت که بدون زحمتی خم شده، در دسترس قرار گیرند، تا چیننده‌ی آن هر گاه که خواهد بچیند، مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن و پیرامون کاخ‌هایشان در گردشند و آنان را با غسل‌های پاکیزه و شراب‌های گوارا پذیرایی کنند.

آنها کسانی هستند که همواره از کرامت الهی بهره‌مندند تا آنگاه که در سرای ثابت خویش فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها

---

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۶۵؛ تنبیه الخواطر، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۸؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۹، صفحه‌ی ۲۷۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۶۲.

آسوده گردند. ای شنونده! اگر دل خود را به منظره‌های زیبایی که در بهشت به آن می‌رسی مشغول داری، روح تو با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز خواهد کرد، و از این مجلس من، با شتاب به همسایگی اهل قبور خواهی شتافت. خداوند با لطف خود، من و شما را از کسانی قرار دهد که با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می‌کنند.»

[۷۴] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَنُورًا مِنَ الظُّلَمِ وَيَجْلِدُهُ فِيمَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ وَ يَنْزِلُهُ مَنَازِلَ الْكِرَامَةِ عِنْدَهُ فِي دَارٍ اصْطَنَعَهَا لِنَفْسِهِ ظِلُّهَا عَرْشُهُ وَ نُورُهَا بَهْجَتُهُ وَ زُورُهَا مَلَائِكَتُهُ وَ رَفَقَاؤُهَا رُسُلُهُ»<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «آگاه باشید! آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد، و به بهشت و آنچه که دوست دارد جاودانه دسترسی پیدا می‌کند. خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهد، خانه‌ای که مخصوص خداست، سقف آن عرش پروردگار، و روشنایی آن از جمال الهی، و زائرانش فرشتگان، و دوستان و همنشینانش پیامبران الهی می‌باشند.»

[۷۵] سند:

---

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۸۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۱۱۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۶۳.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) «إِنَّ فِي الْفِرْدَوْسِ لَعَيْنًا أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْأَيْنِ مِنَ الرَّبْدِ وَأَبْرَدَ مِنَ الثَّلْجِ وَأَطْيَبَ مِنَ الْمِسْكِ مِنْهَا طِينَةٌ خَلَقَنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهَا وَخَلَقَ مِنْهَا شِيعَتَنَا وَ هِيَ الْمِيثَاقُ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَآلِيَهُ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در فردوس [برین] چشمه‌ای است، شیرین‌تر از شهد [عسل] و نرم‌تر از خامه [یا مسکه] و سردتر از برف و پاکیزه‌تر [و خوش عطرتر] از مشک، که خدای عز و جل طینت ما و شیعیان ما را از آن آفریده است و آن همان پیمانی است که خداوند عز و جل، ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بر آن گرفته است.»

#### [۷۶] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «طُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ غَرَسَهَا اللَّهُ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ تَنْبَتُ الْحُلِيِّ وَالْحَلَلِ وَالثِّمَارِ مُتَدَلِّيَةً عَلَى أَقْوَامِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ أَعْصَانَهَا لَتُرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ فِي مَنْزِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لَمْ يَجْرَمَهَا وَلِيَهُ وَلَنْ يَنَالَهَا عَدُوُّهُ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «طوبی درختی است در بهشت که خداوند متعال آن را به دست خود کاشته و از روحش

۱. امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۳۰۸؛ بشارة المصطفی، طبری آملی، صفحه‌ی ۲۰۷؛ اعلام الدین، صفحه‌ی ۱۴۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۳.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۴ به نقل از: تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی.

در آن دمیده است. زیورآلات و حله‌ها می‌رویند. و میوه‌هایی آن از شدت نزدیک بودن، گویا] بر دهان اهل بهشت آویخته است. شاخه‌هایش از پشت دیوار بهشت در منزل علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) دیده می‌شود. دوست او [یعنی دوست امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)] از [میوه‌های] آن [درخت] محروم نیست و دشمن او [یعنی دشمن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)] بدان [میوه‌ها و زیورآلات درخت طوبی] نخواهد رسید».

[۷۷] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ شِيعَتَكَ لَيُؤَدُّنَ لَهُمْ فِي الدُّخُولِ عَلَيْكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَإِنَّهُمْ لَيَنْظُرُونَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَنَازِلِهِمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَمَا يَنْظُرُ أَهْلُ الدُّنْيَا إِلَى النَّجْمِ فِي السَّمَاءِ وَإِنَّكُمْ لَفِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي غُرْفَةٍ لَيْسَ فَوْقَهَا دَرَجَةٌ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «ای علی، به خدا قسم به شیعیانت در هر جمعه اجازه‌ی وارد شدن بر شما (= ائمه‌ی طاهرین) داده می‌شود و آنان از منزل‌هایشان در روز جمعه به سوی شما می‌نگرند همچنان که اهل دنیا به ستاره [ها] در آسمان می‌نگرند و شما (= اهل بیت رسول اعظم) در اعلی‌علیین (= بالاترین بالاترین‌ها) در غرفه‌ای هستید که درجه‌ی هیچ‌یک از آفریدگان خداوند متعال بالاتر از آن نیست».

۱. تفسیر فرات کوفی، صفحه‌ی ۳۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۴.

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فِي تَجْهِيْزِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سَرِيَّةً إِلَى جِهَادِ قَوْمٍ إِلَى أَنْ قَالَ: «فَمَنْ مِنْكُمْ يُخْرِجُ إِلَيْهِمْ قَبْلَ أَنْ يَنْظُرَ فِي دِيَارِنَا وَحَرِيمِنَا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَفْتَحَ عَلَى يَدَيْهِ وَ أُضْمِنُ لَهُ عَلَى اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ؟» وَ سَأَفُهُ إِلَى أَنْ قَالَ: فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْ لِي هَذِهِ الْقُصُورَ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يَا عَلِيُّ بِنَاءُ هَذِهِ الْقُصُورِ لَبْنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبْنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ مِلَاطُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ وَ الْعَنْبَرُ حَصْبًا وَهَا الدُّرُّ وَ الْيَاقُوتُ تُرَابُهَا الزَّرْعَفَرَانُ كَثِيْبُهَا الْكَافُورُ فِي صَحْنٍ كُلِّ قَصْرِ مِنْ هَذِهِ الْقُصُورِ أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٍ نَهْرٌ مِنْ عَسَلٍ وَ نَهْرٌ مِنْ خَمْرٍ وَ نَهْرٌ مِنْ لَبْنٍ وَ نَهْرٌ مِنْ مَاءٍ مَحْفُوفٍ بِالْأَشْجَارِ مِنَ الْمَرْجَانِ عَلَى حَافَتِي كُلِّ نَهْرٍ مِنْ هَذِهِ الْأَنْهَارِ خَيْمٌ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ لَا قَطْعَ فِيهِ وَ لَا فَصْلَ قَالَ لَهَا كَوْنِي فَكَانَتْ يَرَى بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا فِي كُلِّ خَيْمَةٍ سَرِيرٌ مُفَصَّصٌ بِالْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ قَوَائِمُهَا مِنَ الزَّبْرَجَدِ الْأَخْضَرِ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ حَوْرَاءٌ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ عَلَى كُلِّ حُورٍ سَبْعُونَ حُلَّةً خَضْرَاءَ وَ سَبْعُونَ حُلَّةً صَفْرَاءَ يَرَى مُخَّ سَاقِيهَا خَلْفَ عَظْمِهَا وَ جِلْدِهَا وَ حُلِيِّهَا وَ حُلِيِّهَا كَمَا تَرَى الْحَمْرَةَ الصَّافِيَةَ فِي الرُّجَاجَةِ الْبَيْضَاءِ مُكَلَّلَةً بِالْمَجَواهِرِ لِكُلِّ حُورٍ سَبْعُونَ ذُوَابَةً كُلُّ ذُوَابَةٍ بِيَدٍ وَصِيفٍ وَ بِيَدٍ كُلِّ وَصِيفٍ مِجْمَرٌ تُبْخَرُ تِلْكَ الذُّوَابَةُ يَفُوحُ مِنْ

## ذَلِكَ الْمَجْمَرِ بُحَارًا لَا يَفُوحُ بِنَارٍ وَلَكِنْ بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ<sup>۱</sup>

جناب سلمان فارسی می‌گوید: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): لشکری را برای جهاد آماده نمود [تا اینکه می‌گوید، حضرت فرمودند: کدامیک از شما حاضر است به سوی اینان [دشمنان] بیرون رود [و بجنگد] قبل از این که [دشمنان] دیار و حریم ما را به تصرف در آورند؟ شاید خداوند بر دستش پیروزی [و گشایش] قرار دهد. برای چنین شخصی [که با این سپاه به جنگ دشمن برود] دوازده قصر در بهشت را ضمانت می‌کنم ...» [تا اینکه می‌گوید: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت باد ای رسول خدا، آن قصرها را برای ما وصف بفرما.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «ای علی، بنای این قصرها [چنان است که] آجری از طلا و آجری از نقره و ملاطش از مشک اعلی و عنبر می‌باشد. سنگریزه‌هایش از دَر و یاقوت، خاکش از زعفران و تپه‌هایش از کافور است. در صحن هر قصری از این قصرها، چهار جویبار جاری است، جویباری از عسل و جویباری از شراب [پاکیزه] و جویباری از شیر و جویباری از آب. [این نهرها] پوشیده شده با درختانی از مرجان هستند. بر ساحل هر جویبار از این جویبارها، خیمه‌هایی از دَر سفید قرار دارد که یکدست است و] بریدگی و دوختگی در آن نیست. [مؤمن بهشتی به محض اینکه اراده کند و] به آن‌ها بگوید: [حاضر و

---

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۵ به نقل از تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی.



آماده] باش [بلافاصله نصب شده و حاضر و آماده] می‌باشد. [این خیمه‌ها چنان لطافتی دارد که] داخل آن از بیرون و بیرون آن از داخل دیده می‌شود. در هر خیمه تختی تزئین شده با یاقوت سرخ قرار دارد که پایه‌هایش از زبرجد سبز است. بر [روی] هر تخت، حوریه‌ای از حور العین [آماده‌ی پذیرایی از مؤمن بهشتی] است. بر [تن] هر حوریه هفتاد حله‌ی سبز [رنگ] و هفتاد حله‌ی زرد [رنگ] است [که] مغز ساقشان از ورای استخوان و پوست و زیورآلات و حله‌هایش دیده می‌شود؛ همچنان که شراب صاف [و نوشیدنی زلال] در جام شفاف دیده می‌شود.

[این حور العین] تاج‌هایی از جواهر بر سر دارند. برای هر حوریه هفتاد گیسو است که هر یک به دست غلامی است و در دست [دیگر] هر غلام، سپندسوزی قرار دارد که آن گیسو را [یا عطرها] بهشتی بخور می‌دهد و [خوشبو می‌کند]. بخور آن سپندسوزها به خاطر آتش نیست بلکه به قدرت خدای جبار است.

[۷۹] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي ثَوَابِ التَّهْلِيلَاتِ فِي عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ: «مَنْ قَالَ ذَلِكَ كُلَّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكُلِّ تَهْلِيلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مِنَ الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ مَسِيرَةٌ مِائَةٌ عَامٍ لِلرَّكَبِ الْمُسْرِعِ فِي كُلِّ دَرَجَةٍ مَدِينَةٌ فِيهَا قَصْرٌ مِنْ جَوْهَرَةٍ وَاحِدَةٍ لَا فَضْلَ فِيهَا فِي كُلِّ مَدِينَةٍ مِنْ تِلْكَ الْمَدَائِنِ مِنَ الدُّورِ وَالصُّحُونِ [القُصُورِ] وَالغُرُفِ وَالْبُيُوتِ وَالْفُرُشِ وَالْأَزْوَاجِ

وَالسُّرُرُ وَالْحُورِ الْعِينِ وَمِنَ التَّمَارِقِ وَالزَّرَابِي وَالْمَوَائِدِ وَالْحَدَمِ وَالْأَنْهَارِ  
وَالْأَشْجَارِ وَالْحُلِيِّ وَالْحَلَلِ مَا لَا يَصِفُ خَلْقٌ مِنَ الْوَاصِفِينَ فَإِذَا خَرَجَ  
مِنْ قَبْرِهِ أَصَابَ كُلُّ شَعْرَةٍ مِنْهُ نُورًا وَابْتَدَرَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ  
يَمْشُونَ أَمَامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ  
فَإِذَا دَخَلَهَا قَامُوا خَلْفَهُ وَهُوَ أَمَامَهُمْ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَدِينَةٍ ظَاهِرُهَا  
يَأْقُوتَةُ حَمْرَاءُ وَبَاطِنُهَا زَبْرَجْدٌ حَضْرَاءُ فِيهَا مِنْ أَصْنَافِ مَا خَلَقَ اللَّهُ  
عَزَّ وَجَلَّ فِي الْجَنَّةِ. فَإِذَا انْتَهَوْا إِلَيْهَا قَالُوا: يَا وَلِيَّ اللَّهِ هَلْ تَدْرِي مَا هَذِهِ  
الْمَدِينَةُ؟ قَالَ: لَا فَمَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ شَهِدْنَاكَ فِي  
الدُّنْيَا يَوْمَ هَلَلَّتْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالتَّهْلِيلِ هَذِهِ الْمَدِينَةُ بِمَا فِيهَا ثَوَاباً  
لَكَ وَابْتِشْرَ بِأَفْضَلِ مَنْ هَذَا فِي دَارِهِ دَارِ السَّلَامِ فِي جِوَارِهِ عَطَاءٌ لَا  
يَنْقَطِعُ أَبَدًا»<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در [بارهی] ثواب تهلیلات [سی که] در  
دهمی [اول ماه] ذی حجه [گفته می شود] فرمودند: هر که، این  
[تهلیلات] را در هر روز [از این دهه]، ده بار بگوید: خداوند متعال  
در برابر هر تهلیلش یک درجه در بهشتی از در و یاقوت به او عطا  
می کند که فاصله‌ی بین هر دو درجه از آن درجات به اندازه‌ی  
مسیری است که یک سوارکار تیزرو به مدت صد سال بپیماید، در  
هر درجه اش شهری است، در آن شهر، قصری از گوهر

۲. اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۳۶۷؛ إقبال الأعمال، سید بن طاووس، صفحه‌ی ۳۲۴؛ بلد الأمين،  
صفحه‌ی ۲۴۵؛ المصباح کفعمی، صفحه‌ی ۶۶۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۶ و  
جلد ۹۴، صفحه‌ی ۱۲۰.

یکپارچه‌ای که فاصله‌ای در آن نیست، ساخته شده است. در هر شهر از آن شهرها آنقدر خانه‌ها، قلعه‌ها، غرفه‌ها، اتاق‌ها، فرش‌ها، همسرها، تخت‌ها، حور العین، بالش‌ها، بساط‌ها، سفره‌ها، خادم‌ها، نهرها، درخت‌ها، زیورها و لباس‌ها وجود دارد که هیچ توصیف‌کننده‌ای نتواند آن را به وصف آورد، و چنین فردی وقتی از قبرش خارج شد، هر مویی از موهای بدنش، نوری می‌دهد، هفتاد هزار ملک در مقابل و سمت راست و سمت چپش به حرکت در می‌آیند تا او را به در بهشت برسانند و وقتی وارد بهشت شد، آنان همه پشت سرش رفته او در جلوشان قرار می‌گیرد تا به شهری می‌رسند که ظاهرش یاقوت سرخ است و باطنش زبرجد سبز. در این شهر هر آنچه که خداوند عزیز و جلیل در بهشت خلق فرموده، وجود دارد، وقتی بدان رسیدند می‌گویند: ای ولی خدا! آیا می‌دانی این شهر با محتویاتش چیست؟ می‌گوید: نه، شما کیستید؟ می‌گویند: ما فرشتگانی هستیم که در دنیا روزی که خداوند عزیز و جلیل را تهلیل می‌گفتی شاهد تو بودیم، این شهر با محتویاتش، ثواب تو خواهد بود و تو را بشارت نیز بدهیم به برتر از این، و آن ثواب خداوند عزیز و جلیل است، هنگامی که ببینی آنچه را که خداوند در خانه‌ی خودش - که دار السلام است - برایت در جوارش فراهم کرده، عطایی الهی که هرگز قطع نخواهد گردید».

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ الرَّجُلَ فِي الْجَنَّةِ يَبْقَى عَلَى مَا دَتِيهِ  
أَيَّامَ الدُّنْيَا وَيَأْكُلُ فِي أَكَلَةٍ وَاحِدَةٍ بِمِقْدَارِ أَكَلِهِ فِي الدُّنْيَا»<sup>۳</sup>  
امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر مرد [مؤمن] در بهشت بر  
سفره اش [به اندازه‌ی تمام] روزهای دنیا درنگ می‌کند و در یک  
[وعده] خوردن، به اندازه‌ی [تمام] خوردنش در دنیا می‌خورد».

[۸۱] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ مَنبِئِهَا فِي مِسْكِ أَبِيضٍ  
أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ وَأَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ  
فِيهَا أَمْثَالُ نُدىِ الْأَبْكَارِ تَعْلُو عَنْ سَبْعِينَ حُلَّةً»<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «هر کس [ذکر] «لا  
اله الا الله» (= خدایی جز خدای یگانه نیست) را [با شرایطش]  
بگوید، درختی در بهشت برایش کاشته می‌شود از یاقوت سرخ  
که رویشگاه آن در مشک سفید است. [میوه‌های این درخت] از  
عسل، شیرین‌تر و از برف، سفیدتر و از مشک، خوشبوتر است. در  
آن درخت [میوه‌هایی] مانند پستان دخترکان باکره قرار دارد که  
از هفتاد جامه [ی بهشتی] برترند».

[۸۲] سند:

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۸۲ به نقل از تفسیر قمی.  
۴. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۱۷؛ ثواب الاعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۱۶؛ محاسن،  
محدث برقی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۳، صفحه‌ی ۲۰۱.

قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِلشَّيْعَةِ: «قَدْ ضَمِينَا لَكُمْ الْجَنَّةَ بِضَمَانِ اللَّهِ وَضَمَانِ رَسُولِهِ مَا عَلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ أَحَدٌ أَكْثَرَ أَرْوَاجًا مِنْكُمْ فَتَنَافَسُوا فِي فِضَائِلِ الدَّرَجَاتِ. أَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَنِسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءُ عَيْنَاءُ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ صِدِّيقٌ»<sup>هـ</sup>

امام صادق (علیه السلام) به شیعیان فرمودند: «ما بهشت را برای شما ضمانت می‌کنیم به [پشتوانه‌ی] ضمانت خدا و رسولش. هیچکس [از نیکان امت‌های گذشته] در درجات بهشت نیست که از [شما شیعیان، پر نعمت‌تر باشد و از] شما همسران بیشتری داشته باشد. پس [با این اوصاف] در [رسیدن به] برتر درجه‌ها [ی] بهشت [کوشش کنید. شما پاکیزگان هستید و همسرانتان پاکیزگان هستند. هر زن با ایمان [همانند و حتی برتر از] حور العین است و هر مرد با ایمان، راستگو و راست کردار است.»

[۸۳] سند:

قَالَ بَشِيرُ الدَّهَّانِ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ الْفُصُوصِ أَرْكَبُهُ عَلَى خَاتَمِي؟ قَالَ: «يَا بَشِيرُ أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الْعَقِيقِ الْأَحْمَرِ وَالْعَقِيقِ الْأَصْفَرِ وَالْعَقِيقِ الْأَبْيَضِ فَإِنَّهَا ثَلَاثَةُ جِبَالٍ فِي الْجَنَّةِ فَأَمَّا الْأَحْمَرُ فَمُطَلٌّ عَلَى دَارِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَأَمَّا الْأَصْفَرُ فَمُطَلٌّ عَلَى دَارِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَأَمَّا الْأَبْيَضُ فَمُطَلٌّ عَلَى دَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالدُّورُ كُلُّهَا وَاحِدَةٌ»

۸. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۶۲۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۸۷.

يُخْرَجُ مِنْهَا ثَلَاثَةٌ أَنْهَارٍ مِنْ تَحْتِ كُلِّ جَبَلٍ نَهْرٌ أَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الثَّلْجِ وَ  
أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الدَّرِّ لَا يَشْرَبُ مِنْهَا إِلَّا مُحَمَّدٌ وَ  
أَلُوهُ وَشِعْتُهُمْ وَ مَصَّبَهَا كُلِّهَا وَاحِدٌ وَ مَجْرَاهَا مِنَ الْكَوْثَرِ وَإِنَّ هَذِهِ  
الثَّلَاثَةَ جِبَالٌ تُسَبِّحُ اللَّهَ وَ تُقَدِّسُهُ وَ تُمَجِّدُهُ وَ تَسْتَغْفِرُ لِمُجْتَبَى آلِ  
مُحَمَّدٍ<sup>٦</sup>

راوی می‌گوید: به امام باقر (علیه‌السلام) عرض کردم: چه نگینی  
بر انگشترم قرار دهم؟ فرمودند: عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق  
سفید. [به این دلیل که] اینها سه کوه در بهشت هستند.

اما [کوه یاقوت] سرخ، مشرف بر خانه‌ی رسول خدا  
(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): است و اما [کوه یاقوت] زرد، مشرف بر  
خانه‌ی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است و اما [کوه یاقوت] سفید،  
مشرف بر خانه‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است و [البته در  
اصل،] همه [ی] این سه خانه‌ای که نام برده شد [یکی است] و به  
نحوی به هم راه دارد. از این [سه خانه] سه جویبار جاری می‌شود  
[یعنی] از زیر هر کوه [یاقوت] یک جویبار که از برف، سردتر و از  
عسل، شیرین‌تر و از درّ، سفیدتر است.

جز محمد و آل او و شیعیان ایشان از آن [جویبارها] نمی‌نوشند.  
[هر سه جویبار] به یک جا می‌ریزند و مجرایشان از کوثر است. [از  
دیگر خواص این سه کوه یاقوت این است که] این سه کوه،  
تسبیح و تقدیس و تمجید خدای متعال می‌کنند و برای

٦. امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ٣٨؛ بشارة المصطفی، صفحه‌ی ٦٣؛ بحار الانوار، علامه مجلسی،  
جلد ٨، صفحه‌ی ١٨٧ و جلد ٣٧، صفحه‌ی ٤٢.

دوستاناران آل محمد: استغفار می نمایند».

[۸۴] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أَنَّ ثَوْبًا مِنْ ثِيَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أُلْقِيَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا لَمَّ يَحْتَمِلُهُ أَبْصَارُهُمْ وَ لَمَاتُوا مِنْ شَهْوَةِ النَّظَرِ إِلَيْهِ»<sup>۷</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر لباسی از لباس های اهل بهشت بر اهل دنیا افکنده شود، چشم هایشان قدرت نگاه کردنش را ندارد و از لذت نظر به آن، جان خواهند داد». [وقتی حال لباس، این چنین است، دیگر حال پوشنده ی لباس چگونه می باشد؟! خدا می داند]

[۸۵] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ عَمِلَ فِي تَرْوِيجِ بَيْنَ مُؤْمِنَيْنِ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا زَوْجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ امْرَأَةٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلِّ امْرَأَةٍ فِي قَصْرِ مِنْ دُرِّ وَيَأْقُوتِ»<sup>۸</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هر کس در ایجاد پیوند ازدواج میان مؤمنین تلاش کند، تا این که بین آن ها وصلت ایجاد نماید، خدای عز و جل هزار زن از حورالعین را به همسری

۷. عدة الداعی و نجاح الساعی، صفحه ی ۱۰۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ی ۱۹۱.

۸. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه ی ۲۸۸؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۲۰، صفحه ی ۴۶؛

بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ی ۱۹۲؛ ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه ی ۲۸۸.

او در خواهد آورد که هر یک زن [از حور العین] در قصری از در و  
یا قوت [قرار داشته باشد].»

[۸۶] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا بَنَى  
اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةً  
مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزُمُرِدٍ وَزَبْرَجِدٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ  
أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ دَارٍ فِي  
كُلِّ دَارٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ  
سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَلكُلِّ زَوْجَةٍ أَلْفَ أَلْفٍ  
وَصَيْفٍ وَأَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ وَصَيْفَةٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ  
أَلْفٍ مَائِدَةٍ عَلَى كُلِّ مَائِدَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْعَةٍ فِي كُلِّ  
قَصْعَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ وَيُعْطَى اللَّهُ وَلِيَهُ مِنَ الْقُوَّةِ  
مَا يَأْتِي عَلَى تِلْكَ الْأَزْوَاجِ وَعَلَى ذَلِكَ الطَّعَامِ وَعَلَى ذَلِكَ الشَّرَابِ فِي  
يَوْمٍ وَاحِدٍ»<sup>۹</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «کسی که در این  
دنیا مسجدی بسازد، خداوند به ازای هر وجب یا هر ذرع از آن،  
شهری از طلا و نقره و زبرجد و زمرد و مروارید در بهشت برای او  
خواهد ساخت که بزرگی آن [برابر با] مسافت چهل هزار سال راه

۹. اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۴۲۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۲ و جلد ۷۳،  
صفحه‌ی ۳۶۹.



است. در هر شهری *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] قصر، و در هر قصری *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] سرا، و در هر سرایی *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] خانه، و در هر خانه‌ای *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] تخت و بر هر تختی حوری از حوران بهشت آرمیده است [تا به همسری او درآیند]، و [باز] در هر خانه‌ای *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] غلام و *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] کنیز، و *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] سفره‌ی رنگارنگ و بر روی هر سفره‌ای *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] ظرف، و در هر ظرفی *چهل هزار هزار* [یعنی *چهل میلیون*] نوع از انواع خوراکی‌ها قرار دارد، و خداوند به دوست خود آنچنان قدرت و توانی کرامت فرماید که بتواند از همه‌ی همسران خود کام بگیرد و از همه‌ی خوراکی‌ها در یک روز استفاده نماید.»

[۸۷] سند:

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ تَوَلَّى أَدَانَ مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَأَذَّنَ فِيهِ وَهُوَ يَرِيدُ وَجْهَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ أَرْبَعِينَ أَلْفِ صِدِّيقٍ وَأَرْبَعِينَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَأَدْخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ أَرْبَعِينَ أَلْفِ أُمَّةٍ فِي كُلِّ أُمَّةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ رَجُلٍ وَكَانَ لَهُ جَنَّةٌ مِنَ الْجَنَّاتِ فِي كُلِّ جَنَّةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ قَصْرِ فِي كُلِّ قَصْرٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ دَارٍ فِي كُلِّ دَارٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفِ

الفِ سَرِيرٍ عَلَىٰ كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِّنَ الْحُورِ الْعِينِ [سَعَةً كُلِّ] كُلُّ  
 بَيْتٍ مِّنْهَا مِثْلُ الدُّنْيَا أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ مَّرَّةٍ لِّكُلِّ زَوْجَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ  
 أَلْفٍ وَصِيفٍ وَأَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ وَصِيفَةٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ  
 أَلْفَ أَلْفٍ مَائِدَةٍ عَلَىٰ كُلِّ مَائِدَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ قِصْعَةٍ فِي  
 كُلِّ قِصْعَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ نَوْعٍ مِّنَ الطَّعَامِ لَوْ نَزَلَ بِهِ الثَّقَلَانِ  
 لَكَانَ لَهُمْ فِي أَدْنَىٰ بَيْتٍ مِّنْ بُيُوتِهَا مَا سَاءُوا مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَ  
 الطَّيِّبِ وَاللِّبَاسِ وَالتَّمَارِ وَالتُّحَفِ وَالتُّرَائِفِ وَالمُحْلِیِّ وَالمُحْلَلِ كُلُّ  
 بَيْتٍ يَكْتَفِي بِمَا فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ عَمَّا فِي الْبَيْتِ»<sup>۱۰</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «کسی که مؤذن  
 مسجدی از مساجد خدا گردد، و در آن مسجد اذان بگوید و فقط  
 رضایت خدا را در نظر داشته باشد، خداوند ثواب چهل هزار هزار  
 [یعنی چهل میلیون] پیغمبر، و چهل هزار هزار [یعنی چهل  
 میلیون] صدیق، و چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] شهید را به  
 او عنایت فرماید، و شفاعت او شامل چهل هزار هزار [یعنی چهل  
 میلیون] امت می شود که هر امتی چهل هزار هزار [یعنی چهل  
 میلیون] نفر مرد باشد، و برای او در هر بهشتی [از بهشتهای  
 هفتگانه] چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] شهر، و در هر  
 شهری چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] قصر، و در هر قصری  
 چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] سرا، و در هر سرایی چهل

۱۰. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۹۰؛ اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۴۲۱؛ وسائل الشیعه،  
 محدث عاملی، جلد ۵، صفحه‌ی ۳۷۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۲.

هزار هزار [یعنی چهل میلیون] خانه، و در هر خانه‌ای چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] تخت، و بر هر تختی یک حور از حوریان بهشتی آرمیده است [تا به همسری او درآید]، و نیز [وسعت] هر خانه‌ای از آن خانه‌ها چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] برابر دنیاست، و در اختیار هر همسری چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] غلام و چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] کنیز قرار دارند، و در هر اطاقی چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] سفره، و بر روی هر سفره‌ای چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] ظرف، و در هر ظرفی چهل هزار هزار [یعنی چهل میلیون] نوع از انواع خوراکی‌ها می‌باشد که اگر همه‌ی جن و انس می‌بهمان او گردند، همه را در کوچکترین خانه از آن خانه‌ها جای خواهد داد، و هر چه بخواهند - از خوراکی و نوشیدنی گرفته - تا عطر و جامه و میوه و انواع تحفه‌ها شامل لباس و زیور آلات گوناگون - در آن وجود دارد؛ و در هر خانه‌ای به اندازه‌ی کافی از این اشیای مورد نیاز، هست».

[۸۸] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَا مِنْ عَبْدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا وَيَجْلِسُ عِنْدَ رَأْسِهِ وَعِنْدَ رِجْلَيْهِ ثِنْتَانِ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ تُغَيِّبَانِهِ بِأَحْسَنِ صَوْتٍ سَمِعَهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَلَيْسَ بِمِزْمَارِ الشَّيْطَانِ وَلَكِنْ

بِتَمَجِيدِ اللَّهِ وَتَقْدِيسِهِ»<sup>۱۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «هیچ بنده‌ای [مؤمن] نیست که وارد بهشت شود مگر این که در طرف سر و پاهایش دو حور العین [می‌نشیند و برایش] به بهترین صدایی که انس و جن شنیده‌اند، [موسیقی می‌نوازند و] آواز می‌خوانند و [این ساز و آواز، همچون موسیقی و آواز دنیوی از] ساز شیطان نیست بلکه [همه‌اش حق است و] تمجید و تقدیس خدای متعال می‌باشد».

[۸۹] سند:

قَالَ أَبِي الدَّرْدَاءِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَذْكُرُ النَّاسَ فَذَكَرَ الْجَنَّةَ وَمَا فِيهَا مِنَ الْأَزْوَاجِ وَالنَّعِيمِ وَفِي الْقَوْمِ أَعْرَابِيٌّ فَجَثَا لِرُكْبَتَيْهِ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ سَمَاعٍ؟ قَالَ: «نَعَمْ يَا أَعْرَابِي إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَنَهْرًا حَافَتَاهُ أَبْكَارٌ مِنْ كُلِّ بَيْضَاءٍ يَتَغَنَّيْنَ بِأَصْوَاتٍ لَمْ تَسْمَعْ الخَلَائِقُ بِمِثْلِهَا قَطُّ فَذَلِكَ أَفْضَلُ نَعِيمِ الْجَنَّةِ»<sup>۱۲</sup>

راوی می‌گوید: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): برای مردم از بهشت و همسران و نعمت‌های آن سخن می‌گفتند. مرد بادیه نشینی که در میان جمعیت نشسته بود، بر زانوهای خود

۱۱. مجمع البیان، طبرسی، جلد ۸، صفحه ۴۶۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۹۶؛ المعجم الكبير، جلد ۸، صفحه ۹۵؛ مسند الشاميين، جلد ۲، صفحه ۴۲۳؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۱۶، صفحه ۲۹۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۸۸.  
۱۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۹۶.

بلند شد و گفت: ای رسول خدا آیا در بهشت [نعمت] شنیدنی هم هست؟

حضرت فرمودند: آری ای اعرابی، در بهشت، جویباری است که بر کناره‌هایش دوشیزگانی سفید[رو و سفیدجامه هستند] که با آوازی که آفریدگان هرگز مانند آن را نشنیده‌اند، آواز می‌خوانند. آن [آوازه‌ها] با فضیلت‌ترین نعمت‌های بهشت است.

[۹۰] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «الْجَنَّةُ مِائَةٌ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَةٍ مِنْهَا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْفِرْدَوْسُ أَعْلَاهَا سُمُومًا وَأَوْسَطُهَا مَحَلَّةٌ وَمِنْهَا يَتَفَجَّرُ نَهَارُ الْجَنَّةِ» فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِيَّيَّ رَجُلٌ حُبِّبَ إِلَيَّ الصَّوْتُ فَهَلْ لِي فِي الْجَنَّةِ صَوْتٌ حَسَنٌ؟ فَقَالَ: «إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوحِي إِلَيَّ شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ أَنْ أَسْمِعَ عِبَادِي الَّذِينَ اسْتَغْلَوْا بِعِبَادَتِي وَذَكَرِي عَنْ عَرَفِ الْبِرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ فَتَرْفَعُ صَوْتًا لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ بِمِثْلِهِ قَطُّ مِنْ تَسْبِيحِ الرَّبِّ»<sup>۱۳</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): [در حال سخنرانی برای مسلمانان] فرمودند: «در بهشت صد درجه وجود دارد که بین هر درجه [تا درجه‌ی دیگر] مانند [فاصله‌ی] بین آسمان و زمین است. فردوس، بالاترین جایگاه و مرکزی‌ترین محل [بهشت]

۱۳. مجمع البیان، جلد ۸، صفحه‌ی ۴۱۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۶؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۶، صفحه‌ی ۴۸۷؛ تفسیر ثعلبی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۹۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۹.

است و جویبارهای بهشتی از آن [جا] سرچشمه می‌گیرند.  
مردی [از میان جمعیت] برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا  
من مردی هستم که صدا [و آواز نیکو] را دوست دارم. آیا برای  
من در بهشت [امکان شنیدن و لذت بردن از] آواز نیکو هست؟  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: آری، قسم به کسی  
که جانم در دست [قدرت و اراده‌ی] اوست. خدای تعالی فرمان  
می‌دهد به درختی در بهشت که به بندگانم، که اشتغال به عبادت  
و یاد من آن‌ها را از سرگرم شدن به [صدای] بربطها و نی‌ها [و  
سایر آلات موسیقی] بازداشته، [آواز موسیقی الهی و آواز قدسی  
را] بشنوان.

[آن درخت در پی اجرای این فرمان الهی] صدایی [به موسیقی و  
آواز] بلند می‌کند که آفریدگان هرگز مانند آن را نشنیده‌اند؛  
[محتوای این آوازهای بهشتی] از [جنس] تسبیح پروردگار  
[است].»

[۹۱] سند:

عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ذَاتَ  
يَوْمٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ  
مُلْكًا كَبِيرًا»<sup>۱۴</sup> قَالَ: فَقَالَ لِي إِذَا ادَّخَلَ اللَّهُ أَهْلَ الْحِجَّةِ الْحِجَّةَ أَرْسَلَ  
رَسُولًا إِلَى وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَائِهِ فَيَجِدُ الْحِجْبَةَ عَلَى بَابِهِ فَيَقُولُونَ لَهُ قِفْ

۱۴. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۰.

حَتَّى نَسْتَأْذِنَ لَكَ فَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا يَأْذِنُ وَهُوَ قَوْلُهُ «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»<sup>۱۶، ۱۵</sup>

راوی می‌گوید روزی به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: فدایتان شوم [نظرتان درباره‌ی آیه‌ی] «و چون بدان جا بنگری [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می‌بینی» [چيست؟] فرمودند: «وقتی خداوند بهشتیان را به بهشت در آورد، فرستاده‌ای به سوی دوستی از دوستانش می‌فرستد. [آن فرستاده] بر درگاه [آن بهشتی] دربانانی می‌بیند. به او می‌گویند: بمان تا برای [وارد شدن] اجازه بگیریم. بدین سان فرستاده‌ی پروردگارش [هم] جز با اجازه‌ی وی به حضورش نمی‌رسد. این است سخن او که می‌فرماید: «و چون بدان جا بنگری [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می‌بینی [و چه پادشاهی‌یی از این بزرگتر که فرستاده‌ی خدا هم باید اجازه بگیرد تا بر بهشتی وارد گردد]»

[۹۲] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً مِنَ الشُّهَدَاءِ مَنْ لَهُ أَثْنَا عَشَرَ أَلْفَ زَوْجَةٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَأَرْبَعَةُ أَلْفٍ بَكْرٍ وَأَثْنَا عَشَرَ أَلْفَ ثِيْبٍ. تَخْدُمُ كُلَّ زَوْجَةٍ مِنْهُنَّ سَبْعُونَ

۱۵. همان.

۱۶. معانی الاخبار، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۱۰؛ فضائل الشیعه، ابن بابویه، صفحه‌ی ۷۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۷؛ تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۴۸.

الف خَادِمٍ غَيْرَ أَنَّ الْحُورَ الْعَيْنَ يَضَعُّفُ لَهُنَّ. يَطُوفُ عَلَى جَمَاعَتِهِنَّ  
 فِي كُلِّ أُسْبُوعٍ فَإِذَا جَاءَ يَوْمٌ إِحْدَاهُنَّ أَوْ سَاعَتَهَا اجْتَمَعْنَ إِلَيْهَا  
 يَصَوِّتَنَ بِأَصْوَاتٍ لَا أَصْوَاتٍ أَحَلَى مِنْهَا وَلَا أَحْسَنَ حَتَّى مَا يَبْقَى فِي  
 الْجَنَّةِ شَيْءٌ إِلَّا اهْتَرَزَ لِحُسْنِ أَصْوَاتِهِنَّ يَقُلْنَ أَلَا نَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا  
 نَمُوتُ أَبَدًا وَنَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبْأُسُ أَبَدًا وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا  
 نَسْخَطُ أَبَدًا»<sup>۱۷</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «نزدیک‌ترین اهل بهشت از لحاظ منزلت به شهدا، کسی است که برایش دوازده هزار همسر از حورالعین و چهار هزار زن از دوشیزگان و دوازده هزار زن از غیردوشیزگان است. هر یک از آن زنان را هفتاد هزار خدمتکار، خدمت می‌کنند؛ البته خدمتکاران حورالعین، بیشتر از این مقدار [هفتاد هزار] هستند. [مؤمن در] هر هفته با تمام آن [دوشیزگان و غیردوشیزگان و حورالعین]ها همبستر می‌شود [و از تمامشان کام می‌گیرد]. وقتی نوبت یکی می‌رسد، بقیه [ی زنان و حورالعین‌های بهشتی] در اطرافش جمع می‌شوند و با صدایی که شیرین‌تر و نیکوتر از آن نیست، و هیچ چیز دیگری در بهشت نمی‌باشد مگر از نیکویی آن صداها به لرزش در می‌آید، می‌خوانند: «آگاه باشید که ما جاودانگانی هستیم که هرگز نمی‌میریم و ما تازه‌هایی هستیم که هرگز نمی‌پوسیم و ما خشنودانی هستیم که هرگز ناراضی نمی‌شویم»

۱۷. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۸.



[۹۳] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ جَنَّةً لَمْ يَرَهَا عَيْنٌ وَلَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا مَخْلُوقٌ يَفْتَحُهَا الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ: ازْدَادِي طَيِّبًا ازْدَادِي رِيحًا فَيَقُولُ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱۸، ۱۹</sup>.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «خدای متعال بهشتی آفریده که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ آفریده‌ای بر [چگونگی] آن اطلاع نیافته است. پروردگار تبارک و تعالی هر صبح آن را می‌گشاید و می‌فرماید: «بوی خوش افزون باد». [و آن بهشت] می‌گوید: به راستی که ایمان آوزندگان رستگار شدند. و [این، معنی] آن سخن خدای بلندمرتبه است که: «هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [یاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است».

[۹۴] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ تُوَضَّعُ لَهُمْ مَوَائِدٌ عَلَيْهَا مِنْ سَائِرِ مَا يَشْتَهُونَهُ مِنَ الْأَطْعِمَةِ الَّتِي لَا أَلَذَّ مِنْهَا وَلَا أَطْيَبَ ثَمًّا

۱۸. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۱۹. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۹.

يَرْفَعُونَ عَنْ ذَلِكَ إِلَىٰ غَيْرِهِ»<sup>۲۰</sup>.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «برای اهل بهشت سفره‌هایی گسترده می‌شود که همه‌ی آنچه بخواهند در آن هست. [خوراکی‌هایی که] لذیذتر و خوشبوتر از آن‌ها نیست. سپس [وقتی مؤمن بهشتی، بهره‌ی کاملش را از آن برگرفت] آن سفره را بر می‌چینند تا برای بهشتی دیگری گسترانده شود».

[۹۵] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَوْ أَنَّ حَوْرَاءَ مِنْ حُورِ الْجَنَّةِ أَشْرَفَتْ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَبْدَتْ ذَوَابَّةً مِنْ ذَوَابِّهَا لِأُمَّتِنَ أَهْلَ الدُّنْيَا أَوْ لِأَمَاتَتِ أَهْلَ الدُّنْيَا»<sup>۲۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر حوری از حوریه‌های بهشت بر اهل دنیا سرک بکشد و زلفی از گیسوان او نمایان گردد، اهل دنیا [از لذت فوق العاده‌ی آن] می‌میرند»

[۹۶] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَا خَيْرٌ مَجْزِيٍّ بَعْدَهُ النَّارُ وَلَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَكُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ»<sup>۲۲</sup>

۲۰. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۹.

۲۱. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۹.

۲۲. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۲؛ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جلد ۴، صفحه‌ی

«آنچه [از لذت‌های دنیا که] عاقبتش آتش [سوزان جهنم] است، خیری در آن نیست و آنچه [مشکلات و تلخی‌های دنیا که] عاقبتش بهشت است، شری در آن نیست. هر نعمتی، کمتر از بهشت، کوچک و پست، و هر بلا و گرفتاری‌ای کمتر از آتش، [در حقیقت،] عاقبت است»

[۹۷] سند:

قَالَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَ جَنَّةً لِمَنْ أَطَاعَكَ وَأَعَدَدْتَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ مَا لَا يَخْطُرُ عَلَى الْقُلُوبِ وَوَصَفْتَهَا بِأَحْسَنِ الصِّفَةِ فِي كِتَابِكَ وَشَوَّقْتَ إِلَيْهَا عِبَادَكَ وَأَمَرْتَ بِالْمُسَابَقَةِ إِلَيْهَا وَأَخْبَرْتَ عَنْ سُكْنِهَا وَمَا فِيهَا مِنْ حُورٍ عَيْنٍ كَأَنَّهِنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ وَوِلْدَانٌ كَاللُّؤْلُؤِ الْمَسْثُورِ وَفَاكِهَةٍ وَنَخْلٍ وَرُمَّانٍ وَجَنَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَأَنْهَارٍ مِنْ طَيِّبِ الشَّرَابِ وَسُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ وَ سَلْسَبِيلٍ وَرَحِيقٍ مَخْتُومٍ وَأَسُورَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَشَرَابٍ طَهُورٍ وَمُلْكٍ كَبِيرٍ وَقُلْتَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۲۳، ۲۴</sup>

امام سجاد (علیه السلام) [در مقام دعا] می‌فرماید: «بار خدایا، تو

---

۳۹۲: امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۳۲۰؛ توحید، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۷۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱۹، صفحه‌ی ۳۳۵؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۹.

۲۳. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۲۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۱، صفحه‌ی ۱۳۵.

برای کسی که فرمانت بَرَد، بهشتی آفریدی و در آن، چنان نعمت‌های ماندگاری فراهم آوردی که هیچ کس تصورش را هم نمی‌کند، و آن بهشت را در کتاب [مقدس] به نیکوترین شکل، وصف نمودی و بندگانت را به آن، تشویق کردی و آنان را به پیشی گرفتن به سوی آن فرمان دادی و از ساکنان آن و آنچه در آن بهشت است، خبر دادی؛ از: سیه چشمانی که [از سیمین‌بری] چونان تخم شتر مرغ، [زیر پر] پنهانند و پسرکانی که گویی مرواریدهای پراکنده‌اند و میوه‌ها و خرمائیان و انار و باغ‌های انگور و جویبارانی از نوشیدنی پاک و جامه‌های ابریشمی و دیبای ستنبر، و [چشمه‌ی] سلسبیل و باده‌ی نابِ سر به مهر و دستبند‌های سیمین و شراب پاک و سلطنتی بزرگ و در پی این همه - ای بلند مرتبه‌ی والا - فرمودی: «هیچ کس نمی‌داند چه مایه‌های شادمانی، به پاداش آنچه انجام می‌دادند، برای آنان پنهان شده است».

[۹۸] سند:

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ بِالْقِرَاءَةِ فَقَالَ لَهُ: «... قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَحْيَا لَيْلَةً ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي أَسْكَنُوهُ الْفِرْدَوْسَ وَلَهُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهَى الْأَنْفُسُ وَتَلذُّ الْأَعْيُنُ وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى بَالٍ سِوَى مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْمَزِيدِ وَ

## الْقُرْبَةِ»<sup>۲۵</sup>

امام صادق (علیه السلام) از قول پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) فرمودند: مردی از امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) از [ثواب] شب زنده داری با تلاوت قرآن پرسید. حضرت [بعد از ذکر مطالب مفصل] فرمودند: خداوند بزرگ و والا به فرشتگان می فرماید: «ای فرشتگان من، ببینید که بنده ام یک شب را برای جلب خشنودی من به بیداری و عبادت گذرانده است. او را در فردوس، اسکان دهید. در آن جا برای او صد هزار شهر است که در هر شهری آنچه دل ها هوس می کنند و چشم ها از آن لذت می برند و بر هیچ ذهنی خطور نکرده است، وجود دارد و اینها غیر از کرامت و افزونی و مقام قُربی است که برایش آماده ساخته ام.

[۹۹] سند:

قال علی بن الحسین (علیه السلام): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي وَجَمِيعِ إِخْوَانِي بِكَ مُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ ثَابِتِينَ... وَلِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ وَلِلْفِرْدَوْسِ وَارِثِينَ وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ لِأَبْسِينِ وَعَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِينِينَ وَبِالتَّيْجَانِ الْمُكَلَّلَةِ بِالذُّرِّ وَالْيَوَاقِيتِ وَالرَّبْرِجِدِ مُتَوَجِّحِينَ وَلِلْوُلْدَانِ الْمُحَلِّدِينَ مُسْتَحْدِمِينَ وَ

۲۵. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، جلد ۱، صفحه ۴۷۵؛ امالی، شيخ صدوق، صفحه ۲۹۲؛ جامع الأخبار، شعیری، صفحه ۷۴؛ ثواب الأعمال، شيخ صدوق، صفحه ۴۳؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۶، صفحه ۱۳۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۱۸۶.

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ شَارِبِينَ وَمِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ  
مُزَوَّجِينَ وَفِي نَعِيمٍ الْجَنَّةِ مُقِيمِينَ وَفِي دَارِ الْمَقَامَةِ خَالِدِينَ لَا يَمَسُّهُمْ  
فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ»<sup>۲۶</sup>

حضرت سجاد (علیه السلام) [در مقام دعا] می فرماید: «خدا یا بر محمد و دودمان محمد درود فرست و مرا و همه‌ی برادرانم را باورمند به خودت و پا بر جا در اسلام... و جویای بهشت، و وارث فردوس قرار بده؛ آنان که جامه‌های پرنیان نازک و دیبای ستبر می پوشند و بر تخت‌های بهشتی [تکیه می زنند و تاج‌های مروارید و یاقوت و زبرجد بر سر دارند و پسرکان جاویدان خدمتشان می کنند و با جام‌ها و ابریق‌ها و پیاله‌ای از باده‌ی ناب می نوشند و با سیه چشمان ازدواج می کنند و در ناز و نعمت بهشت، ماندگارند و در سرای ماندگاری جاویدانند و در آنجا هیچ خستگی‌ای بدیشان نمی رسد و هرگز از آنجا بیرون برده نمی شوند».

[۱۰۰] سند:

قال علی (علیه السلام): «الْجَنَّةُ دَارُ الْأَمَانِ»<sup>۲۷</sup>

بهشت، سرای امنیت است. [او هیچ ناامنی در آن راه ندارد و بهشتیان از هر چه آرامش و امنیتشان را بر هم زند، آسوده خاطر هستند]

۲۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۱، صفحه‌ی ۱۲۳.

۲۷. غررالحکم، آمدی، حدیث ۳۹۷؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه‌ی ۱۸، صفحه‌ی ۱۹.

[۱۰۱] سند:

قال علی (علیه السلام): «مَا ضَرَّ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ سَفِكَتْ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ بِصَفِينٍ إِلَّا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءَ يَسِيعُونَ الْغَصَصَ وَيَشْرَبُونَ الرَّنْقَ قَدْ وَاللَّهِ لَقُوا اللَّهَ فَوَفَّاهُمْ أَجُورَهُمْ وَأَحَلَّهُمْ دَارَ الْأَمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ»<sup>۲۸</sup>

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «برادران ما را که خون‌هایشان در [جنگ] صفین ریخته شد چه گزند که امروز زنده نباشند که غصه بخورند و آب‌های تیره بنوشند؟! به خدا سوگند که آنان، به دیدار خدا شتافتند و خداوند، مزدشان را کامل عطایشان فرمود. آنان را که [در این دنیا] بیم داشتند، در سرای امنیت جای داد [و دیگر هیچ چیزی نخواهد توانست امنیت و آرامش آن‌ها را بر هم زند]».

[۱۰۲] سند:

قال علی (علیه السلام): «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا»<sup>۲۹</sup> قَدْ آمَنُوا الْعَذَابَ وَانْقَطَعَ الْعِتَابُ وَزُحِرْحُوا عَنِ النَّارِ وَاطْمَأَنَّتْ بِهِمُ الدَّارُ وَ رَضُوا الْمَثْوَى وَالْقَرَارَ»<sup>۳۰</sup>

۲۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۸۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۳۱، صفحه‌ی ۱۲۷.

۲۹. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۳.

۳۰. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۹۰؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه‌ی ۵۰۷؛ بحار

علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۰۷.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «کسانی که [از پروردگار خود] پروا کردند، گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند» در حالی که از کیفر در امانند و سرزنش نمی‌شوند و از آتش [سوزان جهنم] دور داشته می‌شوند و در سرا‌ی جاویدان و پر ناز و نعمت [بهشت] آرام می‌گیرند و از جایگاه و آرامگاه [همیشگی خود] خشنودند».

[۱۰۳] سند:

قال علی (علیه السلام) لاحنف بن قیس: «لَعَلَّكَ يَا أَحْنَفُ شَعْلَكَ نَظْرُكَ فِي وَجْهِ وَاحِدَةٍ تُبْدِي الْأَسْقَامَ بِعَاضِرَةٍ وَجْهَهَا وَدَارٍ قَدْ اشْتَغَلَتْ بِنَفْسِ رَوَاتِهَا [بِنَقِيشِ رَوَاتِهَا] وَسُورٍ قَدْ عَلَّقَتْهَا وَالرِّيحُ وَالْأَجَامُ مُوَكَّلَةٌ بِثَمَرِهَا وَلَيْسَتْ دَارُكَ هَذِهِ دَارُ الْبَقَاءِ فَأَحْمَتِكَ الدَّارُ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلُؤَةٍ بِيضَاءٍ فَشَقَّقَ فِيهَا أَنْهَارَهَا وَ غَرَسَ فِيهَا أَشْجَارَهَا وَظَلَّلَ عَلَيْهَا بِالنُّضِجِ مِنْ أَثْمَارِهَا وَكَبَسَهَا بِالْعَوَابِقِ مِنْ حُورِهَا ثُمَّ أَسْكَنَهَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ فَلَوْ رَأَيْتَهُمْ يَا أَحْنَفُ وَقَدْ قَدِمُوا عَلَى زِيَادَاتِ رَبِّهِمْ سُبْحَانَهُ فَإِذَا صَرَبَتْ جَنَائِبُهُمْ صَوْتَتْ رَوَاحِلُهُمْ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ السَّامِعُونَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا وَ أَظْلَنَّهُمْ غَمَامَةٌ فَأَمْطَرَتْ عَلَيْهِمُ الْمِسْكَ وَالرَّادِينَ وَصَهَلَتْ خِيُولُهَا بَيْنَ أَعْرَاسِ تِلْكَ الْحِنَانِ وَتَخَلَّلَتْ بِهِمْ نُوقُهُمْ بَيْنَ كَثَبِ الرَّعْفَرَانِ وَتَطَّيُّ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمُ اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ وَاسْتَقْبَلَتْهُمُ قَهَارِمَتُهَا بِمَنَابِرِ الرِّيحَانِ وَتَفَاجَتْ لَهُمْ رِيحٌ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ فَشَرَّتْ عَلَيْهِمُ



الْيَاسِمِينَ وَالْأُقْحُونَ وَذَهَبُوا إِلَى بَابِهَا فَيَفْتَحُ لَهُمُ الْبَابَ رِضْوَانُ ثُمَّ  
سَجَدُوا لِلَّهِ فِي فِتْنَةِ الْجَنَّةِ فَقَالَ لَهُمُ الْجَبَّارُ ارْفَعُوا رُءُوسَكُمْ فَإِنِّي قَدْ  
رَفَعْتُ عَنْكُمْ مَوْنَةَ الْعِبَادَةِ وَأَسْكَنْتُكُمْ جَنَّةَ الرِّضْوَانِ»<sup>۳۱</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به احنف بن قیس فرمودند: «ای احنف شاید نظر تو در ظاهر این باشد که دنیا را پر از نعمت و خوشی مشاهده می‌کنی ولی [آگاه باش که] در باطن، همه‌اش بیماری می‌باشد.

دنیا خانه‌ای است پر از نقش و نگار و رواقی است پر از زرق و برق که پرده‌ها بر آن افکنده‌اند و بادها و گرمی‌ها، میوه‌های آن را رسانیده است، ولی این خانه با همه‌ی اینها جای همیشگی نیست ولی همین دنیا تو را از خانه‌ی آخرت باز داشته است.

خانه‌ی آخرت که از لؤلؤ سفید ساخته شده و نهرها در آن جاری گردیده و درخت‌ها در آن کاشته شده و میوه‌های آن رسیده، و حوریان در آنجا مهیا گشته است، و خداوند، دوستان و مطیعان خود را در آن جای داده است.

ای احنف اگر آن‌ها را مشاهده کنی هنگامی که بر پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند، چگونه بر مرکب‌هایی سوار می‌شوند که کسی مانند آن‌ها را ندیده است، صداهایی از آن مرکب‌ها شنیده می‌شود که کسی مانند آن صداها را نشنیده است.

ابرهایی بر آن‌ها سایه می‌افکنند و باران‌هایی از مشک و زعفران بر آن‌ها ریزش می‌کنند و فریاد و شیهه‌ی اسب‌های آن‌ها در

---

۳۱. صفات الشیعه، ابن بابویه، صفحه‌ی ۳۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۵، صفحه‌ی ۱۷۲.

میان کشتزارهای بهشت بلند می‌باشد، شترهای آنها از میان تپه‌هایی از زعفران عبور می‌کنند، و قدم‌های آنها در میان لؤلؤ و مرجان جای دارند.

کارگزاران از آنها استقبال می‌کنند و دسته‌هایی از گل برای آنها می‌آورند و بادی از طرف عرش وزیدن می‌گیرد و بوهای یاسمین بر آنها نثار می‌کند، آنها به طرف بهشت می‌روند و رضوان [که خزانه‌دار بهشت است،] در بهشت را برای آنها باز می‌کند، و آنها در آنجا خداوند را سجده می‌کنند. در این هنگام خداوند متعال به آنها خطاب می‌کند: سرهای خود را بلند کنید که من سختی‌های عبادت را از شما برداشتم و شما را در بهشت رضوان جای دادم»

[۱۰۴] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَانْجُوا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي وَتَقَسَّمُوا الْجَنَّةَ بِأَعْمَالِكُمْ فَوَعِزَّتِي لِأَنْزَلْتَكُمْ دَارَ الْخُلُودِ وَدَارَ الْكِرَامَةِ. فَإِذَا دَخَلُوهَا صَارُوا عَلَى طُولِ آدَمَ سِتِّينَ ذِرَاعًا وَعَلَى مَلَدِ عِمْسَى ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً وَعَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ الْعَرَبِيَّةِ وَعَلَى صُورَةِ يَوْسُفَ فِي الْحُسْنِ ثُمَّ يَعْلُو وَجُوهَهُمُ الثُّورُ وَعَلَى قَلْبِ أَيُّوبَ فِي السَّلَامَةِ مِنَ الْغِلِّ»<sup>۳۲</sup>.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «همانا پروردگار تبارک و تعالی

۳۲. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۵۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۱۸.

[به بهشتیان] می‌فرماید: به [واسطه‌ی] رحمتم وارد بهشت شوید و [به واسطه‌ی] عقوم از آتش نجات یابید و بهشت را با کارهایتان تقسیم کنید. به عزتم قسم می‌خورم که شما را در سرای جاودانگی و کرامت، منزل دهم.

[پس از این خطاب،] بهشتیان وارد بهشت می‌شوند به قامت [حضرت] آدم [ابوالبشر (علیه‌السلام)]، شصت ذراع و به سن [حضرت] عیسی [بن مریم (علیه‌السلام)]، سی و سه ساله و به زبان [حضرت] محمد [بن عبد الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)]، یعنی [عربی و به صورت] [حضرت] یوسف [ (علیه‌السلام)] در زیبایی که نور از چهره‌شان می‌بارد و با قلب [ی] چون قلب حضرت [ایوب] (علیه‌السلام) در سالم بودن از کینه».

[۱۰۵] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ أَرْضَ الْجَنَّةِ رُخَامًا فَضَّةً وَ تُرَابَهَا الْوَرْسُ وَالزَّعْفَرَانُ وَ كُنُسُهَا الْمِسْكُ وَ رَضْرَا ضُهَا الدُّرُّ وَالْيَاقُوتُ»<sup>۳۳</sup>  
امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «زمین بهشت، سنگ‌های مرمرش نقره است و خاکش ورس (= اسپرک) و زعفران است و خاکروبه‌اش، مشک است و سنگریزه‌هایش، دُر و یاقوت‌اند».

[۱۰۶] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ أَسْرَتَهَا مِنْ دُرٍّ وَ يَاقُوتٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُ

۳۳. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۱۸.

اللَّهُ: «عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ»<sup>۳۴</sup> يَعْنِي أَوْسَاطَ السُّرُرِ مِنْ قُضْبَانِ الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ مَضْرُوبَةً عَلَيْهَا الْحِجَالُ وَالْحِجَالُ مِنْ دُرٍّ وَيَاقُوتٍ أَخَفَّ مِنَ الرَّيشِ وَالرَّيشِ مِنَ الْحَرِيرِ وَعَلَى السُّرُرِ مِنَ الْفُرُشِ عَلَى قَدْرِ سِتِّينَ غُرْفَةً مِنْ غُرَفِ الدُّنْيَا بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «وَ فُرُشٌ مَرْفُوعَةٌ»<sup>۳۵</sup> وَقَوْلُهُ: «عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ»<sup>۳۶</sup> يَعْنِي بِالْأَرَائِكِ السُّرُرَ الْمَوْضُونَةَ عَلَيْهَا الْحِجَالُ»<sup>۳۷</sup>.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «تخت‌های بهشت از در و یاقوت است و آن، [در این] سخن خدا [ای متعال، آمده] است: «[بهشتیان] بر تخت‌هایی جواهرنشان [تکیه می‌زنند]» یعنی در وسط تخت‌ها، ستون‌هایی از در و یاقوت است که بر آن حجله‌هایی زده [و نصب] شده است. و آن حجله‌ها از در و یاقوت است که از پیر [پیرندگان] سبک‌تر و از ابریشم، نرم‌تر می‌باشد بر آن تخت‌ها، فرش‌هایی است به مقدار [فرش کردن] شصت اتاق از اتاق‌های [یک منزل در] دنیا که بعضی بالای بعضی دیگر قرار گرفته است. و آن، [در این] سخن خدا [ای متعال، آمده] است: «بسترهای بلند» و [همچنین در این] سخن خدا [ای متعال، آمده] است: «بر تختها [نشسته] می‌نگرند» این [کلمه‌ی] تخت‌ها [در این آیه] به معنی [همان] تخت‌های جواهر نشان است که بر آن

۳۴. سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۱۵.

۳۵. سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۳۴.

۳۶. سوره‌ی مطففین، آیه‌ی ۲۳ و ۳۵.

۳۷. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۱۹.

حجله‌هایی [بر پا شده] است».

[۱۰۷] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ تَجْرِي فِي غَيْرِ أَخْدُودٍ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ التَّلَاجِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَاللَّيْنِ مِنَ الزُّبْدِ طِينُ النَّهْرِ مَسْكٌ أَذْفَرُ وَحَصَاهُ الدُّرُّ وَالْيَاقُوتُ تَجْرِي فِي عُيُونِهِ وَأَنْهَارِهِ حَيْثُ يَسْتَهَيُّ وَيُرِيدُ فِي جَنَانِهِ وَلِيَ اللَّهُ فَلَوْ أَصَافَ مَنْ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَأَوْسَعَهُمْ طَعَاماً وَشَرَاباً وَحُلَلاً وَحُلِيّاً لَأَيُنْقِصُهُ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ»<sup>۳۸</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «جویبارهای بهشت در شیارها جاری نیستند و از برف، سفیدتر و از عسل، شیرین‌تر و از خامه [یا مسکه] نرم‌ترند. گیل جویبارها مشکى ناب است و ریگ‌هایش دُر و یاقوت‌اند و در چشمه‌ها و جویبارهایش تا هر کجا که ولی خدا بخواهد و اراده کند، روان می‌شوند. اگر [مؤمن بهشتی] اهل دنیا را از جن و انس میهمان کند، می‌تواند به همه‌ی آن‌ها خوراک و نوشیدنی بدهد و بر همه‌ی آنان جامه و زیور بپوشاند، بی آن که چیزی از او کم شود».

[۱۰۸] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ نَخْلَ الْجَنَّةِ جُدُوعَهَا

۳۸. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۱۹.

ذَهَبٌ أَحْمَرٌ وَكَرْبُهًا زَبْرَجْدٌ أَحْضَرٌ وَشَمَارِيحُهَا دُرٌّ أَبْيَضٌ وَسَعْفُهَا  
حُلَلٌ خَضِرٌ وَرُطْبُهَا أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الْفِضَّةِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَالْيَنْ  
مِنَ الرَّيْدِ لَيْسَ فِيهِ عُجْمٌ طُولُ الْعَدْقِ اثْنَا عَشَرَ ذِرَاعًا مَنْصُودَةً مِنْ  
أَعْلَاهُ إِلَى أَسْفَلِهِ لَا يُؤْخَذُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَعَادَهُ اللَّهُ كَمَا كَانَ وَذَلِكَ  
قَوْلُ اللَّهِ «لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ» وَإِنَّ رُطْبَهَا لَأَمْثَالُ الْقَلَالِ وَ  
مَوْزَهَا وَرُمَّانَهَا أَمْثَالُ الدُّلِيِّ وَأَمْشَاطُهُمُ الذَّهَبُ وَمَجَامِرُهُمُ الدُّرُّ<sup>۳۹</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «نخل های بهشت،  
تنه هایشان زر سرخ، زیر شاخه هایشان زبرجد سبز،  
سرشاخه هایشان در سفید، شاخه هایشان حله های سبز و  
رطب هایشان سفیدتر از سیم و شیرین تر از عسل و نرم تر از خامه  
است و هسته ندارد.

طول [هر] خوشه [ی آن]، دوازده گز است که از بالا به پایین چیده  
شده اند و هر خوشه ای که از آن برگرفته شود، خداوند آن را به  
حال اولش باز می گرداند و این همان سخن خداست که  
«[میوه های بهشتی] نه بریده [است] و نه ممنوع» رطب هایش به  
اندازه ی خمره و موز و انارش به اندازه ی دلو (= سطل) است و  
شانها و عودسوزهایش [از] در هستند».

[۱۰۹] سند:

۳۹. اختصاص، شیخ مفید، صفحه ۳۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۲۱۹؛  
المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه ۵۱۷؛ الفردوس، جلد ۴، صفحه  
۲۸۸.

قال النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ»؛<sup>٤٠</sup> «يَعْنِي وَحُسْنُ مَرْجِعٍ فَأَمَّا طُوبَى فَإِنَّهَا شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ سَاقُهَا فِي دَارِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَلَوْ أَنَّ طَائِرًا طَارَ مِنْ سَاقِهَا لَمْ يَبْلُغْ فَرْعَهَا حَتَّى يَقْتُلَهُ الْهَرَمُ عَلَى كُلِّ وَرْقَةٍ مِنْهَا مَلَكٌ يَذْكُرُ اللَّهَ وَلَيْسَ فِي الْجَنَّةِ دَارٌ إِلَّا وَفِيهِ غُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهَا وَإِنَّ أَعْصَانَهَا لَتُرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ يَحْمِلُ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ مِنْ حُلِيِّهَا وَحُلِيِّهَا وَثِمَارِهَا لَا يُؤَخِّدُ مِنْهَا شَيْءٌ إِلَّا أَعَادَهُ اللَّهُ كَمَا كَانَ»<sup>٤١</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال «خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند» فرمودند: [حسن مآب] یعنی بازگشتگاه نیکو و اما [معنی] طوبی، آن درختی است در بهشت که ساقش در خانه‌ی [حضرت] محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قرار دارد و اگر پرنده‌ای از ساقش برپرد، به شاخه‌اش نمی‌رسد مگر آنکه از شدت پیری و سالخوردگی می‌میرد. بر هر برگ از آن، فرشته‌ای [نشسته که] خدا را ذکر می‌گوید. هیچ خانه‌ای در بهشت نیست مگر اینکه شاخه‌ای از شاخه‌های آن [درخت طوبی] در آن [خانه] است و شاخه‌هایش از پشت دیوار بهشت دیده می‌شود. هر چه [بهشتیان] بخواهند از زیورآلات و لباس‌ها و میوه‌ها را برایشان می‌آورد. هیچ چیزی از آن گرفته نمی‌شود مگر آن که خدا آن را به جایش بر می‌گرداند، همانطور که

٤٠. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ٢٩.

٤١. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ٣٥٨؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ٢١٩.

بوده است».

[۱۱۰] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ جُرْدٌ مُرْدٌ مُكْحَلِينَ مُكَلِّينَ مُطَوَّقِينَ مُسَوَّرِينَ مُحْتَمِينَ نَاعِمِينَ مَحْبُورِينَ مُكْرَمِينَ يُعْطَى أَحَدُهُمْ قُوَّةَ مِائَةِ رَجُلٍ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَالشَّهْوَةِ وَالْجِمَاعِ قُوَّةَ غِذَائِهِ قُوَّةَ مِائَةِ رَجُلٍ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَيَجِدُ لَذَّةَ غِذَائِهِ مِقْدَارَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَذَّةَ عَشَائِهِ مِقْدَارَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَدْ الْبَسَ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ النُّورَ وَأَجْسَادَهُمُ الْحَرِيرَ بَيْضَ الْإِلْوَانِ صُفْرَ الْحَلِيِّ خُضْرَ الثِّيَابِ»<sup>٤٢</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «اهل بهشت، بدن‌ها و صورت‌هایی بدون مو [و ریش و سبیل] دارند، چشمانی سرمه کشیده [دارند]، تاج بر سر [می‌نهند]، طوق بر گردن [می‌آویزند]، دستبند بر دست [می‌بندند]، و انگشتری در انگشتان خویش دارند. راحتند، شادند، گرمی‌اند. به هر کدام [از بهشتیان]، توانایی صد مرد در خوردن و آشامیدن و شهوت و نزدیکی داده می‌شود. قوت [و انرژی] غذایش [به اندازه‌ی] بهره‌ی صد مرد از غذا و نوشیدنی است. لذت [آنچه در] صبح [خورده و آشامیده] را چهل سال [در خود] می‌یابد و لذت [آنچه در] شام [خورده و آشامیده] را [نیز] چهل سال می‌یابد. خدای [متعال] صورت‌هایشان را با نور و بدن‌هایشان را با حریر پوشانده است. رنگ [بدنشان] سفید و

٤٢. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ٣٥٨؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ٢٢٠.



[رنگ] زیورآلاتشان زرد و [رنگ] لباسشان سبز [است].

[۱۱۱] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَكْثَرُ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ الْكَوْثَرُ تَنْبُتُ الْكَوْاعِبُ الْأَثْرَابُ عَلَيْهِ يَزُورُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>٤٣</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «بیشترین [یا بزرگترین] نهر بهشت، «کوثر» است. دخترکان نورسیده‌ی همسال، بر [کناره‌های] آن [مانند گل‌های کنار جویبارها] می‌رویند. دوستان خدا در روز قیامت به دیدن آن [نهر و آن دخترکان زیبا] می‌روند [و چقدر از تماشای این منظره، لذت می‌برند].»

[۱۱۲] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَا فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةٌ إِلَّا وَوَسَاقُهَا مِنْ ذَهَبٍ»<sup>٤٤</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هیچ درختی در بهشت نیست مگر اینکه تنه‌اش از طلا [ی ناب] است.»

[۱۱۳] سند:

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ: حَمَلْتُ مَتَاعِي مِنَ الْبَصْرَةِ إِلَى مِصْرَ فَقَدِمْتُهَا

---

٤٣. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ٣٤٨؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٤٧.  
٤٤. روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ٥٥٤؛ سنن ترمذی، جلد ٤، صفحه‌ی ٦٧١؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ١٤، صفحه‌ی ٤٥٦.

فَبَيْنَمَا أَنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذَا أَنَا بِشَيْخٍ طَوِيلٍ شَدِيدِ الْأَدَمَةِ أَبْيَضِ  
الرَّأْسِ وَاللِّحْيَةِ عَلَيْهِ طِمْرَانٍ أَحَدُهُمَا أَسْوَدُ وَالْآخَرُ أَبْيَضُ فَقُلْتُ: مَنْ  
هَذَا؟

فَقَالُوا: هَذَا بِلَالٌ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَأَخَذْتُ  
الوَاحِأَ فَأَتَيْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ.  
فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ.

فَقُلْتُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ وَأَخْبِرْنِي فَإِنِّي فَقِيرٌ مُحْتَاجٌ وَأَدِّ إِلَيَّ مَا  
سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَإِنَّكَ قَدْ رَأَيْتَهُ وَ  
لَمْ أَرَهُ وَصِفْ لِي كَيْفَ وَصَفَ لَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِنَاءَ الْجَنَّةِ.

فَقَالَ: أَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله  
عليه وآله وسلم) يَقُولُ: إِنَّ سُورَةَ الْجَنَّةِ لَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبِنَةٌ مِنْ  
فِضَّةٍ وَ لَبِنَةٌ مِنْ يَاقُوتٍ وَ مِلَاطُهَا الْمَسْكُ الْأَذْفَرُ وَ شُرْفُهَا الْيَاقُوتُ  
الْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَصْفَرُ.

قُلْتُ: فَمَا أَبْوَابُهَا؟

قَالَ: إِنَّ أَبْوَابَهَا مُخْتَلِفَةٌ بِأَبِ الرَّحْمَةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حُمْرَاءَ.

قُلْتُ: فَمَا حَلَقَتُهُ؟

قَالَ: أَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَابُ الصَّبْرِ فَبَابٌ صَغِيرٌ  
مِصْرَاعٌ وَاحِدٌ مِنْ يَاقُوتَةٍ حُمْرَاءَ لَا حَلَقَ لَهُ وَ أَمَّا بَابُ الشُّكْرِ فَإِنَّهُ مِنْ  
يَاقُوتَةٍ بَيْضَاءَ لَهَا مِصْرَاعَانِ مَسِيرَةٌ مَا بَيْنَهُمَا مَسِيرَةُ خَمْسِمِائَةٍ عَامٍ  
لَهُ صَجِيجٌ وَ حَيْنٌ يَقُولُ: اللَّهُمَّ جَنِّي بِأَهْلِي.

قُلْتُ: هَلْ يَتَكَلَّمُ الْبَابُ؟

قَالَ: نَعَمْ يَنْطِقُهُ اللَّهُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَمَّا بَابُ الْبَلَاءِ

قُلْتُ: أَلَيْسَ بَابُ الْبَلَاءِ هُوَ بَابُ الصَّبْرِ؟

قَالَ: لَا. قُلْتُ: فَمَا الْبَلَاءُ؟

قَالَ: الْمَصَائِبُ وَالْأَسْقَامُ وَالْأَمْرَاضُ وَالْجُدَامُ وَهُوَ بَابٌ مِنْ يَأْقُوتَةَ

صَفْرَاءَ مِصْرَاعٍ وَاحِدٌ مَا أَقَلَّ مَنْ يَدْخُلُ فِيهِ.

قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ زِدْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فَإِنِّي فَاقِيرٌ.

فَقَالَ: أَمَّا الْبَابُ الْأَعْظَمُ فَيَدْخُلُ مِنْهُ الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ وَهُمْ أَهْلُ

الرُّهْدِ وَالْوَرَعِ وَالرَّائِغُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْمُسْتَأْذِنُونَ بِهِ.

قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَإِذَا دَخَلُوا الْجَنَّةَ فَمَاذَا يَصْنَعُونَ؟

قَالَ: يَسِيرُونَ عَلَى نَهْرَيْنِ فِي مَاءٍ صَافٍ فِي سُنْفِنِ الْيَاقُوتِ مَجَازِيْفُهَا

اللُّؤْلُؤُ فِيهَا مَلَائِكَةٌ مِنْ نُورٍ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ خُضِرَ شَدِيدَةٌ خُضِرَتْهَا

قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ هَلْ يَكُونُ مِنَ النُّورِ أَحْضَرٌ؟

قَالَ: إِنَّ الثِّيَابَ هِيَ خُضِرٌ وَلَكِنْ فِيهَا نُورٌ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ

جَلَالُهُ لِيَسِيرُوا عَلَى حَافَتَيْ ذَلِكَ النَّهْرِ

قُلْتُ: فَمَا اسْمُ ذَلِكَ النَّهْرِ؟

قَالَ: جَنَّةُ الْمَأْوَى.

قُلْتُ: هَلْ وَسَطُهَا غَيْرُهَا؟

قَالَ: نَعَمْ جَنَّةُ عَدْنٍ وَهِيَ فِي وَسْطِ الْجَنَانِ وَأَمَّا جَنَّةُ عَدْنٍ فَسُورُهَا

يَأْقُوتُ أَحْمَرٌ وَحَصَاهَا اللَّوْلُؤُ.

فَقُلْتُ: وَهَلْ فِيهَا غَيْرُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ سُورُهَا؟ قَالَ: سُورُهَا نُورٌ  
قُلْتُ: مَا الْغُرْفُ الَّتِي فِيهَا؟ قَالَ: هِيَ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَزَّ وَجَلَّ.  
قُلْتُ: زِدْنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ. قَالَ: إِلَى هَذَا انْتَهَى بِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله  
عليه وآله وسلم). طُوبَى لَكَ إِنْ أَنْتَ وَصَلْتَ إِلَى مَا لَهُ هَذِهِ الصِّفَةُ وَ  
طُوبَى لِمَنْ يُؤْمِنُ بِهِذَا.  
قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَا وَاللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِهِذَا قَالَ: وَيَحْكُ إِنَّهُ مَنْ  
يُؤْمِنُ بِهِذَا أَوْ يَصِدِّقُ بِهِذَا الْحَقِّ وَالْمِنْهَاجِ لَمْ يَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي  
زِينَتِهَا وَحَاسَبَ نَفْسَهُ بِنَفْسِهِ.<sup>٤٥</sup>

عبد الله بن علی گوید کلاایی از بصره به مصر می‌برد. در راه به  
پیرمردی بلندقد و گندم‌گون که سر و ریشش سفید بود و دو جامه  
- یکی سیاه و دیگری سفید - در برداشت برخوردیم.  
پرسیدم: این کیست؟ گفتند: بلال، مؤذن رسول خدا  
(صلى الله عليه وآله وسلم) است.

دفترهای خود را برداشتم و نزدش آمدم و گفتم: السلام عليك  
ای شیخ. جوابم را داد. گفتم: بر من تفضل کن و خبر ده که من  
محتاجم. به من برسان آنچه را از رسول خدا  
(صلى الله عليه وآله وسلم): شنیدی زیرا تو او را دیدی و من ندیدم.  
برای من بهشت را چنان وصف کن که رسول خدا  
(صلى الله عليه وآله وسلم): برایت وصف کرده است.

[جناب بلال] گفت: بنویس به نام خدای بخشنده‌ی مهربان. از

٤٥. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جلد ١، صفحات ٢٩٣ تا ٢٩٧.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): شنیدم می فرمود: بهشت، یک خشتش از طلا و خشت دیگر از نقره و خشت دیگر از یاقوت است و ملاطش مشک بسیار خوشبو و کنگره هایش از یاقوت سرخ و سبز و زرد است، و در هایش گوناگون اند. اما در صبر، دری است کوچک [و] یک لنگه و از یاقوت سرخ است و حلقه ندارد. در شکر از یاقوت سفید است، دو لنگه دارد و میان آن ها پانصد سال راه است و غوغا و ناله ای دارد، می گوید: بار خدایا اهل مرا برابیم بیاور.

گفتم آیا در هم سخن می گوید؟

فرمود: آری خدای ذو الجلالش به سخن در می آورد. در بلا... [سخنش را قطع کردم و] گفتم: مگر در صبر، همان در بلا نیست؟

گفت: نه. گفتم: بلا چیست؟ گفت: مصائب و دردها و بیماری ها و خوره و آن [در بلا] دری از یاقوت زرد و یک لنگه است و اندکند کسانی که از آن [به بهشت] در آیند.

اما بزرگترین در، بندگان شایسته از این در وارد می شوند؛ یعنی اهل زهد و ورع و مشتاقان خدای بلند مرتبه و انس گیرندگان با او.

گفتم: خدا رحمتت کند وقتی به بهشت در آیند چه کنند؟

فرمود: بر کشتی هایی از یاقوت [سوار می شوند و بر] روی دو نهر سیر کنند [در حالی] که پاروهایی از لؤلؤ دارند. فرشتگانی در آن [کشتی] ها باشند از [جنس] نور و جامه های بسیار سبز در

بردارند.

گفتم: رحمت خدا بر تو باد! مگر نور هم سبز دارد؟!  
گفت: جامه‌ها سبزند و نور از پرتو رب العالمین جل جلاله است.  
بر دو کناره‌ی نهر گردش کنند.

گفتم: نام آن نهر چیست؟ گفت: جنة المأوی.  
گفتم: [جنة المأوی] در میان چیز دیگری است؟ گفت: آری [در  
میانه‌ی] جنت عدن که میانه بهشت‌هاست. جنت عدن بارویی  
دارد از یاقوت سرخ و ریگ آن لؤلؤ است.

گفتم: باز هم برایم بگو که رحمت خدا بر تو باد. گفت: [بیش از  
این نمی‌دانم چون] تا اینجا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):  
بیان فرموده است. خوشا بر تو اگر به برخی از این [نعمت‌ها و  
کرامت‌هایی] که وصف شد بررسی و خوشا بر کسی که بدان  
معتقد باشد.

گفتم: خدایت رحمت کند! به خدا من از معتقدان به آن هستم.  
گفت: وای بر تو [که خودت را با خیال ایمان به بهشت و دوزخ  
فریب می‌دهی در حالی که به واقع، به آن ایمان نداری] کسی که  
ایمان آورد و این حقیقت و روش را باور کند، به دنیا و زیور آن  
رغبت نکند و حساب خود را نگهدارد.

[۱۱۴] سند:

عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ»<sup>٤٦</sup> قَالَ: «هُنَّ صَوَالِحُ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَارِفَاتِ» قَالَ قُلْتُ: «حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ»<sup>٤٧</sup> قَالَ: «الْحُورُ هُنَّ الْبَيْضُ الْمَضْمُومَاتُ الْمُخَدَّرَاتُ فِي خِيَامِ الدَّرِّ وَالْيَقُوتِ وَالْمَرْجَانِ لِكُلِّ خِيْمَةٍ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ سَبْعُونَ كَاعِبًا حُجَّابًا لَهُنَّ وَيَأْتِيهِنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ كِرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرَهُ لِيُبَشِّرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>٤٨</sup>

راوی می‌گوید از امام صادق (علیه‌السلام) درباره‌ی این سخن خدای عز و جل «در آنجا [یعنی بهشت، همسرانی] نکوخواهی نکوریند» پرسیدم؛ فرمودند: «آنان صالح و مؤمن و خداشناس هستند»

گفتم: [پس معنی این سخن خدای تعالی:] «سیاه چشمانی پرده نشین در سرپرده‌ها» [چیست؟]

فرمودند: «سیاه چشمان، دخترکان سیمین بر جمع شده و نگهداری شده در سرپرده‌هایی از دُر و یاقوت و مرجانند. هر سرپرده‌ای چهار در دارد، و بر هر دری هفتاد دخترک نورسیده‌ی نارپستان، درباری آنان می‌کنند و در هر روز، کرامتی از جانب خدای عز و جل نزدشان می‌آید تا خداوند با آنان به مؤمنان، مژده دهد.»

[۱۱۵] سند:

٤٦. سوره‌ی رحمان، آیه‌ی ٧٠.

٤٧. سوره‌ی رحمان، آیه‌ی ٧٢.

٤٨. کافی، محدث کلینی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٥٦؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی ١٦١.

قَالَ الْبَاقِر (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَحْيَوْنَ فَلَا يَمُوتُونَ أَبَدًا وَ  
يَسْتَقِظُونَ فَلَا يَنَامُونَ أَبَدًا وَ يَسْتَعْنُونَ فَلَا يَفْتَقِرُونَ أَبَدًا وَ  
يَفْرَحُونَ فَلَا يَحْزَنُونَ أَبَدًا وَ يَضْحَكُونَ فَلَا يَبْكُونَ أَبَدًا وَ يَكْرُمُونَ فَلَا  
يَهَانُونَ أَبَدًا وَ يَفْكَهُونَ وَ لَا يَقْطُبُونَ أَبَدًا وَ يَجْرُونَ وَ يَسْرُونَ أَبَدًا وَ  
يَأْكُلُونَ فَلَا يَجُوعُونَ أَبَدًا وَ يَرَوُونَ فَلَا يَظْمُونَ أَبَدًا وَ يَكْسُونَ فَلَا  
يَعْرُونَ أَبَدًا وَ يَرْكَبُونَ وَ يَتَزَاوَرُونَ أَبَدًا وَ يَسْلِمُ عَلَيْهِمُ الْوَالِدَانُ  
الْمُحَلَّدُونَ أَبَدًا بِأَيْدِيهِمْ أَبَارِيقُ الْفِضَّةِ وَ آيَةُ الذَّهَبِ أَبَدًا مُتَّكِنِينَ  
عَلَى سُرُرٍ أَبَدًا عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ أَبَدًا يَأْتِيهِمُ التَّحِيَّةُ وَ التَّسْلِيمُ  
مِنَ اللَّهِ أَبَدًا نَسَأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>٤٩</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «اهل بهشت، همیشه زنده‌اند و هرگز نمی‌میرند. همیشه بیدارند و هرگز نمی‌خوابند. همیشه ثروتمندند و هرگز فقیر و نادر نمی‌شوند. همیشه شادند و هرگز غمگین نمی‌شوند. همیشه خندان‌اند و هرگز گریه نمی‌کنند. همیشه ارجمندند و هرگز اهانت نمی‌بینند. همیشه گشاده‌رویند و هرگز اخم نمی‌کنند. همیشه خوشحال و مسرورند [و هرگز دلتنگ و افسرده نمی‌شوند]. می‌خورند و هرگز گرسنه نمی‌شوند. می‌نوشند و هرگز تشنه نمی‌شوند. همیشه جامه برتن دارند و هرگز برهنه نمی‌مانند. همیشه سوار [مركب‌های عالی] می‌شوند و به دیدار هم می‌روند. همیشه پسرانی جاودانه - که در دستشان همیشه کوزه‌هایی از نقره و ظرف‌هایی از طلاست - بر ایشان

٤٩. اختصاص، شیخ مفید، صفحه ٣٥٨؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه ٢٢٠.



درود می‌فرستند. همیشه بر تخت‌ها نشسته و بر پشتی‌ها تکیه زده‌اند و به یکدیگر می‌نگرند. همیشه از جانب خداوند، بر ایشان درود و سلام فرستاده می‌شود. از خداوند، بهشت را درخواست می‌کنیم، به حق رحمتش که او بر هر چیزی تواناست»

[۱۱۶] سند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فِي مَسَائِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ. قَالَ:  
يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ مَا هِيَ؟  
قَالَ: «يَا ابْنَ سَلَامٍ لَبْنٌ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَخَمْرٌ وَعَسَلٌ مُصَفَّى وَمَاءٌ  
غَيْرُ آسِينٍ»

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَجَامِدَةٌ هِيَ أَمْ جَارِيَةٌ؟ قَالَ: «بَلْ جَارِيَةٌ بَيْنَ  
أَشْجَارِهَا»

قَالَ: فَهَلْ تَنْقُصُ أَمْ تَزِيدُ؟ قَالَ: «لَا يَا ابْنَ سَلَامٍ»  
قَالَ: فَهَلْ لِدَلِكِ مَثَلٌ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: «نَعَمْ». قَالَ: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: «يَا  
ابْنَ سَلَامٍ انظُرْ إِلَى الْبِحَارِ تُمَطِّرُ فِيهَا السَّمَاءُ وَتَمُدُّهَا الْأَنْهَارُ مِنَ  
الْأَرْضِ فَلَا تَزِيدُ وَلَا تَنْقُصُ»

قَالَ صَفٌّ لِي أَنْهَارِ الْجَنَّةِ. قَالَ: «يَا ابْنَ سَلَامٍ فِي الْجَنَّةِ نَهْرٌ يُقَالُ لَهُ  
الْكُوْتْرُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبُ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ وَالْعَنْبَرِ حَصَاهُ الدُّرُّ  
الْيَاقُوتُ عَلَيْهِ خِتَامٌ مِنَ اللُّوْلُؤِ الْأَبْيَضِ وَهُوَ مَنْزِلُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى».  
قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَصَفِّ لِي أَشْجَارَ الْجَنَّةِ. قَالَ: «فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةٌ  
يُقَالُ لَهَا طُوبَى أَصْلُهَا مِنْ دُرٍّ وَأَعْصَانُهَا مِنَ الزَّبْرِجَدِ وَثَمَرُهَا الْجَوْهَرُ

لَيْسَ فِي الْجَنَّةِ غُرْفَةٌ وَلَا حُجْرَةٌ وَلَا مَوْضِعٌ إِلَّا وَهِيَ مُتَدَلِّيَةٌ عَلَيْهِ»  
 قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَهَلْ فِي الدُّنْيَا لَهَا مِنْ مَثَلٍ؟ قَالَ: «نَعَمْ»  
 الشَّمْسُ الْمَشْرِقَةُ تُشْرِقُ عَلَى بَقَاعِ الدُّنْيَا وَلَا يَجْلُو مِنْ شُعَائِهَا  
 مَكَانٌ»

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَهَلْ فِي الْجَنَّةِ رِيحٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ يَا ابْنَ سَلَامٍ»  
 فِيهَا رِيحٌ وَاحِدَةٌ خُلِقَتْ مِنْ نُورٍ مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا الْحَيَاةُ وَاللَّذَاتُ يُقَالُ  
 لَهَا الْبَهَاءُ فَإِذَا اسْتَأَقَ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَنْ يَزُورُوا رَبَّهُمْ هَبَّتْ تِلْكَ الرِّيحُ  
 عَلَيْهِمُ الَّتِي لَمْ تُخْلَقْ مِنْ حَرٍّ وَلَا مِنْ بَرْدٍ بَلْ خُلِقَتْ مِنْ نُورِ الْعَرْشِ  
 تَتَفَخُّ فِي وُجُوهِهِمْ فَتَبِيحِي وُجُوهِهِمْ وَتَطْيِبُ قُلُوبَهُمْ وَيَزِدُّونَ نُورًا  
 عَلَى نُورِهِمْ وَتَضْرِبُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ وَتَجْرِي الْأَنْهَارُ وَتُسَبِّحُ الْأَشْجَارُ وَ  
 تُغَرِّدُ الْأَطْيَارُ فَلَوْ أَنَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قِيَامًا يَسْمَعُونَ مَا فِي  
 الْجَنَّةِ مِنْ سُرُورٍ وَطَرَبٍ لَمَاتَ الْخَلَائِقُ شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَلَائِكَةُ  
 يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مُحْكَمِ  
 كِتَابِهِ الْعَزِيزِ «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»<sup>٥٠</sup> «سَلَامٌ  
 عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>٥١</sup>

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَرْضِ الْجَنَّةِ مَا هِيَ؟ قَالَ: «يَا ابْنَ  
 سَلَامٍ أَرْضُهَا مِنْ ذَهَبٍ وَتُرَابُهَا الْمِسْكُ وَالْعَنْبَرُ وَرَضْرَا ضُهَا الدُّرُورُ  
 الْيَاقُوتُ وَسَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ»

٥٠. سورهی زمر، آیهی ٧٣.

٥١. سورهی رعد، آیهی ٢٤.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ كَيْفَ يَصْرِفُونَ مَا يَأْكُلُونَ مِنْ ثِمَارِهَا وَكَيْفَ يُخْرَجُ مِنْ أَجْوَابِهِمْ؟ قَالَ: «يَا ابْنَ سَلَامٍ لَيْسَ يُخْرَجُ مِنْ أَجْوَابِهِمْ شَيْءٌ بَلْ عَرَقًا صَبًّا أَطْيَبَ مِنَ الْمَسْكِ وَأَرْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ وَلَوْ أَنَّ عَرَقَ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ مُرَّجَ بِهِ الْبِحَارُ لَأُسْكِرَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْ طَيْبٍ رَائِحَتِهِ»<sup>۵۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در پاسخ به سؤالات عبدالله بن سلام که پرسید: مرا از جویبارهای بهشت خبر ده که چیستند؟

فرمودند: «ای پسر سلام، شیری که مزه‌اش هرگز تغییر نمی‌کند و شراب و عسلی ناب و آبی که رنگ و مزه‌اش دگرگون نمی‌گردد».

ابن سلام گفت: درست گفתי، ای محمد، آیا این جویبارها جامدند یا روان؟

حضرت فرمودند: «در میان درختان بهشت روانند».

ابن سلام پرسید: آیا این جویبارها کاستی و فزونی می‌یابند؟ فرمودند: «نه ای پسر سلام».

پرسید: آیا برایشان نمونه‌ای در دنیا هست؟ فرمودند: آری. پرسید: چه چیز؟ فرمودند: «ای پسر سلام به دریاها بنگر در آن‌ها از آسمان باران می‌بارد و از زمین نیز رودها به آن‌ها می‌ریزند اما آب دریاها کم و زیاد نمی‌شود».

---

۵۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۵۷، صفحه‌ی ۲۵۶.

[ابن سلام] گفت: جویبارهای بهشت را برایم وصف کن. فرمودند: «ای پسر سلام، در بهشت جویباری است که به آن کوثر می‌گویند. بویش خوش‌تر از بوی مشک اعلی و عنبر است. ریگ‌هایش دُرّ و یاقوت‌اند و با مرواریدی سفید مُمهر شده است. آن، منزلگاه دوستان خدای بلند مرتبه است».

[ابن سلام] گفت: راست گفتی ای محمد. پس [اینک] درختان بهشت را برایم وصف کن.

فرمودند: «در بهشت درختی است به نام طوبی، ریشه‌اش از دُرّ است و شاخه‌هایش از زبرجد و میوه‌اش گوهر، در بهشت هیچ غرفه و حجره و جایی نیست جز آن که [شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت] بر آن سرازیر [و آویزان] است».

[ابن سلام] گفت: راست گفتی ای محمد. آیا در دنیا نمونه‌ای [برای آن درخت، وجود] دارد؟

فرمودند: «آری، [نمونه‌اش]، خورشید تابان که بر همه جا می‌تابد و جایی از شعاع آن تهی نمی‌ماند».

[ابن سلام] گفت: راست گفتی ای محمد. آیا در بهشت باد هست؟

فرمودند: «آری، بادی در آن هست که از نور آفریده شده و زندگی و لذت‌ها بر آن نوشته شده است [که با وزیدن خود، زندگی و لذت می‌افزاید] و به آن «بهاء» گفته می‌شود. چون مردم بهشت، شوق زیارت [جلوه‌های ویژه‌ی] پروردگار خود کنند، آن باد بر آنان بوزد که [ناشی] از [اختلاف] گرما و سرما [در دو ناحیه] نیست،

بلکه از نور عرش آفریده شده است. در چهره‌هایشان می‌دمد و [بدان سبب]، چهره‌هایشان نورانی می‌شود و دلخوش می‌گردند، و نوری به نورشان افزوده می‌شود و به درهای بهشت می‌زند و نهرها روان می‌گردند و درخت‌ها تسبیح‌خوان می‌شوند و پرنده‌ها نغمه ساز کنند. پس اگر تمام آن‌ها که در آسمان‌ها و زمین هستند بر پا باشند و آوای شادی و خوشی‌ای که در بهشت است را بشنوند، از شوق بهشت، همه جان دهند. و فرشته‌ها بر آن‌ها در آیند و چنان که خدای عزّ و جلّ در کتاب استوارش فرموده [بگویند]: درود بر شما [که] پاکید، در آید در آن [بهشت برای عمری] جاویدان، درود بر شما به سزای شکیبایی شما. چه خوش است خانه‌ی عقبی».

[ابن سلام] گفت: راست گفתי ای محمّد. بگو زمین بهشت از چیست؟

فرمودند: «ای پسر سلام، زمینش، طلا و خاکش، مشک و عنبر و سنگ‌ریزه‌اش، دُرّ و یاقوت و سقفش، عرش [خدای] رحمان است».

[ابن سلام] گفت: راست گفתי ای محمّد. بگو اهل بهشت چگونه میوه‌های آن را صرف می‌کنند و چگونه از درونشان به در می‌آید؟ فرمودند: «ای پسر سلام، از درونشان چیزی در نمی‌آید بلکه عرقی می‌ریزند خوشبوتر از مشک و پاکیزه‌تر از عنبر، و اگر عرق یک مرد از اهل بهشت با دریاها [ی دنیا] آمیخته شود، آنچه میان آسمان و زمین است از بویش مست می‌شوند»

[۱۱۷] سند:

قال امام الكاظم (عليه السلام): «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً  
مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَمَنْ صَامَ يَوْماً مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ  
ذَلِكَ النَّهْرِ»<sup>۵۳</sup>

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «رجب، [اسم] نهری است در  
بهشت که سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل است. هر کس  
یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از آن نهر به او  
می‌نوشاند».

[۱۱۸] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ  
مَأَبٍ»<sup>۵۴</sup>: «هِيَ شَجَرَةٌ غَرَسَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ  
وَإِنَّ أَغْصَانَهَا لَتَرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ تَنْبُتُ بِالْحَلِيِّ وَالْحَلَالِ وَالثِّمَارِ  
مُتَدَلِّيةً عَلَى أَفْوَاهِهِمْ»<sup>۵۵</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تفسیر این آیه‌ی شریفه که

---

۵۳. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۰۶؛ کتاب من لایحضره الفقیه، جلد ۲،  
صفحه‌ی ۹۲؛ المقنعه، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۷۲؛ ثواب الاعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۷۸؛ بحار  
الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷۵.

۵۴. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹.

۵۵. توحید، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۳۷؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۴۶؛ خصال، شیخ  
صدوق، جلد ۳۳۲؛ عمده، ابن بطریق، صفحه‌ی ۳۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی  
۱۷۸؛ تفسیر طبری، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۹؛ تفسیر قرطبی، جلد ۹، صفحه‌ی ۳۱۷؛ کنز العمال، متقی  
هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۷.

می‌فرماید: «طوبا و سرانجام نیک برای آنان است» فرمودند: «[طوبا] درختی است که خداوند عز و جل آن را [با دست قدرت خود] کاشته و از جان خود در آن دمیده است و شاخه‌هایش از پشت دیوار بهشت، دیده می‌شوند و زیور و حُلّه به بار می‌نشانند که در برابر دهان آن [بهشتی]ان آویزان است [یعنی بدون رنج کاشت و داشت و برداشت، برایشان فراهم است].».

[۱۱۹] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم). بَعْدَ بَيَانِ كَيْفِيَةِ مَوْتِ الْمُؤْمِنِ وَقَبْرِهِ وَحِسَابِهِ فِي الْقِيَامَةِ: «فَعِنْدَ ذَلِكَ ابْيَضَّ وَجْهُهُ وَسُرَّ قَلْبُهُ وَوُضِعَ التَّاجُ عَلَى رَأْسِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ الْحُلِيُّ وَالْحُلُّ ثُمَّ يَقُولُ: يَا جَبْرَيْلُ أَنْطَلِقْ بِعَبْدِي فَأَرِهِ كِرَامَتِي. فَيُخْرَجُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ قَدْ أَخَذَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَدْحُو بِهِ مَدَّ الْبَصَرِ فَيَبْسُطُ صَحِيفَتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَهُوَ ينادِي «هَأُوْمُرُ أَقْرَأُوا كِتَابِيَةَ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ \* فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ»<sup>۵۶</sup>.

فَإِذَا انْتَهَى إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ قِيلَ لَهُ هَاتِ الْجَوَازَ. قَالَ: هَذَا جَوَازِي مَكْتُوبٌ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا جَوَازٌ جَائِزٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. فَيَنَادِي مُنَادٍ يَسْمَعُ أَهْلُ الْجَمْعِ كُلُّهُمْ أَلَا إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ قَدْ سَعَدَ سَعَادَةً لَا يَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا.

۵۶. سورهی حاقه، آیات ۱۹ تا ۲۱.

قَالَ: فَيَدْخُلُ فَإِذَا هُوَ بِشَجَرَةٍ ذَاتِ ظِلٍّ مَمْدُودٍ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ وَثِمَارٍ مُهْدَلَةٍ يُخْرَجُ مِنْ سَاقِهَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ فَيَنْطَلِقُ إِلَى إِحْدَاهُمَا فَيَغْتَسِلُ مِنْهَا فَيَخْرُجُ عَلَيْهِ نَضْرَةٌ النَّعِيمِ ثُمَّ يَشْرَبُ مِنَ الْأُخْرَى فَلَا يَكُونُ فِي بَطْنِهِ مَغْصٌ وَلَا مَرَضٌ وَلَا دَاءٌ أَبَدًا وَذَلِكَ قَوْلُهُ «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>٥٧</sup>

ثُمَّ تَسْتَقْبِلُهُ الْمَلَائِكَةُ فَتَقُولُ: طِبَّتْ فَاَدْخُلْهَا مَعَ الْخَالِدِينَ. فَيَدْخُلُ فَإِذَا هُوَ بِسِمَاطِينَ مِنْ شَجَرٍ أَغْصَانُهَا اللَّوْلُؤُ وَفُرُوعُهَا الْحَلِي وَالْحُلَلُ ثِمَارُهَا مِثْلُ ثَدْيِ الْجَوَارِي الْأَبْكَارِ. فَتَسْتَقْبِلُهُ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُمُ السُّوقُ وَالْبَرَاذِينُ وَالْحَلِي وَالْحُلَلُ فَيَقُولُونَ: يَا وَلِي اللَّهِ ارْكَبْ مَا شِئْتَ وَ الْبَسْ مَا شِئْتَ وَ سَلْ مَا شِئْتَ. قَالَ: فَيَرْكَبُ مَا اشْتَهَى وَيَلْبَسُ مَا اشْتَهَى وَ هُوَ نَاقَةٌ أَوْ بَرْدُونٌ مِنْ نُورٍ وَ ثِيَابُهُ مِنْ نُورٍ وَ حُلِيهِ مِنْ نُورٍ يَسِيرُ فِي دَارِ النُّورِ مَعَهُ مَلَائِكَةٌ مِنْ نُورٍ وَ عِلْمَانٌ مِنْ نُورٍ وَ وَصَائِفٌ مِنْ نُورٍ حَتَّى تَهَابُهُ الْمَلَائِكَةُ مِمَّا يَرَوْنَ مِنَ النُّورِ؛ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: تَنَحَّوْا فَقَدْ جَاءَ وَقَدْ الْحَلِيمِ الْعُفُورِ.

قَالَ: فَيَنْظُرُ إِلَى أَوَّلِ قَصْرِ لَهُ مِنْ فِضَّةٍ مُشْرِفًا بِالْدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فَتَشْرِفُ عَلَيْهِ أَرْوَاجُهُ فَيَقُولُونَ: مَرْحَبًا مَرْحَبًا أَنْزَلَ بِنَا. فِيهِمْ أَنْ يَنْزِلَ بِقَصْرِهِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: سِرِّيَا وَ لِي اللَّهِ فَإِنَّ هَذَا لَكَ وَ غَيْرُهُ. حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى قَصْرِ مِنْ ذَهَبٍ مُكَلَّلٍ بِالْدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فَتَشْرِفُ عَلَيْهِ أَرْوَاجُهُ فَيَقُولُونَ: مَرْحَبًا مَرْحَبًا يَا وَلِي اللَّهِ أَنْزَلَ بِنَا فِيهِمْ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ

٥٧. سورهی انسان، آیهی ٢١.



فَتَقُولُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: سِرِّيَا وَوَلِيَّ اللَّهِ فَإِنَّ هَذَا لَكَ وَغَيْرُهُ. ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى قَصْرِ مُكَلَّلٍ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فِيهِمْ بِالنُّزُولِ بِقَصْرِهِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: سِرِّيَا وَوَلِيَّ اللَّهِ فَإِنَّ هَذَا لَكَ وَغَيْرُهُ. ثُمَّ يَأْتِي قَصْرًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ مُكَلَّلًا بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فِيهِمْ بِالنُّزُولِ بِقَصْرِهِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: سِرِّيَا وَوَلِيَّ اللَّهِ فَإِنَّ هَذَا لَكَ وَغَيْرُهُ. فَيَسِيرُ حَتَّى يَأْتِيَ تَمَامَ الْفِ قَصْرِ كُلِّ ذَلِكَ يُنْفَذُ فِيهِ بَصْرُهُ وَيَسِيرُ فِي مَلِكِهِ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفِ الْعَيْنِ. فَإِذَا انْتَهَى إِلَى أَقْصَاهَا قَصْرًا نَكَسَ رَأْسَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: مَا لَكَ يَا وَوَلِيَّ اللَّهِ؟! فَيَقُولُ: وَاللَّهِ لَقَدْ كَادَ بَصْرِي أَنْ يَخْتِطَفَ. فَيَقُولُونَ: يَا وَوَلِيَّ اللَّهِ أَبْشِرْ فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَيْسَ فِيهَا عَمَى وَلَا صَمٌّ. فَيَأْتِي قَصْرًا يَرَى بَاطِنَهُ مِنْ ظَاهِرِهِ وَظَاهِرَهُ مِنْ بَاطِنِهِ لَبِنَةً مِنْ فِضَّةٍ وَلَبِنَةً ذَهَبٌ وَلَبِنَةً يَاقُوتٌ وَلَبِنَةٌ دُرٌّ مِلَاطُهُ الْمِسْكُ قَدْ شُرِّفَ بِشُرْفٍ مِنْ نُورٍ تَلَاؤُا وَيَرَى الرَّجُلَ وَجْهَهُ فِي الْحَائِطِ»<sup>٥٨</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در حدیثی طولانی بعد از ذکر چگونگی مردن و قبر و حساب مؤمن در قیامت، می‌فرماید: «[از حساب که سر بلند بیرون آمد،] صورتش سفید [و نورانی] می‌شود و دلش شاد می‌گردد و تاج [با شکوهی] بر سرش نهاده می‌شود و بر دستانش، زیورات [گذاشته] و لباس‌ها [پوشانده می‌شود]. پس [خدای متعال] می‌فرماید: ای جبرئیل، بنده‌ام را ببر و کرامتم را نشانش بده. پس [مؤمن] از نزد خدا [ای متعال] خارج می‌شود

٥٨. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ٣٥٠؛ بحار الانوار، جلد ٨، صفحه‌ی ٢٠٨؛ تفسیر طبری، جلد ٥، صفحه‌ی ١٨٣؛ ذرّ المنتور، سیوطی، جلد ٣، صفحه‌ی ٤٥٧.

در حالی که نامه [ی عملش] را به دست راست می‌گیرد. آنگاه به قدری که چشم، کار می‌کند، برایش گشایش داده می‌شود. [مؤمن که بسیار مسرور شده] نامه‌اش را برای مؤمنین و مؤمنات می‌گشاید و [با شادی تمام،] فریاد می‌زند: «بیایید و کتاب [اعمال]ـم را بخوانید. من یقین داشتم که به حساب خود می‌رسم. پس [خوشا به حالش که] او در یک زندگی [بسیار بسیار] خوش است»

چون به در بهشت رسد، به او گفته می‌شود: جواز ورودت را نشان بده. او می‌گوید: این، جواز من است. و در آن نوشته شده است: «به نام خدای مهرگستر مهربان، این، پروانه‌ای تأیید شده از سوی خداوند توانا و داناست، برای فلان پسر فلان از جانب پروردگار جهانیان».

پس آواز دهنده‌ای، چنان که همه‌ی جمعیت بشنوند، آواز می‌دهد: بدانید فلانی پسر فلانی به چنان سعادت دست یافته که از این پس، هرگز بدبخت نمی‌شود. [او امتیاز لازم برای ورود و جاوید ماندن در بهشت برین را کسب کرده است]

پس وارد می‌شود و ناگهان به درختی با سایه‌ای گسترده و آبی ریزان و میوه‌های آویزان به نام رضوان بر می‌خورد که از تنه‌ی آن، دو چشمه جاری است.

به سوی یکی از آن دو چشمه می‌رود و خود را در آن، می‌شوید و چون بیرون می‌آید، سرشار از طراوت است. سپس از چشمه‌ی دیگر می‌نوشد و از آن پس، هرگز قولنج و مرض و دردی در شکم

او پدید نمی‌آید. این، [تفسیر] همان سخن خدای بلند مرتبه است که [می‌فرماید]: «و پروردگارشان به آنان نوشیدنی‌ای پاک کننده نوشانید»

سپس فرشتگان به استقبالش می‌آیند و می‌گویند: خوش آمدی، داخل [بهشت] شو همراه [سایر] داخل شوندگان. در این حال او در میان دو ردیف از درختانی که شاخه‌هایشان لؤلؤ و سرشاخه‌هایشان زیورآلات و لباس‌های بهشتی] و میوه‌هایشان مثل پستان دختران باکره است، داخل می‌گردد. پس فرشتگانی که همراهشان شتران و اسبان و زیورآلات و لباس‌های بهشتی] است به استقبالش می‌آیند و می‌گویند: ای دوست خدا، سوار هر کدام که دوست داری شو و هر چه می‌خواهی بپوش و هر چه می‌خواهی بخواب [که فراهم است]. پس آنچه را دوست دارد سوار می‌شود و آنچه را دوست دارد می‌پوشد. آنچه سوار شده، شتر یا اسبی از نور است و لباسش [که انتخاب کرده و پوشیده نیز] از نور است و [همچنین] زیورآلاتش از نور است. در خانه‌ای از نور، همراهش فرشتگانی از نور و خدمتکارانی از نور و نوکرانی از نور؛ به قدری که [سایر] ملائکه از دیدن اینهمه نور به هیبت می‌افتند. پس بعضی از ایشان به بعضی دیگر می‌گویند: کنار روید که کاروان [مؤمن] بردبار بخشیده شده می‌آید. پس به اولین قصری که برای اوست و از نقره [می‌باشد] و آراسته به در و یاقوت است، نگاه می‌کند. [در این حال] زنانش [که در آن قصر ساکنند] بر او مُشرف می‌شوند و می‌گویند: مرحبا، مرحبا [بر تو]

در نزد ما فرود آی. [مؤمن] می‌خواهد که در آن قصر فرود آید  
[ولی] فرشتگان [همراهش] به او می‌گویند: حرکت کن که این  
[قصر] و غیر آن برای توست.

[پس مؤمن حرکت می‌کند] تا می‌رسد به قصری از طلا که در و  
یاقوت بر تاج آن است. [در این حال] زنانش [که در آن قصر  
ساکنند] بر او مُشرف می‌شوند و می‌گویند: مرحبا، مرحبا [بر تو]  
در نزد ما فرود آی. [مؤمن] می‌خواهد که در آن قصر فرود آید  
[ولی باز،] فرشتگان [همراهش] به او می‌گویند: حرکت کن که  
این [قصر] و غیر آن برای توست.

[پس مؤمن حرکت می‌کند] تا می‌رسد به قصری از در و یاقوت.  
[در این حال] زنانش [که در آن قصر ساکنند] بر او مُشرف  
می‌شوند و می‌گویند: مرحبا، مرحبا [بر تو] در نزد ما فرود آی.  
[مؤمن] می‌خواهد که در آن قصر فرود آید [ولی باز،] فرشتگان  
[همراهش] به او می‌گویند: حرکت کن که این [قصر] و غیر آن  
برای توست.

[پس مؤمن حرکت می‌کند و] می‌رود تا تمام هزار قصری که هر  
یک، به وسعت چشم‌انداز است را می‌گردد و در کشورش  
سریع‌تر از حرکت مردمک در حلقه، گردش می‌کند. وقتی به  
آخرین قصرش می‌رسد، سرش را پایین می‌اندازد. فرشتگان  
می‌پرسند: ای دوست خدا [تو را] چه شده است؟! می‌گوید: به  
خدا قسم نزدیک است که چشمم [از دیدن اینهمه نعمت] نابینا  
شود. [فرشتگان] می‌گویند: ای دوست خدا بشارت باد بر تو [و

هیچ نگران نباش] که در بهشت، کوری و کری نیست. [پس به راهش ادامه می‌دهد و] به قصری می‌رسد که داخلش از بیرون و بیرونش از داخل [آن] دیده می‌شود. خشتی از نقره و خشتی از طلا و خشتی از یاقوت و خشتی از درّ و ملاطش از مشک است. به نور [خاصی] مشرف شده است که می‌درخشد. [آنقدر صاف و صیقلی است که] مرد [بهشتی] چهره‌اش را در دیوار [آن] می‌بیند»

[۱۲۰] سند:

ذَكَرَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) الْحُورَ الْعَيْنَ. فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا بِي أَنْتَ وَآمِي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا لَنَا فَضْلٌ عَلَيْهِنَ؟ قَالَ: بَلَى بِصَلَاتِكِنَّ وَصِيَامِكِنَّ وَعِبَادَتِكِنَّ لِلَّهِ بِمَنْزِلَةِ الظَّاهِرَةِ عَلَى الْبَاطِنَةِ وَحَدَّثَ أَنَّ الْحُورَ الْعَيْنَ خَلَقَهُنَّ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ مَعَ شَجَرِهَا وَحَبَسَهُنَّ عَلَى أَرْوَاجِهِنَّ فِي الدُّنْيَا. عَلَى كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سَبْعُونَ حُلَّةً يَرَى بَيَاضَ سَوْقِهِنَّ مِنْ وَرَاءِ الْحُلَلِ السَّبْعِينَ كَمَا تُرَى الشَّرَابُ الْأَحْمَرُ فِي الرَّجَاجَةِ الْبَيْضَاءِ وَكَالسِّلِكِ الْأَبْيَضِ فِي الْيَاقُوتِ الْحَمْرَاءِ. يَجَامِعُهَا فِي قُوَّةِ مِائَةِ رَجُلٍ فِي شَهْوَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ هُنَّ أَثْرَابُ أَبْكَارٍ عَذَارَى. كُلَّمَا نَكَحَتْ صَارَتْ عَذْرَاءً.

«لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ»<sup>۵۹</sup> يَقُولُ لَمْ يَمَسَّهُنَّ إِنْسِي وَلَا جِنِّي قَطُّ.

۵۹. سوره‌ی رحمان، آیه‌ی ۷۴.

«فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ»<sup>۶۰</sup> يَعْنِي خَيْرَاتُ الْأَخْلَاقِ حِسَانُ الْوُجُوهِ.  
 «كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»<sup>۶۱</sup> يَعْنِي صَفَاءَ الْيَاقُوتِ وَبَيَاضَ اللُّؤْلُؤِ.  
 قَالَ: وَإِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَنَهْرًا حَافَتَاهُ الْجَوَارِي فَيُوحِي إِلَيْهِنَّ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ  
 تَعَالَى: أَسْمِعَنَّ عِبَادِي تَمْجِيدِي وَتَسْبِيحِي وَتَحْمِيدِي. فَيَرْفَعَنَّ  
 أَصْوَاتَهُنَّ بِالْحَمْدِ وَتَرْجِيحِ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ مِثْلَهَا قَطُّ. فَتَطْرَبُ أَهْلُ  
 الْجَنَّةِ وَإِنَّهُ لَتُشْرِفُ عَلَى وَلِي اللَّهِ الْمَرْأَةُ لَيْسَتْ مِنْ نِسَائِهِ مِنْ  
 السَّجْفِ فَمَلَأَتْ قُصُورَهُ وَمَنَازِلَهُ ضَوْءًا وَنُورًا فَيُظَنُّ وَلِي اللَّهِ أَنْ رَبَّهُ  
 أَشْرَفَ عَلَيْهِ أَوْ مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِهِ. فَيَرْفَعُ رَأْسَهُ فَإِذَا هُوَ بِرُوحَةٍ قَدْ  
 كَادَتْ يَذْهَبُ نُورُهَا نُورَ عَيْنَيْهِ.

قَالَ: فَتُنَادِيهِ قَدْ أَنْ لَنَا أَنْ تَكُونَ لَنَا مِنْكَ دَوْلَةً. قَالَ: فَيَقُولُ لَهَا: وَ  
 مَنْ أَنْتِ؟ فَتَقُولُ: أَنَا مِمَّنْ ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ «لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَ  
 لَدِينَا مَزِيدٌ»<sup>۶۲</sup> فَيَجَامِعُهَا فِي قُوَّةِ مِائَةِ شَابٍ وَيَعَانِقُهَا سَبْعِينَ سَنَةً  
 مِنْ أَعْمَارِ الْأَوَّلِينَ. وَمَا يَدْرِي أَيَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهَا أَمْ إِلَى  
 سَاقِهَا فَمَا مِنْ شَيْءٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْهَا إِلَّا رَأَى وَجْهَهُ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ  
 مِنْ شِدَّةِ نُورِهَا وَصَفَائِهَا.

ثُمَّ تُشْرِفُ عَلَيْهَا أُخْرَى أَحْسَنُ وَجْهًا وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْأُولَى  
 فَتُنَادِيهِ فَتَقُولُ: قَدْ أَنْ لَنَا أَنْ يَكُونَ لَنَا مِنْكَ دَوْلَةً. فَيَقُولُ لَهَا: وَمَنْ  
 أَنْتِ؟ فَتَقُولُ: أَنَا مِمَّنْ ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ

۶۰. سورهی رحمان، آیهی ۷۰.

۶۱. سورهی رحمان، آیهی ۵۸.

۶۲. سورهی ق، آیهی ۳۵.

لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۶۳</sup>  
 قَالَ: وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَزْوَاجِ خَمْسِمِائَةٍ  
 حَوْرَاءَ مَعَ كُلِّ حَوْرَاءٍ سَبْعُونَ غُلَامًا وَسَبْعُونَ جَارِيَةً كَأَنَّهُنَّ اللُّؤْلُؤُ  
 الْمَنْشُورُ كَأَنَّهُنَّ اللُّؤْلُؤُ الْمَكْنُونُ. وَتَفْسِيرُ الْمَكْنُونِ بِمَنْزِلَةِ اللُّؤْلُؤِ فِي  
 الصَّدْفِ لَمْ تَمَسَّهُ الْأَيْدِي وَلَمْ تَرَهُ الْأَعْيُنُ وَأَمَّا الْمَنْشُورُ فَيَعْنِي فِي  
 الْكَثْرَةِ. وَلَهُ سَبْعُ فُصُوفٍ فِي كُلِّ قَصْرِ سَبْعُونَ بَيْتًا فِي كُلِّ بَيْتِ  
 سَبْعُونَ سَرِيرًا عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ سَبْعُونَ فِرَاشًا عَلَيْهَا زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ  
 الْعَيْنِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ: أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ صَافٍ لَيْسَ  
 بِالْكَدِرِ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرِ طَعْمُهُ لَمْ يُخْرَجْ مِنْ ضُرِّ الْمَوَاشِي  
 وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى لَمْ يُخْرَجْ مِنْ بَطُونِ النَّحْلِ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرِ  
 لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَمْ يَعْصِرْهُ الرِّجَالُ بِأَقْدَامِهِمْ. فَإِذَا اسْتَهْوُوا الطَّعَامَ  
 جَاءَهُمْ طُيُورٌ بَيْضٌ يَرْفَعْنَ أَجْنِحَتَهُنَّ فَيَأْكُلُونَ مِنْ أَيِّ الْأَلْوَانِ  
 اسْتَهْوُوا جُلُوسًا إِنْ شَاءُوا أَوْ مُتَّكِنِينَ. وَإِنْ اسْتَهْوُوا الْفَاكِهَةَ تَسَعَّبَتْ  
 إِلَيْهِمُ الْأَعْصَانُ فَأَكَلُوا مِنْ أَيِّهَا اسْتَهْوُوا قَالَ: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ  
 عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ. سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى  
 الدَّارِ»<sup>۶۴</sup>

فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذِ اسْمَعُونَ صَوْتًا مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ  
 كَيْفَ تَرَوْنَ مُنْقَلَبَكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: خَيْرُ الْمُنْقَلَبِ مُنْقَلَبُنَا وَخَيْرُ

۶۳. سورهی سجده، آیهی ۱۷.

۶۴. سورهی رعد، آیات ۲۳ و ۲۴.

الثَّوَابِ ثَوَابًا. قَدْ سَمِعْنَا الصَّوْتِ وَاشْتَهَيْنَا النَّظْرَ إِلَى أَنْوَارِ جَلَالِكَ وَ هُوَ أَعْظَمُ ثَوَابِنَا وَقَدْ وَعَدْتَهُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ. فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْحُجْبَ فَيَقُومُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ فَيَرْكَبُونَ عَلَى التُّوقِ وَالْبَرَادِينَ وَعَلَيْهِمُ الْحِلْيُ وَالْحَلَلُ فَيَسِيرُونَ فِي ظِلِّ الشَّجَرِ حَتَّى يَنْتَهُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ هِيَ دَارُ اللَّهِ دَارُ الْبَهَاءِ وَالنُّورِ وَالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ فَيَسْمَعُونَ الصَّوْتِ فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا سَمِعْنَا لَذَاذَةَ مَطْطِقِكَ فَأَرِنَا نُورَ وَجْهِكَ فَيَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى حَتَّى يَنْظُرُونَ إِلَى نُورِ وَجْهِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْمَكْنُونِ مِنْ عَيْنِ كُلِّ نَاطِرٍ فَلَا يَتِمَّ الْكُونُ حَتَّى يَخْرُجُوا عَلَى وُجُوهِهِمْ سُجَّدًا فَيَقُولُونَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا عَظِيمُ. فَيَقُولُ: عِبَادِي ارْفَعُوا رُءُوسَكُمْ لَيْسَ هَذِهِ بَدَارِ عَمَلٍ إِنَّمَا هِيَ دَارُ كَرَامَةٍ وَمَسْأَلَةٍ وَنَعِيمٍ. قَدْ ذَهَبَتْ عَنْكُمْ اللَّغُوبُ وَالنَّصَبُ. فَإِذَا رَفَعُوهَا رَفَعُوهَا وَقَدْ أَشْرَقَتْ وُجُوهُهُمْ مِنْ نُورِ وَجْهِهِ سَبْعِينَ ضِعْفًا. ثُمَّ يَقُولُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي أَطْعِمُوهُمْ وَاسْقُوهُمْ. فَيُؤْتُونَ بِالْوَانَ الْأَطْعِمَةَ لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ فِي طَعْمِ الشَّهْدِ وَبَيَاضِ الثَّلْجِ وَ لَيْنِ الزُّبْدِ. فَإِذَا أَكَلُوهُ قَالَ بَعْضُهُنَّ لِبَعْضٍ: كَانَ طَعَامُنَا الَّذِي خَلَقْنَا فِي الْجَنَّةِ عِنْدَ هَذَا حُلْمًا.

ثُمَّ يَقُولُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي اسْقُوهُمْ. فَيُؤْتُونَ بِأَشْرِبَةٍ فَيَقْبِضُهَا وَلى اللَّهِ فَيَشْرَبُ شَرِبَةً لَمْ يَشْرَبْ مِثْلَهَا قَطُّ. ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي طَيِّبُوهُمْ. فَتَأْتِيهِمْ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ بِمِسْكِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ تُغَيِّرُ وُجُوهُهُمْ وَجِبَاهَهُمْ وَجُنُوبَهُمْ تُسَمَّى الْمُثِيرَةَ فَيَسْتَمْكُونَ مِنَ النَّظْرِ إِلَى نُورِ وَجْهِهِ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا حَسْبُنَا



لَذَاذَةً مِّنْطِقِكَ وَالتَّنْظُرِ إِلَى نُورِ وَجْهِكَ لَا نُزِيدُ بِهِ بَدَلًا وَلَا نَبْتَعِي بِهِ حَوْلًا. فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنِّي أَعْلَمُ أَتْكُمْ إِلَى أَرْوَاحِكُمْ مُشْتَقُونَ وَأَنْ أَرْوَاحِكُمْ إِلَيْكُمْ مُشْتَقَاتٌ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا مَا أَعْلَمَكَ بِمَا فِي نُفُوسِ عِبَادِكَ؟! فَيَقُولُ: كَيْفَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنَا خَلَقْتُكُمْ وَأَسْكَنْتُ أَرْوَاحِكُمْ فِي أَبْدَانِكُمْ ثُمَّ رَدَدْتُهَا عَلَيْكُمْ بَعْدَ الْوَفَاةِ فَقُلْتُ: اسْكُنِي فِي عِبَادِي خَيْرَ مَسْكَنِ ارْجِعُوا إِلَى أَرْوَاحِكُمْ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا اجْعَلْ لَنَا شَرْطًا. قَالَ: فَإِنْ لَكُمْ كُلِّ جُمُعَةٍ زُرَّةٌ مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.

فَيَنْصَرِفُونَ فَيَعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ رُمَانَةً خَضْرَاءَ فِي كُلِّ رَمَانَةٍ سَبْعُونَ حَلَّةً لَمْ يَرَهَا النَّاطِرُونَ الْمَحْلُوقُونَ فَيَسِيرُونَ فَيَتَقَدَّمُهُمْ بَعْضُ الْوِلْدَانِ حَتَّى يَبْشُرُوا أَرْوَاحَهُمْ وَهُنَّ قِيَامٌ عَلَى أَبْوَابِ الْجِنَانِ. فَلَمَّا دَنَا مِنْهَا نَظَرَتْ إِلَى وَجْهِهِ فَأَنْكَرَتْهُ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فَقَالَتْ: حَبِيبِي لَقَدْ خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِي وَمَا أَنْتَ هَكَذَا! فَيَقُولُ: حَبِيبَتِي تَلُومِينِي أَنْ أَكُونَ هَكَذَا وَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَأَشْرَقَ وَجْهِ مِنْ نُورِ وَجْهِهِ؟! ثُمَّ يَعْزِضُ عَنْهَا فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا نَظْرَةً فَيَقُولُ:

حَبِيبَتِي لَقَدْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكَ وَمَا كُنْتَ هَكَذَا! فَتَقُولُ: حَبِيبِي تَلُومُنِي أَنْ أَكُونَ هَكَذَا وَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى وَجْهِ النَّاطِرِ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي فَأَشْرَقَ وَجْهِ مِنْ وَجْهِ النَّاطِرِ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي سَبْعِينَ ضِعْفًا؟! فَتَعَانِقُهُ مِنْ بَابِ الْحَيْمَةِ وَالرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ. فَيَنَادُونَ بِأَصَابِعِهِمْ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ

شکور<sup>٦٥</sup>

قَالَ: ثُمَّ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ذُنَّ لِلتَّيْبِينِ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ وَالتُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَيَمْدُونُ أَعْنَاقَهُمْ إِلَيْهِ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! إِنَّهُ لَكَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْمَخْلُوقُ بِيَدِهِ وَ الْمَنْفُوحُ فِيهِ مِنْ رَوْحِهِ وَ الْمَعْلَمُ لِلْأَسْمَاءِ هَذَا آدَمُ قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالتُّورُ أَمَامَهُمْ. فَيَمْدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْخَلِيلُ إِبْرَاهِيمُ قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالتُّورُ أَمَامَهُمْ. فَيَمْدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَيَقُولُ: هَذَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالتُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَمْدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ هَذَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ فِي مِثْلِ جَمِيعِ مَوْكِبِ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ سَبْعِينَ ضِعْفًا حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالتُّورُ أَمَامَهُمْ

٦٥. سورهی فاطر، آیهی ٣٤.

فَيَمُدُّ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْمُصْطَفَى بِالْوَحْيِ الْمُؤْتَمَنُ عَلَى الرِّسَالَةِ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ هَذَا النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا. قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَجْرُحُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبِ حَوْلِهِ الْمَلَائِكَةَ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَ النُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَمُدُّ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا أُخْرَسُورِلِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

ثُمَّ يُؤْذَنُ لِلنَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ فَيُوضَعُ لِلنَّبِيِّينَ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ وَ لِلصِّدِّيقِينَ سُرُرٌ مِنْ نُورٍ وَ لِلشُّهَدَاءِ كُرَاسِيٌّ مِنْ نُورٍ. ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَرَحَبًا بِوَفْدِي وَ زَوَارِي وَ جِيرَانِي. يَا مَلَائِكَتِي أَطْعِمُوهُمْ فَطَالَ مَا أَكَلَ النَّاسُ وَ جَاعُوا وَ طَالَ مَا رَوَى النَّاسُ وَ عَطَشُوا وَ طَالَ مَا نَامَ النَّاسُ وَ قَامُوا وَ طَالَ مَا آمَنَ النَّاسُ وَ خَافُوا. فَيُوضَعُ لَهُمْ أَطْعِمَةٌ لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ عَلَى طَعْمِ الشَّهَدِ وَ لِيَنِ الرَّبِّدِ وَ بَيَاضِ الثَّلْجِ.

ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي فَكُوهُوهُمْ فَيَفَكُوهُوهُمْ بِالْوَانِ مِنَ الْفَاكِهِةِ لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ وَ رَطَبٍ عَذْبٍ دَسِمٍ عَلَى بَيَاضِ الثَّلْجِ وَ لِيَنِ الرَّبِّدِ»<sup>٦٦</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): در باره‌ی حور العین سخن می‌گفتند. ام سلمه عرض کرد: پدر و مادرم به فدایتان باد ای

٦٦. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ٣٥٠؛ بحار الانوار، جلد ٨، صفحه‌ی ٢٠٨؛ تفسیر طبری، جلد ٥، صفحه‌ی ١٨٣؛ ذر المنثور، سیوطی، جلد ٣، صفحه‌ی ٤٥٧.

رسول خدا، آیا ما [زنان مؤمنات] را بر آنان برتری است؟  
فرمودند: آری، به واسطه‌ی نماز و روزه و عبادت‌هایتان برای خدا  
[آنقدر بر حورالعین برتری دارید] مانند [برتری] رویه‌ی لباس بر  
آستر [آن. سپس ادامه دادند:]: همانا حورالعین را خداوند در  
بهشت [همزمان] با [کاشتن] درخت [های] آن آفریده و برای  
[کامجویی] شوهرانشان [که] در دنیا [هستند] نگهشان داشته  
است. بر هر کدام از آنها هفتاد حله است که سفیدی ساقشان  
از ورای هفتاد حله دیده می‌شود همچنان که نوشیدنی سرخ در  
شیشه‌ی سفید [بی رنگ] و نخ سفید در یاقوت سرخ [از بیرون  
آن،] دیده می‌شود. [مرد بهشتی] با قوت صد مرد در یک دوره‌ی  
چهل ساله با او نزدیکی می‌کند در حالی که آنها دوشیزگانی  
نارپستان و شوهر ندیده‌اند. [حورالعین به نحوی آفریده شده  
است که] هر زمان همبستری کند، [دوباره] باکره می‌شود.  
[آیه‌ی] «دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده  
است»

می‌گوید: هیچ انسان و جنی آنها را هرگز لمس نکرده است.  
[آیه‌ی] «در آنجا [زنانی] نکوخوی و نکوریند» یعنی خوش اخلاق  
و زیبا هستند.  
[آیه‌ی] «گویی که آنها یاقوت و مرجانند» یعنی صافی یاقوت و  
سفیدی لؤلؤ [دارند].

[همچنین] فرمودند: در بهشت، جویباری است که در دو سویش  
کنیزگانی هستند. پروردگار تبارک و تعالی به آنها امر می‌نماید

که به بندگانم تمجید و تسبیح و ستایش مرا بشنوانید. پس [آن کنیزکان] صدایشان را به نغمه‌ها و سرودهایی بلند می‌کنند که آفریدگان، مانند آن را هرگز نشنیده‌اند. پس [از شنیدن آن نغمه‌های دل‌انگیز]، اهل بهشت به وجد و طرب می‌آیند.

[از دیگر نعمت‌های بهشت، این است که] زنی [بهشتی] که از زنان مؤمن نیست [یعنی مؤمن او را از زنان خود نمی‌داند] بر دوست خدا از نهران‌خانه [سَرک می‌کشد و] اشراف می‌یابد. پس قصرها و منزل‌هایش را پر از روشنی و نور می‌سازد. دوست خدا گمان می‌کند [تجلی خاص] پروردگار متعال یا فرشته‌ای از فرشتگان [عالی‌مقام] بر او اشراف یافته است. چون سرش را بلند می‌کند، زنی [در نهایت جمال] می‌بیند که نزدیک است نورش چشمان [آن مؤمن بهشتی] را از بین ببرد.

[در این حال، آن زن زیباروی بهشتی] او را ندا می‌دهد: [اکنون] برای ما فرصت آن پیش آمد که از تو بهره‌مند شویم؟! [مؤمن بهشتی با تعجب و شعف] می‌گوید: تو کیستی؟ [زن زیبای بهشتی] می‌گوید: من همان [نعمتی]‌ام که خدا در قرآن ذکر کرده است: «هر چه بخواهند در آنجا دارند، و پیش ما فزونتر [هم] هست» [من، از آن فزونتر هستم].

پس در توان [جنسی] صد [مرد] جوان [برومند، با او] نزدیکی می‌کند و او را هفتاد سال در بغل می‌گیرد. [در آن حال] نمی‌داند به صورتش نگاه کند یا به پشت سرش یا به ساق پایش [چون همه جایش دلفریب و دیدنی است]. به هیچ کجای او نظر

نمی‌کند مگر اینکه از شدت نورانیت و صاف بودن، صورتش را در آن می‌بیند.

پس [بر مؤمن، زنی] زیباتر و خوشبوتر از اولی، اشراف می‌یابد و ندایش می‌دهد: [اکنون] برای ما فرصت آن پیش آمد که از تو بهره‌مند شویم. [مؤمن بهشتی با تعجب و شغف] می‌گوید: تو کیستی؟ [زن زیبای بهشتی] می‌گوید: من همان [نعمتی]‌ام که خدا در قرآن ذکر کرده است: «هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [یاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است» [من از آن نعمت‌های پنهان شده هستم]»

[۱۲۱] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَزْوَاجِ خَمْسُمِائَةَ حَوْرَاءَ مَعَ كُلِّ حَوْرَاءَ سَبْعُونَ غُلَامًا وَ سَبْعُونَ جَارِيَةً كَأَنَّهِنَّ اللَّوْلُؤُ الْمَشْرُورُ كَأَنَّهِنَّ اللَّوْلُؤُ الْمَكْنُونُ. وَ تَقْسِيرُ الْمَكْنُونِ بِمَنْزِلَةِ اللَّوْلُؤِ فِي الصَّدْفِ لَمْ تَمْسَسْهُ الْأَيْدِي وَ لَمْ تَرَهُ الْأَعْيُنُ وَ أَمَّا الْمَشْرُورُ فَيَعْنِي فِي الْكَثْرَةِ. وَ لَهُ سَبْعُ قُصُورٍ فِي كُلِّ قَصْرِ سَبْعُونَ بَيْتًا فِي كُلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ سَرِيرًا عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ سَبْعُونَ فِرَاشًا عَلَيْهَا زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ صَافٍ لَيْسَ بِالْكَدِرِ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرِ طَعْمُهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ ضُرْرِ الْمَوَاشِي وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى لَمْ يَخْرُجْ مِنْ بَطُونِ النَّحْلِ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرِ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ لَمْ يَعِصِرْهُ الرِّجَالُ بِأَقْدَامِهِمْ.

فَإِذَا اشْتَهَوْا الطَّعَامَ جَاءَهُمْ طُيُورٌ بَيْضٌ يَرْفَعْنَ أَجْنِحَتَهُنَّ  
فَيَأْكُلُونَ مِنْ أَىِ الْاَلْوَانِ اشْتَهَوْا جُلُوسًا إِنْ شَاءُوا أَوْ مُتَّكِنِينَ. وَإِنْ  
اشْتَهَوْا الْفَاكِهَةَ تَسَعَّبَتْ إِلَيْهِمُ الْأَغْصَانُ فَأَكَلُوا مِنْ أَيِّهَا اشْتَهَوْا  
قَالَ: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ. سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا  
صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>٦٧</sup>

فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذِ اسْمَعُونَ صَوْتًا مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ  
كَيْفَ تَرَوْنَ مُنْقَلَبَكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: خَيْرُ الْمُنْقَلَبِ مُنْقَلَبُنَا وَخَيْرُ  
الثَّوَابِ ثَوَابُنَا. قَدْ سَمِعْنَا الصَّوْتَ وَاشْتَهَيْنَا النَّظْرَ إِلَى أَنْوَارِ جَلَالِكَ وَ  
هُوَ أَعْظَمُ ثَوَابِنَا وَقَدْ وَعَدْتَهُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْمُحْجَبَ  
فَيَقُومُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ فَيَرْكَبُونَ عَلَى التُّوقِ وَالْبِرَازِينَ وَعَلَيْهِمْ  
الْحِلْيَةُ وَالْحُلَلُ فَيَسِيرُونَ فِي ظِلِّ الشَّجَرِ حَتَّى يَنْتَهَوْا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ  
هِيَ دَارُ اللَّهِ دَارُ الْبَهَاءِ وَالنُّورِ وَالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ فَيَسْمَعُونَ الصَّوْتَ  
فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا سَمِعْنَا لَذَاذَةَ مَطِّقِكَ فَأَرِنَا نُورَ وَجْهِكَ فَيَتَجَلَّى  
لَهُمْ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى حَتَّى يَنْظُرُونَ إِلَى نُورِ وَجْهِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى  
الْمَكْنُونِ مِنْ عَيْنِ كُلِّ نَاطِرٍ فَلَا يَتِمَّ الْكُونُ حَتَّى يَخْرُجُوا عَلَى وُجُوهِهِمْ  
سُجَّدًا فَيَقُولُونَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا عَظِيمُ.  
فَيَقُولُ: عِبَادِي ارْفَعُوا رُءُوسَكُمْ لَيْسَ هَذِهِ بَدَارِ عَمَلٍ إِنَّمَا هِيَ دَارُ  
كَرَامَةٍ وَمَسَآلَةٍ وَنَعِيمٍ. قَدْ ذَهَبَتْ عَنْكُمْ اللُّغُوبُ وَالنَّصَبُ. فَإِذَا  
رَفَعُوهَا رَفَعُوهَا وَقَدْ أَسْرَقَتْ وُجُوهُهُمْ مِنْ نُورِ وَجْهِهِ سَبْعِينَ ضِعْفًا.

٦٧. سورهی رعد، آیات ٢٣ و ٢٤.

ثُمَّ يَقُولُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي أَطْعِمُوهُمْ وَاسْقُوهُمْ. فَيُؤْتُونَ بِالْوَانِ الْأَطْعِمَةَ لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ فِي طَعْمِ الشَّهْدِ وَبَيَاضِ الشَّلْجِ وَ لَيْنِ الرَّبْدِ. فَإِذَا أَكَلُوهُ قَالَ بَعْضُهُنَّ لِبَعْضٍ: كَانَ طَعَامُنَا الَّذِي خَلَقْنَا فِي الْجَنَّةِ عِنْدَ هَذَا حُلْمًا.

ثُمَّ يَقُولُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي اسْقُوهُمْ. فَيُؤْتُونَ بِأَشْرِبَةٍ فَيَقْبِضُهَا إِلَى اللَّهِ فَيَشْرَبُ شَرِبَةً لَمْ يَشْرَبْ مِثْلَهَا قَطُّ. ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي طَيِّبُوهُمْ. فَتَأْتِيهِمْ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ بِمِسْكِ أَشَدِّ بَيَاضًا مِنَ الشَّلْجِ تُغَيِّرُ وُجُوهُهُمْ وَجِبَاهَهُمْ وَجُنُوبَهُمْ تُسَيِّئُ الْمُشِيرَةَ فَيَسْتَمْتَكُونَ مِنَ النَّظْرِ إِلَى نُورِ وَجْهِهِ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا حَسْبُنَا لَذَاذَةُ مَنْطِقِكَ وَالنَّظْرُ إِلَى نُورِ وَجْهِكَ لَا نُزِيدُ بِهِ بَدَلًا وَلَا نَبْتَغِي بِهِ حَوْلًا. فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكُمْ إِلَى أَزْوَاجِكُمْ مُشْتَاقُونَ وَأَنَّ أَزْوَاجَكُمْ إِلَيْكُمْ مُشْتَاقَاتٌ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا مَا أَعْلَمُكَ بِمَا فِي نُفُوسِ عِبَادِكَ؟! فَيَقُولُ: كَيْفَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنَا خَلَقْتُكُمْ وَأَسْكَنْتُ أَزْوَاجَكُمْ فِي أَبْدَانِكُمْ ثُمَّ رَدَدْتُهَا عَلَيْكُمْ بَعْدَ الْوَفَاةِ فَقُلْتُ: اسْكُنِي فِي عِبَادِي خَيْرَ مَسْكَنِ ارْجِعُوا إِلَى أَزْوَاجِكُمْ. فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا اجْعَلْ لَنَا شَرْطًا. قَالَ: فَإِنَّ لَكُمْ كُلَّ جُمُعَةٍ زُورَةً مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.

فَيَنْصَرِفُونَ فَيُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ رُمَانَةً خَضْرَاءَ فِي كُلِّ رَمَانَةٍ سَبْعُونَ حَلَّةً لَمْ يَرَهَا النَّاطِرُونَ الْمَخْلُوقُونَ فَيَسِيرُونَ فَيَتَقَدَّمُهُمْ بَعْضُ الْوِلْدَانِ حَتَّى يَبْسُرُوا أَزْوَاجَهُمْ وَهُنَّ قِيَامٌ عَلَى أَبْوَابِ الْجَنَانِ. فَلَمَّا دَنَا مِنْهَا نَظَرَتْ إِلَى وَجْهِهِ فَأَنْكَرَتْهُ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فَقَالَتْ: حَبِيبِي



لَقَدْ خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِي وَمَا أَنْتَ هَكَذَا! فَيَقُولُ: حَبِيبَتِي تَلُومِينَنِي أَنْ أَكُونَ هَكَذَا وَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَأَشْرَقَ وَجْهِي مِنْ نُورِ وَجْهِهِ؟! ثُمَّ يَعْرِضُ عَنْهَا فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا نَظْرَةً فَيَقُولُ: حَبِيبَتِي لَقَدْ خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِكَ وَمَا كُنْتَ هَكَذَا! فَتَقُولُ: حَبِيبِي تَلُومَنِي أَنْ أَكُونَ هَكَذَا وَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى وَجْهِ النَّاطِرِ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي فَأَشْرَقَ وَجْهِي مِنْ وَجْهِ النَّاطِرِ إِلَى نُورِ وَجْهِ رَبِّي سَبْعِينَ ضِعْفًا؟! فَتُعَانِقُهُ مِنْ بَابِ الْخَيْمَةِ وَالرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ. فَيَنَادُونَ بِأَصَابِعِهِمْ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»<sup>٦٨</sup>

قَالَ: ثُمَّ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَأْذُنُ لِلنَّبِيِّينَ فَيَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَيَمْدُدُونَ أَعْنَاقَهُمْ إِلَيْهِ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! إِنَّهُ لَكَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْمَحْلُوقُ بِيَدِهِ وَالْمَنْفُوحُ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَالْمُعَلَّمُ لِلْأَسْمَاءِ هَذَا أَدَمٌ قَدْ أَذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ. فَيَمْدُدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْخَلِيلُ إِبْرَاهِيمُ قَدْ أَذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ. فَيَمْدُدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَيَقُولُ:

هَذَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يُخْرِجُ رَجُلًا فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَمْدُدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ هَذَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ.

ثُمَّ يُخْرِجُ رَجُلًا فِي مَوْكِبٍ فِي مِثْلِ جَمِيعِ مَوْكِبٍ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ سَبْعِينَ ضِعْفًا حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَمْدُدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ؟! فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا الْمُصْطَفَى بِالْوَحْيِ الْمُؤْتَمَنُ عَلَى الرِّسَالَةِ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ هَذَا النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا. قَدْ أُذِنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ.

ثُمَّ يُخْرِجُ رَجُلًا فِي مَوْكِبٍ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ قَدْ صَفَّتْ أَجْنِحَتَهَا وَالنُّورُ أَمَامَهُمْ فَيَمْدُدُ إِلَيْهِ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَعْنَاقَهُمْ فَيَقُولُونَ: مَنْ هَذَا؟! فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: هَذَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

ثُمَّ يُوذَنُ لِلنَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ فَيُوضَعُ لِلنَّبِيِّينَ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ وَ لِلصِّدِّيقِينَ سُرُرٌ مِنْ نُورٍ وَ لِلشُّهَدَاءِ كُرْسِيُّ مِنْ نُورٍ. ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَرَحَبًا بِوَفْدِي وَ زَوَارِي وَ جِيرَانِي. يَا مَلَائِكَتِي أَطْعِمُوهُمْ فَطَالَ مَا أَكَلَ النَّاسُ وَ جَاعُوا وَ طَالَ مَا رَوَى النَّاسُ وَ عَطِشُوا وَ طَالَ مَا نَامَ النَّاسُ وَ قَامُوا وَ طَالَ مَا أَمِنَ النَّاسُ وَ خَافُوا.

فِيَوْضَعُ لَهُمْ أَطْعَمَةً لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ عَلَى طَعْمِ الشَّهْدِ وَلَيْنِ الزُّبْدِ  
وَبَيَاضِ الثَّلْجِ.

ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي فَكُوهُوهُمْ فَيَفَكُوهُوهُمْ بِالْوَانِ مِنَ الْفَاكِهِةِ لَمْ  
يَرَوْا مِثْلَهَا قَطُّ وَرَطْبٍ عَذْبٍ دَسِمٍ عَلَى بَيَاضِ الثَّلْجِ وَلَيْنِ الزُّبْدِ»<sup>۶۹</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «هیچ کس نیست که وارد بهشت شود مگر این که برایش یانصد همسر از حوریه‌ها قرار داده می‌شود که همراه هر حوریه، هفتاد غلام و هفتاد کنیز - که گویا گوهرهای پراکنده و گوهرهای پنهان شده هستند - می‌باشند.

«مکنون» یعنی مثل گوهر در صدف [است که] دست‌ها آن را لمس نکرده و چشم‌ها آن را ندیده و اما «منثور» یعنی در حال زیاد شدن. [همچنین] برای او هفت قصر و در هر قصر، هفتاد خانه و در هر خانه، هفتاد تخت و بر هر تخت، هفتاد بستر و بر هر بستر، حورالعینی [آماده‌ی کام دادن] است. از زیر [قصرهای] شان جویبارهایی روان است. جویبارهایی از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته، زلال است و هیچ [تیرگی و] کدورتی در آن نیست. و جوی‌هایی از شیر که مزه‌اش [بر اثر حرارت یا گذشتن زمان،] دگرگون نشود و از پستان چهارپایان خارج نمی‌شود. و رودهایی از عسل صاف که از شکم زنبور عسل بیرون نیامده [بلکه از فضل پروردگار] است. و جویبارهایی از

---

۶۹. اختصاص، شیخ مفید، صفحه‌ی ۳۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۰۸؛ تفسیر طبری، جلد ۵، صفحه‌ی ۱۸۳؛ دُرُ الْمُنْثُورِ، سیوطی، جلد ۳، صفحه‌ی ۴۵۷.

نوشیدنی [خاصی] که برای نوشندگان، لذت بخش است و مردان، آن را با لگدمال کردن، عصاره گیری نکرده اند. وقتی [بهشتیان] هوس خوراکی کنند، پرنندگان سفید رنگی می آیند و بال هایشان را بالا می برند تا [بهشتیان] از هر رنگی [از غذا] که هوس دارند، بخورند، [به هر صورتی که می خواهند،] اگر خواستند، نشسته و اگر خواستند، تکیه داده. و اگر هوس میوه کنند، شاخه ها به سوی آن ها کشیده می شود [و دراز می گردد] تا از هر کدام که بخوانند، بخورند».

سپس فرمودند: «و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی آیند [و به آنان می گویند:] «درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرای» در این حال، صدایی را از زیر عرش می شنوند [که می فرماید:] ای اهل بهشت، بازگشتگاهتان را چگونه یافتید؟! می گویند: بازگشتگاه ما بهترین بازگشتگاه و پاداش ما بهترین پاداش است. ما [این] صدای دل فریب و هوش ربا [را شنیدیم، هوس کردیم که به نورهای جلال تو بنگریم و [اگر این خواسته می ما برآورده شود] بزرگترین پاداش برای ما [خواهد بود] و [خودت] ما را [در دنیا] وعده داده بودی و [تو] حُلف وعده نمی کنی.

پس خدای متعال حجابها را امر می کند [که از میان برخیزند، پس] هفتاد هزار حجاب بر می خیزد. پس [بهشتیان] بر شترها و اسبهایی سوار می شوند و بر آن ها زیورآلات و لباس های بهشتی است. پس در سایه های درختی می روند تا به دارالسلام می رسند و

آن خانہی [تجلی ویژهی] خداست، خانہی روشنایی و نور و شادی و کرامت. پس آن صدا را [باز ہم] می شنوند. [باز] می گویند: ای آقای ما گفتار لذت بخش تو را شنیدیم، پس نور و جهت را به ما بنمایان. پس خدای سبحان برای آنان تجلی می کند تا بہشتیان بہ نور وجہ او تبارک و تعالی، کہ از چشم ہر بینندہای پوشیدہ است، بنگرند. [چون بہ آن تجلی عالی نظر می کنند] نمی توانند خود را نگہ دارند [بہ ہمین جہت] بر رو بہ سجدہ می افتند و می گویند: [بار الہا از ہر عیب و نقص و شبیہ،] منزہی، ما تو را چنان کہ حق تو بود، نپرستیدیم، ای بزرگواری. خدای متعال می فرماید: ای بندگان من، سر [از سجدہ] بردارید [کہ] این [جا] خانہی عمل نیست بلکہ خانہی اکرام و خواستن و نعمت ہاست. [ہر گونہ] درماندگی و رنج از شما رفت.

وقتی [سر از سجدہ] بر می دارند، صورت ہایشان ہفتاد برابر [بیشتر از گذشتہ] نورانی می شود. سپس [خدای] تبارک و تعالی می فرماید: ای ملائکہ ام [بہ این مؤمنان بہشتی، انواع غذاہای لذیذ] بخورانید و [انواع] نوشیدنی های گوارا [بنوشانید]. [در پی این دستور الہی، انواع] رنگ های خوراکی برایشان آورده می شود کہ ہرگز مانند آن را ندیدہ اند؛ در طعم [مانند] عسل و در سفیدی [مانند] برف و در نرمی [مانند] خامہ [یا مسکہ] است. وقتی [آنها] را [می خورند بعضی شان بہ بعض دیگر می گویند: آن غذایی کہ در بہشت داشتیم در مقایسہ با اینہا [ہمانند] رؤیا است. سپس خدای جبار تبارک و تعالی می فرماید: ای فرشتگانم [از

نوشیدنی‌های گوارای خاص] به آنان بنوشانید. [در پس اجرای این دستور الهی] نوشیدنی‌ای می‌آورند و دوست خدا آن را می‌گیرد. پس شربت می‌نوشد که هرگز مانند آن شربت را ننوشیده است. سپس [خدای متعال] می‌فرماید: ای فرشتگان من، خوشبویشان کنید. پس بادی از زیر عرش [وزیدن می‌گیرد و] مشکی سفیدتر از برف را با خود می‌آورد که صورت و پیشانی و پهلوهایشان را تغییر می‌دهد که مثیره نامیده می‌شود. پس می‌توانند به [تجلی خاص] وجه او بنگرند. پس می‌گویند: ای آقای ما، برای ما لذت گفتار و نگاه به نور وجهت کافی است و جایگزینی برای آن نمی‌خواهیم. پس پروردگار تبارک و تعالی می‌فرماید: من می‌دانم که شما به [دیدن و نزدیکی با] همسرانتان اشتیاق دارید و همسرانتان [نیز] مشتاق [همنشینی] با شما هستند. [بهشتیان با تعجب] می‌گویند: ای آقای ما، چقدر تو به آنچه در دل بندگانت می‌گذرد، آگاهی! [خدای متعال] می‌فرماید: چگونه ندانم و حال آن که من شما را ساخته‌ام و روح‌هایتان را در بدن‌هایتان قرار داده‌ام و پس از وفات [و جدا شدن روح از بدن، نیز] آن را دوباره به شما برگرداندم و گفتم: ساکن شوید در [میان] بندگانم در بهترین منزلگاه [های بهشت، اکنون] به جانب همسرانتان برگردید. [بهشتیان] می‌گویند: ای آقای ما، برای [دیدار مجدد] ما، شرطی مقرر فرما. [خدای تبارک و تعالی] می‌فرماید: برای شما در هر جمعه یک نوبت زیارت قرار دادم [البته] میان هر جمعه تا جمعه [ی بعد] هفت هزار سال از سال‌هایی که می‌شمارید،

[فاصله] است.

[بعد از این قرار مجدد ملاقات، بهشتیان راضی شده و] بر می‌گردند. [در حال بازگشت،] به هر کدام از آنها، اناری سبز رنگ داده می‌شود که در آن، لباس‌هایی است که آفریده‌های اهل نظر [مانند] آن را ندیده‌اند.

پس حرکت می‌کنند و بعضی از پسران جاودانه از آن‌ها جلو می‌افتند تا بشارت آمدنشان را به همسرانشان که بر درگاه‌های بهشت، [به انتظار] ایستاده‌اند، بدهند. وقتی [مؤمن بهشتی] نزدیک [یکی از همسرانش] می‌شود [از شدت تغییر، همسرش] خود را به ناآشنایی می‌زند بدون اینکه بدش بیاید. [یعنی چنان وانمود می‌کند که او را نمی‌شناسد. سپس] می‌گوید: ای محبوب من وقتی از نزد من می‌رفتی، اینگونه نبودی!

[مؤمن بهشتی] می‌گوید: آیا مرا ملامت می‌کنی؟! در حالی که من به نور وجه پروردگارم نظر کرده‌ام و صورتم به نور وجه او نورانی شده است. سپس از آن [همسر بهشتی‌اش] روی بر می‌گرداند [و بار دیگر] به او نظر می‌نماید. پس می‌گوید: ای محبوبه‌ی من، از نزدت خارج می‌شدم و تو اینگونه نبودی! [همسر بهشتی‌اش] می‌گوید: ای محبوب من [آیا] مرا ملامت می‌کنی که اینگونه‌ام؟! در حالی که به صورت کسی که به نور وجه پروردگارم نظر کرده، نگاه کرده‌ام و صورتم از صورت آن نگاه‌کننده به وجه پروردگارم، هفتاد برابر نورانی‌تر شده است! [بعد از این سخنان، زن زیباروی بهشتی، شوهرش را] از در خیمه بغل می‌کند. در این حال،

پروردگار تبارک و تعالی به سوی آنان می‌خندد [یعنی اظهار رضایت و خشنودی می‌کند] و آنان با انگشت [اشاره می‌کنند و] ندا می‌دهند: «سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق‌شناس است».

حضرت ادامه دادند: «سپس پروردگار تبارک و تعالی به پیامبران اجازه‌ی خارج شدن می‌دهد. پس مردی [از پیامبران] در میان [کاروانی از فرشتگان که اطرافش را گرفته‌اند و نور که در جلوشان است، خارج می‌شود. اهل بهشت به او می‌نگرند و گردن‌هایشان را به سویش بالا می‌کشند و [با تعجب] می‌گویند: این کیست؟! حتماً خیلی در نزد خدا با کرامت [و منزلت] است. ملائکه می‌گویند: این [شخص با جلالت و شکوه که می‌بینید] آفریده شده به دست [قدرت] او و دمیده شده در او از روح خودش و دانای اسماء است. این، آدم [ابوالبشر (علیه‌السلام)] می‌باشد. خدا به او اجازه‌ی ظهور و بروز داده است.

سپس مردی [دیگر از پیامبران] در میان کاروانی از فرشتگان که اطرافش را گرفته و بال‌هایشان را گشوده‌اند، و نور در جلوشان است، خارج می‌شود. اهل بهشت برای [دیدنش] گردن‌ها را بر می‌کشند و [با تعجب] می‌پرسند: این کیست؟ ملائکه می‌گویند: این، دوست [خدا] ابراهیم (علیه‌السلام) است که خدا به او اجازه‌ی ظهور و بروز داده است.

سپس مردی [دیگر از پیامبران] در میان کاروانی از فرشتگان که اطرافش هستند و بال‌هایشان را گشوده‌اند، و نور در جلوشان



است، خارج می‌شود. اهل بهشت برای [دیدنش] گردن‌ها را بر می‌کشند و [با تعجب] می‌پرسند: این کیست؟ ملائکه می‌گویند: این، موسی پسر عمران (علیه‌السلام) است که با خدا [در دار دنیا] سخن گفت. خدا به او اجازه [ی خارج شدن] داده است.

سپس مردی [دیگر از پیامبران] در میان کاروانی از فرشتگان که اطرافش هستند و بال‌هایشان را گشوده‌اند، و نور در جلوشان است، خارج می‌شود. اهل بهشت برای [دیدنش] گردن‌ها را بر می‌کشند و [با تعجب] می‌پرسند: این کیست؟ ملائکه می‌گویند: این، روح خدا و کلمه‌اش، عیسی پسر مریم (علیه‌السلام) است.

سپس مردی [دیگر از پیامبران] در میان کاروانی به قدر هفتاد برابر تمام کاروان‌های قبلی که در اطرافش فرشتگانی بال‌گشوده و نور در جلوشان است، خارج می‌شود. اهل بهشت برای [دیدنش] گردن‌ها را بر می‌کشند و [با تعجب بسیار] می‌پرسند: این کیست که خدا اجازه‌ی خارج شدنش را داده است؟ فرشتگان می‌گویند: این، برگزیده‌ی به وحی، امین رسالت، آقای فرزندان آدم، این پیامبر، محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. خدا اجازه [ی ظهور و خروج] به او داده است.

سپس مردی [دیگر] در میان کاروانی از فرشتگان که اطرافش هستند و بال‌هایشان را گشوده‌اند، و نور در جلوشان است، خارج می‌شود. اهل بهشت برای [دیدنش] گردن‌ها را بر می‌کشند و [با تعجب] می‌پرسند: این کیست؟ ملائکه می‌گویند: این، برادرِ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): در دنیا و آخرت

[امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)] است.  
سپس به [سایر] پیامبران و صدیقان و شهدا اجازه داده می‌شود  
[که به صحنه‌ی محشر وارد شوند]. آنگاه برای پیامبران منبرهایی  
از نور و برای صدیقین، تخت‌هایی از نور و برای شهدا، کرسی‌هایی  
از نور گذاشته می‌شود. سپس پروردگار تبارک و تعالی می‌فرماید:  
مرحبا [و خوش آمد] به وارد شوندگان و زیارت کنندگان و  
همسایگانم. ای فرشتگان [از میوه‌ها و خوراکی‌های لذیذ بهشتی]  
به ایشان بخورانید که چه بسیار [در دنیا اتفاق افتاد که] مردم  
خوردند و [اینان] گرسنه بودند و چه بسیار [در دنیا] مردم سیراب  
بودند و [ایشان] تشنه به سر بردند و چقدر مردم در خواب [ناز]  
بودند و [اینها به عبادت] ایستادند و چه بسیار [در دنیا پیش آمد  
که] مردم در امنیت بودند و [اینها از جور مردم و روزگار] در ترس  
[و هراس] بودند.

[پس از این بیانات] خوراکی‌هایی که مانندش را هرگز ندیده‌اند  
[در مقابلشان] نهاده می‌شود که طعم عسل و نرمی خامه و  
سفیدی برف دارد. [پس از اینکه از آن غذاهای لذیذ خوردند،  
خدای متعال] می‌فرماید: ای فرشتگانم [برایشان] میوه بیاورید.  
پس برایشان رنگ‌های [گونگون] میوه می‌آورند که مثل آن را  
هرگز ندیده‌اند و رطب‌های گورا و درشت به سفیدی برف و نرمی  
خامه»

قال الصادق (عليه السلام) في تفسير قوله تعالى «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>۷۰</sup>: «يَطْهَرُهُمْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سِوَى اللَّهِ إِذْ لَا طَاهِرَ مِنْ تَدْنِسِ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَكْوَانِ إِلَّا اللَّهُ»<sup>۷۱</sup>

امام صادق (عليه السلام) در تفسیر این آیه که می فرماید: «پروردگارشان به آنان نوشیدنی پاک کننده می نوشاند» فرمودند: «[نوشیدن آن نوشیدنی] آنان را از هر چیزی جز خدا، پاک [و خالص] می گرداند؛ زیرا جز خدا هیچ موجودی نیست که از آلودگی به چیزی از طبایع، پاک [و پاک کننده] باشد»

[۱۲۳] سند:

مِنْ وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ: «يَا أَبَا ذَرِّ لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَتْ مِنْ سَمَاءِ الدُّنْيَا فِي لَيْلَةٍ ظَلَمَاءَ لَأَضَاءَتْ لَهَا الْأَرْضَ أَفْضَلَ مِمَّا يَضِيئُهَا الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ لَوْجَدَ رِيحَ نَشْرَهَا جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَوْ أَنَّ ثَوْبًا مِنْ ثِيَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ نُشِرَ الْيَوْمَ فِي الدُّنْيَا لَصَعِقَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ مَا حَمَلَتْهُ أَبْصَارُهُمْ»<sup>۷۲</sup>

در یکی از فرزادهای وصیت رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): به جناب ابوذر غفاری آمده است: «ای ابوذر، اگر زنی از زنان بهشتی در شب تاریک در آسمان دنیا طلوع کند، زمین را روشن می سازد

۷۰. سورهی انسان، آیهی ۲۱.

۷۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحهی ۱۱۳.

۷۲. امالی، شیخ طوسی، صفحهی ۵۳۳؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، جلد ۲، صفحهی ۳۷۱؛ بحار

الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۴، صفحهی ۸۴.

بیشتر از آن مقدار که ماه شب چهارده، روشن می‌سازد و بوی [دلفریب] او را همه‌ی ساکنان زمین احساس می‌کنند و اگر جامه‌ای از جامه‌های بهشتیان در دنیا باز شود، کسانی که آن را ببینند، از هوش می‌روند و چشمانشان، دیدن آن را تحمّل نمی‌کند».

[۱۲۴] سند:

قال الصادق (عليه السلام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسْبِيحِ الْحُلِيِّ عَلَيْهِ فِي الْجَنَّةِ فِي كُلِّ مَفْصَلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثَةُ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَلُؤْلُؤٍ»<sup>۷۳</sup>.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «مؤمن در بهشت، از زیورهای تسبیحگو برخوردار است. در هر بندی از [بدن] مؤمن در بهشت، سه دستبند طلا و نقره و مروارید قرار دارد»

[۱۲۵] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «وَالَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى مُحَمَّدٍ إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَزِدَادُونَ جَمَالاً وَحُسْنًا كَمَا يَزِدَادُونَ فِي الدُّنْيَا قَبَاحَةً وَهَرَمًا»<sup>۷۴</sup>.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «سوگند به آن [خدایی] که کتاب [مقدس قرآن] را بر محمد فرو فرستاد، اهل

۷۳. ربیع‌الابرار، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۶؛ احقاق‌الحق، جلد ۱۲، صفحه‌ی ۲۷۳.

۷۴. روضة‌الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۵۵۶؛ المصنف لابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه‌ی ۷۵.

بهشت، پیوسته بر نیکی و زیبایی‌شان افزوده می‌شود، همچنان که در دنیا، پیوسته زشت‌تر و پیرتر می‌شوند»

[۱۲۶] سند:

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِذَا كَانَ الْمُؤْمِنُ يَحَاسِبُ تَنْتَظِرُهُ أَرْوَاجُهُ عَلَى عَتَبَاتِ الْأَبْوَابِ كَمَا يَنْتَظِرُونَ أَرْوَاجَهُنَّ فِي الدُّنْيَا مِنْ عِنْدِ الْعَتَبَةِ. قَالَ: فَيُجِئُ الرَّسُولُ فَيَبَشِّرُهُنَّ يَقُولُ: قَدْ وَاللَّهِ انْقَلَبَ فُلَانٌ مِنَ الْحِسَابِ. قَالَ: فَيُقْلَنَ: بِاللَّهِ يَقُولُ: قَدْ وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُهُ انْقَلَبَ مِنَ الْحِسَابِ. قَالَ: فَإِذَا جَاءَهُنَّ قُلْنَ: مَرْحَبًا وَأَهْلًا مَا أَهْلَكَ الَّذِينَ كُنْتَ عِنْدَهُمْ فِي الدُّنْيَا بِأَحَقَّ بِكَ مِنَّا»<sup>۷۵</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «زمانی که مؤمن حسابرسی می‌شود، همسران [بهشتی] او بر آستانه‌ی درها [ی بهشت] منتظر او هستند، همچنان که در دنیا همسرانشان بر درگاه، منتظر آن‌ها می‌ایستند. پس پیغام رسان می‌آید و به آنان مژده می‌دهد و می‌گوید: به خدا قسم که فلانی از حسابرسی [خلاص شد و به سلامتی] بازگشت. آن‌ها می‌گویند: تو را به خدا [قسم، راست می‌گویی؟!]

او می‌گوید: به خدا سوگند، خودم دیدم که از حسابرسی [رها شد و با خرسندی] بازگشت.

چون مؤمن نزد همسران [بهشتی] اش می‌آید، می‌گویند: خوش

۷۵. الزهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۹۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۹۸.

آمدی، آن خانواده‌ای که در دنیا نزد ایشان بودی، سزاوارتر از ما به تو نیستند.

[۱۲۷] سند:

سُئِلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَا بِنَاؤُهَا؟ قَالَ: «لَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبِنَةٌ مِنْ فِصَّةٍ وَمِلَاطُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ وَ تُرَابُهَا الرَّعْفَرَانُ وَ حَصَاؤُهَا اللَّوْلُؤُ وَ الْيَاقُوتُ مَنْ دَخَلَهَا يَتَنَعَّمُ لَا يَبْأَسُ أَبَدًا وَ يَخْلُدُ لَا يَمُوتُ أَبَدًا لَا يَبْلَى ثِيَابُهُ وَ لَا شَبَابُهُ»<sup>۷۶</sup>

از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): درباره‌ی بنای بهشت سؤال شد، فرمودند: «خشتی از طلا و خشتی از نقره است. ملاطش مشک عالی و خاکش، زعفران و سنگریزه‌هایش، در و یاقوت است. هر کس داخل آن شود، [همواره] برخوردار است و هیچوقت فقیر [و بینوا] نمی‌شود، جامه‌هایش کهنه نمی‌گردد و جوانی‌اش از بین نمی‌رود»

[۱۲۸] سند:

كَتَبَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى أَهْلِ مِصْرَ لَمَّا بَعَثَ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ

۷۶. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۴۹۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۷؛ صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۸۱؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۰۱؛ مسند ابی یعلی، جلد ۶، صفحه‌ی ۵۲؛ مسند اسحاق بن راهویه، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱۹؛ المعجم الاوسط، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۵۸؛ المصنف ابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۷؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۷۲؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۸۹؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۳۹۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۴.

إِلَيْهِمْ كِتَابًا يَخَاطِبُهُمْ بِهِ وَيَخَاطِبُ مُحَمَّدًا أَيضًا فِيهِ: «أَمَّا بَعْدُ... وَ  
 اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ... جَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ خَيْرٌ  
 لَا يَكُونُ بَعْدَهُ شَرٌّ أَبَدًا وَشَهْوَةٌ لَا تَنفَدُ أَبَدًا وَلَذَّةٌ لَا تَقْنَى أَبَدًا وَمَجْمَعٌ  
 لَا يَتَفَرَّقُ أَبَدًا. قَوْمٌ قَدْ جَاوَرُوا الرَّحْمَنَ وَقَامَ بَيْنَ أَيْدِيهِمُ الْغِلْمَانُ  
 بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ فِيهَا الْفَاكِهَةُ وَالرَّيْحَانُ»<sup>۷۷</sup>

در نامه‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به محمد بن ابی بکر، زمانی  
 که او را به استانداری مصر می‌فرستادند، آمده است: «اما بعد...  
 ای بندگان خدا بدانید... بهشتی که عرضش مانند عرض آسمان‌ها  
 و زمین است، خیری است که بعدش هیچگاه شری نیست؛ و  
 شهوتی است که هیچگاه از بین نمی‌رود و لذتی است که هیچگاه  
 فنا نمی‌پذیرد و [مؤمن بهشتی با دوستانش] مجموعه‌ای است که  
 هیچگاه از هم نمی‌پاشد. [بهشتیان] گروهی هستند که همسایه‌ی  
 [خدای] رحمانند. در مقابلشان نوجوانان [سیمین اندام] با  
 سینی‌های طلایی [که] در آن میوه‌ها و سبزی [های لذت‌بخش  
 بهشتی است] ایستاده‌اند»

[۱۲۹] سند:

قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَحِبُّ الْخَيْلَ فَهَلْ فِي الْجَنَّةِ خَيْلٌ؟  
 قَالَ: «نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِيهَا خَيْلًا مِنْ يَأْقُوتٍ أَحْمَرَ عَلَيْهَا

۷۷. امالی، شیخ مفید، صفحه‌ی ۲۶۶؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۲۹؛ الغارات، جلد ۱، صفحه‌ی  
 ۲۴۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۳۳، صفحه‌ی ۵۴۸.

يَرْكَبُونَ فَتَدْفُ بِهِمْ خِلَالَ وَرَقِ الْجَنَّةِ»  
 فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي يَعْجِبُنِي الصَّوْتُ الْحَسَنُ أَ فِي الْجَنَّةِ  
 الصَّوْتُ الْحَسَنُ؟

قَالَ: «نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ اللَّهَ لَيَأْمُرُ لِمَنْ أَحَبَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ  
 بِشَجَرٍ يَسْمَعُهُ صَوْتًا بِالتَّسْبِيحِ مَا سَمِعَتْ الْأَذَانُ بِأَحْسَنَ مِنْهُ قَطُّ»  
 فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَحِبُّ الْإِبِلَ أَ فِي الْجَنَّةِ إِبِلٌ؟  
 قَالَ: «نَعَمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِيهَا نَجَائِبَ مِنْ يَأْقُوتِ أَحْمَرَ عَلَيْهَا  
 رِحَالُ الذَّهَبِ قَدْ حَفَّتْ بِنَمَارِقِ الدِّيبَاجِ يَرْكَبُونَ فَتَرْفُ بِهِمْ خِلَالَ  
 وَرَقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ فِيهَا صُورَ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ يَرْكَبُونَ مَرَكَبَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَإِذَا  
 أُعْجِبَ أَحَدُهُمُ الصُّورَةُ قَالَ: اجْعَلْ صُورَتِي مِثْلَ هَذِهِ الصُّورَةِ  
 فَيَجْعَلُ صُورَتَهُ عَلَيْهَا وَإِذَا أُعْجِبَتْهُ صُورَةُ الْمَرْأَةِ قَالَ: رَبِّ اجْعَلْ  
 صُورَةَ فُلَانَةَ. زَوْجَتِي. مِثْلَ هَذِهِ الصُّورَةِ فَيَرْجِعُ وَقَدْ صَارَتْ صُورَةُ  
 زَوْجَتِهِ عَلَى مَا اسْتَهَى وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَزُورُونَ الْجَبَّارَ سُبْحَانَهُ فِي كُلِّ  
 جُمُعَةٍ فَيَكُونُ أَقْرَبَهُمْ مِنْهُ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ وَالَّذِينَ يَلُوتُهُمْ عَلَى مَنَابِرٍ  
 مِنْ يَأْقُوتِ وَالَّذِينَ يَلُوتُهُمْ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ زَبْرَجِدٍ وَالَّذِينَ يَلُوتُهُمْ عَلَى  
 مَنَابِرٍ مِنْ مِسْكَ فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ يَنْظُرُونَ إِلَى نُورِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ  
 وَيَنْظُرُ اللَّهُ فِي وُجُوهِهِمْ إِذْ أَقْبَلَتْ سَحَابَةٌ تَعْشَاهُمْ فَيَنْظُرُ عَلَيْهِمْ  
 مِنَ النَّعْمَةِ وَاللَّذَّةِ وَالسُّرُورِ وَالْبَهْجَةِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ  
 مَعَ هَذَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ رِضْوَانُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ»<sup>٧٨</sup>



مردی به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): عرض کرد: ای پیامبر خدا، من به اسب علاقه دارم. آیا در بهشت هم اسب هست؟

حضرت فرمودند: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. در آنجا اسبانی از یاقوت سرخ هستند که [بهشتیان] بر آنها نشانده می‌شوند و آن اسبها آنان را در میان برگ‌های بهشت، به آرامی می‌گردانند»

مرد دیگری گفت: ای پیامبر خدا، من آواز خوش را دوست دارم. آیا در بهشت، آواز خوش هم هست؟

فرمودند: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. خداوند برای هر یک از بهشتیان که آواز خوش را دوست دارد، به درختی فرمان می‌دهد که آواز تسبیح برایش سر دهد، آوازی که گوش‌ها هرگز خوشتر از آن را نشنیده‌اند».

مرد دیگری گفت: ای پیامبر خدا، من شتر دوست دارم. آیا در بهشت، شتر هم هست؟

فرمودند: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. در آنجا اشتران نژاده‌ای از یاقوت سرخ‌اند که جهاز طلا بر آنهاست و با بالشتک‌های دیبا پوشانده شده‌اند و بهشتیان بر آنها نشانده می‌شوند و در لا به لای برگ‌های بهشت می‌تازند.

در بهشت، تصاویری از مردان و زنان هست که بر مرکب‌های بهشتی سوارند و چون یکی از بهشتیان از تصویری خوشش آید،

می‌گوید: خدایا صورت مرا مانند این صورت بگردان. و خداوند صورتش را مانند آن می‌گرداند و چون تصویر زنی را ببینند می‌گوید: پروردگارا صورت فلانی [یعنی] همسرم را مانند این صورت بگردان و چون [به منزل خود] برگردد می‌بیند که صورت همسرش به مانند همان صورت دلخواهش شده است.

اهل بهشت، [خدای] جبار را در هر جمعه زیارت می‌کنند. [در آن مجلس] نزدیکترین بهشتیان به [تجلی خاص] خدای متعال، بر منبرهایی از نور هستند. آنان که از ایشان پایین ترند، بر منبرهایی از یاقوت [می‌نشینند] و آنهایی که از ایشان پایین ترند، بر منبرهایی از زبرجد [می‌نشینند] و آنان که [باز هم] پایین ترند، بر منبرهایی از مشک [می‌نشینند] در این حال به نور [خاص] خدای بلند مرتبه می‌نگرند و خدای متعال [به تجلی خاصی] در چهره‌ی ایشان می‌نگرد. آنگاه، ابری آنان را در می‌پوشاند و بارانی از [انواع] نعمت‌ها و لذت‌ها و شادی‌ها و خوشحالی‌ها بر آنان فرو می‌ریزد، آنچه جز خدای پاک [مقدار نعمت‌ها و میزان لذت بردن بهشتیان را] نمی‌داند. با همه‌ی این [وصف‌ها] [ی‌ی که گذشت] آنچه با فضیلت‌تر از [همه‌ی] این [ها] است، رضایت خدای بلند مرتبه [از بهشتیان است]». «

[۱۳۰] سند:

عَنِ الرَّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «مَنْ  
 طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ وَ

الرَّاحَةُ لَمْ تَخْلُقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا إِنَّمَا خُلِقَتْ الرَّاحَةُ فِي  
الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ»<sup>۷۹</sup>

راوی می‌گوید از امام سجاد (علیه‌السلام) شنیدم که می‌فرمود:  
«کسی که جویای ثروت و اموال و گشادی در [امور] دنیایش  
است، [در اصل] راحتی [خودش] را می‌طلبد در حالی که راحتی  
در دنیا و برای اهل دنیا، آفریده نشده است. همانا راحتی [و  
خوشی جاودانه] برای بهشت و اهل بهشت آفریده شده است»  
[پس در این سرای رنج چنان باشیم که در آخرت، راحتی حقیقی  
را همیشه داشته باشیم].

[۱۳۱] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِذَا أَدْخَلَ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ  
النَّارَ جَاءَ بِالمَوْتِ فِي صُورَةِ كَبِشٍ حَتَّى يُوَقَّفَ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ  
قَالَ: ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ يَسْمَعُ أَهْلُ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ يَا أَهْلَ  
النَّارِ فَإِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَقْبَلُوا. قَالَ: فَيَقَالُ لَهُمْ أَ تَدْرُونَ مَا هَذَا؟  
هَذَا هُوَ المَوْتُ الَّذِي كُنْتُمْ تَخَافُونَ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا.

قَالَ: فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ اللَّهُمَّ لَا تَدْخِلِ المَوْتَ عَلَيْنَا. قَالَ وَيَقُولُ أَهْلُ  
النَّارِ اللَّهُمَّ ادْخِلِ المَوْتَ عَلَيْنَا. قَالَ: ثُمَّ يَدْبِحُ كَمَا تُدْبِحُ الشَّاةُ.  
قَالَ: ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ لَا مَوْتَ أَبَدًا أَيَقْنُوا بِالْخُلُودِ. قَالَ: فَيَفْرَحُ أَهْلُ  
الْجَنَّةِ فَرَحًا لَوْ كَانَ أَحَدٌ يَوْمَئِذٍ يَمُوتُ مِنْ فَرَحٍ لَمَاتُوا. قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ

۷۹. خصال، شیخ صدوق، جلد ۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۷۰، صفحہ ۹۳.

هَذِهِ الْآيَةُ «أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّيْنَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ»<sup>۸۰</sup> قَالَ وَيَشْهَقُ أَهْلُ النَّارِ شَهْقَةً لَوْ كَانَ أَحَدٌ يَمُوتُ مِنْ شَهِيقٍ لَمَاتُوا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ»<sup>۸۱، ۸۲</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «آنگاه که خداوند، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ می‌برد، مرگ را به صورت قوچی می‌آورند و آن را میان بهشت و دوزخ، نگاه می‌دارند. سپس آواز دهنده‌ای با صدایی که همه‌ی اهل بهشت و اهل جهنم بشنوند، بانگ می‌زند: ای اهل بهشت و ای اهل جهنم! با شنیدن صدا، همه به طرف آن، رو می‌کنند. پس به آن‌ها گفته می‌شود: آیا می‌دانید که این چیست؟ این، همان مرگی است که در دنیا از آن می‌ترسیدید.

اهل بهشت می‌گویند: بار خدایا، مرگ را نزد ما می‌آور.  
[ولی] اهل دوزخ می‌گویند: بار خدایا، مرگ را نزد ما بیاور.  
در این هنگام، آن (= مرگ) را مانند قوچی سر می‌برند.  
سپس آواز دهنده‌ای آواز می‌دهد که دیگر مرگی [در کار] نیست.  
به جاودانگی یقین کنید. پس بهشتیان چنان خوشحال می‌شوند که اگر قرار بود کسی در آن روز از خوشحالی بمیرد، قطعاً آنان می‌مردند.»

۸۰. سوره‌ی صافات، آیات ۵۸ تا ۶۱.

۸۱. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۹.

۸۲. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۴۵.

سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «آیا دیگر روی مرگ را نمی‌بینیم، جز همان مرگ نخستین خود را؟! و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! به راستی که این، همان کامیابی بزرگ است. برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند» و [فرمود: «دوزخیان، چنان ناله‌ای سر می‌دهند که اگر قرار بود کسی از ناله بمیرد، قطعاً آنان می‌مردند. این است [معنای] سخن خداوند عز و جل که: «آنان را از روز حسرت، بیم ده، آن گاه که کار، تمام می‌شود»

[۱۳۲] سند:

قال علی (عليه السلام): «فَأَمَّا أَهْلُ الطَّاعَةِ فَأَنَابَتْهُمْ يَجْوَارِهِمْ وَخَلَدَهُمْ فِي دَارِهِ حَيْثُ لَا يَطْعَنُ النَّزْلُ وَلَا تَتَّعِبُهُمُ الْحَالُ وَلَا تُؤْتِبُهُمُ الْأَفْرَاعُ وَلَا تَنَالُهُمُ الْأَسْقَامُ وَلَا تَعْرِضُ لَهُمُ الْأَخْطَارُ وَلَا تُشْخِصُهُمُ الْأَسْفَارُ»<sup>۸۳</sup>

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «اهل اطاعت [و فرمان‌برداران] را با جای دادن در همسایگی خویش [در بهشت]، پاداش داد و آنان را در خانه‌ی [نعمت و رحمت و رضایت] خود [یعنی بهشت]، جاویدان ساخت؛ آنچنان [خانه‌ای] که کسانی که در آن فرود می‌آیند [و بار می‌اندازند]، هرگز [از آنجا] کوچ نمی‌کنند و حالاتشان دگرگون نمی‌گردد، و وحشت‌ها به سراغشان

---

۸۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۰۹؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، جلد ۷، صفحه‌ی بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۱۴.

نمی‌آید و بیماری‌ها به آنان نمی‌رسد و دستخوش خطرها نمی‌شوند و بار سفر از جایی به جایی بر نمی‌بندند»

[۱۳۳] سند:

قال علی (علیه السلام): «الْجَنَّةُ الَّتِي أَعَدَّهَا اللَّهُ تَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ حَظَافَةٌ لِأَبْصَارِ النَّاطِرِينَ فِيهَا دَرَجَاتٌ مُتَفَاوِصَاتٌ وَ مَنَازِلٌ مُتَعَالِيَاتٌ لَا يَبِيدُ نَعِيمُهَا وَلَا يَضْمَلُ حُبُورُهَا وَلَا يَنْقَطِعُ سُورُهَا وَلَا يَظْلَعُنْ مُقِيمُهَا وَلَا يَهْرَمُ خَالِدُهَا وَلَا يَبُؤُسُ سَاكِنُهَا. أَمِنْ سَاكِنِهَا مِنَ الْمَوْتِ فَلَا يَخَافُونَ صَفَاءَ لَهُمُ الْعَيْشُ وَ دَامَتْ لَهُمُ النِّعْمَةُ فِي أَنْهَارٍ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٍ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٍ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٍ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ مَعْفَرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ عَلَى فُرُشٍ مَوْزُونَةٍ وَأَزْوَاجٌ مَطَهَّرَةٌ وَ حُورٌ عِينٌ كَانَهُنَّ اللَّوْلُؤُ الْمَكْنُونُ وَ فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>۸۴</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «بهشتی که خداوند بزرگ برای مؤمنان آماده ساخته است [چنین خصوصیتی دارد]: چشم بینندگان را خیره می‌سازد. در آن، درجاتی است یکی برتر از دیگری و منزل‌هایی است یکی بالاتر از دیگری. نعمت‌هایش از بین نمی‌رود، خوشی‌هایش به سر نمی‌آید، شادی‌هایش قطع

۸۴. مطالب السؤل، صفحه ۵۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۸، صفحه ۳۰.

نمی‌شود، اقامت‌کننده در آن کوچ نمی‌کند، جاویدان در آن، پیر نمی‌شود و ساکن آن، دچار بینوایی نمی‌گردد.

ساکنان آن، از مرگ در امانند، بنابر این نمی‌ترسند. زندگی به کام آنهاست و نعمت برایشان پایدار است. جویبارهایی از آبی تغییرناپذیر، جویبارهایی از شیر که طعم آن دگرگون نمی‌شود، جویبارهایی از شراب [ناب بهشتی] که نوشندگان از آن، لذت می‌برند، و جویبارهایی از عسل خالص، و در آنجا از هرگونه میوه‌ای برای آنان [آماده] هست و [از همه‌ی این نعمت‌ها بالاتر] آمرزش پروردگارشان است. بر فرش‌های ردیف شده، نشسته‌اند و همسرانی پاک دارند؛ حوریانی چشم‌درشت چون مرواریدِ نهان در صدف، و میوه‌های فراوان که نه تمام می‌شوند و نه [از خوردن آن] ممنوع [می‌گردند]. فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌شوند [و می‌گویند]: سلام [و سلامتی و آرامش] بر شما [باد] به خاطر آن که شکیبایی کردید. پس چه نیکوست سرانجام [ساکنان] آن خانه‌ی جاودانه‌ی بهشت!»

[۱۳۴] سند:

سُئِلَ صَاحِبُ الْأَمْرِ (ارواحنا فداه) عَنِ أَهْلِ الْجَنَّةِ هَلْ يَتَوَالَّدُونَ إِذَا دَخَلُوهَا أَمْ لَا؟ فَاجَابَ (عليه السلام): «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وِلَادَةَ وَلَا طَمَثَ وَلَا نِفَاسَ وَلَا شِقَاءَ بِالطُّفُولِيَّةِ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلذُّ الْأَعْيُنُ كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ فَإِذَا اسْتَهَى الْمُؤْمِنُ وُلْدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ حَمَلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي

یَرِیدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ (علیه السلام) عِبْرَةً<sup>۸۵</sup>

امام عصر (ارواحنا فداه) در پاسخ به این سؤال که آیا اهل بهشت، وقتی به بهشت داخل می‌شوند [و در آن ساکن می‌گردند] بچه‌دار می‌شوند؟ فرمودند: «در بهشت، زنان، نه باردار می‌شوند، نه می‌زایند، نه حیض می‌بینند، نه نفاس می‌شوند و نه زحمت بچه‌داری را تحمل می‌کنند؛ بلکه در آنجا - همانگونه که خدای سبحان فرموده - آنچه دل‌ها هوس می‌کنند و چشم‌ها [از دیدنش] لذت می‌برند، هست. پس هرگاه مؤمن، هوس [داشتن] فرزندی کند، خداوند، آن را بدون آن که بارداری یا زایمانی در کار باشد، به همان شکلی که می‌خواهد [و به همان سن و قیافه‌ای که دوست دارد]، می‌آفریند، چنان که آدم (علیه السلام) را [برای] نمونه آفرید.»

[۱۳۵] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «شِبْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»<sup>۸۶</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «یک وجب از بهشت، از همه‌ی دنیا و آنچه [از نعمت‌ها، خوشی‌ها، معادن، مزارع، مراتع، جواهرات و... که] در آن می‌باشد، بهتر است.»

۸۵. الاحتجاج، طبرسی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۸۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۵۳، صفحه‌ی ۱۶۳.  
۸۶. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۴۹۵؛ مجمع البیان، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۱۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۸؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۸؛ المصنف ابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه‌ی ۷۹؛ حلیة الاولیاء، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۰۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۶.



[۱۳۶] سند:

قال (عليه السلام) في ما وعظ الله عز و جل به عيسى (عليه السلام): «يا ابن مريم لورأت عينك ما أعددت لأولياي الصالحين ذاب قلبك وزهقت نفسك شوقاً إليه فليس كدار الآخرة دار تجاور فيها الطيبون و يدخل عليهم فيها الملائكة المقربون وهم مما يأتي يوم القيامة من أهوالها آمنون دار لا يتغير فيها النعيم ولا يزول عن أهلها يا ابن مريم نafs فيها مع المتنافسين فإنها أمنيّة المتمينين حسنة المنظر طوي لك يا ابن مريم إن كنت لها من العالمين مع أبائك آدم وإبراهيم في جنات و نعيم لا تبغى بها بدلاً و لا تحويلاً كذلك أفعل بالمؤمنين»<sup>۸۷</sup>

امام معصوم (عليه السلام) درباره‌ی موعظه‌های خدای متعال به حضرت عیسی (عليه السلام) می‌فرماید: «ای پسر مریم، اگر چشمانت آنچه را که برای دوستان شایسته‌ام آماده ساخته‌ام، می‌دید، از شوق، دلت آب می‌شد و جانت به لب می‌آمد. هیچ سرایی، چون [بهشت برین در] سرای آخرت نیست. در آنجا همه‌ی پاکان جمعند و فرشتگان مقرب، بر آنان وارد می‌شوند. آنان از هراس‌های روز قیامت، در امانند. [بهشت] خانه‌ای است

۸۷. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۱؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۴۹۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۲۹۳.

که در آن، نعمت‌ها تغییر نمی‌کند [یعنی نمی‌پوسد و فصلش به پایان نمی‌رسد] و از اهل آن سرای، زوال نمی‌یابند.  
ای پسر مریم، [برای رسیدن به چنین سرایی] با دیگر تلاشگران، [با شور و شوق] کوشش کن که [رسیدن به] آن، آرزوی آرزومندان است. [و بدان که بهشت، بسیار] خوش‌منظر [و چشم‌نواز] است. خوشا به حال تو - ای پسر مریم - اگر از عمل‌کنندگان برای [رسیدن به] آن باشی، همراه با پدران آدم و ابراهیم [علیهم‌السلام] در بهشت‌ها و نعمت‌هایی که هرگز جایگزین و تغییری برای آن‌ها نخواهی خواست. [آری] من با پرهیزکاران چنین می‌کنم.»

[۱۳۷] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَحَدٌ إِلَّا بِجَوَازٍ يَسْمُوهُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَدْخَلُوهُ جَنَّةً عَالِيَةً فُطُوْهَا دَانِيَةً»<sup>۸۸</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «هیچ کس وارد بهشت نمی‌شود مگر با [داشتن] این مجوز عبور: «به نام خدای مهرگستر مهربان، این، نامه‌ای است از خدا برای [اجازه‌ی ورود] فلان پسر فلان. او را به بهشتی برین که میوه‌هایش [فراوان و] در دسترس است، وارد کنید»

۸۸. اعلام‌الدین، صفحه‌ی ۱۴۸؛ مجمع‌البیان، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۵۲۱؛ بحار‌الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۸۳؛ معجم‌الکبیر، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۷۲؛ معجم‌الاوسط، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۲۴؛ تاریخ‌بغداد، خطیب‌بغدادی، جلد ۷، صفحه‌ی ۹۵؛ تفسیر ابن‌کثیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۴۴۲؛ کنز‌العمال، متقی‌هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۲.

ذَكَرَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَهْلَ الْجَنَّةِ فَقَالَ: «يَجِيئُونَ فَيَدْخُلُونَ فَإِذَا  
أَسَاسُ بُيُوتِهِمْ مِنْ جَنْدَلِ اللَّوْلُؤِ وَسُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ وَ  
نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَائِبُ مَبْثُوثَةٌ وَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ قَدَّرَهَا لَهُمْ لَأَلْتَمَعَتْ  
أَبْصَارُهُمْ بِمَا يَرَوْنَ وَيَعَانِقُونَ الْأَزْوَاجَ وَيَقْعُدُونَ عَلَى السُّرُرِ وَيَقُولُونَ:  
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا»<sup>۸۹، ۹۰</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان احوال بهشتیان فرمودند: «می  
آیند و وارد [بهشت] می شوند و خانه های خود را می بینند که  
پایه های آنها از سنگ مروارید است، و تخت هایی برپا شده و  
جام هایی نهاده و بالش هایی در کنار هم چیده، و فرش هایی  
گسترده شده. [این منظره چنان با شکوه و خیره کننده است که]  
اگر نبود این که خداوند بلند مرتبه، آنها را برایشان مقدر کرده  
است، چشمانشان از آنچه می دید، کور می شد. [سپس در نهایت  
شادمانی و سروری جاودانه] همسران [بهشتی خویش] را در  
آغوش می گیرند و بر تخت های مرتفع و خوش منظر می نشینند  
و می گویند: «ستایش، خدایی را [سزاست] که ما را به اینها  
رهنمون شد»

۸۹. سوره ی اعراف، آیه ۴۳.

۹۰. مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۷۲۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه ۱۷۰؛ مصنف  
ابن ابی شیبہ، جلد ۸، صفحه ۷۵؛ مسند ابن جعد، صفحه ۳۷۴؛ تفسیر طبری، جلد ۱۲،  
صفحه ۳۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۶۶۶.

[۱۳۹] سند:

قال علی (علیه السلام): «وَفِدُّ الْجَنَّةَ أَبَدًا مُنْعَمُونَ»<sup>۹۱</sup>

«وارد شوندگان به بهشت، تا همیشه در نعمت‌اند [یعنی پس از وارد شدن به بهشت، دیگر محرومیتی در کار نیست]»

[۱۴۰] سند:

قال علی (علیه السلام): «وَأَرَادُ الْجَنَّةَ مُخَلَّدَ النِّعْمَاءِ»<sup>۹۲</sup>

«وارد شونده به بهشت، از نعمت‌های جاویدان برخوردار است»

[۱۴۱] سند:

قال الصادق (علیه السلام): «قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَقَلِّ إِبْرَاهِيمَ وَ سَارَةَ أَطْفَالَ الْمُؤْمِنِينَ يَغْذُونَهُمْ بِشَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَهَا أَخْلَافٌ كَأَخْلَافِ الْبَقْرِ فِي قَصْرِ مِنْ دُرَّةٍ. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْبِسُؤِ وَطُيْبُوا وَأُهْدُوا إِلَى آبَائِهِمْ فَهُمْ مُلُوكٌ فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِهِمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»<sup>۹۳، ۹۴</sup>

«خد/وند بزرگ و والا، [حضرت] ابراهیم و ساره [علیهما السلام] را»

۹۱. غرر الحکم، حدیث ۱۰۱۱۳؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحہ ۵۰۵.

۹۲. غرر الحکم، حدیث ۱۰۱۱۵؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحہ ۵۰۵.

۹۳. سورہی طور، آیہی ۲۱.

۹۴. من لایحضرہ الفقیہ، شیخ صدوق، جلد ۳، صفحہ ۴۹۰؛ توحید، شیخ صدوق، صفحہ

۳۹۳؛ عوالی اللالی، ابن ابی جمہور احسائی، جلد ۳، صفحہ ۲۸۷.

سرپرست کودکان اهل ایمان [که در کودکی مرده‌اند]، قرار داده است و آن دو، آن‌ها را با درختی در بهشت که پستان‌هایی مانند پستان گاو دارد، در قصری از دُر، تغذیه می‌کنند و چون روز قیامت شود، بر آنان لباس [های فاخر] می‌پوشانند و خوش‌بویشان می‌سازند و آنان را به پدرانشان هدیه می‌دهند. اینان در بهشت با پدرانشان پادشاهی می‌کنند. این [تفسیر] سخن خدای عز و جل است، آنجا که می‌فرماید: «و کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندانشان آنان را در ایمان [آوردن] پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به ایشان ملحق خواهیم کرد»

[۱۴۲] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يُعْطَى كُلُّ مُؤْمِنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْجَنَّةِ مِثْلَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ»<sup>۹۵</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در روز قیامت، به هر مؤمنی، از بهشت به اندازه‌ی هفت برابر دنیا داده می‌شود».

[۱۴۳] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَمَنْ يَغْدَى عَلَيْهِ وَيَرَأِحُ بِعَشْرَةِ آلافِ صَحْفَةٍ فِي كُلِّ صَحْفَةٍ لَوْنٌ مِنَ الطَّعَامِ لَهُ رَائِحَةٌ وَطَعْمٌ لَيْسَ لِلْآخِرِ».

۹۵. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۰۱.

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَمُرُّ بِهِ الطَّائِرُ فَيَسْتَهْيِهِ فَيَخْرُبِينَ يَدَيْهِ  
إِمَّا طَبِيخًا وَإِمَّا مَسْوِيًّا مَا خَطَرَ بَالَهُ مِنَ الشَّهْوَةِ.

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَكُونُ فِي جَنَّةٍ مِنْ جَنَّاتِهِ بَيْنَ أَنْوَاعِ  
الشَّجَرِ إِذِ يَسْتَهْيِي ثَمَرَةً مِنْ تِلْكَ الثِّمَارِ فَتَدَلَّى إِلَيْهِ فَيَأْكُلُ مِنْهَا مَا  
أَرَادَ.

وَلَوْ أَنَّ حُورِيًا مِنْ حُورِهِمْ بَرَزَتْ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَأَعَشَّتْ ضَوْءَ  
الشَّمْسِ وَلَأَقْتَنَنَّ بِهَا أَهْلُ الْأَرْضِ»<sup>۹۶</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «[حتی] برای  
دون پایه‌ترین اهل بهشت، هر بامداد و شامگاه، ده هزار سینی  
می‌آورند و در هر سینی، رنگی از غذاست که بو و طعمی متفاوت  
با دیگر دارد.

[وصف یکی از نعمت‌های مؤمن] در بهشت چنان است که  
پرنده‌ای بر او می‌گذرد و او هوس [خوردن] آن می‌کند؛ در دم، آن  
پرنده به صورت پخته یا بریان شده، به هر صورتی که دل او  
خواسته باشد، در برابرش می‌افتد.

و [وصف یکی دیگر از نعمت‌های مؤمن] در بهشت، چنان است  
که در باغی از باغ‌های خود، میان درختان گوناگون، گردش می‌کند  
و دلش هوس میوه‌ای از آن میوه‌ها را می‌کند. بلافاصله آن میوه  
به او نزدیک می‌شود و او هر چه می‌خواهد، از آن می‌خورد.

اگر حوریه‌ای از حوریان بهشتی، برای اهل زمین آشکار شود، نور

خورشید را تار می‌کند و زمینیان، سرگشته [و حیران] او می‌شوند».

[۱۴۴] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه السلام): «إِنَّ أَطْيَبَ شَيْءٍ فِي الْجَنَّةِ وَاللَّذَّةُ حُبُّ اللَّهِ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَخْرَجُوا دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۹۷</sup> وَذَلِكَ أَنَّهُمْ إِذَا عَايَنُوا مَا فِي الْجَنَّةِ مِنَ النَّعِيمِ هَاجَتِ الْمَحَبَّةُ فِي قُلُوبِهِمْ فَيَنَادُونَ عِنْدَ ذَلِكَ: أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۹۸</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «بهترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، محبت خدا و محبت به خاطر خدا و ستایش خداست. خدای عز و جل فرموده است: «و آخرین دعایشان [در بهشت]، این است که: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است» زیرا آنگاه که چشمشان به نعمت‌های بهشت می‌افتد، عشق و محبت در دل‌هایشان برانگیخته می‌شود و در این هنگام، بانگ بر می‌آورند که: ستایش، از آن خداست که پروردگار جهانیان است».

[۱۴۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً

۹۷. سوره یونس، آیه ۱۰.

۹۸. مصباح الشریعه، صفحه ۱۹۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۹، صفحه ۲۵۱.

الَّذِي يَرْكُبُ فِي الْفِ الْفِ مِنْ حَدَمَةٍ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُحَلِّدِينَ عَلَى  
خَيْلٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ لَهَا أَجْنِحَةٌ مِنْ ذَهَبٍ «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ  
نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»<sup>۹۹، ۱۰۰</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «پایین‌ترین اهل  
بهشت از لحاظ منزلت [و رتبه، هنگامی که می‌رود] بر اسبی از  
یاقوت سرخ که بال‌هایی از طلا دارد، می‌نشیند و هزار هزار [یعنی  
یک میلیون] خدمتکار، از پسرکان جاویدان، او را همراهی می‌کنند  
[و این، تفسیر سخن خدای متعال است که می‌فرماید]: «و چون  
بدانجا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می‌بینی»  
[و کدام پادشاهی از این بالاتر که برای یک رفت و آمد معمولی،  
چنین تشریفات بر گزار شود؟!]

#### [۱۴۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «أَرْضُ الْجَنَّةِ بَيَضاءَ  
عَرَصَتْهَا صُخُورُ الْكَافُورِ وَقَدْ أَحَاطَ بِهِ الْمِسْكُ مِثْلَ كَسْبَانِ  
الرَّمْلِ أَنَّهُارٌ مُضْرَدَةٌ فَيَجْتَمِعُ فِيهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ أَذْنَاهُمْ وَأَخْرُهُمْ  
فَيَتَعَارَفُونَ فَيَبْعَثُ اللَّهُ رِيحَ الرَّحْمَةِ فَتَهِيحُ عَلَيْهِمُ رِيحُ الْمِسْكِ  
فَيَرْجِعُ الرَّجُلُ إِلَى زَوْجَتِهِ وَقَدْ أزدَادَ حُسْنًا وَطِيبًا فَتَقُولُ لَهُ: لَقَدْ  
خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِي وَأَنَا بِكَ مُعْجَبَةٌ وَأَنَا بِكَ الْآنَ أَشَدُّ إِعْجَابًا»<sup>۱۰۱</sup>

۹۹. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۰.

۱۰۰. دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۷۶.

۱۰۱. الترغیب و الترهیب، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۱۴؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۲.



رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «زمین بهشت، سفید است و صحنش [از] صخره‌های کافور. مشک، مانند تپه‌های شن آن را در میان گرفته است و جوپارهای بسیار در آن روانند. بهشتیان از دور و نزدیک در آن جاگرد هم می‌آیند و با یکدیگر آشنا می‌شوند. سپس خداوند، باد رحمت را می‌وزاند و بوی مشک در آنان می‌پیچد.

آنگاه مرد [بهشتی] در حالی که بسی زیباتر و خوشبوتر شده است به نزد همسر خویش باز می‌گردد و همسرش به او می‌گوید: از نزد من که رفتی برایم خواستنی بودی و اکنون بسی خواستنی‌تر شده‌ای».

[۱۴۷] شاهد:

رُوي فِي حَبْرٍ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ: أَطْعِمُوا أَوْلِيَاءِي ۖ فَيُوتِي بِالْوَانِ الْأَطْعِمَةَ ۖ فَيَجِدُونَ لِكُلِّ لُقْمَةٍ لَذَّةً غَيْرَ مَا يَجِدُونَ لِلْآخِرَى ۖ فَإِذَا فَرَعُوا مِنَ الطَّعَامِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: اسْقُوا عِبَادِي ۖ فَيُوتِي بِأَشْرَبَةِ ۖ فَيَجِدُونَ لِكُلِّ شَرْبَةٍ لَذَّةً بِخِلَافِ الْآخِرَى ۖ فَإِذَا فَرَعُوا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُمْ: أَنَا رَبُّكُمْ ۖ قَدْ صَدَّقْتُكُمْ وَعَدِي ۖ فَاسْأَلُونِي أُعْطِكُمْ ۖ قَالُوا: رَبَّنَا نَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ ۖ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا ۖ فَيَقُولُ تَعَالَى: رَضِيتُ عَنْكُمْ ۖ وَلَدَى الْمَزِيدِ ۖ الْيَوْمَ أَكْرَمُكُمْ بِكَرَامَةٍ أَعْظَمَ مِنْ ذَلِكَ كَلِّهِ ۖ فَيَكشِفُ الْحِجَابَ ۖ فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ۖ فَيَخْرُونَ لَهُ سَجْدًا ۖ فَكَانُوا فِي السُّجُودِ مَا شَاءَ اللَّهُ.

ثُمَّ يَقُولُ لَهُمْ: اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ ۖ لَيْسَ هَذَا مَوْضِعَ عِبَادَةٍ ۖ فَيَنْسَوْنَ

كُلَّ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا وَيَكُونُ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنْ جَمِيعِ  
التَّعْمِرِ ثُمَّ يَرْجِعُونَ فَتَهْبِجُ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ عَلَى تَلٍّ مِنْ  
مِسْكِ أبيضٍ فَيَنْثُرُ ذَلِكَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ وَنَوَاصِي خِيُولِهِمْ فَأَيُّ  
رَجَعُوا إِلَى أَهْلِهِمْ تَرَاهُمْ أَزْوَاجُهُمْ فِي الْحُسْنِ وَالْبَهَاءِ أَفْضَلَ مِمَّا  
تَرْكُوهُنَّ فَيَقُولُ لَهُمْ أَزْوَاجُهُمْ: إِنَّكُمْ قَدْ رَجَعْتُمْ عَلَى أَحْسَنَ مَا  
كُنْتُمْ» ۱۰۲

در روایتی آمده است که [وقتی بهشتیان به بهشت می‌آیند] خدای بلند مرتبه، به فرشتگانش می‌فرماید: «از دوستانم پذیرایی کنید» پس خوراکی‌های رنگارنگ آورده می‌شود و دوستان خدا از هر لقمه‌ای، لذتی متفاوت با لقمه‌ی دیگر می‌برند و چون از خوردن دست می‌کشند، خدای بلند مرتبه می‌فرماید: «به بندگانم بنوشانید».

پس نوشیدنی‌هایی آورده می‌شود و آنان از هر نوشیدنی، لذتی متفاوت با دیگری می‌برند و چون از نوشیدن، دست می‌کشند، خدای بلند مرتبه به ایشان می‌فرماید: «منم پروردگار شما. به وعده‌ام با شما عمل کردم. پس اینک از من بخواهید تا به شما عطا کنم».

دوستان خدا، دو یا سه بار می‌گویند: پروردگارا خشنودیت را از تو می‌خواهیم.

پس خدای بلند مرتبه می‌فرماید: «از شما خشنود شدم و افزون

بر این هم دارم. امروز، شما را به کرامتی بزرگتر از همه‌ی اینها مفتخر می‌سازم.»

آنگاه پرده کنار زده می‌شود و آنان تا وقتی که خدا بخواهد به [تجلی ویژه‌ی] او می‌نگرند. سپس برایش به خاک می‌افتند و تا آنگاه که خدا بخواهد، همچنان در سجده خواهند بود.

سپس به آنان می‌فرماید: «سرهایتان را بلند کنید. اینجا جای عبادت نیست» پس هر نعمتی را که در آن به سر می‌بردند، از یاد می‌برند و تماشای [آن تجلی ویژه‌ی] او، برایشان از همه‌ی نعمت‌ها خوش‌تر است. سپس بر می‌گردند و از زیر عرش، بادی بر تپه‌ای از مشک سفید، وزیدن می‌گیرد و آن [مشک] را بر سر آن‌ها و پیشانی اسبان‌شان می‌پاشد، و چون به نزد خانواده‌ی خویش باز گردند، همسرانشان آنان را زیباتر و نورانی‌تر از زمانی می‌بینند که ترکشان کرده بودند. پس همسرانشان [با شادی و تعجب] به آنان می‌گویند: [چقدر] زیباتر از آنچه بودید، بازگشته‌اید!»

[۱۴۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَمَرَاغًا مِنْ مِسْكٍ مِثْلَ مَرَاغِ دَوَابِّكُمْ فِي الدُّنْيَا»<sup>۱۰۳</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، بستری از مشک وجود دارد [که بهشتی در آن غلت می‌زند و تفریح

---

۱۰۳. تاریخ اصبهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۵۲؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۵.

می‌کند] همانند غلتگاه ستوران (= چهارپایان) شما در دنیا».

[۱۴۹] شاهد:

إِنَّ ابْنَ صَيَادٍ سَأَلَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنْ تُرْبَةِ الْجَنَّةِ؟  
فَقَالَ: «دَرَمَكَةٌ بَيْضَاءُ مِسْكٍ خَالِصٌ»<sup>۱۰۴</sup>.

راوی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): درباره‌ی خاک بهشت  
پرسید. ایشان فرمودند: «خاکی نرم و سفید و مشک‌ی ناب  
است».

[۱۵۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَاطَ  
حَاطِطَ الْجَنَّةِ لَبِنَةً مِنْ ذَهَبٍ وَلَبِنَةً مِنْ فِضَّةٍ ثُمَّ شَقَّقَ فِيهَا الْأَنْهَارَ  
وَعَرَسَ فِيهَا الْأَشْجَارَ فَلَمَّا نَظَرَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى حُسْنِهَا وَزَهْرِهَا قَالَتْ:  
طُوبَىٰكَ فِي مَنَازِلِ الْمُلُوكِ»<sup>۱۰۵</sup>.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «خدای عز و جل  
دیوار بهشت را با خشتی از طلا و خشتی از نقره ساخت. سپس  
جویبارهایی را از دل آن درآورد و [با دست قدرت خود آن را]  
درختکاری کرد. چون فرشتگان، زیبایی و خرمی آن را دیدند،

---

۱۰۴. صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۲۴۳؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۸۶؛ المصنف لابن  
أبی شیبیه، جلد ۸، صفحه‌ی ۶۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۶۰.  
۱۰۵. البعث و النشور، صفحه‌ی ۱۸۱؛ الترغیب و الترهیب، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۱۳؛ دُر المنثور، سیوطی،  
جلد ۱، صفحه‌ی ۹۲.

گفتند: خوشا به حالت [که] در میان منزلگاه‌های پادشاهان  
[هستی]».»

[۱۵۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ حَائِطَ الْجَنَّةِ لَبَيْتَةٌ مِنْ  
ذَهَبٍ وَ لَبَيْتَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَقَاعُ الْجَنَّةِ ذَهَبٌ وَرُضَاضُهَا اللَّوْلُؤُ وَطِينُهَا  
مِسْكٌ وَتُرَابُهَا الزَّعْفَرَانُ وَ خَلَالُ ذَلِكَ سِدْرٌ مَخْضُودٌ وَ طَلْحٌ  
مَنْضُودٌ وَظِلٌّ مَمْدُودٌ وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ»<sup>۱۰۶</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «دیوار بهشت، یک  
خشتش از طلاست و خشت دیگرش از نقره. دشت بهشت  
طلاست و خرده سنگ‌هایش مروارید است و گیل آن مشک و  
خاکش زعفران است و در آن، درختان کنار بی‌خار است و نیز  
درخت‌های موز و با میوه‌های خوشه خوشه‌ی بر هم چیده و  
سایه‌ای گسترده و پایدار و آبی ریزان».

[۱۵۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «فِي الْجَنَّةِ خَيْمَةٌ مِنْ لَوْلُؤَةٍ  
مُجَوَّفَةٍ عَرْضُهَا سِتُّونَ مِيلاً فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا أَهْلٌ مَا يَرُونَ  
الْآخِرِينَ يَطُوفُ عَلَيْهِمُ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۱۰۷</sup>.

۱۰۶. دُرُ الْمَثُورِ، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳.

۱۰۷. صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۸۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۶۲؛ صحیح بخاری،  
جلد ۴، صفحه‌ی ۱۸۴۹؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۹۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴،

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت سرپرده‌ای از مروارید میان تهی است که پهنای آن شصت میل است و در هر گوشه‌ای از آن، کسانی [یعنی همسرانی در اختیار مؤمن] هستند که گروه دیگر [از همسران او] را نمی‌بینند و مؤمن بر گرداگرد آنان می‌چرخد. [یعنی با هر گروه، جداگانه آمیزش می‌کند].».

[۱۵۳] شاهد:

قال علی (عليه السلام) في قوله تعالى: «نَضْرَةَ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup>: هِيَ عَيْنٌ فِي فِي الْجَنَّةِ يَتَوَضَّؤُونَ مِنْهَا وَيَغْتَسِلُونَ فَتَجْرِي عَلَيْهِمْ نَضْرَةٌ النَّعِيمِ»<sup>۲</sup>.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره‌ی این سخن خدای بلند مرتبه «طراوت نعمت» می‌فرمایند: «آن، چشمه‌ای است در بهشت که [بهشتیان] از آن وضو می‌گیرند و [در آن] غسل می‌کنند، پس طراوت نعمت بر آنان جاری می‌شود».

[۱۵۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَعَلَّكُمْ تَطْؤُونَ أَنَّ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ أَخْدُودٌ فِي الْأَرْضِ لَا وَاللَّهِ إِنَّهَا لَسَائِحَةٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ»

صفحه‌ی ۴۵۸.

۱. سوره‌ی مطففین، آیه‌ی ۲۴.

۲. دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۴۵۱؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۴۸.

حَافَتَاهَا خِيَامُ اللَّوْؤِ وَ طَيْبُنْهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْأَذْفَرُ؟ قَالَ: «الَّذِي لَا خِلْطَ مَعَهُ»!

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: شاید شما خیال می‌کنید که جویبارهای بهشت، شکاف‌هایی در زمین هستند؟! نه، به خدا [قسم] آن‌ها بر روی زمین روانند. دو کرانه‌ی آن‌ها سرپرده‌های مرواریدند و گل آن‌ها مشک اذفر است. راوی می‌گوید عرض کردم: ای پیامبر خدا، اذفر چیست؟ فرمودند: «آنچه مخلوطی با آن نباشد [یعنی ناب و خالص].»

[۱۵۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا يُقَالُ لَهُ: رَجَبٌ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، نهری است که به آن رجب می‌گویند و [از خصوصیت‌های این جویبار بهشتی این است که] سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل است. هرکس یک روز از ماه رجب روزه بگیرد، خداوند از آن نهر به او می‌نوشاند.»

۱. حلیة الاولیاء، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۰۵؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۶۳.

۲. شعب الایمان، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۶۷؛ جامع الصغیر، سیوطی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۵۵.

[۱۵۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «الكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ حَافَّتَاهُ مِنْ ذَهَبٍ وَمَجْرَاهُ عَلَى الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ تَرْبَتُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ وَمَاؤُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَبْيَضُ مِنَ الشَّلْحِ»!

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «کوثر، جویباری در بهشت است که دو کرانه‌ی آن از طلاست و بسترش در و یاقوت و خاکش خوشبوتر از مشک و آبش شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از برف است».

[۱۵۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «بَيْنَمَا أَنَا أَسِيرُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا أَنَا بِنَهْرٍ حَافَّتَاهُ قِبابُ الدَّرِّ الْمُجَوَّفِ. قُلْتُ: مَا هَذَا يَا جِبْرِيلُ؟ قَالَ: هَذَا الْكَوْثَرُ الَّذِي أَعْطَاكَ رَبُّكَ. فَإِذَا طِينُهُ أَوْ طَيْبُهُ مِسْكٌ أَذْفَرُ»!

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: [در سفر معراج،] همچنان که در بهشت می‌گشتم، به نهری رسیدم که بر دو کرانه‌اش، سراپرده‌هایی از درّ میان‌تهی بود. پرسیدم: این چیست

۱. سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۵۰؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۵۰؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۹۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۴۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۲۳.

۲. صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه‌ی ۲۴۰۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۸۲؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۴۹؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۵۲؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۲۵.



ای جبرئیل؟

گفت: این همان «کوثر» است که پروردگارت به تو عطا فرموده است.

دیدم گیل آن (یا بوی آن)، مشک ناب است».

[۱۵۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ تَسْبِيحَةً أَوْ هَلَّلَهُ تَهْلِيلَةً أَوْ كَبَّرَهُ تَكْبِيرَةً أَوْ حَمَّدهُ تَحْمِيدَةً غَرَسَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ؛ أَصْلُهَا مِنْ ذَهَبٍ وَفَرْعُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ مُكَلَّلَةٌ بِالْيَاقُوتِ تَمْرُهَا كَثْدَى الْأَبْكَارِ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْإِنْ مِنْ الزُّبَيْدِ كُلِّمَا جُنِيَ مِنْهَا شَيْءٌ عَادَ مَكَانَهُ مِثْلَهُ!»!

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هر کس [خالصانه] برای خدا یک بار «سبحان الله» یا «لا اله الا الله» یا «الله اکبر» یا «الحمد لله» بگوید، خداوند عز و جلّ به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد. [وصف آن درخت چنین است] که ریشه‌اش از طلا و تنه‌اش از مروارید و مزین به یاقوت است و [وصف] میوه‌اش [چنین است که] مانند پستان دخترکان باکره است و [وصف مزه‌اش چنین است که] از شهد، شیرین‌تر و از خامه [یا مسکه] نرم‌تر است. هر میوه‌ای که از آن چیده شود، به جایش میوه‌ای دیگر می‌روید».

۱. شرح الاخبار، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۷۸؛ المعجم الكبير، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۶۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۷۴.

[۱۵۹] شاهد:

أَقْبَلَ أَعْرَابِي يَوْمًا فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ شَجْرَةً  
مُؤَذِيَةً وَمَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَةً تُؤَذِي صَاحِبَهَا.  
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): وَمَا هِيَ؟

قال: السِّدْرُ فَإِنَّ لَهَا شَوْكًا!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ؛  
يَخْضِدُ اللَّهُ شَوْكَهُ فَيَجْعَلُ مَكَانَ كُلِّ شَوْكَةٍ ثَمْرَةً فَإِنَّهَا تُنْبِتُ ثَمْرًا  
تُنْفِقُ الثَّمْرَةَ مَعَهَا عَن اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ لَوْنًا مَا مِنْهَا لَوْنٌ يَشْبَهُ  
الْآخَرَ»<sup>۲</sup>.

روزی بادیه نشینی [به نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)]:  
آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، خداوند در قرآن از درخت صدمه  
زننده‌ای یاد کرده است در حالی که من گمان نمی‌کنم که در  
بهشت، درختی باشد که به صاحبش آسیب برساند.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): پرسیدند: «چه درختی؟»

گفت: «درخت کنار (= سدر)، زیرا خاردار است.

حضرت فرمودند: [قرآن کریم، جواب این اشکال را داده است؛  
آنجا که می‌فرماید: «[بهشتیان] در [زیر] درختان کنار بی‌خار

۱. سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۲۸.

۲. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۱۸؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۱۸۷؛ الزهد لابن المبارک، صفحه‌ی ۷۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۵؛ المعجم الکبیر، جلد ۱۷، صفحه‌ی ۱۳۰.

[می‌آرامند]». خدا خارهای آن را قطع می‌کند و به جای هر خاری، میوه‌ای می‌گذارد. این درخت، میوه‌ای می‌دهد با هفتاد و دو رنگ که هیچ رنگی از آن، شبیه دیگری نیست».

[۱۶۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَحْرَ الْمَاءِ وَ بَحْرَ الْعَسَلِ وَ بَحْرَ اللَّبَنِ وَ بَحْرَ الْخَمْرِ ثُمَّ تَشَقُّقُ الْأَنْهَارُ بَعْدُ»<sup>۱</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «در بهشت، دریای آب و دریای عسل و دریای شیر و دریای شراب [ناب بهشتی] هست. آنگاه [از این دریاهای چهارگانه] جویبارها جاری می‌گردند».

[۱۶۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أُنْطَلِقَ بِهِ إِلَى طُوبَى فَتُفْتَحُ لَهُ أَكْمَامُهَا فَيَأْخُذُ مِنْ أَى ذَلِكَ شَاءَ إِنْ شَاءَ أَبْيَضَ وَإِنْ شَاءَ أَحْمَرَ وَإِنْ شَاءَ أَصْفَرَ وَإِنْ شَاءَ أَسْوَدًا مِثْلَ شَقَائِقِ التُّعْمَانِ وَارَقَّ وَأَحْسَنَ»<sup>۲</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «هیچیک از شما

۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۹۹؛ مسند ابن حنبل، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۴۲؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۹۴؛ حلیة الاولیاء، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۰۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۵.

۲. تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۷۸؛ دُرُ الْمُنْتَوَر، سیوطی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۴۴.

نیست که وارد بهشت شود مگر این که او را به نزد [درخت] طوبا می‌برند و غلاف شکوفه‌های آن برایش باز می‌شوند و او از هر کدام آن‌ها که خواست، بر می‌گیرد؛ سفید بخواد یا سرخ یا زرد یا سیاه، [آن غلاف شکوفه‌ها] مانند گل شقایق نعمان بلکه لطیف‌تر و زیباتر [از آن است]».

[۱۶۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) - فِي وَصْفِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى : «يَسِيرُ الرَّكَّابُ فِي الْفَنَنِ مِنْهَا مِائَةَ سَنَةٍ يَسْتِظِلُّ بِالْفَنَنِ مِنْهَا مِئَةَ رَاكِبٍ فِيهَا فِرَاشٌ مِنْ ذَهَبٍ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): در وصف سدره المنتهى (= آخرین درخت سدر بهشت) فرمودند: «[در عظمت و شکوه این درخت، همین بس که یک نفر [سواره، صد سال در [سایه‌ی] شاخه‌ی آن راه می‌پیماید و صد سوار در سایه‌ی شاخه‌ی آن جای می‌گیرند و در آن، فرش‌ی از طلاست]»

[۱۶۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) - فِي وَصْفِ ثَمَارِ الْجَنَّةِ : وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! إِنَّ الْحَبَّةَ - يَعْنِي الرُّمَانَ - فِي الْجَنَّةِ لَتَسْقُطُ

---

۱. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحہ ۵۱۰؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحہ ۲۱۷۶؛ تفسیر طبری، جلد ۱۳، صفحہ ۵۴؛ کنز العمال، متقی ہندی، جلد ۱۴، صفحہ ۴۶۲.

فَتَسْتُرُ الْخَادِمَ مِنَ الْمَخْدُومِ عِظْمًا وَالْثِمَارُ كَثْدَى الْأَبْكَارِ الْإِنُّ مِنَ  
الزُّبْدِ وَأَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در وصف میوه‌های بهشتی فرمودند: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، دانه - یعنی انار - در بهشت [از درخت] می‌افتد و چندان درشت است که میان خدمتکار و آقایش حایل می‌گردد [یعنی چنان می‌شود که مؤمن بهشتی، خادمش را نمی‌بیند]. میوه‌هایش [یا شاید، دانه‌های آن انار] به بزرگی پستان دخترکان باکره است و نرم‌تر از خامه [یا مسکه] و شیرین‌تر از عسل می‌باشد».

[۱۶۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَقْطَعُ رَجُلٌ ثَمْرَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَتَصِلَ إِلَى فِيهِ حَتَّى يَبَدِّلَ اللَّهُ مَكَانَهَا خَيْرًا مِنْهَا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر میوه‌ای که کسی از [درختان] بهشت می‌چیند، هنوز به دهان او نرسیده، خداوند، بهتر از آن را جایگزینش می‌سازد [و همیشه درختان بهشت، بهتر از بهتر، میوه می‌آورند]».

۱. الفردوس، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۶۳.

۲. تفسیر طبری، جلد ۱۳، صفحه‌ی ۱۴۹؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۷۱۰.

[۱۶۵] شاهد:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنِ الْفُرُشِ الْمَرْفُوعَةِ فَقَالَ: «لَوْ طُرِحَ فِرَاشٌ مِنْ أَعْلَاهَا لَهَوَى إِلَى قَرَارِهَا مِائَةَ خَرِيفٍ»<sup>۱</sup>  
از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی معنی فرش‌های گسترده شده [که در قرآن آمده] پرسیده شد، فرمودند: «گسترده‌گی آن فرش‌ها به قدری است که] اگر یک فرش از سر آن انداخته شود، بعد از صد سال، به انتهای آن می‌رسد! [دیدن و قدم زدن بر چنین فرش‌هایی چقدر لذت‌بخش خواهد بود]».

[۱۶۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا يَأْتُونَهَا كُلَّ جُمُعَةٍ فَتَهْبُ رِيحُ الشِّمَالِ فَتَحْتُو فِي وُجُوهِهِمْ وَثِيَابِهِمْ فَيَزِدُّونَ حُسْنًا وَجَمَالًا فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ وَقَدْ أَزْدَادُوا حُسْنًا وَجَمَالًا فَيَقُولُ لَهُمْ أَهْلُهُمْ: وَاللَّهِ لَقَدْ أَزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا! فَيَقُولُونَ: وَأَنْتُمْ وَاللَّهِ لَقَدْ أَزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت بازاری است که [بهشتیان در] هر جمعه به آنجا می‌روند؛ آن‌گاه باد شمال وزیدن می‌گیرد و به چهره‌ها و جامه‌های آنان می‌خورد و بر زیبایی

۱. المعجم الكبير، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۴۳؛ دُرُ الْمُنْتَوِر، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۵.

۲. صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۷۸؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۶۷؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۴۱، صفحه‌ی ۳۲۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۸.

و جمالشان افزوده می‌شود و چون زیباتر و قشنگ‌تر از گذشته به نزد خانواده‌های خویش باز می‌گردند، خانواده‌شان به آن‌ها می‌گویند: به خدا که بعد از رفتن از نزد ما، زیباتر و قشنگ‌تر شده‌اید. آن‌ها می‌گویند: به خدا که شما هم بعد از رفتن ما قشنگ‌تر و زیباتر شده‌اید.»

[۱۶۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ أَسْوَاقًا لَا شِرَاءَ فِيهَا وَلَا بَيْعَ يَجْتَمِعُونَ فِيهَا حَلَقًا حَلَقًا يَتَذَكَّرُونَ كَيْفَ كَانَتِ الدُّنْيَا وَكَيْفَ كَانَتْ عِبَادَةُ الرَّبِّ وَكَيْفَ كَانَ فُقْرَاءُ الدُّنْيَا وَغَنِيَاؤُهَا وَكَيْفَ كَانَ الْمَوْتُ وَكَيْفَ صِرْنَا بَعْدَ طَوْلِ الْبِلَى إِلَى الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، بازارهایی است اما نه برای خرید و فروش؛ بلکه بهشتیان در آن‌ها گروه گروه گرد هم می‌نشینند و با یکدیگر سخن می‌گویند؛ از این که دنیا چگونه بود و چگونه پروردگار را عبادت می‌کردند و تهیدستان و توانگران دنیا چگونه بودند و مردن چگونه بود و چگونه بعد از آن که مدت‌ها بدنشان پوسیده شده بود، به بهشت آمدند [و از این بازگو کردن خاطرات دنیا، لذت می‌برند و بیشتر قدر بهشت را می‌شناسند]».

---

۱. تنبیه الغافلین، صفحه‌ی ۸۳.

[۱۶۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّكَ لَتَنْظُرُ إِلَى الطَّائِرِ فِي  
الْجَنَّةِ فَتَشْتَهِيهِ فَيَخْرُ مَشْوِيًّا بَيْنَ يَدَيْكَ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت پرنده‌ای  
را می‌بینی و هوس [خوردن از گوشت] آن می‌کنی؛ [بلافاصله]  
برشته شده در برابرت می‌افتد».

[۱۶۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ شُبَّانٌ جُرْدٌ  
مُرْدٌ لَيْسَ لَهُمْ شَعْرٌ إِلَّا فِي الرَّأْسِ وَالْحَاجِبِينَ وَأَهْدَابِ الْعَيْنَيْنِ  
يَعْنِي لَيْسَ لَهُمْ شَعْرٌ عَانِيَةٌ وَلَا إِبْطِءٌ عَلَى طُولِ أَدَمٍ سِتُّونَ ذِرَاعًا  
وَعَلَى مَوْلِدِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ ثَلَاثَةٌ وَثَلَاثِينَ سَنَةً بَيْضَ الْأَلْوَانِ خَضِرُ  
الشِّيَابِ يَضَعُ أَحَدُهُمْ مَائِدَةً بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقْبَلُ طَائِرٌ فَيَقُولُ: يَا وَلى  
اللَّهِ أَمَا إِنِّي قَدْ شَرِبْتُ مِنْ عَيْنِ السَّلْسَبِيلِ وَرَعَيْتُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ  
تَحْتَ الْعَرْشِ وَأَكَلْتُ مِنْ ثَمَارِ كَذَا طَعْمُ أَحَدِ الْجَانِبَيْنِ مَطْبُوعٌ  
وَطَعْمُ الْجَانِبِ الْآخَرِ مَشْوِيٌّ فَيَأْكُلُ مِنْهَا مَا شَاءَ اللَّهُ. وَعَلَى الْوَلِيِّ  
سَبْعُونَ حُلَّةً لَيْسَ فِيهَا حُلَّةٌ عَلَى لَوْنِ آخَرَ فِي أَصَابِعِهِمْ عَشْرَةٌ

۱. الزهد ابن مبارك، صفحه‌ی ۵۱۰؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۰۶؛ مسند بزار، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۰؛ دُرّ  
المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۳۹۱.



خَوَاتِيمَ مَكْتُوبٌ عَلَى الْأَوَّلِ: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»<sup>۱</sup>  
 وَمَكْتُوبٌ فِي الثَّانِي: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ»<sup>۲</sup> وَفِي الثَّلَاثِ: «وَتِلْكَ  
 الْجَنَّةُ الَّتِي أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> وَفِي الرَّابِعِ: رُفِعَتْ عَنْكُمْ  
 الْأَحْزَانُ وَالْهُمُومُ وَفِي الْخَامِسِ: أَلْبَسْنَاكُمْ الْحُلِيَّ وَالْحُلَّلَ وَفِي  
 السَّادِسِ: زَوَّجْنَاكُمْ الْحُورَ الْعِينِ وَفِي السَّابِعِ: «وَفِيهَا مَا نَشْتَهِيهِ  
 الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۴</sup> وَفِي الثَّامِنِ: رَافَقْتُمْ  
 النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَفِي التَّاسِعِ: صِرْتُمْ شُبَّانًا لَا تَهْرَمُونَ وَفِي  
 الْعَاشِرِ: سَكَنْتُمْ فِي جَوَارِمِنَ لَا يُؤْذَى الْجِيرَانَ»<sup>۵</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «بهشتیان، جوانانی  
 هستند با بدن‌ها و صورت‌های بی‌موی؛ و تنها موی بدن آنها، موی  
 سر و ابروها و مژه‌هاست یعنی در زهار<sup>۶</sup> و زیر بغل آنها مویی  
 نیست. به قامت آدمی شصت‌گزر و به سن عیسی بن مریم [علیه  
 السلام]، سی و سه ساله هستند. بدن‌هایی سپید و جامه‌هایی  
 سبز دارند.

در برابر هر یک از آنها، سفره‌ای پهن می‌شود و پرنده‌ای می‌آید و  
 می‌گوید: ای ولی خدا، [خوردن گوشت من بسیار لذت بخش  
 است چون] من از چشمه‌ی سلسبیل نوشیده‌ام و در باغ‌های

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۴.

۲. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۴۶.

۳. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۷۲.

۴. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۷۱.

۵. تنبیه الغافلین، جلد ۸۰، صفحه‌ی ۶۸.

۶. زهار: قسمت زیر شکم و بالای عورت.

بهشت زیر عرش، دانه برچیده‌ام و از فلان میوه‌ها خورده‌ام. یک طرف [آن پرنده] طعم [گوشت] پخته دارد طرف دیگر، مزه‌ی بریانی [می‌دهد]. پس او از [گوشت] آن پرنده، آنچه می‌خواهد، تناول می‌کند [و فراوان، لذت می‌برد].

بر ولی [خدا] هفتاد جامه پوشانده شده که رنگ هر یک از آن‌ها متفاوت با دیگری است، و در انگشتانشان ده انگشت است که بر [انگشت] اولی نوشته شده است: «درود بر شما که شکیبایی کردید» و بر [انگشت] دومی نوشته شده است: «با سلامت و ایمنی به آن جا در آید» و بر [انگشت] سومی نوشته شده است: «این است آن بهشتی که با پاداش کارهایی که می‌کردید، میراث گرفتید» و بر [انگشت] چهارمی نوشته شده است: «غم و اندوه‌ها از شما برداشته شده است» و بر [انگشت] پنجمی نوشته شده است: «زیورها و جامه‌ها بر شما پوشاندیم» و بر [انگشت] ششمی نوشته شده است: «سپه‌چشمان بهشتی را به همسری شما در آوردیم» و بر [انگشت] هفتمی نوشته شده است: «و در آنجاست آنچه دل‌ها آن را بخواهد و چشم‌ها [از دیدنش]، لذت برند و شما در آن، جاودانید» و بر [انگشت] هشتمی نوشته شده است: «با پیامبران و صدیقان همنشین گشته‌اید. و بر [انگشت] نهمی نوشته شده است: «جوانانی گشته‌اید که هرگز پیر نمی‌شوید» و بر [انگشت] دهمی نوشته شده است: «در همسایگی کسی ساکن شده‌اید که همسایگان را نمی‌آزارد»

[۱۷۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «السُّرُرُ الْمَرْفُوعَةُ عَرْضُهَا  
فَرَسَخٌ فِي طُولِ مِيلٍ فِي السَّمَاءِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ فِرَاشًا كَقَدْرِ سَبْعِينَ  
عُرْفَةً بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی معنی «فیها سُرُرٌ  
مَرْفُوعَةٌ»<sup>۲</sup> فرمودند: «تخت‌های بلند، عرضشان یک فرسخ است،  
با بلندای یک میل در آسمان و بر روی هر تختی، هفتاد بستر  
است [که هر بستر] به اندازه‌ی هفتاد اتاق [می‌باشد و] بعضی از  
آن‌ها بر روی بعضی دیگر [قرار می‌گیرد]».

[۱۷۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم). فِي وَصْفِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: إِنَّ  
عَلَيْهِمُ التَّيَّجَانَ إِنَّ أَدْنَى لَوْلُؤَةٍ مِنْهَا لَتُضِيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ  
وَالْمَغْرِبِ»<sup>۳</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی بهشتیان فرمودند:

۱. الفردوس، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۴۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۶۵۱.

۲. سوره‌ی غاشیه، آیه‌ی ۱۳.

۳. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۹۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۵۰؛ صحیح ابن حبان،  
جلد ۱۶، صفحه‌ی ۴۱۰؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۱۲؛ مسند  
ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۳؛ تفسیر طبری، جلد ۱۳، صفحه‌ی ۱۷۶؛ کنز العمال، متقی هندی،  
جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۸.

«بر سر آنان، تاج‌هایی است که [درخشش] پست‌ترین مروارید  
آن، از مشرق تا مغرب [عالم] را روشن می‌سازد».

[۱۷۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أَنَّ مَا يَقْلُ ظُفْرٌ مِمَّا فِي  
الْجَنَّةِ بَدَأَ لَتَزَحَرَفَتْ لَهُ مَا بَيْنَ خَوَافِقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَوْ أَنَّ  
رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَ فَبَدَأَ أَسَاوِرُهُ لَطَمَسَ ضَوْءَ الشَّمْسِ كَمَا  
تَطْمِسُ الشَّمْسُ ضَوْءَ النُّجُومِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر به اندازهی سر  
ناخن از آنچه در بهشت است، [در دنیا] آشکار گردد، کران تا  
کران [یا شرق تا غرب] آسمان‌ها و زمین از آن، مزین می‌شود و  
اگر مردی از بهشتیان [به دنیا] سرک بکشد و دستبندهایش  
نمایان گردد، [روشنایی درخشش آن،] نور خورشید را محو  
می‌سازد، چنان که خورشید، نور ستارگان را محو می‌سازد».

[۱۷۳] شاهد:

عن أبي امامة قال: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَدَّثَنَا وَ  
ذَكَرَ حُلِيَّ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ: «مُسَوَّرُونَ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مُكَلَّلَةٌ  
بِالدَّرِّ وَعَلَيْهِمْ أَكَالِيلٌ مِنْ دُرٍّ وَيَأْقُوتٍ مُتَوَاصِلَةٍ وَعَلَيْهِمْ تَاجٌ

---

۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۷۸؛ مسند ابن حنبل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۵۷؛ المعجم  
الاوسط، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۶۳؛ الزهد ابن مبارک، صفحه‌ی ۱۲۶؛ کنز العمال، متقی هندی،  
جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۰.

## کِتَابُ الْمُلُوكِ شَبَابٌ جُرْدٌ مُرْدٌ مُكْحَلُونَ<sup>۱</sup>

ابوامامه می‌گوید: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): برای ما سخن گفتند و از زیورهای بهشتیان یاد کردند و فرمودند: «دستبندهایشان از طلا و نقره است و مرواریدشان می‌باشد. بر سرهایشان حلقه‌هایی از درّ و یاقوت به هم پیوسته و تاج‌هایی چون تاج شاهان است. جوانانی هستند با رخسارها و بدن‌هایی صاف و بی‌مو، و چشمانی سرمه کشیده».

[۱۷۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «تَبْلُغُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَبْلَغَ الْوَضُوءِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «زیور بهشتیان [در دست‌هایشان] تا جایگاه وضویشان (= آرنج) می‌رسد».

[۱۷۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»<sup>۳</sup>: مِنْ الْحَيْضِ وَالْغَائِطِ وَالنُّخَامَةِ وَالْبُرَاقِ<sup>۴</sup>.

- 
۱. تفسیر ابن کثیر، جلد ۶، صفحه‌ی ۵۳۷؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۶.
  ۲. صحیح ابن حبان، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۲۰؛ مسند ابی یعلی، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۴۴؛ صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۱۹؛ المصنف، ابن شیبیه، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۹.
  ۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵؛ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۷.
  ۴. دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۷؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۲؛ تفسیر طبری،

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در مورد این آیهی شریفه «و برای ایشان در آن [بهشت] همسران پاک است» فرمودند: «[همسران بهشتی] از: حیض و مدفوع و اخلاط سر و سینه و آب دهان [پاک هستند]».

[۱۷۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ إِذَا جَامَعُوا نِسَاءَهُمْ عَادُوا أَبْكَارًا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اهل بهشت هرگاه با زنانشان نزدیکی کنند، دوباره باکره می شوند».

[۱۷۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ أَزْوَاجَ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَغْتَبْنَ أَزْوَاجَهُنَّ بِأَحْسَنِ أَصْوَاتٍ مَا سَمِعَهَا أَحَدٌ قَطُّ»<sup>۲</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «همسران بهشتیان برای شوهرانشان با خوشترین صداهایی که هیچ کس هرگز آنها را نشنیده است، آواز می خوانند».

---

جلد ۱، صفحهی ۱۷۵.  
۱. المعجم الصغير، جلد ۱، صفحهی ۹۱؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، جلد ۶، صفحهی ۵۳؛ الفردوس، جلد ۱، صفحهی ۴۰۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحهی ۴۷۰.  
۲. المعجم الاوسط، جلد ۵، صفحهی ۱۴۹؛ المعجم الصغير، جلد ۱، صفحهی ۲۶۰؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحهی ۵۱۸.

[۱۷۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ الْخُورَ فِي الْجَنَّةِ يَتَغَنَّيْنَ يَقُلْنَ: نَحْنُ الْخُورُ الْحَسَنُ هُدَيْنَا لِلْأَزْوَاجِ كِرَامٍ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «حوریان بهشتی، [با صدای بسیار دل‌فریب] آواز می‌خوانند و [در آوازشان] می‌گویند: ما سیه‌چشمان خوب‌روی [هستیم که] به شوهرانی ارجمند هدیه گشته‌ایم».

[۱۷۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أَنَّ حُورًا أَطَّلَعَتْ إِصْبَعًا مِنْ أَصَابِعِهَا لَوَجَدَ رِيحَهَا كُلُّ ذِي رُوحٍ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر حوریه‌ای [از حوریه‌های بهشتی،] انگشتی از انگشتانش را [در فضای دنیا] آشکار سازد، هر جاندارى بوی خوش آن را حس خواهد کرد».

[۱۸۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطَّلَعَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِأَضَاءَتِ مَا بَيْنَهُمَا وَلَمَلَاتُهُ رِيحًا وَ

---

۱. المعجم الاوسط، جلد ۶، صفحه‌ی ۳۱۲؛ تاریخ کبیر، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۶؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۲؛ دُرُ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۷۲۰؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۱۸.

۲. المعجم الكبیر، جلد ۶، صفحه‌ی ۵۹؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۷؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۲۱، صفحه‌ی ۱۴۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۱۹.

لَتَصِفُهَا عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا!.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اگر زنی از بهشتیان برای زمینیان نمایان گردد، از آسمان تا زمین را روشن می‌کند و عالم را آکنده از بوی خوش خود می‌سازد. روسری [یا چادر] او از دنیا و هر آنچه در دنیا است، بهتر است».

[۱۸۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَشْرَفَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَمَلَأَتِ الْأَرْضَ رِيحَ مِسْكِ وَ لَأَذْهَبَتْ ضَوْءَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اگر زنی از اهل بهشت بر مردم زمین نمایان شود، زمین را از بوی مشک پر می‌کند و [درخشندگی اش] نور خورشید و ماه را محو [و بی‌فروغ] می‌سازد».

[۱۸۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَبَّرُ فِي الْجَنَّةِ

---

۱. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۱۰۲۹؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۱۸۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه ۲۸۳؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه ۴۱۳؛ مسند ابی یعلی، جلد ۴، صفحه ۴۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۴، صفحه ۳۰۴.

۲. المعجم الكبير، جلد ۶، صفحه ۵۹؛ زهد ابن مبارک، صفحه ۷۷؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۲۱، صفحه ۱۴۵؛ المصنف، ابن ابی شیبہ، جلد ۸، صفحه ۷۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۷۳.



سَبْعِينَ سَنَةً قَبْلَ أَنْ يَتَحَوَّلَ ثُمَّ تَأْتِيهِ امْرَأَةٌ فَتَضْرِبُ عَلَى مَنْكَبِيهِ  
فَيَنْظُرُ وَجْهَهُ فِي خَدِّهَا أَصْفَى مِنَ الْمِرَاةِ وَإِنَّ أَدْنَى لَوْلُؤَةٍ عَلَيْهَا تُضِيءُ  
مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَتُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَيَرُدُّ السَّلَامَ وَيَسْأَلُهَا: مَنْ  
أَنْتِ؟ وَتَقُولُ: أَنَا مِنَ الْمَزِيدِ وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ ثَوْبًا أَدْنَاهَا  
مِثْلُ النُّعْمَانِ مِنْ طُوبَى فَيَنْفُذُهَا بَصَرَهُ حَتَّى يَرَى مَخَّ سَاقِهَا مِنْ  
وَرَاءِ ذَلِكَ وَإِنَّ عَلَيْهَا مِنَ التِّيْجَانِ إِنْ أَدْنَى لَوْلُؤَةٍ فِيهَا لَتُضِيءُ مَا بَيْنَ  
الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «مرد [مؤمن بهشتی] در بهشت، هفتاد سال تکیه می‌دهد، بدون آن که صورتش را به طرفی برگرداند [و یکسره از تماشای بهشت و نعمت‌های آن لذت می‌برد]. سپس زنی [از زنان بهشتی] نزد او می‌آید و به شانهاش می‌زند و او [برمی‌گردد و به چهره‌ی آن زن نگاه می‌کند و] صورتش را در گونه‌ی آن [زن بهشتی]، صافتر از [تصویر در] آینه، می‌بیند. کوچکترین مرواریدی که بر [سر و بدن] آن [زن بهشتی] است، از مشرق تا مغرب [دنیا] را روشن می‌سازد. زن به او سلام می‌کند و او جواب سلامش را می‌دهد و می‌پرسد: تو کیستی؟

او می‌گوید: من از فزونی‌ام [که خدای متعال وعده داده است علاوه بر نعمت‌های بهشت، فزونی‌هایی هم در نزد ما دارند]»

۱. مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۵۰؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۲؛ تفسیر طبری،

جلد ۱۳، صفحه‌ی ۱۷۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۳.

۲. «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» (سوره‌ی ق، آیه‌ی ۳۵)

بر تن آن زن، هفتاد جامه از درخت طوبا پوشانده شده که کمترین آن‌ها مانند شقایق نعمان است. پس نگاه مرد از آن‌ها نفوذ می‌کند تا جایی که از پشت آن‌ها مغز ساق او را می‌بیند. نیز تاج‌هایی بر سر دارد که کوچکترین مرواریدی که [بر آن تاج نصب شده] از مشرق تا مغرب را روشن می‌کند».

[۱۸۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»<sup>۱</sup>: يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهِ فِي خَدِّهَا أَصْفَى مِنَ الْمِرْآةِ وَإِنَّ أَدْنَى لُؤْلُؤَةٍ عَلَيْهَا لَتُضِيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَإِنَّهَا يَكُونُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ ثُوبًا يَنْفُذُهَا بَصَرُهُ حَتَّى يَرَى مَخَّ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ»<sup>۲</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): در مورد این سخن خدای بلندمرتبه «گویا یاقوت و مرجانند» فرمودند: «[مرد بهشتی] به صورت خودش در گونه‌ی آن [حوریه] می‌نگرد [یعنی خودش را در شفاف‌ی گونه‌های حوریه تماشا می‌کند و تصویرش را] صافتر از آنچه در آینه هست، می‌بیند. کمترین مرواریدی که بر [تاج] اوست، از مشرق تا مغرب را روشن می‌کند. نیز هفتاد جامه بر تن اوست که نگاه آن [مرد بهشتی] از آن [جامه]‌ها عبور می‌کند،

۱. سوره‌ی رحمان، آیه‌ی ۵۸.

۲. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۱۲؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۱۵؛ در المنثور، صفحه‌ی ۷، صفحه‌ی ۷۱۲؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۳.

به طوری که از پشت آن [جامه]ها، مغز ساق او (= حوریه) را می‌بیند».

[۱۸۴] شاهد:

قالت ام سلمه: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَحُورٌ عِينٌ»<sup>۱</sup>؟ قَالَ: «حُورٌ بِيضٌ عَيْنٌ ضِحَامٌ الْعُيُونِ شَقْرُ الْجِرْدَاءِ بِمَنْزِلَةِ جَنَاحِ النَّسُورِ».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ: «كَأَنَّهُمْ لَوْلَوْ مَكُونٌ»<sup>۲</sup> قَالَ: «صَفَاؤُهُنَّ صَفَاءُ الدَّرِّيِّ فِي الْأَصْدَافِ الَّتِي لَمْ تَمَسَّهُ الْأَيْدِي».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ»<sup>۳</sup> قَالَ: «خَيْرَاتُ الْأَخْلَاقِ حِسَانُ الْوُجُوهِ».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ: «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكُونٌ»<sup>۴</sup> قَالَ: «رِقَّتُهُنَّ كَرِقَّةِ الْجِلْدِ الَّذِي رَأَيْتَ فِي دَاخِلِ الْبَيْضَةِ مِمَّا يَلِي الْقِشْرَ وَهُوَ الْغَرِقِيُّ».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ: «عُرْبًا أَتْرَابًا»<sup>۵</sup> قَالَ: «هُنَّ اللَّوَاتِي قُبِضْنَ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَجَائِزٌ رُمِصًا شُمَطًا خَلَقَهُنَّ اللَّهُ بَعْدَ الْكَبِيرِ فَجَعَلَهُنَّ عَذَارَى عُرْبًا مُتَعَشِّقَاتٍ مُحَبَّبَاتٍ أَتْرَابًا عَلَى مِيلَادٍ وَاحِدٍ».

۱. سورهی واقعه، آیهی ۲۲.

۲. سورهی طور، آیهی ۲۴.

۳. سورهی رحمان، آیهی ۷۰.

۴. سورهی صافات، آیهی ۴۹.

۵. سورهی واقعه، آیهی ۳۷.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَسَاءَ الدُّنْيَا أَفْضَلُ أَمْ الحُورُ العِينُ؟ قَالَ: «بَلِ  
نِسَاءِ الدُّنْيَا أَفْضَلُ مِنَ الحُورِ العِينِ كَفَضْلِ الظَّهَارَةِ عَلَى البِطَانَةِ».  
قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَبِمَا ذَاكَ؟ قَالَ: «بِصَلَاتِهِنَّ وَصِيَامِهِنَّ وَعِبَادَتِهِنَّ  
اللَّهُ أَبْسَ اللَّهُ وَجُوهَهُنَّ النُّورَ وَأَجْسَادَهُنَّ الحَرِيرَ بِيضَ الأَلْوَانِ  
خَضَرَ الثِّيَابِ صَفْرَاءَ الحَلِيِّ مَجَامِرُهُنَّ الدُّرَّ وَأَمْسَاطُهُنَّ الذَّهَبُ  
يَقْلُنَ: «الآنَحْنُ المَخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ أَبَدًا وَنَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبَأُسُ  
أَبَدًا وَنَحْنُ المُقِيمَاتُ فَلَا نَطْعَنُ أَبَدًا أَلَا وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا  
نَسْخَطُ أَبَدًا طُوبَى لِمَنْ كَتَّأَلَهُ وَكَانَ لَنَا»<sup>۱</sup>

ام سلمه می‌گوید به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): عرض  
کردم: ای پیامبر خدا، مرا از [تفسیر] این سخن خداوند آگاه  
فرمایید: «حور سیه‌چشم». فرمودند: «سیه‌چشمانی هستند  
سیمین‌بر، درشت چشم، مو بور مانند پر عقاب‌ها»  
عرض کردم: ای پیامبر خدا، مرا از [تفسیر] این سخن خداوند  
آگاه فرمایید: «گویی مرواریدی نهفته‌اند». فرمودند: «به شفافیت  
دُر در صدف‌اند که هیچ دستی به آن‌ها نرسیده است»  
عرض کردم: ای پیامبر خدا، مرا از [تفسیر] این سخن خداوند  
آگاه فرمایید: «در آنجا زنانی خوب و نیکویند». فرمودند: «[زنان  
بهشتی] خوب در اخلاق و نیکو در رخسارند»  
عرض کردم: ای پیامبر خدا، مرا از [تفسیر] این سخن خداوند

۱. المعجم الكبير، جلد ۲۳، صفحه‌ی ۸۷۰؛ المعجم الاوسط، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۷۸؛ تفسیر ابن  
کثیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۰؛ دُر المنتور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۷۲۰؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد  
۲، صفحه‌ی ۴۳.

آگاه فرمایید: «گویی تخم مرغ زیر پزند». فرمودند: «نازکی آن‌ها به نازکی پوستی است که در زیر پوسته‌ی تخم مرغ می‌بینی، یعنی همان پوست نازکی که بر روی سفیده‌ی تخم مرغ کشیده شده است»

عرض کردم: ای پیامبر خدا، مرا از [تفسیر] این سخن خداوند آگاه فرمایید: «شوی دوستانی همسال». فرمودند: «آنان همان زنانی هستند که وقتی از دنیا رفته‌اند، پیر و فرتوت بوده‌اند و چشمانشان چرک می‌داده و موی سرشان به سفیدی می‌زده است؛ خداوند آنان را پس از پیری، باز آفرید و آنان را دوشیزگانی شوی‌دوست و عاشق‌پیشه و دوست داشتنی و هم سن و سال، قرار داد»

عرض کردم: ای پیامبر خدا، آیا زنان دنیا برترند یا حور العین؟ فرمودند: «زنان دنیا برتر از حور العین هستند، همانند برتری رویه‌ی لباس] بر آستر [آن]»

عرض کردم: ای پیامبر خدا، این برتری به چه سبب است؟ فرمودند: «به سبب نماز و روزه و عبادت خدا. خداوند بر چهره‌های آنان نور و بر تن‌هایشان پرنیان قرار داده است. بدن‌های سفید و جامه‌های سبز و زیورهای زرد دارند. موهایشان مروارید [گونه] است و شانه‌های سرشان طلاست و می‌گویند: هان ما جاودانگانیم و هرگز نمی‌میریم. ما نازپروردگانیم و هرگز گرد بی‌نواپی بر ما نمی‌نشیند. ما ماندگارانییم و هرگز کوچ نمی‌کنیم. هان، ما همواره شادمانیم و هرگز ناراحتی نداریم. خوشا آن که ما

از آن او باشیم و او از آن ما باشد»

[۱۸۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ يَرُدُّونَ أَبْنَاءَ ثَلَاثِينَ فِي الْجَنَّةِ لَا يَزِيدُونَ عَلَيْهَا أَبَدًا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هر کس که بهشتی باشد و بمیرد، کوچک باشد یا بزرگ، [با قیافه‌ای متناسب با جوان] سی ساله وارد در بهشت خواهد گردید [و هرگز] بر سن او افزوده نخواهد شد».

[۱۸۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ جُرْدَاءَ مُرْدَاءَ بَيْضَاءَ جَعَادًا مُكْحَلِينَ أَبْنَاءَ ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ عَلَى خَلْقِ آدَمَ سِتُونَ ذِرَاعًا فِي عَرِضِ سَبْعِ أَذْرُعٍ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اهل بهشت، در حالی به بهشت وارد می‌شوند که بدن‌ها و صورت‌هایشان مواند دارد، بدن‌هایشان سفید است، موهای سرشان مُجَعَّد (= پر چین

۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۹۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۰.

۲. مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۵۱؛ المعجم الاوسط، جلد ۵، صفحه‌ی ۳۱۸؛ تفسیر ثعلبی، جلد ۹، صفحه‌ی ۲۰۹؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳؛ طبقات الکبری، ابن سعد، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۲؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۹۰.

و شکن) است، چشمانی سرمه کشیده دارند، سی و سه ساله‌اند، در هیئت آدمی هستند که شصت گز قامت و هفت گز پهنا دارد».

[۱۸۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً جُدُوعُهَا مِنْ ذَهَبٍ وَفُرُوعُهَا مِنْ زَبْرَجِدٍ وَ لُؤْلُؤٌ فَتَهُبُّ لَهَا رِيحٌ فَتَصْطَفِقُ فَمَا سَمِعَ السَّامِعُونَ بِصَوْتِ شَيْءٍ قَطُّ الذَّمِّ مِنْهُ»<sup>۳</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، درختی است که تنه‌اش از طلا و شاخه‌هایش از زبرجد و مروارید است. بر این درخت، بادی وزیدن می‌گیرد و چنان صدای هوش‌ریزایی از آن بر می‌خیزد که شنوندگان، هرگز صدایی لذت‌بخش‌تر از آن نشنیده‌اند».

[۱۸۸] شاهد:

إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ خَيْلٍ؟ قَالَ: «إِنْ يَدْخُلِكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ فَلَا تَشَاءُ تَرْكُبُ عَلَى فَرَسٍ مِنْ يَأْقُوتَةَ حَمْرَاءَ يَطِيرُ بِكَ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْتَ؟!». فَجَاءَ رَجُلٌ آخَرَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ إِبِلٍ؟ فَلَمْ يَقُلْ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِصَاحِبِهِ. قَالَ: إِنَّ يَدْخُلِكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ يَكُنْ لَكَ فِيهَا مَا اسْتَهَمْتَ

۳. الترغيب و الترهيب، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

## نَفْسُكَ وَلَذَّتْ عَيْنُكَ»؛

مردی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): پرسید: ای پیامبر خدا، آیا در بهشت، اسب هم هست؟ حضرت فرمودند: «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند، نمی‌خواهی که در آنجا بر اسبی از یاقوت سرخ، سوارت کنند و با آن در بهشت، هر جا که می‌خواهی، پرواز کنی؟»

مرد دیگری پرسید: ای پیامبر خدا، آیا در بهشت، شتر هم هست؟

حضرت پاسخی که به اولی داده بودند، به او ندادند؛ بلکه فرمودند: «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند، در آنجا آنچه دلت بخواهد و چشم [از دیدنش] لذت ببرد، برایت خواهد بود».

### [۱۸۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! لِيَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّقْمَةَ فَيَجْعَلُهَا فِي فِيهِ ثُمَّ يَخْطُرُ عَلَى بَالِهِ طَعَامٌ آخَرَ فَيَتَحَوَّلُ الطَّعَامُ الَّذِي فِي فِيهِ عَلَى الَّذِي اشْتَهَى. ثُمَّ قَرَأَ: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>٦٥</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «سوگند به آن که

---

۴. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۶۸۱؛ مسند ابن حنبل، جلد ۹، صفحه ۱۷؛ المعجم الاوسط، جلد ۵، صفحه ۱۸۵؛ مسند طرابلسی، صفحه ۱۰۸؛ المصنف، ابن ابی شیبه، جلد ۸، صفحه ۷۲؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۶۴۸.  
۵. تفسیر ابن کثیر، جلد ۷، صفحه ۲۲۵؛ دُر المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه ۳۹۱.  
۶. سوره زخرف، آیه ۷۱.



جان محمد در دست [قدرت] اوست، هر یک از شما [در بهشت] لقمه را بر می‌دارد و در دهانش می‌گذارد و سپس آرزوی خوراک دیگری می‌کند، پس در دم، همان لقمه‌ای که در دهان اوست، به خوراکی که هوس کرده است، تبدیل می‌شود. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «و در آنجا (= بهشت)، آنچه دل‌ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید، هست و شما در آن جاویدانید».

[۱۹۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ الْوَلَدَ فِي الْجَنَّةِ كَانَ حَمْلُهُ وَوَضْعُهُ وَسِنُّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ كَمَا يَشْتَهَى»<sup>۷</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «هرگاه مؤمن در بهشت، هوس فرزند کن، در همان دم، بارداری و زایمان صورت می‌پذیرد و [آن کودک] در همان سنی که [بهشتی] خواهد [متولد می‌شود]».

[۱۹۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «أَهْلُ الْجَنَّةِ رَشْحُهُمْ

---

۷. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۶۹۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه ۲۱؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه ۱۴۵۲؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه ۷۹۴؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه ۴۱۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۷۶.

## المِسْكُ وَوَقُودُهُمُ الْأُكُوَّةُ<sup>۸</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «بهشتیان، عرقشان مشک و سوختشان، آلوبه (= بهترین نوع چوب برای بخور کردن) است».

[۱۹۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِذَا اسْتَقَرَّ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ اسْتَأْتَقَ الْإِخْوَانُ إِلَى الْإِخْوَانِ فَيَسِيرُ سَرِيرٌ ذَا إِلَى سَرِيرٍ ذَا فَيَلْتَقِيَانِ فَيَتَحَدَّثَانِ مَا كَانَ بَيْنَهُمَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَيَقُولُ: يَا أَخِي تَذَكَّرِيَوْمَ كَذَا كُنَّا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي مَجْلِسٍ كَذَا فَدَعَوْنَا اللَّهَ فَغَفَرَ لَنَا»<sup>۹</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «چون بهشتیان در بهشت استقرار یابند، برادران [ایمانی] مشتاق دیدار یکدیگر می شوند. پس، تخت این یکی به سوی تخت آن یکی و تخت آن یکی به سوی تخت این یکی حرکت می کند و آن دو با هم دیدار می کنند. آنگاه هر یک [بر تخت خودش] تکیه می زند و از آنچه در سرای دنیا میانشان گذشته است، سخن می گویند. [از جمله چیزهایی که در مرور خاطرات دنیا بیان می کنند این است که] یکی [از آن دو به دیگری] می گوید: برادرم، یادت می آید که

۸. مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه ۲۷۶.

۹. حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۸، صفحه ۴۹؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۲۱، صفحه ۱۷۰؛ دُر المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه ۶۳۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۶۷.

فلان روز، در سرای دنیا در فلان مجلس بودیم و دعا کردیم [که خدا ما را بیامرزد؟ آن دعای ما مستجاب شد] و [چنان که می‌بینی] خدا ما را آمرزید»

[۱۹۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَنَعِيْمُ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِرِضْوَانِ اللَّهِ عَنْهُمْ أَفْضَلُ مِنْ نَعِيمِهِمْ بِمَا فِي الْجَنَانِ»<sup>۱۰</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «نعمت خشنودی خداوند از اهل بهشت، از تمام نعمت‌های بهشتی، برتر است».

[۱۹۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَقُولُ اللَّهُ عز و جل: هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئاً فَآزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا وَمَا فَوْقَ مَا أَعْطَيْتَنَا؟ يَقُولُ: رِضْوَانِي أَكْبَرُ»<sup>۱۱</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «آنگاه که بهشتیان به بهشت وارد شوند، خدای با عزت و جلال می‌فرماید: آیا چیزی می‌خواهید که برایتان اضافه کنم؟ [بهشتیان] می‌گویند: پروردگارا بالاتر از آنچه به ما عطا فرموده‌ای، چیست؟»

۱۰. دُرُ الْمُنْتَوَر، سیوطی، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۳۸.

۱۱. مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۵۶؛ المعجم الاوسط، جلد ۹، صفحه‌ی ۲۶؛ تاریخ أصبهان، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۵؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۱۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۸.

خداوند [متعال] می‌فرماید: *خشنودی و رضایت من، [از تمام این نعمت‌ها] بزرگتر [و ارزشمندتر] است».*

[۱۹۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ! يَقُولُونَ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ ۖ فَيَقُولُ: هَلْ رَضِيتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَمَا لَنَا لَا نَرْضَىٰ وَقَدْ أُعْطِينَا مَا لَمْ نُعْطِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ! فَيَقُولُ: أَلَا أُعْطِيكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ! وَ أَىٰ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُ: أَحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي ۖ فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا»<sup>۱۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «خدای تعالی به اهل بهشت می‌فرماید: ای اهل بهشت» و آنان می‌گویند: گوش به فرمانیم ای پروردگار ما و در خدمتیم.

خدای متعال می‌فرماید: «آیا [بعد از اینهمه نعمت‌هایی که به شما دادم،] خشنود شدید؟»

بهشتیان می‌گویند: چرا خشنود نباشیم در حالی که به ما چیزی عطا کرده‌ای که به هیچ کدام از آفریدگانت نداده‌ای.

خدای متعال می‌فرماید: «آیا برتر از [تمام] این [نعمت‌هایی که می‌بینید] به شما عطا نکنم؟!»

---

۱۲. صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه‌ی ۲۳۹۸؛ صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۷۶؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۸۹؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۷۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۶۷.

می گویند: پروردگارا از اینها برتر چیست؟  
می فرماید: «خشنودی‌ام را بر شما ارزانی می‌دارم و پس از این،  
هرگز بر شما خشم نخواهم گرفت».

[۱۹۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»<sup>۱۳</sup> تَجَلَّى لَهُمُ  
الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ<sup>۱۴</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «[این که خدای  
متعال می‌فرماید: «و پیش ما، فزون‌تر [هم] هست» [تفسیر]  
آن، تجلّی پروردگار با عزت و جلال برای آن [بهشتی]ها است».

[۱۹۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ  
يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تُرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: أَلَمْ تُبَيِّضْ  
وُجُوهَنَا؟ أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ فَيُكْشَفُ الْحِجَابُ  
فَمَا أُعْطُوا شَيْئًا أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱۵</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «چون بهشتیان به

۱۳. سوره‌ی ق، آیه‌ی ۳۵.

۱۴. الفردوس، جلد ۴، صفحه‌ی ۴۰۶؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۶۰۵؛ کنز العمال، متقی  
هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۱۰.

۱۵. صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۶۳؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۸۷؛ سنن ابن ماجه، جلد  
۱، صفحه‌ی ۶۷؛ مسند ابن حنبل، جلد ۶، صفحه‌ی ۵۰۴؛ تفسیر طبری، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۰۶؛ کنز  
العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۴۷.

بهشت وارد شوند، خدای بزرگ و والا می‌فرماید: «می‌خواهید که برایتان اضافه کنم؟»

[بهشتیان] می‌گویند: آیا ما را [با اینهمه نعمت،] رو سفید نساختی؟ آیا ما را وارد بهشت نمودی و از آتش، نجاتمان ندادی؟

در این هنگام، پرده کنار زده می‌شود. پس چیزی به آنان داده نشده که برایشان خوش‌تر و محبوب‌تر از نگرستن به [جلوه‌ی خاص] پروردگار بزرگ و توانایشان باشد».

[۱۹۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) . فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ»<sup>۱۶</sup>: الْحُسْنَى: الْجَنَّةُ وَالزِّيَادَةُ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ»<sup>۱۷</sup>.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): درباره‌ی این سخن خدای بلند مرتبه «برای کسانی که نیکویی می‌کنند، نیکی است و افزون‌تر» فرمودند: «[منظور از] نیکویی، بهشت است و [مقصود از نعمت] افزون‌تر، نگاه کردن به [جلوه‌ای خاص و بسیار عالی از] روی خدا[است]».

۱۶. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۶.

۱۷. حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۵، صفحه‌ی ۲۰۴؛ مسند الشامیین، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۰۳؛ تاریخ اصبهان، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۹۵؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۹۹؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، جلد ۹، صفحه‌ی ۱۴۰؛ تفسیر طبری، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۰۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۳۲.

[۱۹۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) . فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ \* إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»<sup>۱</sup>: «يَنْظُرُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمْ بِلا كَيْفِيَّةٍ وَ لا حَدٍّ مَحْدُودٍ وَ لا صِفَةٍ مَعْلُومَةٍ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): در مورد این سخن خدای بلند مرتبه «چهره‌هایی در آن روز، خرم‌اند. به پروردگار خویش می‌نگرند» فرمودند: «به [تجلیات خاصه‌ی] پروردگار خویش می‌نگرند، بی آن که او را چگونگی باشد، یا محدودیتی و یا صفتی معلوم».

[۲۰۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «بَيْنَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي نَعِيمِهِمْ إِذْ سَطَعَ لَهُمْ نُورٌ فَرَفَعُوا رُؤُوسَهُمْ فَإِذَا الرَّبُّ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيْهِمْ مِنْ فَوْقِهِمْ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ. وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»<sup>۳</sup> فَيَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَلا يَلْتَقِثُونَ إِلَىٰ شَيْءٍ مِنَ النَّعِيمِ مَا دَامُوا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ حَتَّىٰ يَحْتَجِبَ عَنْهُمْ وَيَبْقَىٰ نُورُهُ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْهِمْ فِي دِيَارِهِمْ»<sup>۴</sup>

۱. سوره‌ی قیامت، آیات ۲۲ و ۲۳.

۲. دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۵۰.

۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۵۸.

۴. سنن ابن ماجه، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۵؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۶۵؛ کنز العمال، متقی

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «در حالی که بهشتیان، غرق در نعمت خویش‌ند، به ناگاه، نوری برایشان درخشیدن می‌گیرد. سرهایشان را بلند می‌کنند و [تجلی خاص و بسیار عالی از] پروردگار را می‌بینند که از فراز سرشان بر آنان مشرف شده است و می‌فرماید: سلام بر شما ای بهشتیان. این [معنی] همان سخن خداست [در قرآن] که [می‌فرماید]: «سلامی از جانب پروردگاری مهربان به آنان گفته می‌شود.» [سپس فرمودند:] پس خدا به آنان [به رحمت خاصه‌اش] می‌نگرد و آنان به [جلوه‌های خاصه‌ی] خدا می‌نگرند و تا زمانی که غرق در نگرستن به [جلوه‌های] او هستند، به چیزی از نعمت‌ها توجه ندارند، تا آن که [آن جلوه‌ی خاص] از آنان پنهان می‌شود، ولی نور و برکت او برای آنان در خانه‌هایشان باقی می‌ماند.»

[۲۰۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ أَفْضَلَهُمْ - يَعْنِي أَهْلَ الْجَنَّةِ - مَنْزِلَةٌ لَيَنْظُرُنِي وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ»<sup>۱</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «با منزلت‌ترین آنان - یعنی اهل بهشت - روزی دو بار به روی [تجلیات خاصه‌ی] خدای بلند مرتبه نظر می‌کنند.»

---

متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۸.  
۱. مسند ابن حنبل، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۲۷؛ مستدرک الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۵۳؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۶۵.



[۲۰۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَرْفَعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دَرَجَةً مَنْ يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِ رَبِّهِ غُدْوَةً وَعَشِيًّا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «بلند پایه‌ترین اهل بهشت، کسی است که هر بامداد و شامگاه به روی [تجلیات خاصه‌ی] پروردگارش نظر می‌کند».

[۲۰۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَلْبِجُ الْجَنَّةَ صُورُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لَا يَبْصُقُونَ فِيهَا وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَتَعَوَّطُونَ أَنِيَّتُهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ أَمْشَاطُهُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَمَجَامِرُهُمُ الْأُلُوتُ وَرَشْحُهُمُ الْمِسْكُ وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ يَرَى مَخَّ سَوْقَهُمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْحُسْنِ لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبَاغُضَ قُلُوبُهُمْ قَلْبُ رَجُلٍ وَاحِدٍ يَسْبِحُونَ اللَّهَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «نخستین گروهی که وارد بهشت می‌شوند، صورت‌هایشان مانند ماه شب چهارده

۱. الفردوس، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۱۷.

۲. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۱۸۵؛ صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۸۰؛ سنن ترمذی، جلد

۴، صفحه‌ی ۱۷۸؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۴۶۳؛ مسند شامیین، جلد ۱، صفحه‌ی ۹۲؛

کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۷.

می درخشد. در بهشت، نه آب دهان می اندازند و نه ترشحات بینی و نه مدفوع دارند. ظرف‌هایشان در آنجا، طلاست و شانیه‌های سرشان از طلا و نقره و بخوردان‌هایشان، عود و عرقشان مشک است. هر یک از ایشان، دو همسر دارد که از شدت زیبایی، مغز ساق آن‌ها از پشت گوشت، دیده می‌شود. هیچ ناسازی و نفرتی میان [همسرانشان با یکدیگر یا میان آن‌ها و بقیه‌ی بهشتیان و میان سایر بهشتیان و] ایشان نیست و همگی یک دلند و بام و شام، خداوند را به پاکی می‌ستایند.»

[۲۰۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيُوا فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشَبَّوْا فَلَا تَهْرَمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنْعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۲۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «آواز دهنده‌ای [در بهشت، بهشتیان را مخاطب قرار داده و] آواز می‌دهد: حق شماست که زنده بمانید و هرگز نمیرید. حق شماست که سالم باشید و هرگز بیمار نشوید. حق شماست که جوان باشید و هرگز

۱. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۷۲.

۲. صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۸۲؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه‌ی ۳۷۴؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۹۰؛ معجم الصغیر، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۹؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۵۳، صفحه‌ی ۱۰۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۱۷.

پیر نشوید. و حق شماست که در ناز و نعمت باشید و هرگز به بینوایی نیافتید.

این، [تفسیر] سخن خدای بلند مرتبه است که [می‌فرماید]: «و این است همان بهشتی که به پاداش کارهایی که می‌کردید، میراث یافته‌اید».

[۲۰۵] شاهد:

قال علی (عليه السلام): «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا<sup>۱</sup> حَتَّى إِذَا انْتَهَوْا إِلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَجَدُوا عِنْدَ بَابِهَا شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ سَاقِهَا عَيْنَانِ فَيَأْتُونَ إِحْدَاهُمَا كَأَنَّمَا أُمِرُوا بِهَا فَيَنْظُرُونَ فِيهَا فَتَجْرِي عَلَيْهِمْ نَضْرَةُ النَّعِيمِ فَلَا تَتَّعِيرُ آبْشَارَهُمْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَلَا تَشَعْتُ شُعورَهُمْ بَعْدَهَا أَبَدًا كَأَنَّمَا دُهِنُوا. ثُمَّ يَعْمِدُونَ إِلَى الْأُخْرَى فَيَشْرَبُونَ مِنْهَا فَتُذْهِبُ مَا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ أَدَى وَقَدَى. وَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»<sup>۲</sup>.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «پرهیزکاران را گروه گروه به سوی بهشت سوق می‌دهند» تا این که به دری از درهای بهشت می‌رسند. در آنجا درختی را می‌یابند که از پایین آن، دو

۱. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۳.

۲. همان.

۳. المصنف، ابن ابی شیبہ، جلد ۸، صفحہ‌ی ۷۴؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۷، صفحہ‌ی ۱۱۴؛ مسند ابن جعد، صفحہ‌ی ۳۷۴؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۷، صفحہ‌ی ۲۶۳.

چشمه می‌جوشد. به سوی یکی از آن دو [چشمه] می‌روند و خود را در آن می‌شویند و طراوت بهشت، آن‌ها را فرامی‌گیرد. پس از آن، هرگز پوست‌های آن‌ها تغییر نمی‌کند و موهایشان ژولیده نمی‌شود، گویا روغن زده‌اند.

سپس [بهشتیان] آهنگ چشمه‌ی دیگر می‌کنند و از آن می‌نوشند. آنگاه آنچه از نجاست و پلیدی در دل‌های آنهاست، از بین می‌رود.

و فرشتگان به دیدنشان می‌آیند و می‌گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید]».

[۲۰۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَقَابُ قَوْسٍ أَحَدِكُمْ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»<sup>۱</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «مقدار طول یک کمان از جایی که هر یک از شما در بهشت دارد، بهتر از همه‌ی چیزهایی است که خورشید [دنیا] بر آن‌ها طلوع می‌کند.»

[۲۰۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَقِيدُ سَوْطٍ أَحَدِكُمْ مِنْ

---

۱. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۱۸۷؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۵۳۰؛ ریاض الصالحین، صفحه‌ی ۶۹۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۰۴.

## الْجَنَّةُ خَيْرٌ مِّمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «[حتی به اندازه‌ی] بند تازیانه‌ی هر یک از شما از بهشت، برتر است از آنچه ما بین آسمان و زمین [این دنیا] است».

[۲۰۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَوْضِعُ سَوْطٍ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «[حتی به قدر] جایگاه یک تازیانه در بهشت، از دنیا و هر آنچه در دنیا است، بهتر است».

[۲۰۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُعْطَى عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَا يَكَادُ فُؤَادُهُ يَطِيرُ لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ بَعَثَ مَلَكَ لَيَشُدُّ فُؤَادَهُ»<sup>۳</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «همانا به بنده‌ای

---

۱. مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۹۲؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۲۸؛ مسند ابی یعلی، جلد ۶، صفحه‌ی ۱۵؛ مصنف عبدالرزاق، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۴۲۰؛ معجم الاوسط، جلد ۸، صفحه‌ی ۸۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۶.

۲. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۱۸۷؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۸۰؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۸؛ مسند ابن حنبل، جلد ۸، صفحه‌ی ۴۲۵؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۸۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۶.

۳. کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۶.

که از حساب رهیده و بهشتی شده] در [همان] در بهشت، چیزی داده می‌شود که نزدیک است دلش [از شدت شادمانی] از جا کنده شود، اگر خداوند، فرشته‌ای را نفرستد تا دل او را قوی گرداند».

[۲۱۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ مِنْ نَعِيمِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَّهُمْ يَتَزَاوَرُونَ عَلَى الْمَطَايَا وَالنُّجَبِ وَأَنَّهُمْ يُوْتُونَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ بِخَيْلٍ مُسَوَّمَةٍ مُلْجَمَةٍ لَا تَرُوثُ وَلَا تَبُولُ فَيَرْكَبُونَهَا حَتَّى يَنْتَهُوا حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ فَيَأْتِيهِمْ مِثْلُ السَّحَابَةِ فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَيَقُولُونَ: أَمْطِرِي عَلَيْنَا فَمَا تَزَالُ تُمَطِّرُ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَنْتَهِيَ ذَلِكَ فَوْقَ أَمَايِهِمْ.

ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ رِيحًا غَيْرَ مُؤْذِيَةٍ فَتَنْسِفُ كَثِبَانًا مِنْ مِسْكِ عَلَى أَيْمَانِهِمْ وَعَلَى شِمَائِلِهِمْ فَيَأْخُذُ ذَلِكَ الْمِسْكِ فِي نَوَاصِي خِيُولِهِمْ وَفِي مَعَارِفِهَا وَفِي رُؤُوسِهَا وَلِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ جُمَّةٌ عَلَى مَا اشْتَهَتْ نَفْسُهُ فَيَتَعَلَّقُ ذَلِكَ الْمِسْكِ فِي تِلْكَ الْجِمَامِ وَفِي الْخَيْلِ وَفِي مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الشِّيَابِ.

ثُمَّ يَقْبَلُونَ حَتَّى يَنْتَهُوا إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا الْمَرْأَةُ تُنَادِي بَعْضَ أَوْلِيكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَمَا لَكَ فِينَا حَاجَةٌ؟ فَيَقُولُ: مَا أَنْتِ وَمَنْ أَنْتِ؟ فَتَقُولُ: أَنَا زَوْجَتُكَ. فَيَقُولُ: مَا كُنْتَ عِلِمْتُ مَكَانَكَ! فَتَقُولُ الْمَرْأَةُ: أَوْ مَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَالَ: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ

جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» اَفِيْقُولُ: بَلِي وَرَبِّي. فَلَعَلَّهُ يَشْعَلُ عَنْهَا بَعْدَ ذَلِكَ الْمَوْقِفِ مِقْدَارَ اَرْبَعِيْنَ خَرِيْفًا لَا يَلْتَفِتُ وَلَا يُعُوْدُ مَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا اِلَّا مَا هُوَ فِيْهِ مِنَ النَّعِيْمِ وَالْكَرَامَةِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «یکی از نعمت‌های اهل بهشت، این است که سوار بر مرکب‌های اصیل و نجیب، به دیدار یکدیگر می‌روند و هر جمعه، اسب‌های نشان‌دار لگام زده که نه سرگین دارند و نه ادرار می‌کنند، آورده می‌شوند. پس [بهشتیان] بر آن‌ها می‌نشینند [و] تا آنجا که خدا بخواهد [سواری می‌کنند و لذت می‌برند و هر جا که بخواهند،] می‌روند.

آنگاه چیزی مانند ابر بر [بالای سرشان] می‌آید. [آنقدر زیباست] که نه چشمی مانند آن را دیده و نه گوشی [وصف آن را] شنیده است. [بهشتیان] به آن [چیزی که مانند ابر است] می‌گویند: بر ما ببار. پس [آن ابر مانند]، پیوسته بر ایشان می‌بارد تا جایی که از آرزوهایشان فراتر می‌رود [و نهایت لذت را می‌برند].

سپس خداوند، بادی بی‌آزار بر می‌انگیزد و تپه‌هایی از مشک را در سمت راست و سمت چپ آنان افشان می‌سازد و آن مشک، در کاکل و یال‌ها و سرهای اسبان‌شان جای می‌گیرد. هر یک [از بهشتیان] گیسوانی [آویخته بر شان‌هایش] دارد، [که مقدار و رنگ و فرمش] چنان [است] که دوست دارد. [آنگاه] آن مشک در آن گیسوان [بهشتیان] و در [یال] آن اسب‌ها و در سایر [چیزهایی که

۱. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۲. الزهد، ابن مبارک، صفحه‌ی ۶۹؛ ترغیب و ترهیب، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۴۲.

همراه دارند مثل [لباس‌ها می‌پيچد] و آن را خوشبو می‌سازد]. سپس [بهشتیان] می‌آیند تا به آنجا می‌رسند که خدا می‌خواهد. در این هنگام، زنی [از زنان بسیار زیبای بهشتی، با ناز و عشوه] یکی از ایشان را صدا می‌زند [و می‌گوید]: ای بنده‌ی خدا، آیا تو را با ما کاری نیست؟

او [بر می‌گردد و نگاه می‌کند، سپس با تعجب و شادی] می‌پرسد: چیستی تو؟ کیستی تو؟

زن [زیبای بهشتی] می‌گوید: من همسر تو هستم. مرد [بهشتی که غرق تماشای زیبایی زن است، ناباورانه] می‌گوید: از وجود تو آگاه نبودم.

زن [زیبای بهشتی] می‌گوید: آیا نمی‌دانی که خدا فرموده است: هیچ کس نمی‌داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است، به پاداش کارهایی که می‌کرده‌اند، برای آنان پنهان شده است؟ [من همان پاداش پنهان شده هستم]

[مؤمن بهشتی] می‌گوید: آری، به پروردگارم سوگند [این سخن خدای متعال را شنیده بودم].

[پس از این گفتگو، مؤمن بهشتی روی از آن زن زیبا می‌گرداند و از آنجا می‌گذرد] و شاید بعد از آنجا [یی که این ملاقات حاصل شد] به اندازه‌ی چهل سال از آن [زیبا روی بهشتی]، غافل بماند و نه به طرف او نگاه کند و نه [به آن جایگاه] برگردد. [این غفلت، به خاطر قهر نیست بلکه] آنچه او را از وی غافل می‌گرداند، غرق شدنش در نعمت‌ها و کرامت‌ها [ی بزرگ‌تر خداوند مهربان] است.»



[۲۱۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ذات يومٍ لأصحابه: «ألا مُسَمَّرٌ لِلجَنَّةِ؟ فَإِنَّ الجَنَّةَ لا خَطَرَ لَهَا هِيَ وَرَبِّ الكَعْبَةِ نُورٌ يَتَلَأَأُ وَ رِيحَانَةٌ تَهْتَرُ وَ قَصْرٌ مَسِيدٌ وَ نَهْرٌ مُطْرِدٌ وَ فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ نُضِيجَةٌ وَ زَوْجَةٌ حَسَنَاءُ جَمِيلَةٌ وَ حُلَلٌ كَثِيرَةٌ فِي مَقَامٍ أَبَدًا فِي حَبْرَةٍ وَ نَضْرَةٍ فِي دُورٍ عَالِيَةٍ سَلِيمَةٍ بَهِيَّةٍ.

قالوا: نَحْنُ المُسَمَّرُونَ لَهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «قُولُوا: إِنْ شَاءَ اللَّهُ»<sup>۳</sup>

یک روز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): به یاران شان فرمودند: «آیا کسی هست که برای [رسیدن به] بهشت، کمر همت بر بندد؟ [چرا که] بهشت، نظیر و مانند ندارد. به خداوند کعبه قسم که بهشت، یک پارچه نور است و می درخشد و گلزاری است که پیچ و تاب می خورد، و کاخ هایی افراشته است، و جویبار هایی روان، و میوه هایی فراوان و رسیده، و همسرانی نیکو و زیبا، و جامه های بسیار، در جایگاهی جاویدان، همراه با ناز و نعمت و خرمی، در خانه هایی بلند جایگاه، امن و با شکوه»

یاران [حضرت] گفتند: ما برای آن، دامن همت به کمر می زنیم، ای پیامبر خدا.

حضرت فرمودند: «بگویید: اگر خدا بخواهد».

۳. سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه ۱۴۴۸؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه ۳۸۹؛ مسند شامیین، جلد ۲، صفحه ۳۲۲؛ الفردوس، جلد ۱، صفحه ۱۳۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۵۲.

[۲۱۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ قِيلَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ: إِنَّكُمْ مَا كُتُبُونَ فِي الْجَنَّةِ عَدَدَ كُلِّ حَصَاةٍ فِي الدُّنْيَا حَزْنُوا وَلَكِنْ جُعِلَ لَهُمُ الْأَبَدُ»؛

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر به اهل بهشت گفته شود: شما به شمار ریگ‌های دنیا در بهشت، ماندگار خواهید بود، اندوهگین می‌شوند؛ اما [چه سعادتى از این بالاتر که] جاودانگی برای آن‌ها رقم خورده است [و هیچگاه از آن‌همه نعمت و شادیشان چیزی کم نخواهند شد]».

[۲۱۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ؟ قَالُوا: لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ. قَالَ: نَعَمْ مَا اتَّجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ رَحْمَتِي وَرِضْوَانِي وَجَنَّتِي أَمْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ»<sup>۵</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «وقتی که بهشتیان به بهشت وارد می‌شوند، خدای متعال می‌فرماید: ای اهل بهشت، شما در زمین [دنیا] چند سال درنگ داشتید [و زندگی کردید]؟»

---

۴. معجم الكبير، جلد ۱۰، صفحه ۱۸۰؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۴، صفحه ۱۶۸؛ امالی شجرى، جلد ۲، صفحه ۳۰۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۳۲.  
۵. حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۵، صفحه ۱۳۲؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۵، صفحه ۴۹۳؛ اسد الغابه، عسقلانی، جلد ۱، صفحه ۳۴۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۴۸۵.

می گویند: یک روز یا [حتی کمتر،] پاره‌ای از [یک] روز، درنگ کردیم.

خدا می‌فرماید: «چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا پاره‌ای از [یک] روز. رحمت و خشنودی و بهشت را کسب کردید. جاویدان و ابدی در آن بمانید.»

[۲۱۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «كُلُّ نَعِيمٍ زَائِلٌ إِلَّا نَعِيمَ أَهْلِ الْجَنَّةِ»<sup>۶</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «هر نعمتی زایل شدنی است مگر نعمت اهل بهشت [که همیشگی است و هیچگاه از بهشتیان دریغ داشته نمی‌شود].»

[۲۱۵] شاهد:

قال علي بن أبي طالب (عليه السلام) - في وصف أهل الجنة: ثُمَّ انْتَهَوْا إِلَى خَزَنَةِ الْجَنَّةِ فَقَالُوا: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»<sup>۷</sup> ثُمَّ تَلَقَّاهُمُ الْوِلْدَانُ يُطْفُونَ بِهِمْ كَمَا يُطِيفُ أَهْلُ الدُّنْيَا بِالْحَمِيمِ. فَيَقُولُونَ: أَبَشِرْ بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ. ثُمَّ يَنْطِقُ غُلَامٌ مِنْ أَوْلِيَّكَ الْوِلْدَانِ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ. فَيَقُولُ: قَدْ

۶. کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۳.

۷. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۳.

جاءَ فُلَانٌ . بِاسْمِهِ الَّذِي يَدْعَى بِهِ فِي الدُّنْيَا . فَتَقُولُ: أَنْتَ رَأَيْتَهُ؟  
 فَيَقُولُ: أَنَا رَأَيْتُهُ. فَيَسْتَخِفُّهَا الْفَرْحُ حَتَّى تَقُومَ عَلَى اسْكَفَةِ بَابِهَا.  
 فَإِذَا أَنْتَهَى إِلَى مَنْزِلِهِ نَظَرَ شَيْئاً مِنْ أَسَاسِ بُنْيَانِهِ فَإِذَا جَنْدَلُ اللُّلُؤَةِ  
 فَوْقَهُ أَحْضَرُ وَأَصْفَرُّ وَأَحْمَرُ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَنَظَرَ إِلَى  
 سَقْفِهِ فَإِذَا مِثْلُ الْبَرَقِ وَلَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدَّرَ أَنَّهُ لَا أَلَمَ لَذَهَبَ  
 بِبَصَرِهِ. ثُمَّ طَاطَأَ بِرَأْسِهِ فَنَظَرَ إِلَى أَزْوَاجِهِ «وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ\* وَ  
 نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ\* وَزَرَائِبُ مَبْنُوثَةٌ»<sup>۸</sup> فَنَظَرَ إِلَى تِلْكَ اللَّيْعَمَةِ ثُمَّ اتَّكَأَ  
 عَلَى أَرِيكَةٍ مِنْ أَرِيكَتِهِ ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا  
 كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»<sup>۹</sup>  
 ثُمَّ يِنَادِي مُنَادٍ: تَحْيُونَ وَلَا تَمُوتُونَ أَبَدًا وَتُقِيمُونَ فَلَا تَضَعُونَ أَبَدًا  
 وَتَصْحُونَ فَلَا تَمْرَضُونَ أَبَدًا»<sup>۱۰</sup>.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف اهل بهشت فرمودند: «آنگاه  
 به جانب نگهبانان بهشت می‌روند و [آنان] می‌گویند: «سلام بر  
 شما، خوش آمدید، به بهشت جاودانه وارد شوید». سپس  
 فرزندان [جاودانه‌ی بهشتی] به دیدارشان می‌آیند و برگردشان  
 می‌چرخند آنگونه که مردم دنیا برگرد عزیز می‌کنند [که تازه از سفر  
 رسیده]، می‌چرخند. فرزندان [جاودانه به آن بهشتی تازه وارد]  
 می‌گویند: بشارت باد تو را به کرامتی [عظیم] که خدا برایت آماده

۸. سوره‌ی غاشیة، آیات ۱۴ تا ۱۶.

۹. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۳.

۱۰. دُرِّ الْمُنْتَوَرِ، سیوطی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۶۳؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۱۴؛ تفسیر ابن

ابی حاتم، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۳۲۶۲.

ساخته است»

آنگاه پسری از میان آن فرزندان [جاودانه‌ی بهشتی]، به حوریه‌ای از همسران او می‌گوید: «فلانی آمده است» و نام او را که در دنیا به آن خوانده می‌شده است، می‌برد.

آن حوریه می‌گوید: تو خود، او را دیدی؟

می‌گوید: آری، خودم دیدمش.

حوریه، شادی کنان می‌دود و بر درگاه بهشت می‌ایستد.

چون [آن بهشتی] به منزل خود می‌رسد، چشمش به قسمتی از پی ساختمانش می‌افتد، سنگ‌هایی [با شکوه] از مروارید را می‌بیند که روی آن، مرواریدهای سبز و زرد و سرخ، از هر رنگ، قرار گرفته است. سپس سرش را بلند می‌کند و سقف آن را می‌بیند که چون برق می‌درخشد، و اگر نبود که خدای متعال، مقدر کرده است که [در بهشت] درد و رنجی نباشد، [از درخشش آن] کور می‌شد.

آنگاه پایین را می‌نگرد و همسرانش [را تماشا می‌کند] «و قدح‌هایی نهاده و بالش‌هایی پهلوی هم چیده و فرش‌هایی زربفت [که] گسترده [شده]» را می‌بیند. به آن نعمت‌ها نگاه می‌کند و سپس بر تختی از تخت‌هایش تکیه می‌زند و [در حالی که خود را سعادتمند واقعی می‌یابد،] می‌گوید: «ستایش، خدایی را که ما را به این [راه سعادت‌آفرین] رهنمون شد و اگر خدا رهنمونمان نمی‌شد، ما خود، هدایت نمی‌شدیم».

در این هنگام، منادی‌ای ندا می‌دهد که: [از این پس] زندگی

می‌کنید و هرگز نخواهید مرد. ماندگارید و هرگز کوچ نخواهید کرد، و تندرست [و سالم] خواهید بود و هرگز بیمار نخواهید شد.»

[۲۱۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِثَّةَ دَرَجَةٍ لَوْ أَنَّ الْعَالَمِينَ اجْتَمَعُوا فِي إِحْدَاهُنَّ لَوَسَّعَتْهُمْ»<sup>۱۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «در بهشت، صد درجه است که اگر همه‌ی جهانیان در یکی از آن‌ها جمع شوند، گنجایش آنان را دارد.»

[۲۱۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّ أَسْفَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَخْسَهُمْ نَصِيباً لِيُعْطَى مِثْلَ الدُّنْيَا وَعَشْرَةَ أَمْثَالِهَا»<sup>۱۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «قسم به آن که جان محمد در دست اوست، به پایین‌ترین فرد اهل بهشت و کم‌بهره‌ترین آنها، به اندازه‌ی دنیا و ده برابر دنیا داده می‌شود.»

---

۱۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۷۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۸؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۵۱.  
۱۲. الفردوس، جلد ۴، صفحه‌ی ۳۶۳.

[۲۱۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا مَنْ يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ فَيَقَالُ لَهُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ مَعَهُ إِلَّا أَنَّهُ يَلْقَى: سَلْ كَذَا وَكَذَا فَيَقَالُ لَهُ: ذَلِكَ لَكَ وَمِثْلُهُ مَعَهُ»<sup>۱۳</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «[حتی] کم درجه‌ترین اهل بهشت، هر چه از خدا آرزو کند [و بخواهد]، به او گفته می‌شود: آنچه خواستی و دو برابر آن، از آن تو [باد]. حتی به او القا می‌شود که: فلان و بهمان چیز را هم بخواه. و [پس از درخواستش] به او گفته می‌شود: آن نیز [که خواسته بودی] و [حتی] دو برابرش [را] از آن تو [قرار دادیم].»

[۲۱۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً مَنْ يَنَادِي الْخَادِمَ مِنْ خَدَمِهِ فَيَجِيبُهُ أَلْفٌ كُلُّهُمْ: «لَبَّيْكَ»<sup>۱۴</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «کم پایه‌ترین اهل بهشت، کسی است که وقتی یکی از خدمتکاران [بهشتی] او را صدا می‌زند، هزار نفر جوابش را می‌دهند و همگی می‌گویند: بله قربان، بله قربان.»

۱۳. سنن دارمی، جلد ۲، صفحه ۷۹۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه ۴۶۳؛ مصنف، ابن ابی شیبه، جلد ۸، صفحه ۷۴.

۱۴. تفسیر قرطبی، جلد ۱۷، صفحه ۶۹؛ الفردوس، جلد ۱، صفحه ۲۱۷.

[۲۲۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَهُ ثَمَانُونَ أَلْفَ خَادِمٍ وَأَثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ زَوْجَةً وَتُنْصَبُ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ لَوْلُؤٍ وَزَرْجَدٍ وَيَأْقُوتٍ كَمَا بَيْنَ الْجَابِيَةِ إِلَى صَنْعَاءٍ»<sup>۱۵</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «پست‌ترین فرد بهشت [از لحاظ رتبه و منزلت]، هشتاد هزار خدمتکار و هفتاد و دو همسر دارد و برایش برج و بارویی از مروارید و زبرجد و یاقوت، به اندازه‌ی [فاصله‌ی] از جابیه (= محلی در شام) تا صنعا (= محلی در یمن) برپا می‌شود».

[۲۲۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَسْفَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ دَرَجَةً لَمَنْ يَقُومُ عَلَى رَأْسِهِ عَشْرَةُ أَلْفِ خَادِمٍ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ صَحْفَتَانِ وَاحِدَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَالْأُخْرَى مِنْ فِضَّةٍ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ لَوْ نُ لَيْسَ فِي الْأُخْرَى مِثْلُهُ يَأْكُلُ مِنْ آخِرِهَا مِثْلَ مَا يَأْكُلُ مِنْ أَوَّلِهَا يَجِدُ لِآخِرِهَا مِنَ الطَّيِّبِ وَ اللَّذَّةِ مِثْلَ الَّذِي يَجِدُ لِأَوَّلِهَا ثُمَّ يَكُونُ ذَلِكَ كَرِيحِ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ لَا يَبُولُونَ وَلَا

۱۵. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۹۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۵۱؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۴۱۴؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۷۶.



يَتَعَوَّظُونَ وَلَا يَمْتَحِطُونَ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»<sup>۱۶</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «[حتی] کسی که درجه‌اش در بهشت از همه‌ی بهشتیان پایین‌تر است، ده هزار خدمتکار در پیشگاهش می‌ایستند و در دست هر یک از آنان، دو سینی است؛ یکی از طلا و دیگری از نقره، و در هر یک [از آن سینی‌ها]، رنگی [از خوراکی‌ها] است متفاوت با دیگری. آنچه از آخرین ظرف می‌خورد همانند چیزی است که از اولین آن‌ها می‌خورد و از آخرین آن، همان طعم و لذتی را می‌چشد که از اولین آن‌ها چشیده است و سپس [فضولات آن خوراکی‌ها] به بویی چونان بوی مشک تیزبو، تبدیل می‌شوند؛ نه ادرار می‌کنند، نه مدفوع دارند، و نه آب بینی می‌اندازند. برادروار بر تخت‌هایی رو در روی هم می‌نشینند».

[۲۲۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ أَنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ حَلِيَّةً عَدَلَتْ حَلِيَّتَهُ بِحَلِيَّةِ أَهْلِ الدُّنْيَا جَمِيعاً لَكَانَ مَا يَحْلِيهِ اللَّهُ بِهِ فِي الْآخِرَةِ أَفْضَلَ مِنْ حَلِيَّةِ أَهْلِ الدُّنْيَا جَمِيعاً»<sup>۱۷</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «اگر کم‌زیورترین

۱۶. معجم الاوسط، جلد ۷، صفحه‌ی ۳۴۲؛ زهد ابن مبارک، صفحه‌ی ۵۳۶؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۶، صفحه‌ی ۱۷۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۳۹۳۵۴.

۱۷. المعجم الاوسط، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۶۲؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۱۹۸؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۴۰، صفحه‌ی ۴۱۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۵، صفحه‌ی ۳۵۷.

اهل بهشت، زیورآلاتش با زیورآلات همه‌ی اهل دنیا مقایسه شود، زیوری که خدا او را با آن در آخرت آراسته می‌سازد، از زیورآلات همه‌ی اهل دنیا برتر خواهد آمد.»

[۲۲۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ الَّذِي يِرْكُبُ فِي الْفِ الْفِ مِنْ خَدَمِهِ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُحَلِّدِينَ عَلَى حَيْلٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ لَهَا أَجْنِحَةٌ مِنْ ذَهَبٍ» وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»<sup>۱۸، ۱۹</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «[حال] کم‌منزلت‌ترین اهل بهشت، چنان است که در میان هزار هزار خدمتکار، از پسرکان جاویدان، بر اسبانی از یاقوت سرخ که بال‌هایی از طلا دارند، می‌نشیند [و در بهشت، گردش می‌کند. و این است معنی سخن خدای تعالی که می‌فرماید: «هرگاه بنگری، آنجا نعمت می‌بینی و سلطنتی با شکوه را».

[۲۲۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ إِنَّ لَهُ لَسَبْعَ دَرَجَاتٍ وَهُوَ عَلَى السَّادِسَةِ وَفَوْقَهُ السَّابِعَةُ وَإِنَّ لَهُ

۱۸. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۰.

۱۹. دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۷۶.

لثَلَاثِمِئَةِ خَادِمٍ ۚ وَيَعْدَى عَلَيْهِ وَيَرَاخُ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِئَةَ صَحْفَةٍ ۚ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: مِنْ ذَهَبٍ ۚ فِي كُلِّ صَحْفَةٍ لَوْنٌ لَيْسَ فِي الْأُخْرَى ۚ وَإِنَّهُ لَيَلْدُ أَوْلَاهُ كَمَا يَلْدُ آخِرُهُ ۚ وَإِنَّهُ لَيَقُولُ: يَا رَبِّ! لَوْ أَذِنْتَ لِي لِأَطْعَمْتُ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَسَقَيْتُهُمْ ۚ لَمْ يَنْقُصْ مِمَّا عِنْدِي شَيْءٌ»<sup>۲۰</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «کم منزلت ترین اهل بهشت، دارای هفت درجه [یا رتبه] است و او بر درجه‌ی ششم است و درجه‌ی هفتم، بالاتر از اوست. سیصد خدمتکار دارد و هر بامداد و شامگاه، سیصد سینی طلا به حضورش آورده می‌شود که در هر سینی، رنگی [از خوراکی‌های] متفاوت با دیگری است. و از اولین آنها، همان اندازه لذت می‌برد که از آخرینشان لذت می‌برد، و می‌گوید: پروردگارا اگر اجازه‌ام می‌دادی، همه‌ی اهل بهشت را خوراکی و نوشیدنی می‌دادم، بی آن که از آنچه دارم، چیزی کاسته شود».

[۲۲۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «سَأَلَ مُوسَى رَبَّهُ: مَا أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ يَجِيءُ بَعْدَمَا أُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ ۚ فَيَقَالُ لَهُ: أُدْخِلُ الْجَنَّةَ ۚ فَيَقُولُ: أَيْ رَبِّ! كَيْفَ وَقَدْ نَزَلَ النَّاسُ مِنْ أَسْفَلِهِمْ وَأَخَذُوا أَخْذَاتِهِمْ؟ فَيَقَالُ لَهُ: أَتَرْضَى أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلُ مُلْكِ مَلِكٍ مِنَ مُلُوكِ الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُ: رَضِيْتُ رَبِّ! فَيَقُولُ: لَكَ

۲۰. مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۶۴۰؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۲۶.

ذَٰلِكَ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ. فَقَالَ  
فِي الْخَامِسَةِ: رَضِيْتُ رَبِّي! فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهِ وَ لَكَ مَا  
اشْتَهَتْ نَفْسُكَ وَلَذَّتْ عَيْنُكَ. فَيَقُولُ: رَضِيْتُ رَبِّي!  
قَالَ: رَبِّي! فَأَعْلَاهُمْ مَنَزِلَةٌ؟ قَالَ: أَوْلِيكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ أَنْ غَرَسْتُ  
كِرَامَتَهُمْ بِيَدِي وَأَخْتَمْتُ عَلَيْهَا فَلَمْ تَرَعِينَ وَلَمْ تَسْمَعِ أُذُنٌ وَلَمْ  
يَحْطُرْ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٌ»<sup>۲۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «[حضرت] موسی  
(علیه السلام) از پروردگارش پرسید: کم منزلت ترین اهل بهشت  
کیست؟ پروردگارش فرمود: مردی که پس از آن که همه ی  
بهشتیان به بهشت برده شدند، از راه می رسد. به او گفته می شود:  
وارد بهشت شو. او می گوید: ای پروردگار، چگونه وارد شوم در  
حالی که مردم در منزل های خود فرود آمده اند و همه جا را  
گرفته اند؟

به او گفته می شود: آیا راضی هستی که همانند قلمرو پادشاهی از  
پادشاهان دنیا داشته باشی؟ او می گوید: راضی ام پروردگارا.  
خدا [ای متعال] می گوید: آن اندازه و مانند آن و مانند آن و مانند  
آن و مانند آن به تو دادم. و او در بار پنجم می گوید: راضی شدم،  
ای پروردگار.

خدا می گوید: این همه و ده برابر آن، برای تو باشد. اصلاً هر چه

---

۲۱. صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۱۷۶؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۴۷؛ صحیح ابن حبان،  
جلد ۱۶، صفحه ۴۴۶؛ مسند حمیدی، جلد ۲، صفحه ۳۳۵؛ تفسیر طبری، جلد ۲۱، صفحه  
۱۰۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۰۴.

دلت می‌خواهد و دیده‌ات لذت می‌برد، برای تو باشد. و او می‌گوید: راضی شدم، پروردگارا.

موسی (علیه‌السلام) [با تعجب] عرض کرد: پروردگارا [وقتی حال کم‌منزلت‌ترین بهشتیان چنین است،] پس [حال] با منزلت‌ترین آنان چگونه است؟ خداوند فرمود: «برای آنان، من خود، اراده کرده‌ام، بهشت آنان را با دست خود کاشته‌ام و بر آن مهر زده‌ام. نه چشمی آن را دیده و نه گوشی [وصف آن را] شنیده و نه [خیال آن] بر دل بشری، گذر کرده است.»

[۲۲۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ أَدْنَى مَقْعَدٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْ يَقُولَ لَهُ: تَمَنَّ! فَيَتَمَنَّى وَيَتَمَنَّى فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ تَمَنَّيْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ فَيَقُولُ لَهُ: فَإِنَّ لَكَ مَا تَمَنَّيْتَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ»<sup>۲۲</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «[حال] آن یک از شما که پایین‌ترین جایگاه را در بهشت دارد، چنان است که [خداوند متعال] به او می‌فرماید: «آرزو کن» و او آرزو می‌کند و [باز هم] آرزو می‌کند. پس به او می‌فرماید: «[هر چه می‌توانستی] آرزو کردی؟» می‌گوید: آری [آنچه را می‌دانستم، آرزو کردم]. [خدای متعال] به او می‌فرماید: «[تمام] آنچه آرزو کردی و مانند آن، از آن تو باد.»

۲۲. صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۱۷۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه ۱۹۲.

[۲۲۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَدْنَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ رَجُلٌ صَرَفَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ قَبْلَ الْجَنَّةِ وَمَثَلٌ لَهُ شَجَرَةٌ ذَاتُ ظِلٍّ فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ قَدِمَنِي إِلَىٰ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَأَكُونَ فِي ظِلِّهَا! فَقَالَ اللَّهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ فَعَلْتَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهَا؟ قَالَ: لَا وَعَزَّتْكَ! فَقَدَّمَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا. وَمَثَلٌ لَهُ شَجَرَةٌ ذَاتُ ظِلٍّ وَثَمَرٌ فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ قَدِمَنِي إِلَىٰ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَكُونَ فِي ظِلِّهَا وَأَكُلُ مِنْ ثَمَرِهَا! فَقَالَ اللَّهُ لَهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ أُعْطَيْتَ ذَلِكَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ: لَا وَعَزَّتْكَ! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا. فَتُمَثَّلُ لَهُ شَجَرَةٌ أُخْرَىٰ ذَاتُ ظِلٍّ وَثَمَرٍ وَمَاءٍ فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ قَدِمَنِي إِلَىٰ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَكُونَ فِي ظِلِّهَا وَأَكُلُ مِنْ ثَمَرِهَا وَأَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا! فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ فَعَلْتَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ: لَا وَعَزَّتْكَ لَا أَسْأَلُكَ غَيْرَهُ! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا. فَيَبْرُزُ لَهُ بَابُ الْجَنَّةِ فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ قَدِمَنِي إِلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ فَأَكُونَ تَحْتَ نِجَافِ الْجَنَّةِ وَأَنْظُرَ إِلَىٰ أَهْلِهَا! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا فَيَرَىٰ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَمَا فِيهَا فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ أَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ! قَالَ: فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. قَالَ: فَإِذَا أُدْخِلَ الْجَنَّةَ قَالَ: هَذَا لِي قَالَ: فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ: تَمَنَّ فَيَتَمَنَّى وَيَذْكُرُهُ اللَّهُ: سَلْ مِنْ كَذَا وَكَذَا حَتَّىٰ إِذَا انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَمَانِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ لَكَ وَعَشْرَةٌ أَمْثَالِهِ. قَالَ: ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ زَوْجَتَاهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَيَقُولَانِ لَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَاكَ لَنَا وَأَحْيَانَا لَكَ. فَيَقُولُ: مَا أُعْطِيَ

## أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُعْطِيَ»<sup>۲۳</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «دون پایه‌ترین اهل بهشت، کسی است که خداوند، صورت او را از آتش [دوزخ] به جانب بهشت گردانیده و درختی سایه‌دار برایش رویانیده است. پس [با دیدن آن درخت، به طمع می‌افتد و] می‌گوید: ای پروردگار، مرا به نزد این درخت ببر تا در سایه‌اش باشم! خدا [ای متعال] می‌فرماید: «اگر چنین کنم، ممکن است [باز هم طمع کنی و] چیز دیگری از من بخواهی» می‌گوید: به عزتت سوگند که [چیز دیگری] نمی‌خواهم. پس خداوند، او را نزد آن درخت می‌برد.

[سپس] درخت دیگری با سایه و میوه برایش مجسم می‌گردد. او [طمع می‌کند و] می‌گوید: ای پروردگار، مرا به نزد این درخت [سایه‌دار و میوه‌دار] ببر تا در سایه‌اش بیارم و از میوه‌اش بخورم. خداوند می‌فرماید: «اگر آن را به تو بدهم، ممکن است [باز طمع کنی و] چیز دیگری از من بخواهی». می‌گوید: به عزتت سوگند که [چیز دیگری] نمی‌خواهم. پس خداوند، او را به نزد آن درخت می‌برد!

باز درخت دیگری با سایه و میوه و آب برایش نمایان می‌شود. او [طمع کرده و] می‌گوید: ای پروردگار، مرا به نزد آن درخت ببر تا در سایه‌اش باشم و از میوه‌اش بخورم و از آبش بنوشم. خداوند

---

۲۳. مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه ۵۵؛ صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۱۷۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۰۲.

می‌فرماید: «اگر چنین کنم، شاید چیز دیگری از من بخواهی»  
می‌گوید: نه به عزتت سوگند که چیز دیگری از تو نمی‌خواهم.  
پس خداوند، او را به نزد آن می‌برد. در این هنگام، در بهشت  
برای او نمایان می‌شود. [باز هم طمع می‌کند و] می‌گوید: ای  
پروردگار، مرا به در بهشت ببر تا [فقط] زیر سر در بهشت باشم و  
[فقط] به اهل آن نگاه کنم! خداوند او را به آنجا می‌برد و او اهل  
بهشت و آنچه را در آن است، می‌بیند. [باز طمع کرده] و می‌گوید:  
ای پروردگار، مرا وارد بهشت گردان. [و] خداوند [مهربان] او را [به  
فضل خودش] وارد بهشت می‌کند.

چون وارد بهشت می‌شود، [حالت طمع و انتظارش برطرف  
می‌شود و] می‌گوید: این، مال من [است و باید به اینجا می‌رسیدم  
تا آرام گیرم].

خداوند عز و جل به او می‌فرماید: آرزو کن و خود، به او یادآوری  
می‌کند که «از فلان چیز و فلان چیز بخواه» [او به مقدار آنچه  
میداند، آرزو می‌کند] تا این که چون آرزوهایش تمام شد، خدای  
عز و جل می‌فرماید: اینها و ده برابر اینها، مال تو باشد.

سپس وارد بهشت می‌شود و دو همسرش از حورالعین به نزدش  
می‌روند و به او می‌گویند: ستایش، خدای را که تو را برای ما و ما  
را برای تو، زنده نگه داشت.

او [با فهم کوتاه خودش] می‌گوید: نعمتی که به من داده شده، به  
هیچ کس داده نشده است.»



[۲۲۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَبْعَثُ أَهْلُ الْجَنَّةِ عَلَى صُورَةِ آدَمَ فِي مِيلَادِ ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً مُرَدًّا جَرْدًا مُكْحَلِينَ ثُمَّ يَذْهَبُ بِهِمْ إِلَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ فَيَكْسُونَ مِنْهَا لَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ وَ لَا يَفْنَى سَبَابُهُمْ»<sup>۲۴</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اهل بهشت در حالی برانگیخته می‌شوند که به صورت آدمی سی و سه ساله‌اند، با صورت و بدنی بی‌مو و چشمانی سرمه کشیده. سپس آنان را به نزد درختی در بهشت می‌برند و از آن درخت برایشان جامه می‌پوشانند. جامه‌هایشان هرگز کهنه نمی‌شود و جوانی‌شان هیچ‌گاه از بین نمی‌رود.»

[۳۱۱] تابع: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: يَأْتِي عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ سَاعَةٌ يَرَوْنَ فِيهَا نُورَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ فَيَقُولُونَ أَلَيْسَ قَدْ وَعَدْنَا رَبُّنَا أَنْ لَا نَرَى فِيهَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا فَيُنَادِي مُنَادٍ قَدْ صَدَقَكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَهُ لَا تَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَ لَكِنْ هَذَا رَجُلٌ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَتَحَوَّلُ مِنْ غُرْفَةٍ إِلَى غُرْفَةٍ فَهَذَا الَّذِي أُشْرِقَ عَلَيْكُمْ مِنْ نُورِ وَجْهِهِ.<sup>۲۵</sup>

ابن عباس می‌گوید: ساعتی بر اهل بهشت می‌گذرد که [بهشتیان]

۲۴. حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۳، صفحه‌ی ۵۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۹۰.

۲۵. بشارة المصطفی، طبری آملی، صفحه‌ی ۱۵۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۴۹.

در آن [زمان]، نور خورشید و ماه را می بینند. [با تعجب] می گویند: مگر پروردگار ما وعده نداده که خورشید و ماه را [در بهشت] نمی بینیم؟! [پس این نور چیست؟! در این هنگام] منادی ای ندا می دهد: پروردگارتان به وعده اش عمل کرده و خورشید و ماه را [در بهشت] نمی بینید ولی این یکی از شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که از غرفه ای به غرفه ای دیگر می رود و این که بر شما تابیده، از نور چهره ی اوست.

[۲۳۰] تابع: قال مغيرة بن شعبة: قال موسى (عليه السلام) لِرَبِّهِ: يَا رَبِّ أَيِّ عِبَادِكَ أَدْنَىٰ عِنْدَكَ فِي الْجَنَّةِ مَنزَلَةً؟  
 قال: عَبْدٌ يَبْقَىٰ فِي الدِّمْنَةِ بَعْدَ مَا يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ فَيَقُولُ لَهُ رَبُّهُ: أَنْظِرْ أَرْبَعَةَ مُلُوكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا فَسَسِّرْ مِنْ مُلْكِهِمْ مَا اسْتَهَتْ نَفْسُكَ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ اسْتَهَىٰ كَذَا وَأَسْتَهَىٰ كَذَا وَأَسْتَهَىٰ كَذَا قَالَ: فَسَسِّرْ مِنْ مُلْكِهِمْ مَا لَذَّتْ عَيْنُكَ فَيَقُولُ: يَلِدُ عَيْنِي كَذَا يَلِدُ عَيْنِي كَذَا قَالَ: أَرْضَيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: وَهُوَ لَكَ وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهِ.

قال موسى (عليه السلام): رَبِّ هَذَا لِأَدْنَىٰ مَنْ فِي الْجَنَّةِ فَمَا لِأَهْلِ صَفْوَتِكَ؟

قال: هَذِهِ الَّتِي أَرَدْتُ يَا مُوسَىٰ! خَلَقْتُ كِرَامَتَهُمْ بِيَدِي وَعَمَلَتْهَا وَخَتَمْتُ عَلَىٰ خَزَائِنِهَا وَفِيهَا مَا لَمْ تَرَ عَيْنٌ وَلَمْ يَسْمَعْ أُذُنٌ وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَىٰ قَلْبِ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

ثُمَّ تَلَى: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۲۶، ۲۷</sup>

مغیره بن شعبه می‌گوید: حضرت موسی (علیه‌السلام) به پروردگارش عرض کرد: پروردگارا، کدام بنده‌ات در بهشت، به نزد تو، کم‌منزلت‌ترین است؟

فرمود: بنده‌ای که وقتی بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می‌شوند، در میان دیمه (= مکانی که در آن سرگین انباشته شده باشد، سرگینگاه) می‌ماند. پس پروردگارش به او می‌گوید: چهار پادشاه از پادشاهان دنیا را در نظر بیاور و از پادشاهی آنان، آنچه دلت می‌خواهد، نام ببر. او می‌گوید: پروردگارا فلان چیز و فلان چیز و فلان چیز را می‌خواهم. خدا می‌گوید: از پادشاهی آنان، آنچه را دیده‌ات از آن لذت می‌برد، نام ببر. او می‌گوید: دیده‌ام از فلان چیز و بهمان چیز، لذت می‌برد. خدا می‌گوید: [به همین مقدار] راضی شدی؟ می‌گوید: آری. خدا می‌گوید: اینها و ده برابرشان از آن تو باد.

موسی (علیه‌السلام) گفت: پروردگارا، این برای کم‌منزلت‌ترین فرد بهشتی است؛ پس برای برگزیدگان چيست؟

فرمود: [خودم] برای آنان چیزهایی اراده کرده‌ام [نه این که به خواست و اراده‌ی آنان واگذارم که چه می‌خواهند]. ای موسی، کرامت‌های آنان را من با دست خودم آفریده‌ام و آن [کرامت‌ها

۲۶. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۱۷.

۲۷. زهد، ابن مبارک، صفحه‌ی ۶۶؛ مصنف، ابن ابی شیبه، جلد ۸، صفحه‌ی ۷۸.

را به عمل آورده‌ام و بر خزانة‌های آن‌ها مُهر زده‌ام. در آن خزانة‌ها چیزهایی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ کدام از مخلوقات، گذر نکرده است. سپس این آیه را تلاوت نمود: «هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [یاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است»

## فصل سوم: اوصاف جهنم در قرآن کریم

[۲۳۱] محکم:

«فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»<sup>۲۸</sup>

«از آن آتشی که [ماده‌ی] سوختش [بدن] مردمان و سنگ‌ها هستند و برای ناسپاسان آماده شده، بپرهیزید».

[۲۳۲] محکم:

«خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»<sup>۲۹</sup>

«در آن [لعنت و آتش سوزان]، جاودانه بمانند؛ نه عذابشان کاسته گردد و نه مهلت یابند»

---

۲۸. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴.

۲۹. سوره‌ی بقره، آیات ۱۶۱ و ۱۶۲.

[۲۳۳] محکم:

«وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُوا مِنَّا  
كَذَلِكَ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ  
النَّارِ»<sup>۳۰</sup>

«و پیروان [آن پیشوایان باطل] می‌گویند: کاش برای ما بازگشتی  
بود تا همان‌گونه که [آنان در اینجا] از ما بیزاری جستند [ما نیز در  
دنیا] از آنان بیزاری می‌جستیم. این‌گونه خداوند کارهای‌شان را  
که بر آنان مایه‌ی حسرت‌هاست به ایشان می‌نمایاند و  
[هیچوقت] از آتش، بیرون‌آمدنی نیستند».

[۲۳۴] محکم:

«رَبِّتَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»<sup>۳۱</sup>  
«پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقیناً رسوایش کرده‌ای و  
برای ستمکاران یاورانی نیست».

[۲۳۵] محکم:

«وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يَدْخُلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ  
عَذَابٌ مُهِينٌ»<sup>۳۲</sup>  
«و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او

۳۰. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۷.

۳۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۲.

۳۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴.

تجاوز نماید وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و  
برای او عذابی خفت آور است»

[۲۳۶] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَا تَضَجَّتْ  
جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَا هُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»<sup>۳۳</sup>

«به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند در آتشی  
[سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوست‌های  
دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند».

[۲۳۷] محکم:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا  
وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳۴</sup>

«و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند  
می‌دیدید که [با چه حسرتی] می‌گویند: کاش بازگردانده می‌شدیم  
و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان  
می‌شدیم»

[۲۳۸] محکم:

«قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ

۳۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۶.

۳۴. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۲۷.

كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتٌ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ  
 أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ  
 قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ \* وَقَالَتْ أَوْلَادُهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا  
 كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ \* إِنَّ  
 الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأَنفِثَنَّ لَهُمُ ابْوَابَ السَّمَاءِ  
 وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلْبِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي  
 الْمُجْرِمِينَ \* لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي  
 الظَّالِمِينَ»<sup>۳۵</sup>

«می‌فرماید: در میان امت‌هایی از جن و انس که پیش از شما  
 بوده‌اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید  
 همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم  
 پیوندند [آنگاه] پیروانشان درباره‌ی پیشوایانشان می‌گویند:  
 پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به  
 آنان بده. [خدا] می‌فرماید: برای هر کدام [عذاب] دو چندان است  
 ولی شما نمی‌دانید. و پیشوایانشان به پیروانشان می‌گویند: شما را  
 بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می‌آوردید  
 عذاب را بچشید. در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند  
 و از [پذیرفتن] آن‌ها تکبر ورزیدند درهای آسمان را برایشان  
 نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آن که شتر در سوراخ  
 سوزن داخل شود و اینگونه بزهاران را کیفر می‌دهیم. برای آنان

۳۵. سوره‌ی اعراف، آیات ۳۸ تا ۴۱.

از جهنم، بستری و از بالایشان پوشش هاست و این گونه  
بیدادگران را سزا می‌دهیم»

[۲۳۹] محکم:

«وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ  
مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>

«و دوزخیان، بهشتیان را آواز می‌دهند که از آن آب یا از آنچه خدا  
روزی شما کرده بر ما فرو ریزید. [بهشتیان در پاسخ] می‌گویند:  
خدا آن [نعمت]ها را بر کافران حرام کرده است. [و دوزخیان را  
در حسرت نعمت‌ها می‌گذارند]».

[۲۴۰] محکم:

«يَوْمَ يَحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ  
وَضُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْتُمْ تَكْنِزُونَ»<sup>۲</sup>  
تَكْنِزُونَ»<sup>۲</sup>

«روزی که آن [ثروت]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو  
و پشت آنان را با آن‌ها داغ کنند [و گویند:] این است آنچه برای  
خود اندوختید؛ پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید»

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۰.

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۵.



[۲۴۱] محکم:

«وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۱</sup>

«و کسانی که مرتکب بدی‌ها شده‌اند [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می‌گیرد. در مقابل [خشم و عذاب] خدا هیچ حمایتگری برای ایشان نیست. گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شب تار پوشیده شده است. آنان همدم آتشند که در آن جاودانه خواهند بود»

[۲۴۲] محکم:

«وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»<sup>۲</sup>

«و اگر برای هر کسی که ستم کرده است آنچه در زمین است می‌بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخرید خود [از آتش سوزان جهنم] می‌داد و چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را [از ترس شماتت دیگران،] پنهان دارند».

[۲۴۳] محکم:

«فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ \* خَالِدِينَ فِيهَا مَّا

۱. سوره یونس، آیه ۲۷.

۲. سوره یونس، آیه ۵۴.

دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ<sup>۱</sup>  
«و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند در آتش [سوزان جهنم]، فریاد  
و ناله‌ای [دلخراش] دارند. [و] تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در  
آن [آتش و عذاب خوارکننده،] ماندگار خواهند بود.»

[۲۴۴] محکم:

«وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ»<sup>۲</sup>

«و در گردن‌هایشان زنجیرهاست و آنان همدم آتشند و در آن  
ماندگار خواهند بود»

[۲۴۵] محکم:

«مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ \* يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ  
وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ  
غَلِيظٌ»<sup>۳</sup>

«[آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین  
نوشانده می‌شود. آن را جرعه جرعه می‌نوشد و نمی‌تواند آن را فرو  
برد و مرگ از هر جانی به سایش می‌آید ولی نمی‌میرد و عذابی  
سنگین به دنبال دارد»

۱. سوره‌ی هود، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۵.

۳. سوره‌ی ابراهیم، آیات ۱۵ تا ۱۷.

[۲۴۶] محکم:

«وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»<sup>۱</sup>

«و دوزخ را برای ناسپاسان، زندان قرار دادیم».

[۲۴۷] محکم:

«وَمَنْ يَضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًَّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا»<sup>۲</sup>

«و هر که را [خدا] بی‌راه گذارد، در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیابی و روز قیامت آن‌ها را کور و لال و کر [در حالی که] به صورت، درافتاده بر خواهیم انگیخت. جایگاهشان دوزخ است. هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم»

[۲۴۸] محکم:

«وَرَأَى الْمَجْرُمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا»<sup>۳</sup>

«و [یاد کن روزی را که] گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸.

۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۹۷.

۳. سوره‌ی كهف، آیات ۵۲ و ۵۳.

درمی یابند که در آن خواهند افتاد و از آن راه گریزی نیابند [چه  
حالی خواهند داشت؟!]

[۲۴۹] محکم:

«فَوَرِّبِكَ لِنَحْشُرَهُمُ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لِنُحْضِرَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا  
\* ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا \* ثُمَّ  
لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا \* وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا  
كَأَن عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا \* ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ  
فِيهَا جِثِيًّا»<sup>۱</sup>

«پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور  
خواهیم ساخت. سپس در حالی که به زانو درآمده اند آنان را  
گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. آنگاه از هر دسته ای کسانی از  
آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش تر بوده اند بیرون خواهیم  
کشید. پس از آن به کسانی که برای درآمدن به [جهنم]  
سزوارترند، خود داناتریم. و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه]  
در آن وارد می گردد این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی  
است. آنگاه کسانی را که پرهیزکار بوده اند می رهانیم و ستمگران  
را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می کنیم»

[۲۵۰] محکم:

۱. سوره ی مریم، آیات ۶۸ تا ۷۲.

«وَسَوْقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا»<sup>۱</sup>

«و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می‌رانیم»

[۲۵۱] محکم:

«إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ»<sup>۲</sup>

«در حقیقت هر که به نزد پروردگارش گنہکار رود، جهنم برای اوست. در آن [به حالت سختی گرفتار خواهد بود که] نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد»

[۲۵۲] محکم:

«لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ»<sup>۳</sup>

«کاش آنان که کافر شده‌اند می‌دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند [چه حالی خواهند داشت]»

[۲۵۳] محکم:

«إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ \* لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَّا وَرَدُوها وَكُلِّ فِيها خَالِدُونَ \* لَهُمْ فِيها زَفِيرٌ وَهُمْ

۱. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۸۶.

۲. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۷۴.

۳. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۳۹.

فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ»<sup>۱</sup>

«برای آن [گناهکار]ها در آنجا [یعنی جهنم]، ناله‌ای زار است و در آنجا [چیزی از رحمت و خوبی] نمی‌شنوند»

[۲۵۴] محکم:

«فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يَصْبُ مِنْ فَوْق رُؤُسِهِمْ  
الْحَمِيمُ \* يَصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ \* وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّن حَدِيدٍ \*  
كَلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ»<sup>۲</sup>  
«و کسانی که کفر ورزیدند جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده  
است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود. آنچه در شکم آنهاست با پوست [بدن]شان بدان گذاخته می‌گردد. و برای  
[وارد کردن ضربت بر سر] آنان، گرزهایی آهنین [آماده] است.  
هر بار بخواهند از [شدت] غم از آن بیرون روند در آن [آتش  
سوزنده] باز گردانیده می‌شوند [که هان] بچشید عذاب آتش  
سوزان را».

[۲۵۵] محکم:

«وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ  
خَالِدُونَ \* تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالْحِجُونَ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی انبیاء، آیات ۹۸ تا ۱۰۰.

۲. سوره‌ی حج، آیات ۱۹ تا ۲۲.

۳. سوره‌ی مؤمنون، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴.

«و کسانی که کَفَهی میزان [اعمال]شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. آتش، چهره‌ی آن‌ها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌رویند»

[۲۵۶] محکم:

«إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا \* وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُقْرَبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا \* لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا»<sup>۱</sup>

«چون [دوزخ] از فاصله‌ای دور آنان را ببیند [برافروخته می‌شود و] خشم و خروشی [هولناک] از آن می‌شنوند. و چون آنان را در مکانی تنگ از آن، به زنجیر کشیده، ببیند ازند، آنجاست که [از شدت فشار،] مرگ [خود] را می‌خواهند. [ولی ندا می‌رسد:] امروز یک بار هلاک [خود] را خواهید و [بلکه بسیار] بسیار هلاک [خود] را بخواهید [ولی هیچ سودی به حالتان نخواهد داشت]».

[۲۵۷] محکم:

«الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۲</sup>

«کسانی که به رو درافتاده به سوی جهنم رانده می‌شوند، آنان بدترین جای و گم‌ترین راه را دارند».

۱. سوره‌ی فرقان، آیات ۱۲ تا ۱۴.

۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۳۴.

[۲۵۸] محکم:

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا  
\* إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا»<sup>۱</sup>

«[بندگان خدای رحمان] کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا  
عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است. و  
در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است»

[۲۵۹] محکم:

«وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup>

«و هر کس بدی به میان آورد به رو در آتش [دوزخ] سرنگون  
شوند. [آنگاه ندا می‌رسد:] آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده  
می‌شوید؟!»

[۲۶۰] محکم:

«وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَا وَأَهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا  
فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ»<sup>۳</sup>  
«و اما کسانی که نافرمانی کرده‌اند پس جایگاهشان آتش است

۱. سوره‌ی فرقان، آیات ۶۵ و ۶۶.

۲. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۹۰.

۳. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲۰.



هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند در آن بازگردانیده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود عذاب آن آتشی را که دروغش می‌پنداشتید [و سبکش می‌شمردید،] بچشید»

[۲۶۱] محکم:

«يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ \* وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا \* رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا»<sup>۱</sup>

«روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیر و رو می‌کنند، می‌گویند: ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم. و می‌گویند: پروردگارا ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند. پروردگارا آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن، لعنتی بزرگ»

[۲۶۲] محکم:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يَقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُحْيَفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ يُجْزَىٰ كُلَّ كَفُورٍ \* وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ التَّذْيِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

۱. سوره‌ی احزاب، آیات ۶۶ تا ۶۸.

### تَّصِيرٍ<sup>۱</sup>

«[ولی] کسانی که کافر شده‌اند آتش جهنم برای آنان خواهد بود. حکم به مرگ بر ایشان [جاری] نمی‌شود تا بمیرند [و خلاص شوند] و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود. [آری] هر ناسپاسی را چنین کیفر می‌دهیم. و آنان در آنجا فریاد برمی‌آورند: پروردگارا ما را بیرون بیاور تا غیر از آنچه می‌کردیم، کار شایسته کنیم. [ولی افسوس که به آنان گفته می‌شود:] مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می‌گرفت و [آیا] برای شما هشداردهنده [یعنی پیامبر] نیامد؟! پس [این عذاب دردناک را برای همیشه] بچشید که برای ستمگران، یآوری نیست»

### [۲۶۳] محکم:

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ \* اَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ \* الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۲</sup>

«این است جهنمی که به شما وعده داده می‌شد. به [جرم] آنکه کفر می‌ورزیدید اکنون در آن درآید. امروز بر دهان‌های آنان مُهر می‌نهم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی می‌دهند.»

۱. سوره‌ی فاطر، آیات ۳۶ و ۳۷.

۲. سوره‌ی یس، آیات ۶۳ تا ۶۵.

[۲۶۴] محکم:

«أَذَلِك خَيْرٌ نُزْلاً أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ \* إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ \*  
إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ \* طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ  
\* فَإِنَّهُمْ لَأَكَلُونَ مِنْهَا فَمَالُؤْنَ مِنْهَا الْبُطُونَ \* ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا  
لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ \* ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ»<sup>۱</sup>

«آیا از نظر پذیرایی این [بهشتی که گفتیم] بهتر است یا درخت زقوم؟! در حقیقت ما آن را برای ستمگران [مایه‌ی آزمایش و] عذابی گردانیدیم. آن درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید. میوه‌اش گویی چون سرهای شیاطین است. پس [دوزخیان] حتماً از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند. سپس ایشان را بر سر آن آمیخته‌ای از آب جوشان است. آنگاه بازگشتشان بی‌گمان به سوی دوزخ است.»

[۲۶۵] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ يُضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ  
الْحِسَابِ»<sup>۲</sup>

«در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت خواهند داشت.»

۱. سوره‌ی صافات، آیات ۶۲ تا ۶۸.

۲. سوره‌ی ص، آیه‌ی ۲۶.

[۲۶۶] محکم:

«قَوْلِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup>

«پس وای بر کسانی که کافر شده‌اند از [سختی آن] آتش

[هولناک]»

[۲۶۷] محکم:

«هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَآبٍ \* جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا فَيَسَّ الْيَهَادُ \*  
هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ \* وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ \* هَذَا فَوْجٌ  
مُّتَّحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ \* قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا  
مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَسَّ الْقَرَارُ \* قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا  
هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ \* وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا  
نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ \* أَخَذْنَاَهُمْ سِحْرِيَا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ \*  
إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ»<sup>۲</sup>

«این است [حال بهشتیان] و [اما] برای طغیانگردان واقعا بد  
فرجامی است. به جهنم درمی‌آیند و چه بد آرامگاهی است. این  
جوشاب و چرکاب است باید آن را بچشند. و از همین گونه انواع  
دیگر [عذابها]. اینها گروهی‌اند که با شما به اجبار [در آتش]  
درمی‌آیند. بدا به حال آنها زیرا آنان داخل آتش می‌شوند. [به  
رؤسای خود] می‌گویند: بلکه بر خود شما خوش مباد این [عذاب]

۱. سوره‌ی ص، آیه‌ی ۲۷.

۲. سوره‌ی ص، آیات ۵۵ تا ۶۴.

را. شما خود برای ما از پیش فراهم آوردید و چه بد قرارگاهی است. می‌گویند: پروردگارا هر کس این [عذاب] را از پیش برای ما فراهم آورده عذاب او را در آتش دو چندان کن. و می‌گویند: ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از [زمره‌ی] اشرار می‌شمردیم، نمی‌بینیم؟! آیا آنان را [در دنیا] به ریشخند می‌گرفتیم یا چشم‌های ما [بر آنها نمی‌افتد. این مجادله‌ی اهل آتش قطعاً راست است].»

[۲۶۸] محکم:

«قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ \* لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يَخَوْفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ»<sup>۱</sup>

«[ای رسول ما به اینان] بگو: زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند. آری، این همان خسران آشکار است. آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طبق‌هایی [آتشین است]. این [کیفری] است که خدا بندگان را به آن بیم می‌دهد. [و می‌فرماید:] ای بندگان من، از من بترسید.»

[۲۶۹] محکم:

---

۱. سوره‌ی زمر، آیات ۱۵ و ۱۶.

«وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدُوا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ \* وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»<sup>۱</sup>

«و اگر آنچه در زمین است، یکسره برای کسانی که ظلم کرده‌اند باشد و نظیرش [نیز] با آن باشد، قطعاً [همه‌ی] آن را برای رهایی خودشان از سختی عذاب روز قیامت خواهند داد و آنچه تصور[ش] را [نمی‌کردند از جانب خدا بر ایشان آشکار می‌گردد. و [نتیجه‌ی] گناهانی که مرتکب شده‌اند برایشان ظاهر می‌شود و آنچه را که بدان ریشخند می‌کردند آن‌ها را فرا می‌گیرد».

#### [۲۷۰] محکم:

«وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا فَتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ \* قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»<sup>۲</sup>

«و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و

۱. سوره‌ی زمر، آیات ۴۷ و ۴۸.

۲. سوره‌ی زمر، آیات ۷۱ و ۷۲.

نگهبانانش [با خشم فراوان] به آنان گویند: مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟! [آن ناسپاسان] گویند: چرا [آمد] ولی [این اقرار کردن فایده‌ای برایشان ندارد] و فرمان عذاب بر کافران واجب آمد. و گفته شود از درهای دوزخ درآیید. جاودانه در آن بمانید. وه چه بد [جایی] است جای سرکشان».

[۲۷۱] محکم:

«وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»<sup>۱</sup>

«و بدین گونه فرمان پروردگارت درباره‌ی کسانی که کفر ورزیده بودند به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود»

[۲۷۲] محکم:

«وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ \* قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ \* وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِحِزْنِهِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ \* قَالُوا أَوْلَمْ تَك تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ

۱. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶.

## الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ<sup>۱</sup>

«و آنگاه که [دوزخیان] در آتش، شروع به آوردن حجت می‌کنند، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند می‌گویند: ما [در دنیا] پیرو شما بودیم؛ پس آیا می‌توانید پاره‌ای از این آتش را از ما دفع کنید؟ کسانی که [در دنیا] گردنکشی می‌کردند، می‌گویند: [ما نیز همچون شما گرفتاریم و اکنون] همه‌ی ما در آن هستیم. خداست که میان بندگان [خود] داوری کرده است. و کسانی که در آتشند به نگهبانان جهنم می‌گویند: پروردگارتان را بخوانید [و از او بخواهید] تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد. می‌گویند: مگر پیامبرانتان [در دنیا، برای نجات از این عذاب سخت] دلایل روشن به سوی شما نیاوردند؟! می‌گویند: چرا [آوردند]. [نگهبانان آتش] می‌گویند: پس [خدای خود را برای نجات از این عذاب] بخوانید و [آنان با ناله و زاری، دعا می‌کنند ولی] دعای کافران [هیچگاه شنیده نمی‌شود و] جز در بیراهه نیست».

[۲۷۳] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»<sup>۲</sup>

«در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار [شده و ذلیلانه] در [عذاب‌های هولناک] دوزخ درمی‌آیند»

۱. سوره‌ی غافر، آیات ۴۷ تا ۵۰.

۲. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.



[۲۷۴] محکم:

«إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ \* فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ \* ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ \* مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ \* ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ \* ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»<sup>۱</sup>

«هنگامی که غل‌ها در گردن‌هایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می‌شوند. در میان جوشاب [و] آنگاه در آتش، برافروخته می‌شوند. آنگاه به آنان گفته می‌شود آنچه را در برابر خدا [با او] شریک می‌ساختید، کجایند؟! می‌گویند: گمشان کردیم؛ بلکه پیشتر [هم] ما چیزی را نمی‌خواندیم. این گونه خدا کافران را بی‌راه می‌گذارد. این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [به خود] می‌نازیدید. [اکنون] از درهای دوزخ درآیید [و] در آن جاودان [بمانید]. چه بد است جای سرکشان»

[۲۷۵] محکم:

«وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ»<sup>۲</sup>

۱. سوره‌ی غافر، آیات ۷۱ تا ۷۶.

۲. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۱۶.

«و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر [و سخت‌تر از عذاب دنیا] است و آنان [برای نجات از آن عذاب‌ها] یاری نخواهند شد»

[۲۷۶] محکم:

«فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ \* ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ»<sup>۱</sup>

«و قطعاً کسانی را که کافر شده‌اند عذابی سخت می‌چشانیم و حتماً آن‌ها را به بدتر از آنچه می‌کرده‌اند جزا می‌دهیم. آری سزای دشمنان خدا همان آتش است که در آن منزل همیشگی دارند. [این] جزا به کیفر آن است که نشانه‌های ما را انکار می‌کردند»

[۲۷۷] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَحْفَوْنَ عَلَيْنَا أَمْ مَن يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»<sup>۲</sup>

«آیا [حال] کسی که در آتش [سوزان جهنم] افکنده می‌شود. بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید؟!»

[۲۷۸] محکم:

۱. سوره‌ی فصلت، آیات ۲۷ و ۲۸.

۲. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۰.

«وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ \* وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ»<sup>۱</sup>

«و [روز محشر عظیم،] ستمگران را می بینی که چون عذاب را بنگرند می گویند: آیا راهی برای برگشتن [به دنیا] هست؟ آنان را می بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می شوند از [شدت] زبونی، فروتن شده اند. زیرچشمی می نگرند و کسانی که گرویده اند، می گویند: در حقیقت، زیانکاران کسانی اند که روز قیامت، خودشان و کسانی که دچار زیان کرده اند. آری ستمکاران در عذابی پایدار هستند».

#### [۲۷۹] محکم:

«إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ \* لَا يَفْتَرُونَ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ \* وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ \* وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رُبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَّا كُنْتُمْ \* لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ»<sup>۲</sup>

«بی گمان، مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند. [عذاب] از آنان تخفیف نمی یابد و آن ها در آنجا نومیدند. و ما بر ایشان ستم

۱. سوره ی شورا، آیات ۴۴ و ۴۵.

۲. سوره ی زخرف، آیات ۷۴ تا ۷۸.

نکردیم بلکه خود، ستمکار بودند. و فریاد کشند: ای مالک [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند. [مالک جهنم با تندی به آنان] پاسخ دهد: شما ماندگارید. قطعاً حقیقت را برایتان آوردم لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید».

[۲۸۰] محکم:

«إِنَّ شَجَرَةَ الرَّقُومِ \* طَعَامُ الْأَيْمِ \* كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ \*  
كغلى الحميم \* خذوه فاعتلوه إلى سواء الجحيم \* ثم صبوا فوق رأسه  
من عذاب الحميم \* ذق إنك أنت العزيز الكريم \* إن هذا ما  
كنتم به متمرون»<sup>۱</sup>

«آری درخت زقوم. خوراک [هر] گناه‌پیشه است. چون مس  
گداخته در شکم‌ها می‌گدازد. همانند جوشش آب جوشان. [ندایی  
قهرآلود می‌رسد:] او را بگیرد و به میان دوزخش بکشانید. آنگاه  
از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید. [و به استهزاء گویند:]  
بچش که تو همان ارجمند بزرگوار [دنیا] هستی. این است همان  
چیزی که در باره‌ی آن تردید می‌کردید».

[۲۸۱] محکم:

«أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ \* مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا

۱. سوره‌ی دخان، آیات ۴۳ تا ۵۰.

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ \*  
هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ<sup>۱</sup>  
«آنان عذابی خفت آور خواهند داشت. بیشاپیش آن‌ها دوزخ  
است و آنچه را اندوخته و آن دوستانی را که غیر از خدا اختیار  
کرده‌اند به کارشان نمی‌آید و عذابی بزرگ خواهند داشت. این  
رهنمودی است و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند  
برایشان عذابی دردناک از پلیدی است.»

#### [۲۸۲] محکم:

«وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ  
وَمَا لَكُمْ مِّن نَّاصِرِينَ \* ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا  
وَعَزَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يَسْتَعْتَبُونَ»<sup>۲</sup>  
«و گفته شود همان‌گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید  
امروز شما را فراموش خواهیم کرد و جایگاهتان در آتش است و  
برای شما یاورانی نخواهد بود. این بدان سبب است که شما آیات  
خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد. پس امروز نه  
از این [آتش] بیرون آورده می‌شوند و نه عذرشان پذیرفته  
می‌گردد.»

#### [۲۸۳] محکم:

۱. سوره‌ی جاثیه، آیات ۹ تا ۱۱.
۲. سوره‌ی جاثیه، آیات ۳۴ و ۳۵.

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طِبْيَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ»<sup>۱</sup>

«و آن روز که آنهایی را که کفر ورزیده‌اند بر آتش عرضه می‌دارند [به آنان می‌گویند:] نعمت‌های پاکیزه‌ی خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صرف کردید و از آن‌ها برخوردار شدید؛ پس امروز به [سزای] آن‌که در زمین به ناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می‌کردید، به عذاب خفت [آور] کیفر می‌یابید».

[۲۸۴] محکم:

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ»<sup>۲</sup>

«و روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند [از آنان می‌پرسند] آیا این راست نیست؟ می‌گویند: سوگند به پروردگاران که آری [راست است] می‌فرماید: پس به [سزای] آنکه انکار می‌کردید، عذاب [سخت و دردناک جهنم] را بچشید».

[۲۸۵] محکم:

«كَمْ مِنْ هُوَ حَالِدٍ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۲۰.

۲. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۳۴.

۳. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۵.

«[آیا کسی که در باغ‌های دل‌انگیز بهشت و رضوان و آمرزش خداست] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فرو پاشد؟».

[۲۸۶] محکم:

«وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»<sup>۱</sup>

«و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است».

[۲۸۷] محکم:

«يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ»<sup>۲</sup>

«آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم آیا پُر شدی و می‌گویی: آیا باز هم هست؟»

[۲۸۸] محکم:

«يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا \* هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۶.

۲. سوره‌ی ق، آیه‌ی ۳۰.

۳. سوره‌ی طور، آیات ۱۳ و ۱۴.

«روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند [چه] کشیدنی. [و به آنان گویند:] این همان آتشی است که دروغش می‌پنداشتید».

[۲۸۹] محکم:

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ \* يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى  
وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ<sup>۱</sup>

«روزی که [گنهکاران] در آتش، به رو کشیده می‌شوند [و به آنان گفته می‌شود:] لهیب آتش را بچشید [و سختی عذاب آن را احساس کنید]»

[۲۹۰] محکم:

يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ \* فَبِأَيِّ  
الْآءِ رَبِّكَمَا تُكَذِّبَانِ \* هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ \*  
يُطْفِئُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ

«[در آن روز سخت،] تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و [آنها را] از پیشانی و پایشان بگیرند. پس [ای جن و انس] کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید؟! این است همان جهنمی که تبهکاران آن را دروغ می‌خواندند. [حال گنهکاران در جهنم چنان است که] میان آن [آتش] و میان آب جوشان سرگردان باشند».<sup>۲</sup>

۱. سوره ی قمر، آیه ۴۸.

۲. سوره ی رحمان، آیات ۴۱ تا ۴۴.



[۲۹۱] محکم:

«وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ \* فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ \* وَظِلٍّ  
مِّنْ يَّمُومٍ \* لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ \* إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ \*  
وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ \* وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا  
وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ \* أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ \* قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ \*  
لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ \* ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ  
الْمُكذِّبُونَ \* لَأَكَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ \* فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ \*  
فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ \* فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ \* هَذَا نُزُلُهُمْ  
يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۱</sup>

«و یاران چپ، کدامند یاران چپ؟ [سرگردان] در [میان] بادِ گرم  
و آبِ داغ. و سایه‌ای از دودِ تار. نه خنک [است] و نه خوش. اینان  
بودند که پیش از این، نازپروردگان بودند. و برگناه بزرگ  
[خویش] پافشاری می‌کردند. و می‌گفتند آیا چون مُردیم و خاک و  
استخوان شدیم، واقعاً [باز] زنده می‌گردیم؟! یا پدران گذشته‌ی ما  
[نیز زنده می‌گردند؟!]. بگو در حقیقت، اولین و آخرین [انسان‌ها]  
قطعاً همه در موعد روزی معلوم گرد آورده شوند. آنگاه شما ای  
گمراهان دروغ‌پرداز. قطعاً از درختی که از زقوم است خواهید  
خورد. و از آن شکم‌هایتان را خواهید آکنند. و روی آن از آبِ  
جوش می‌نوشید. [مانند] نوشیدن اشتنان تشنه. این است

۱. سوره‌ی واقعه، آیات ۴۱ تا ۵۶.

پذیرایی آنان در روز جزا».

[۲۹۲] محکم:

«وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ \* فَنُزْلٌ مِّنْ حَمِيمٍ \* وَ  
تَصْلِيَةٌ جَاجِيمٍ»<sup>۱</sup>

«و اما اگر از دروغزنان گمراه است. پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد. و [فرجامش] درافتادن به جهنم است».

[۲۹۳] محکم:

«فَالْيَوْمَ لَا يُوْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ  
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»<sup>۲</sup>

«پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده‌اند عوضی پذیرفته نمی‌شود. جایگاهتان آتش است. آن سزاوار شماسست و چه بد سرانجامی است».

[۲۹۴] محکم:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ \* إِذَا أُلْقُوا فِيهَا  
سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ \* تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا  
فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ \* قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ

۱. سوره‌ی واقعه، آیات ۹۲ تا ۹۴.

۲. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۵.

فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ \*  
وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ \*  
فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ<sup>۱</sup>

«و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است. چون در آنجا افکنده شوند از آن خروشی می شنوند در حالی که می جوشد. نزدیک است که از خشم، شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند نگاهبانان آن از ایشان پرسند: مگر شما را [در دنیا] هشدار دهنده ای نیامد؟! گویند: چرا، هشدار دهنده ای به سوی ما آمد و[الی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است؛ شما جز در گمراهی بزرگ نیستید. و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم. پس به گناه خود اقرار می کنند و مرگ باد بر اهل جهنم».

[۲۹۵] محکم:

«كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كُنَّا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>

«عذاب [دنیا] چنین [در دنیا] و طاقت فرسا [است و عذاب آخرت اگر می دانستند، قطعاً بزرگتر [و هول انگیزتر] خواهد بود».

[۲۹۶] محکم:

۱. سوره ی ملک، آیات ۶ تا ۱۱.

۲. سوره ی قلم، آیه ۳۳.

«وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهٗ \*  
 وَلَمْ أَدْرِمَا حِسَابِيهٗ \* يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ \* مَا أَغْنَىٰ عَنِّي  
 مَالِيهٗ \* هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهٗ \* خُدُوهُ فَعُلُوهُ \* نُمْرَ الْحَجِيمِ صَلُّوهُ \*  
 ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ \* إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ  
 بِاللَّهِ الْعَظِيمِ \* وَلَا يَحْضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ \* فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ  
 هَاهُنَا حَمِيمٌ \* وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِن غَسَلِينَ \* لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ»<sup>۱</sup>

«و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم. و از حساب خود خبردار نشده بودم. ای کاش آن [مرگ] کار را تمام می‌کرد. مال من مرا سودی نبخشید. قدرت من از [کف] من برفت. [پس ندایی خشم‌آلود می‌شنود که می‌گوید: [بگیرید او را و در غل [و زنجیر] کشید. آنگاه میان آتشش اندازید. پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است، وی را در بند کشید. چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید. و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد. پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست. و خوراکی جز چرک‌آبه ندارد. که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند».

[۲۹۷] محکم:

«وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»<sup>۲</sup>

۱. سوره‌ی حاقه، آیات ۲۵ تا ۳۷.

۲. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۵.

«ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود».

[۲۹۸] محکم:

«وَدَّرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمُ قَلِيلًا \* إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا  
وَجَحِيمًا \* وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا \* يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ  
وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا»<sup>۱</sup>

«و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده. در حقیقت پیش ما زنجیرها و دوزخ. و غذایی گلوگیر و عذابی پر درد است. روزی که زمین و کوهها به لرزه درآیند و کوهها همچون ریگ، روان گردند».

[۲۹۹] محکم:

«سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ \* لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ \* لَوَاحَةٌ  
لِّلْبَشَرِ»<sup>۲</sup>

«زود! که او را به سقر در آورم. و تو چه دانی که آن سقر چیست؟ [وادی‌ای از عذاب خاصی است که] نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند. [عذابش چنان شدید است که] پوست‌ها را سیاه می‌گرداند».

[۳۰۰] محکم:

۱. سوره‌ی مزمل، آیات ۱۱ تا ۱۴.

۲. سوره‌ی مدثر، آیات ۲۶ تا ۲۹.

«وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِآسِرَةٍ \* تَتُّنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ»<sup>۱</sup>

«و در آن روز [قیامت،] صورت‌هایی عبوس و در هم کشیده است. زیرا می‌داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می‌شکند.»

[۳۰۱] محکم:

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا»<sup>۲</sup>

«ما برای ناسپاسان، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم.»

[۳۰۲] محکم:

«وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۳</sup>

«و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است»

[۳۰۳] محکم:

«إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا \* لِلطَّاعِينَ مَأْبَأً \* لَا يَبِثْنَ فِيهَا أَحْقَابًا \*  
لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا \* إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا \* جَزَاءً وَفَاقًا \* إِنَّهُمْ  
كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا \* وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا \* وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

---

۱. سوره‌ی قیامت، آیات ۲۴ و ۲۵.

۲. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۴.

۳. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۳۱.

کِتَابًا \* فَذُوقُوا فَلَنْ نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا»<sup>۱</sup>

[آری] جهنم از دیر باز/ کمینگاهی بوده. [که] برای سرکشان بازگشتگاهی است. روزگاری دراز در آن درنگ کنند. در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی. جز آب جوشان و چرک آبه‌ای. کیفری مناسب [با جرم آنها]. آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند. و آیات ما را سخت تکذیب می‌کردند. و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [و به صورت] کتابی در آورده‌ایم. پس بچشید که جز عذاب هرگز [چیزی] بر شما نمی‌افزاییم»

[۳۰۴] محکم:

«فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى \* يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى \*  
وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى \* فَأَمَّا مَنْ طَغَى \* وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ  
الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى»<sup>۲</sup>

«پس آنگاه که آن هنگامه‌ی بزرگ دررسد. [آن] روز است که انسان آنچه را که در پی آن کوشیده است به یاد آورد. و جهنم برای هر که بیند آشکار گردد. اما هر که طغیان کرد. و زندگی پست دنیا را برگزید. پس جایگاه او همان آتش است.»

[۳۰۵] محکم:

«وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ \* يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ \* وَمَا هُمْ عَنْهَا  
بِعَائِينَ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی نبأ، آیات ۲۱ تا ۳۰.

۲. سوره‌ی نازعات، آیات ۳۴ تا ۳۹.

۳. سوره‌ی انفطار، آیات ۱۴ تا ۱۶.

«و بی‌شک بدکاران در دوزخند. روز جزا در آنجا درآیند. و [هیچ وقت] از آن [عذاب] دور نخواهند بود».

[۳۰۶] محکم:

«فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۱</sup>

«پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت ده».

[۳۰۷] محکم:

«الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكَبْرَى \* ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى»<sup>۲</sup>

«همان کس که در آتشی بزرگ در آید. آنگاه نه در آن می‌میرد و نه زندگانی می‌یابد»

[۳۰۸] محکم:

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ \* وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ \* عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ \*  
تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً \* تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ \* لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ  
ضَرِيحٍ \* لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ»<sup>۳</sup>

«آیا خبر غاشیه به تو رسیده است؟ در آن روز چهره‌هایی زبونند. که تلاش کرده [و] رنج [بیهوده] برده‌اند. [ناچار] در آتشی سوزان درآیند. از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند. خوراکی جز خار خشک ندارند. [که] نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد».

[۳۰۹] محکم:

۱. سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی ۲۴.

۲. سوره‌ی اعلی، آیات ۱۲ و ۱۳.

۳. سوره‌ی غاشیه، آیات ۱ تا ۷.



«فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى \* لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى»<sup>۱</sup>

«پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. جز نگون بخت‌تر [بین مردم] در آن در نیاید».

[۳۱۰] محکم:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ»<sup>۲</sup>

«کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می‌مانند [و هیچگاه نجات نخواهند یافت]. اینانند که بدترین آفریدگانند»

[۳۱۱] محکم:

«كَلَّا لَيَنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ \* نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ \*  
الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ \* إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ \* فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ»<sup>۳</sup>

«ولی نه، قطعاً در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد. توجه دانی که آن آتش خردکننده چیست؟! آتش افروخته‌ی خدا [بی] است. [آتشی] که به دل‌ها می‌رسد. و [آتشی که] در ستون‌هایی دراز، آنان را در میان فرامی‌گیرد».

۱. سوره‌ی لیل، آیات ۱۴ تا ۱۶.

۲. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۶.

۳. سوره‌ی همزه، آیات ۴ تا ۹.

## فصل چهارم: اوصاف جهنم در روایات

[۳۱۲] سند:

قال النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِهِ «وَيَسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ!»: «يَقْرَبُ إِلَيْهِ فَيَكْرَهُهُ فَإِذَا أَدْنَى مِنْهُ شَوَى وَجْهَهُ وَوَقَعَ فَرْوَةٌ رَأْسِهِ فَإِذَا شَرِبَ قَطَعَ أَمْعَاءَهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ دُبُرِهِ. يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»<sup>۲</sup> وَيَقُولُ «وَإِنْ يَسْتَعِينُوا يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ»<sup>۳، ۴</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال: «و به او آبی چرکین نوشانده می‌شود» فرمودند: به او نزدیک می‌شود ولی آن را نمی‌پسندد. وقتی نزدیک آن می‌شود، [از حرارت بالای آن] صورتش بریان می‌گردد و پوست سرش در آن می‌افتد. وقتی از آن بنوشد، روده‌هایش پاره می‌شود و از پایینش خارج می‌گردد. خدای عزوجل می‌فرماید: «آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فروپاشد» و [همچنین] می‌فرماید: «و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند».

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۱۶.

۲. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۵.

۳. سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۴۵.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۴۴.

[۳۱۳] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يُرِيدُ النَّاسُ النَّارَ ثُمَّ يَصْدُرُونَ بِأَعْمَالِهِمْ فَأَوْلُهُمْ كَلَمَعُ الْبَرْقِ ثُمَّ كَمَرِ الرِّيحِ ثُمَّ كَحُضْرِ الْفَرَسِ ثُمَّ كَالرَّاكِبِ ثُمَّ كَشَدِّ الرَّجْلِ ثُمَّ كَمَشْيِهِ»<sup>۱</sup>  
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «تمام مردم، وارد آتش [جهنم] می‌شوند. سپس به واسطه‌ی عمل‌هایشان از آن بیرون می‌روند. اولین [گروه] از ایشان مانند جهش برق [بیرون می‌آیند]، سپس [گروهی هستند که] مانند وزش باد [بیرون می‌آیند]، سپس [گروهی هستند که] مانند اسب‌سوار تازنده [از آتش، بیرون می‌آیند]، سپس [گروهی هستند که] مانند سوارکار [ی] که معمولی می‌راند از آتش بیرون می‌آیند]، سپس [گروهی هستند که] مانند مرد تندرو [از آتش بیرون می‌آیند] سپس [گروهی هستند که] مانند [کسی که] قدم‌زنان [راه می‌رود، از آتش خارج می‌شوند]».

[۳۱۴] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «النَّارُ تَضِيقُ عَلَيْهِمْ كَضِيقِ الرَّجِّ بِالرُّمْحِ»<sup>۲</sup>  
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «آتش [بر دوزخیان، چنان] تنگ می‌شود مانند تنگ شدن نیزه در پیکان [یعنی همانطور که چوبِ نیزه را با فشار در پیکان آهنی فرو

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۴۹.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۵۹.

می‌کنند، دوزخیان را با فشار در جهنم وارد می‌کنند/».

[۳۱۵] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا يُخْرَجُ مِنَ النَّارِ مَنْ دَخَلَهَا حَتَّى يَمُوتَ فِيهَا أَحْقَاباً وَالْحُقْبُ بِضَعٌ وَسِتُّونَ سَنَةً وَ السَّنَةُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَسِتُّونَ يَوْمًا كُلُّ يَوْمٍ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ! فَلَا يَتَّكِنَنَّ أَحَدٌ عَلَى أَنْ يُخْرَجَ مِنَ النَّارِ!».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «کسی که داخل آتش [جهنم] شود، از آن خارج نمی‌گردد مگر آنکه «احقاب» در آن بماند و [احقاب، جمع حُقب است و هر] حقب، شصت و چند سال [است] و هر سال، سیصد و شصت روز [است] و هر روزی مانند هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمارید!! پس کسی بر خارج شدن از جهنم، تکیه نکند [و به اینکه بالاخره از جهنم بیرون خواهد آمد، دلخوش و مغرور نباشد]».

[۳۱۶] سند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَوْفِي فَإِنَّ قَلْبِي قَدْ قَسَا. فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ اسْتَعِدَّ لِلْحَيَاةِ الطَّوِيلَةِ؛ فَإِنَّ جَبْرَائِيلَ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله و

سلم) وَهُوَ قَاطِبٌ وَقَدْ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ يَجِيءُ وَهُوَ مُتَبَسِّمٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): يَا جَبْرَيْلُ جِئْنِي الْيَوْمَ قَاطِبًا؟! فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ قَدْ وُضِعَتْ مَنَافِخُ النَّارِ. فَقَالَ: وَمَا مَنَافِخُ النَّارِ يَا جَبْرَيْلُ؟

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِالنَّارِ فَنُفِخَ عَلَيْهَا الْفَ عَامٍ حَتَّى ابْيَضَّتْ ثُمَّ نُفِخَ عَلَيْهَا الْفَ عَامٍ حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ نُفِخَ عَلَيْهَا الْفَ عَامٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ فَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ. لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنَ الصَّرِيعِ قَطَرَتْ فِي شَرَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَمَاتَ أَهْلُهَا مِنْ تَنْنِهَا. وَلَوْ أَنَّ حَلَقَةً وَاحِدَةً مِنَ السِّلْسِلَةِ الَّتِي طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا. وَوُضِعَتْ عَلَى الدُّنْيَا لَذَابَتْ الدُّنْيَا مِنْ حَرِّهَا. وَلَوْ أَنَّ سِرْبًا لًا مِنْ سَرَائِلِ أَهْلِ النَّارِ عَلِقَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَمَاتَ أَهْلُ الدُّنْيَا مِنْ رِيحِهِ وَوَهَجِهِ!

فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَبَكَى جَبْرَيْلُ فَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا مَلَكًا فَقَالَ لَهُمَا: إِنَّ رَبَّكُمَا يَقْرُبُكُمَا السَّلَامَ وَيَقُولُ: قَدْ أَمِنْتُكُمَا أَنْ تُذْبِنَا ذَنْبًا أَعْدَبِكُمَا عَلَيْهِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَمَا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) جَبْرَيْلَ مُتَبَسِّمًا بَعْدَ ذَلِكَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَعْظُمُونَ النَّارَ وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَعْظُمُونَ الْجَنَّةَ وَ النَّعِيمَ. وَإِنَّ أَهْلَ جَهَنَّمَ إِذَا دَخَلُوهَا هَوُوا فِيهَا مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عَامًا فَإِذَا بَلَغُوا أَعْلَاهَا فُيْعُوا بِمَقَامِعِ الْحَدِيدِ وَاعِيدُوا فِي دَرَكِهَا. فَهَذِهِ حَالُهُمْ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ

أَعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ<sup>۱</sup> ثُمَّ تَبَدَّلْ جُلُودَهُمْ جُلُودًا غَيْرَ  
الْجُلُودِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «حَسْبُكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟» قُلْتُ:  
حَسْبِي<sup>۲</sup> حَسْبِي.

ابوبصیر می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: ای  
پسر پیامبر خدا، در من ترس [از روز قیامت و جهنم] ایجاد کنید  
که دلم سخت شده است. فرمودند: «ای ابومحمد، برای زندگی  
طولانی آماده شو؛ چرا که جبرئیل با چهره‌ای گرفته نزد پیامبر خدا  
(صلی الله علیه و آله وسلم): آمد، در حالی که پیش از آن، تبسم‌کنان  
می‌آمد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): فرمودند: ای جبرئیل،  
[چرا] امروز با چهره‌ای گرفته نزد من آمده‌ای؟!]

جبرئیل عرض کرد: ای محمد، دمه‌های آتش [جهنم] نصب شد.  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): فرمودند: دمه‌های آتش  
چیست، ای جبرئیل؟!]

عرض کرد: ای محمد، به دستور خداوند عز و جل هزار سال در  
آتش دمیده شد تا سفید گردید و هزار سال دیگر در آن دمیده  
شد تا سرخ گشت. دیگر بار، هزار سال در آن دمیده شد تا سیاه  
گردید. بنا بر این، آتش دوزخ [هم اینک] سیاه و تاریک است.  
اگر قطره‌ای از خارِ سَم [جهنم] در نوشیدنی اهل دنیا بچکد،

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۲.

۲. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۱؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۵۵۶؛ بحار الانوار، علامه  
مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۰؛

همه‌ی آن‌ها از بوی تعفن آن می‌میرند و اگر حلقه‌ای از زنجیر هفتادگزی آن، بر اهل دنیا نهاده شود، همه‌ی آنان از حرارتش آب می‌شوند و اگر جامه‌ای از جامه‌های اهل آتش میان آسمان و زمین آویزان گردد، همه‌ی اهل زمین از بوی آن و از برافروختگی‌اش می‌میرند.

در این هنگام، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): گریه کردند و جبرئیل نیز گریست. پس خداوند متعال، فرشته‌ای را به سوی آن دو فرستاد که به ایشان گفت: پروردگارتان به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: شما را از این که گناهی کنید تا به سبب آن عذابتان کنم، مصون داشتم. از آن زمان به بعد، پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): دیگر جبرئیل را متبسم ندید.

سپس امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «اهل آتش، آتش را بزرگ می‌شمارند و اهل بهشت نیز بهشت و نعمت‌های آن را بزرگ می‌شمارند. اهل جهنم چون وارد آن شوند، بعد از هفتاد سال در قعرش فرو می‌افتند و چون [دوباره با تلاش بسیار،] به بالای آن رسند، با گرزهای آهنین بر سرشان کوفته می‌شود و به قعر آن باز می‌گردند، و پیوسته بر آن حالند. این همان سخن خدای عز و جل است که [می‌فرماید]: «هر بار بخواهند از [شدت] غم، از آن بیرون روند، در آن بازگردانیده می‌شوند [که هان،] بچشید عذاب آتش سوزان را» سپس پوست‌هایشان به پوستی دیگر تبدیل می‌شود».

آن‌گاه حضرت فرمودند: «ای ابومحمد [آیا این سخنانی که شنیدی

برای نرم شدن دلت [کافی است؟]»  
عرض کردم: کافی است، کافی است.

[۳۱۷] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَرْبَعَةٌ يُؤْذُونَ أَهْلَ النَّارِ عَلَى مَا بِهِمْ مِنَ الْأَذَى يَسْقَوْنَ مِنَ الْحَمِيمِ فِي الْمَجِيمِ يَنَادُونَ بِالْوَيْلِ وَ الشُّبُورِ. يَقُولُ أَهْلُ النَّارِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا بَالُ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ؟! قَدْ آذَوْنَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى!

فَرَجُلٌ مُعَلَّقٌ فِي تَابُوتٍ مِنْ جَمْرٍ وَرَجُلٌ يُجْرُ أَمْعَاءَهُ وَرَجُلٌ يَسِيلُ فُوهَ قَيْحاً وَ دَمًا وَرَجُلٌ يَأْكُلُ لَحْمَهُ. فَقِيلَ لِصَاحِبِ التَّابُوتِ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى؟! فَيَقُولُ: إِنَّ الْأَبْعَدَ قَدْ مَاتَ وَ فِي عُنُقِهِ أَمْوَالُ النَّاسِ لَمْ يَجِدْ لَهَا فِي نَفْسِهِ آدَاءً وَلَا وَفَاءً.

ثُمَّ يَقَالُ لِلَّذِي يُجْرُ أَمْعَاءَهُ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى؟! فَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْعَدَ كَانَ لَا يَبَالِي أَيْنَ أَصَابَ الْبَوْلُ مِنْ جَسَدِهِ.

ثُمَّ يَقَالُ لِلَّذِي يَسِيلُ فُوهَ قَيْحاً وَ دَمًا مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى؟! فَيَقُولُ: إِنَّ الْأَبْعَدَ كَانَ يَحَاكِي فَيَنْظُرُ إِلَى كُلِّ كَلِمَةٍ حَبِيثَةٍ فَيَسْنِدُهَا وَيَحَاكِي بِهَا ثُمَّ يَقَالُ لِلَّذِي كَانَ يَأْكُلُ لَحْمَهُ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى؟! فَيَقُولُ: إِنَّ



الْأَبْعَدَ كَانَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ وَيَمْشِي بِالْتَّمِيمَةِ»<sup>۳</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «چهار [گروه] هستند که اهل آتش از عذاب آنها، اذیت می‌شوند. [این چهار گروه] از آب جوشان جهنم نوشانده می‌شوند و صدایشان به ویل و ثبور [یعنی ناله‌هایی که حکایت از بدبختی و عذاب دارد] بلند است. بعضی از اهل آتش از بعضی دیگر می‌پرسند: اینان را چه می‌شود [و به کدامین گناه بدین عذاب افتاده‌اند که] عذاب آن‌ها [و نعره‌ها و فریادهای دلخراششان] ما را به اذیت [و زحمت] انداخته است!؟

[این چهار گروه عبارتند از:] مردی که آویخته است در صندوقی از آتش، و مردی که روده‌هایش را می‌کشد و مردی که از دهانش چرک و خون جاری است و مردی که گوشتش را می‌خورد. پس پرسیده می‌شود این دورترین [از رحمت الهی، یعنی] صاحب صندوق را چه می‌شود [و چه کرده است] که ما از عذاب او در اذیتیم؟! [ملائکه‌ی عذاب در جوابشان] می‌گویند: این دورترین [از رحمت خدا] در حالی مُرد که مال‌هایی از مردم در گردنش بود و او قصد پس دادن نداشت.

سپس پرسیده می‌شود از [حال] آنکه روده‌هایش را می‌کشد که این دورترین [از رحمت خدا] را چه می‌شود [و چه گناهی کرده

---

۳. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۵۸۱؛ ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۴۷؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۷۰؛ کشف الريبية، صفحه‌ی ۹؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۱۲، صفحه‌ی ۳۰۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۰.

است] که ما از عذاب او اذیت شدیم؟! [ملائکه‌ی عذاب می‌گویند:] این دورترین [از رحمت خدا] باکی از برخورد ادرار به بدنش نداشت [و آن را تطهیر نمی‌کرد].

سپس پرسیده می‌شود از حال آنکه چرک و خون از دهانش جاری است که این دورترین از [رضوان و رحمت خدا] را چه شده است [و در دار دنیا چه گناهی مرتکب می‌شد] که ما از عذاب او اذیت شدیم؟! [ملائکه‌ی عذاب] می‌گویند: این دورترین [از رحمت و بهشت، برای مردم] حکایت می‌کرد [ولی] نگاه می‌کرد به هر کلمه‌ی ناپاکی و آن را نگه می‌داشت و [همواره] بازگو می‌نمود.

سپس پرسیده می‌شود از [حال] آنکه گوشت خودش را می‌خورد که این دورترین [از بهشت و نعمت‌های آن] را چه شده است [و چه گناهی می‌کرده] که ما از عذاب او به اذیت [و زحمت] افتادیم؟! [ملائکه‌ی عذاب] می‌گویند: این دورترین [از رحمت و رضوان الهی]، گوشت مردم را با غیبت کردن، می‌خورد و خبرچینی می‌کرد».

[۳۱۸] سند:

قال الباقر (عليه السلام) لعمر بن ثابت: «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَتَعَاوَنَ فِيهَا كَمَا يَتَعَاوَى الْكَلَابُ وَالذِّئَابُ مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنَ آلِمِ الْعَذَابِ فَمَا ظَنُّكَ يَا عَمْرُو بِقَوْمٍ لَا يَقْضَى عَلَيْهِمْ فِيمُوتُوا وَلَا يَخَفُّ عَنْهُمْ

مِنْ عَذَابِهَا<sup>۴</sup> عِطَاشٍ فِيهَا جِيعٌ كَلِيلَةٌ أَبْصَارُهُمْ صَمٌّ بَكُمْ  
عُمَى مُسَوَّدَةٌ وَجُوهُهُمْ خَاسِسِينَ فِيهَا نَادِمِينَ مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ فَلَا  
يَرْحَمُونَ وَمِنَ الْعَذَابِ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَفِي النَّارِ يَسْجُرُونَ وَمِنَ  
الْحَمِيمِ يَشْرَبُونَ وَمِنَ الرَّقُومِ يَأْكُلُونَ وَبِكَالِيبِ النَّارِ يَخْطُمُونَ وَ  
بِالْمَقَامِعِ يَضْرِبُونَ وَالْمَلَأْتِكَةَ الْغِلَاطُ الشَّدَادُ لَا يَرْحَمُونَ فَهُمْ فِي  
النَّارِ يَسْحَبُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ وَمَعَ الشَّيَاطِينِ يَقْرَنُونَ وَفِي الْأَنْكَالِ وَ  
الْأَغْلَالِ يَصْفَدُونَ إِنْ دَعَوْا لَمْ يَسْتَجَبْ لَهُمْ وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً لَمْ  
تُقَضَّ لَهُمْ! هَذِهِ حَالُ مَنْ دَخَلَ النَّارَ<sup>۵</sup>

امام باقر (علیه السلام) به عمرو بن ثابت فرمودند: «اهل آتش، از درد و عذابی که می‌کشند، در دوزخ مانند سگ‌ها و گرگ‌ها زوزه می‌کشند. چه می‌پنداری ای عمرو، دربارهی گروهی که «نه فرمان مرگشان می‌رسد تا بمیرند و نه از عذابشان در آتش کاسته می‌شود» در آن، تشنه و گرسنه‌اند. چشمانشان ناتوان گشته است. کر و لال و کورند. سیه رویند. در آنجا مطرود و زبون و پشیمان‌اند. مورد خشم‌اند و هیچ رحمی به آنان نمی‌شود. در عذابشان ذمی تخفیف داده نمی‌شود؛ [بلکه] آتش آنان، بی‌وقفه شعله می‌کشد. از آب جوشان می‌نوشند و از زقوم می‌خورند. با چنگک‌های آتشین مهار می‌شوند و با گرز[های آهنین] کوفته می‌شوند. فرشتگان دژخیم درشت‌خوی به آنان رحم نمی‌کنند و

۴. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۳۶.

۵. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۶۵۱؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۱.

در آتش، آنان را به رو در افتاده، می‌کشند. با شیطان‌ها به یک بند کشیده می‌شوند و آنان را به کند و زنجیر می‌بندند. اگر دعا کنند، دعایشان [شنیده و] پذیرفته نمی‌شود و اگر چیزی بخواهند، درخواستشان برآورده نمی‌گردد. این است حال و روز کسی که وارد آتش جهنم گردد».

[۳۱۹] سند:

قال الباقر (عليه السلام): «إِنَّ عَبْدًا مَكَثَ فِي النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا وَ الْحَرِيفُ سَبْعُونَ سَنَةً. ثُمَّ إِنَّهُ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ لَمَّا رَحِمْتَنِي. فَأَوْجَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَى جَبْرَيْلَ (عليه السلام) أَنْ أَهْبِطَ إِلَى عَبْدِي فَأُخْرِجَهُ. قَالَ: يَا رَبِّ وَ كَيْفَ لِي بِالْهُبُوطِ فِي النَّارِ؟! قَالَ: إِنِّي قَدْ أَمَرْتُهَا أَنْ تَكُونَ عَلَيْكَ بَرْدًا وَ سَلَامًا. قَالَ: يَا رَبِّ فَمَا عَلِمِي بِمَوْضِعِهِ. قَالَ: إِنَّهُ فِي جُبِّ مِنْ سَجِينٍ. فَهَبَّطَ فِي النَّارِ فَوَجَدَهُ وَهُوَ مَعْقُولٌ عَلَى وَجْهِهِ فَأُخْرِجَهُ.

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: يَا عَبْدِي كَمْ لَبِثْتَ تُنَاشِدُنِي فِي النَّارِ؟ قَالَ: مَا أُحْصِيهِ يَا رَبِّ. قَالَ: أَمَا وَعِزَّتِي لَوْلَا مَا سَأَلْتَنِي بِهِ لَأَطَلْتُ هَوَانِكَ فِي النَّارِ وَ لَكِنَّهُ حَتَمَ عَلَيَّ نَفْسِي أَنْ لَا يَسْأَلَنِي عَبْدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ مَا كَانَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ الْيَوْمَ»<sup>۶</sup>

۶. جامع الأخبار، شعیری، صفحه ۱۴۲؛ ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه ۱۵۴؛ امالی، شیخ صدوق، صفحه ۶۷۲؛ خصال، شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه ۵۸۴؛ روضة الواعظین،

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «بنده‌ای [هست که] هفتاد خریف در آتش [جهنم] می‌ماند و هر خریف [معاذل با] هفتاد سال است. سپس از خدای عز و جل به حق محمد و اهل بیت طاهرینش: می‌خواهد که بر او رحم آورد. خدای جل جلاله به جبرئیل (علیه السلام) وحی می‌کند که به سوی بنده‌ام فرود آی و او را [از عذاب آتش] خارج کن.

[جبرئیل] عرض می‌کند: پروردگارا من چگونه می‌توانم به [درون] آتش فرو روم؟! [خدای متعال] می‌فرماید: او را امر کرده‌ام که بر تو سرد و سلامت باشد. [باز جبرئیل] عرض می‌کند: پروردگارا من از جای او آگاه نیستم. [خدای متعال] می‌فرماید: در چاهی در سجین است. پس [جبرئیل] در آتش فرو می‌رود و او را می‌یابد در حالی که [دست و پایش] بسته شده و به رو در افتاده است. پس [از آن مکان و آن عذاب] خارجش می‌کند.

خدای عز و جل [آن آزاد شده را خطاب کرده و] می‌فرماید: ای بنده‌ی من، چقدر مرا در آتش قسم دادی [که نجات دهم]؟ می‌گویند: شماره‌اش را ندارم ای پروردگار. [خدای متعال] می‌فرماید: به عزتم قسم اگر [آنهمه] درخواستت نبود، خواری‌ات در آتش را طول می‌دادم [و روزگاری طولانی تو را در آن عذاب خوار کننده، نگه می‌داشتم] ولی بر خود لازم کرده‌ام که [هیچ] بنده‌ای مرا به حق محمد و اهل بیتش: نخواند مگر اینکه هر چه

---

فتال نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۷۱؛ بشارة المصطفی، صفحه‌ی ۲۱۰؛ وسائل الشیعه، محدث عاملی، جلد ۷، صفحه‌ی ۹۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۲.

بین من و او [از گناهان و تاریکی‌ها که حائل شده است] را  
بخشتم و [به همین خاطر] امروز بر تو بخشیدم».

[۳۲۰] سند:

قال الباقر (عليه السلام): «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَيْثُ أُسْرِيَ بِهِ لَمْ يَمْرُ بِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا رَأَى مِنْهُ مَا يَحِبُّ مِنَ الْبِشْرِ وَاللُّطْفِ وَالسُّرُورِ بِهِ حَتَّى مَرَّ بِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ وَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئاً فَوَجَدَهُ قَاطِباً عَابِساً. فَقَالَ: يَا جَبْرَيْئِلُ مَا مَرَرْتُ بِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا رَأَيْتُ الْبِشْرَ وَاللُّطْفَ وَالسُّرُورَ مِنْهُ إِلَّا هَذَا فَمَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا مَالِكُ خَازِنِ النَّارِ هَكَذَا خَلَقَهُ رَبُّهُ. قَالَ: فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ تَطْلُبَ إِلَيْهِ أَنْ يَرِيَنِي النَّارَ. فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْئِلُ (عليه السلام): إِنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَقَدْ سَأَلَنِي أَنْ أَطْلُبَ إِلَيْكَ أَنْ تُرِيَهُ النَّارَ. قَالَ: فَأَخْرَجَ لَهُ عُثْقاً مِنْهَا فَرَأَاهَا فَلَمَّا أَبْصَرَهَا لَمْ يَكُنْ ضَاحِكاً حَتَّى قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۷</sup>

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: «شبی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) [برای سفر پر رمز و راز معراج] به آسمان برده شدند، بر هر یک از مخلوقات خدا که گذشتند، او را نسبت به خود، خوشرو و مهربان و خندان یافتند، تا آن که بر یکی از مخلوقات خدا گذشتند که نه به ایشان نگریست و نه به ایشان

۷. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۶۹۶؛ زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۹۹؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۵۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۱۸، صفحه‌ی ۳۴۱.

چیزی گفت، و چهره‌ای در هم و عبوس داشت. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) [به جبرئیل] فرمودند: ای جبرئیل، من بر هر یک از مخلوقات خدا که گذشتم او را خوشرو و مهربان و شادمان دیدم مگر این یکی. او کیست؟

جبرئیل گفت: او مالک [نام دارد و] دوزخبان است. پروردگارش او را همین‌گونه آفریده است.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: دوست دارم که از او بخواهی آتش [دوزخ] را به من نشان دهد. جبرئیل به مالک گفت: این، محمد پیامبر خداست. از من خواست تا از تو تقاضا کنم که آتش را به او بنمایانی.

مالک، عده‌ای [از دوزخیان] را از دوزخ بیرون آورد و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): آنان را دید و با دیدن آن‌ها تا زمانی که خداوند عز و جل جاننش را ستاند، دیگر نخندید.»

[۳۲۱] سند:

فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى أَهْلِ مِصْرَ فِي وَصْفِ النَّارِ: «فَاخْذَرُوا نَارًا قَعْرُهَا بَعِيدٌ وَحَرُّهَا شَدِيدٌ وَعَذَابُهَا جَدِيدٌ. دَارٌ لَيْسَ فِيهَا رَحْمَةٌ وَلَا تُسْمَعُ فِيهَا دَعْوَةٌ وَلَا تُفْرَجُ فِيهَا كَرْبَةٌ».<sup>۸</sup>

در نامه‌ی امیر المؤمنین (علیه‌السلام) به اهل مصر درباره‌ی دور و صف آتش جهنم آمده است: «بترسید از آتشی که عمقش دور

۸. نهج‌البلاغه، صبحی صالح، نامه‌ی ۲۷؛ تنبیه‌الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱؛ اعلام‌الدین، صفحه‌ی ۲۴۸؛ بحار‌الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۲۴.

[و ناپیدا]، و گرمایش شدید [و سخت]، و عذابش [برای همیشه] تازه است. سرایی است که در آن، هیچ رحمی نیست، هیچ دعا و فریادی شنیده نمی‌شود و هیچ اندوهی گشاده [و تبدیل به شادی] نمی‌گردد».

[۳۲۲] سند:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَرَأَ رَجُلٌ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» فَقَالَ الرَّجُلُ: وَمَا الْفَلَقُ؟ قَالَ: «صَدْعٌ فِي النَّارِ فِيهِ سَبْعُونَ أَلْفَ دَارٍ فِي كُلِّ دَارٍ سَبْعُونَ أَلْفَ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ أَلْفَ أَسْوَدٍ فِي جَوْفِ كُلِّ أَسْوَدٍ سَبْعُونَ أَلْفَ جَرَّةٍ سَمٌّ لَا بُدَّ لِأَهْلِ النَّارِ أَنْ يَمُرُّوا عَلَيْهَا»<sup>۱</sup>.

راوی می‌گوید [با جمعی از اصحاب]، در نزد امام صادق (علیه السلام) بودیم که مردی این آیه را تلاوت کرد: «بگو: پناه

می‌برم به پروردگار فلق» سپس پرسید: «فلق» چیست؟

حضرت فرمودند: «شکافی در آتش [جهنم] است که در آن، هفتاد هزار خانه است، در هر خانه، هفتاد هزار اتاق و در هر اتاق، هفتاد هزار مار [عظیم الجثه] و در شکم هر مار، هفتاد هزار جام زهر که اهل جهنم ناچارند بر تمام اینها بگذرند [یعنی از همه‌اش عذاب بینند]».

۹. سوره‌ی فلق، آیه‌ی ۲.

۱۰. معانی الاخبار، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۲۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۷.



قال الصادق (عليه السلام): «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلًا وَفِي النَّارِ مَنْزِلًا. فَإِذَا سَكَنَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ نَادَى مُنَادٍ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ أَشْرِفُوا فَيَشْرَفُونَ عَلَى النَّارِ وَتُرْفَعُ لَهُمْ مَنَازِلُهُمْ فِيهَا.

ثُمَّ يُقَالُ لَهُمْ: هَذِهِ مَنَازِلُكُمْ الَّتِي لَوْ عَصَيْتُمُ اللَّهَ دَخَلْتُمُوهَا. قَالَ: فَلَوْ أَنَّ أَحَدًا مَاتَ فَرِحًا لَمَاتَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فَرِحًا لِمَا صُرِفَ عَنْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ.

ثُمَّ ينادى مُنَادٍ يَا أَهْلَ النَّارِ ارْفَعُوا رُءُوسَكُمْ فَيَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ فَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ. فَيُقَالُ لَهُمْ: هَذِهِ مَنَازِلُكُمْ الَّتِي لَوْ أَطَعْتُمْ رَبَّكُمْ دَخَلْتُمُوهَا. قَالَ: فَلَوْ أَنَّ أَحَدًا مَاتَ حُزْنَا لَمَاتَ أَهْلُ النَّارِ حُزْنَا. فَيُورِثُ هَوْلًا مَنَازِلَ هَوْلًا وَيُورِثُ هَوْلًا مَنَازِلَ هَوْلًا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ. الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۱۱</sup> ۱۲.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: «خدای متعال، هیچ آفریده‌ای نیافریده است مگر آنکه برایش جایگاهی در بهشت و جایگاهی در جهنم مقرر کرده است. پس چون اهل بهشت در بهشت و اهل جهنم در جهنم ساکن شوند، منادی‌ای ندا می‌دهد: ای اهل

۱۱. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۱.

۱۲. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۵۸؛ تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۷.

بهشت، [بر آتش جهنم که در زیر قرار دارد،] اشراف پیدا کنید. پس بر آتش جهنم مشرف می‌شوند و [پرده از] منزل‌هایشان برداشته می‌شود. آنگاه به ایشان گفته می‌شود: این جایگاه شما بود که اگر خدا را نافرمانی می‌کردید، داخل آن می‌شدید. [پس از دیدن این صحنه] اگر کسی از شادی می‌مُرد، اهل بهشت بودند، از شادی آنکه عذاب از آن‌ها بازداشته شده است.

سپس منادی‌ای ندا می‌دهد: ای اهل آتش، سرهایتان را بلند کنید. پس سرهایشان را بلند می‌کنند و به جایگاه‌هایشان در بهشت می‌نگرند و آن نعمت‌ها را می‌بینند. آنگاه برای آن‌ها گفته می‌شود: این جایگاه‌های شما بود که اگر پروردگارتان را اطاعت می‌کردید، داخل آن می‌شدید. پس اگر کسی از غُصه می‌مُرد، اهل آتش بودند. پس آنان جایگاه‌های اینان و اینان جایگاه‌های آنان را به ارث می‌برند و این [معنی] سخن خدای تعالی است که «آناند، وارثانند. همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند».

[۳۲۴] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ نَارَكُمْ هَذِهِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَقَدْ أَطْفِئَتْ سَبْعِينَ مَرَّةً بِالْمَاءِ ثُمَّ التَّهَبَّتْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ مَا اسْتَطَاعَ آدَمِيُّ أَنْ يَطِيقَهَا [يُطْفِئُهَا] وَإِنَّهُ لَيَوْتِي بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُوَضَعَ عَلَى النَّارِ فَتَصْرَخُ صَرْخَةً لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا جَاءَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَرَعَا مِنْ صَرْخَتِهَا»<sup>۱</sup>

### صَرَخْتِهَا<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «این آتش [دنیایی] شما، جزئی از هفتاد جزء آتش جهنم است که هفتاد بار با آب، خاموش شد و باز شعله ور گشت. و اگر این [سرد کردن‌ها] نمی بود، هیچ انسانی نمی توانست آن را هنگام شعله ور شدنش تحمل کند. در روز قیامت، همین آتش را می آورند و بر آتش [دوزخ] می نهند. پس [از شدت سوختگی] چنان فریادی می زند که تمام فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسل، از وحشت فریاد آن به زانو در می آیند!».

[۳۲۵] سند:

قال الباقر (عليه السلام) في قَوْلِهِ تَعَالَى: «سَرَّابِيْلَهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ»<sup>۲</sup> هُوَ الصُّفْرُ الْحَارُّ الدَّائِبُ يَقُولُ: اِنَّتَهَى حَرَّهُ يَقُولُ اللّٰهُ: «وَتَعَشَى وُجُوهُهُمْ النَّارُ»<sup>۳</sup> وَسُرُّبَلُوا ذَلِكِ الصُّفْرَ فَتَعَشَى وُجُوهُهُمْ النَّارُ؛

امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی این سخن خدای متعال «جامه‌هایشان از قطران است» فرمودند: «آن [قطران]، مسی داغ زوب شده است که به نهایت درجه‌ی داغی رسیده است. خداوند می فرماید: «و چهره‌هایشان را آتش فرا می گیرد». آن مس را بر

۱. زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۸۳؛ تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۶۶؛ بحار الانوار، علامه

مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۸.

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۵۰.

۳. همان.

۴. تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۷۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۸.

تن پوشیده‌اند و آتش [آن]، چهره‌هایشان را فرا می‌گیرد».

سند: [۳۲۶]

قال الباقر (عليه السلام) في قَوْلِهِ «إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا»<sup>۵</sup> يَقُولُ: «مُلَازِمًا لَا يَفَارِقُ» وَفِي قَوْلِهِ: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»<sup>۶</sup> قَالَ: «أَثَامٌ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ جَهَنَّمَ مِنْ صُفْرِ مُذَابٍ قُدَّامَهَا حَرَّةٌ فِي جَهَنَّمَ»<sup>۷</sup>  
امام باقر (عليه السلام) درباره‌ی این سخن [خدای متعال] «همانا عذاب آن [جهنم]، گرام است» فرمودند: «[یعنی] ملازم است و [هرگز از اهل آتش] جدا نمی‌شود» و در مورد [معنی] این سخن «و هر کس اینها را انجام دهد، سزایش اتمام است» فرمودند: «اثام، وادی‌ای از وادی‌های جهنم است که از مس [گداخته‌ی] مذاب می‌باشد و در جلوش زمینی پر از سنگ‌های سیاه [و گداخته‌ی] جهنم قرار دارد».

سند: [۳۲۷]

قال الباقر (عليه السلام) في قَوْلِهِ «لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ»: «فَبَلَّغْنِي . وَاللَّهُ أَعْلَمُ . أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَبْعَ دَرَكَاتٍ أَعْلَاهَا الْحَجِيمُ يَقُومُ أَهْلُهَا عَلَى الصِّفَا مِنْهَا تَغْلِي أَدْمِغَتَهُمْ فِيهَا

۵. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۵.

۶. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۸.

۷. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۶۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۸۹؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۳۳۲.

كَغَلَى الْقُدُورِ بِمَا فِيهَا.  
 وَ الثَّانِيَةُ: لَظِيَّ «نَزَاعَةً لِلشَّوَى \* تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى \* وَ جَمَعَ  
 فَأَوْعَى»<sup>۸</sup>  
 وَ الثَّلَاثَةُ: سَقَرٌ «لَا تُبْقَى وَ لَا تَذُرُ \* لَوَاحَةً لِلبَشْرِ \* عَلَيْهَا تِسْعَةَ  
 عَشْرًا»<sup>۹</sup>  
 وَ الرَّابِعَةُ: الحُطْمَةُ وَ مِنْهَا يَثُورُ شَرُّهُ «كَالْقَصْرِ \* كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرًا»<sup>۱۰</sup>  
 تُدْقُ كُلُّ مَنْ صَارَ إِلَيْهَا مِثْلَ الكُحْلِ فَلَا يَمُوتُ الرُّوحُ. كَلَّمَا  
 صَارُوا مِثْلَ الكُحْلِ عَادُوا.  
 وَ الخَامِسَةُ: الهَاوِيَةُ فِيهَا مَلَأَ يَدْعُونَ: يَا مَالِكُ اغْنَا. فَإِذَا اغْنَاهُمْ  
 جَعَلَ لَهُمْ آيَةً مِنْ صُفْرِ مِنْ نَارٍ فِيهِ صَدِيدٌ مَاءٍ يَسِيلُ مِنْ  
 جُلُودِهِمْ كَأَنَّهُ مَهْلٌ. فَإِذَا رَفَعُوهُ لِيَشْرُبُوا مِنْهُ تَسَاقَطَ لَحْمٌ  
 وَ جُوهِهِمْ فِيهَا مِنْ شِدَّةِ حَرِّهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا  
 يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الوجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ  
 مُرْتَفَقًا»<sup>۱۱</sup> وَ مَنْ هَوَى فِيهَا هَوَى سَبْعِينَ عَامًا فِي النَّارِ كَلَّمَا احْتَرَقَ  
 جِلْدُهُ بَدَّلَ جِلْدًا أُخْرَى.  
 وَ السَّادِسَةُ: هِيَ السَّعِيرُ فِيهَا ثَلَاثُ مِائَةِ سُرَادِقٍ مِنْ نَارٍ فِي كُلِّ  
 سُرَادِقٍ ثَلَاثُ مِائَةِ قَصْرِ مِنْ نَارٍ فِي كُلِّ قَصْرِ ثَلَاثُ مِائَةِ بَيْتٍ مِنْ

۸. سورهی معارج، آیات ۱۶ تا ۱۸.

۹. سورهی مدثر، آیات ۲۸ تا ۳۰.

۱۰. سورهی مرسلات، آیات ۳۲ و ۳۳.

۱۱. سورهی كهف، آیهی ۲۹.

نَارٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ ثَلَاثَ مِائَةِ لَوْنٍ مِنْ عَذَابِ النَّارِ فِيهَا حَيَاتٌ مِنْ  
نَارٍ وَعَقَارِبُ مِنْ نَارٍ وَجَوَامِعُ مِنْ نَارٍ وَسَلْسِلٌ مِنْ نَارٍ وَأَعْلَالٌ مِنْ نَارٍ  
وَهُوَ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسِلًا وَأَعْلَالًا وَسَعِيرًا»<sup>۱۲</sup>  
وَالسَّابِغَةُ: جَهَنَّمُ وَفِيهَا الْفَلَقُ أَوْ هُوَ جُبٌّ فِي جَهَنَّمَ إِذَا فُتِحَ أَسْعَرَ  
النَّارَ سَعْرًا وَهُوَ أَشَدُّ النَّارِ عَذَابًا.

وَأَمَّا صَعُودًا فَجَبَلٌ مِنْ صُفْرٍ مِنْ نَارٍ وَسَطَ جَهَنَّمَ وَأَمَّا آثَامًا فَهُوَ وَادٍ  
مِنْ صُفْرٍ مُذَابٍ يَجْرِي حَوْلَ الْجَبَلِ فَهُوَ أَشَدُّ النَّارِ عَذَابًا»<sup>۱۳</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «از اجداد طاهریمنم] به من  
رسیده است - و خدا داناتر است - که خدای متعال، آن [جهنم] را  
هفت طبقه قرار داده است. بالاترینش «جحیم» است که [که  
عذابش اینگونه می باشد که] اهلش بر سنگ صافی [گداخته]  
می ایستند که مغز سرشان مثل دیگ که می جوشد، به جوش  
می آید.

[دَرَك] دوم، لَطَى [است که] «پوستِ سر و اندام را برکننده است.  
هر که را پشت کرده و روی برتافته، و گرد آورده و انباشته [و  
حسابش را نگاه داشته] فرا می خواند»  
و [دَرَك] سوم: سَقَر [است که] «نه باقی می گذارد و نه رها  
می کند. پوستها را سیاه می گرداند. [و] بر آن [دوزخ]، نوزده  
[نگهبان] است».

۱۲. سوره ی انسان، آیه ی ۴.

۱۳. تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه ی ۳۷۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ی ۲۸۹.

و [دَرک] چهارم: حُطْمه [است] که از آن شراره‌ها منتشر می‌شود «چون کاخی [بلند]، گویی شترانی زرد رنگند». هر کس که به سوی آن برود را مانند سرمه [که می‌کوبند] درهم می‌کوبد. پس [بر اثر این کوبیدن] روح نمی‌میرد [بلکه] هر بار که مانند سرمه [کوبیده شدند، به حال اول] بر می‌گردند.

و [دَرک] پنجم: هاویه، [است] که در آن گروهی هستند [که پیوسته] می‌گویند: ای مالک به فریادمان برس. هرگاه به فریادشان می‌رسد برایشان ظرفی از مس آتشین که در آن صدید است، [می‌آورد. صدید، آبی] [است] که از پوستشان جاری می‌گردد که گویا مُهل [یعنی فلز گداخته] است. وقتی آن را برای نوشیدن بالا می‌برند، گوشت صورتشان از شدت داغی‌اش در آن می‌افتد و این، [تفسیر] سخن خدای متعال [است که می‌فرماید:] «اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند. وه! چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است» و کسی که در آن افکنده شود، هفتاد سال در آن بماند [به این صورت که] هر چه پوستش بسوزد [و از بین برود] به پوست دیگری [که جدید است] تبدیل می‌شود.

و [دَرک] ششم: سَعیر [است که] در آن، سیصد سرپرده از آتش است. در هر سرپرده، سیصد قصر از آتش، در هر قصر، سیصد خانه از آتش، در هر خانه، سیصد رنگ از عذاب آتش، در آن مارهایی از آتش و عقرب‌هایی از آتش و غُل‌های جامعه از آتش و زنجیرهایی از آتش و کندهایی از آتش، و این [تفسیر سخن

خدای متعال است که] می‌فرماید: «ما برای کافران، زنجیرها و غلّ‌ها و آتشی فروزان آماده کرده‌ایم».

و [دَرک] هفتم: جهنم [است] که در آن فلق می‌باشد. و [فلق] چاهی است در جهنم که هر زمان گشوده شود، آتش [از آن] زبانه می‌کشد و آن [فلق، دارای] شدیدترین آتش از لحاظ عذاب [است].

و اما [اسامی دیگر عذاب مانند]: «صعود»، کوهی است در مس از آتش وسط جهنم، و اما «اثام» وادی‌ای از مس مذاب است که بر اطراف کوه [صعود] جاری است. و این، شدیدترین عذاب آتش است».

[۳۲۸] سند:

قَالَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادِيًا يُقَالُ لَهُ سَعِيرٌ إِذَا حَبَّتْ جَهَنَّمُ فَتُخِجَ سَعِيرُهَا وَ هُوَ قَوْلُهُ «كُلَّمَا حَبَّتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا»<sup>۱۴</sup> أَي كُلَّمَا انْطَفَأَتْ»<sup>۱۵</sup>

امام سجاد (علیه‌السلام) فرمودند: «در جهنم وادی‌ای است که به آن سعیر گفته می‌شود. هر وقت [آتش] جهنم به خاموشی گراید، سعیر گشوده می‌شود و این، [معنی] سخن خدای متعال است که: «هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزایم» یعنی هر وقت [آتش جهنم] بخواهد خاموش شود».

۱۴. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۹۷.

۱۵. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۱۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۹۱.



قال الصادق (عليه السلام) في حَبْرِ الْمِعْرَاجِ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «سَمِعْتُ صَوْتًا أَفْرَعَنِي فَقَالَ لِي جَبْرَيْلُ: أَسْمَعُ يَا مُحَمَّدٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: هَذِهِ صَخْرَةٌ قَذَفْتُهَا عَنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ مُنْذُ سَبْعِينَ عَامًا فَهَذَا حِينَ اسْتَقَرَّتْ. قَالُوا فَمَا ضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَتَّى قُبِضَ.

قَالَ: فَصَعِدَ جَبْرَيْلُ وَصَعِدْتُ حَتَّى دَخَلْتُ سَمَاءَ الدُّنْيَا فَمَا لِقِيَنِي مَلَكٌ إِلَّا وَهُوَ ضَاحِكٌ مُسْتَبْشِرٌ حَتَّى لِقِيَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَمْ أَرَأَعْظَمَ خَلْقًا مِنْهُ كَرِيهِ الْمَنْظَرِ ظَاهِرِ الْغَضَبِ. فَقَالَ لِي مِثْلَ مَا قَالُوا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا أَنَّهُ لَمْ يَضْحَكْ وَلَمْ أَرِ فِيهِ مِنَ الْإِسْتِبْشَارِ مَا رَأَيْتُ مِمَّنْ ضَحِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا يَا جَبْرَيْلُ؟ فَإِنِّي قَدْ فَرِعْتُ مِنْهُ. فَقَالَ: بِجُورِ أَنْ تَفْرَعَ مِنْهُ فَكَلْنَا نَفْرَعُ مِنْهُ إِنْ هَذَا مَالِكُ خَازِنِ النَّارِ لَمْ يَضْحَكْ قَطُّ وَلَمْ يَزَلْ مُنْذُ وُلَّاهُ اللَّهُ جَهَنَّمَ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ غَضَبًا وَغَيْظًا عَلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَهْلِ مَعْصِيَتِهِ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ بِهِ مِنْهُمْ وَلَوْ ضَحِكَ إِلَى أَحَدٍ كَانَ قَبْلَكَ أَوْ كَانَ ضَاحِكًا إِلَى أَحَدٍ بَعْدَكَ لَضَحِكَ إِلَيْكَ وَ لَكِنَّهُ لَا يَضْحَكُ. فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ عَلَيَّ وَ بَشَّرَنِي بِالْحَجَّةِ فَقُلْتُ لِحَبْرَيْلُ وَ جَبْرَيْلُ بِالْمَكَانِ الَّذِي وَصَفَهُ اللَّهُ مُطَاعٌ ثُمَّ أَمِينٌ: أَلَا تَأْمُرُهُ أَنْ يَرِيَنِي النَّارَ؟ فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: يَا مَالِكُ أَرِ مُحَمَّدًا النَّارَ فَكَشَفَ عَنْهَا غِطَاءَهَا وَ فَتَحَ بَابًا مِنْهَا فَخَرَجَ مِنْهَا لَهَبٌ سَاطِعٌ فِي السَّمَاءِ وَ فَارَتْ وَ

ارْتَفَعَتْ حَتَّى ظَنَنْتُ لَيْتَأْوِلُنِي مِمَّا رَأَيْتُ فَقُلْتُ: يَا جَبْرَيْلُ قُلْ لَهُ  
فَلْيُرِدَّ عَلَيْهَا غِطَاءَهَا. فَأَمَرَهَا فَقَالَ لَهَا: ارْجِعِي فَرَجَعَتْ إِلَى مَكَانِهَا  
الَّذِي خَرَجَتْ مِنْهُ»<sup>۱۶</sup>

امام صادق (علیه السلام) در خبر معراج از قول رسول خدا  
(صلی الله علیه و آله وسلم): فرمودند: «صدایی شنیدم که مرا به  
وحشت انداخت. پس جبرئیل به من گفت: آیا [این صدای  
وحشت آفرین را] شنیدی ای محمد؟ گفتم: آری [شنیدم]. گفت:  
این [صدا از] صخره‌ای است که هفتاد سال قبل از لبه‌ی جهنم [به  
داخل آن] پرتاب کرده‌ام. این زمان [از غلتیدن ایستاد و در کف  
جهنم] قرار گرفت. [اصحاب می‌گفتند: بعد از این واقعه] رسول  
خدا (صلی الله علیه و آله وسلم): تا [زمانی که] رحلت نمودند،  
نخندیدند.

[پس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) ] فرمودند: جبرئیل  
بالا رفت و من همراه او تا آسمان دنیا بالا رفتم. پس هیچ  
فرشته‌ای مرا ملاقات نکرد مگر اینکه خندان و شادان بود، تا اینکه  
یکی از فرشتگان به من رسید که مخلوقی تنومندتر از او ندیده‌ام.  
ظاهری زمخت و خشم آلود داشت. او نیز همچون دیگر  
فرشتگان، برایم دعا کرد؛ اما خنده بر لب نداشت و آن شادی‌ای  
که در چهره‌ی دیگر فرشتگان دیده بودم، در چهره‌ی او ندیدم.  
گفتم: این کیست ای جبرئیل؟ من از او ترسیدم.  
جبرئیل گفت: حق داری که از او بترسی. همه‌ی ما از او

۱۶. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۱۸، صفحه‌ی ۳۲۱.

می‌ترسیم. او مالک [نام دارد و] دوزخبان است. او هرگز نخندیده است و از زمانی که خداوند، وی را بر دوزخ گماشته، روز به روز خشم و کین او بر دشمنان خدا و گنهکاران، افزوده می‌شود. خداوند به واسطه‌ی او، از ایشان انتقام می‌گیرد. اگر بنا بود پیش از تو یا پس از تو، به روی کسی لبخند بزند، قطعاً بر روی تو نیز لبخند می‌زد؛ لکن او [هرگز] نمی‌خندد. پس بر او سلام کردم و او جوابم را داد و مرا به بهشت بشارت داد.

به جبرئیل گفتم: آیا او را امر نمی‌کنی که آتش [جهنم] را به من نشان بدهد؟ پس جبرئیل به او گفت: ای مالک، آتش را به محمد نشان بده. پس پرده از آن برداشت و دری از آن [جهنم] باز شد و شعله‌ای به آسمان فوران زد و چنان بالا رفت که گمان کردم مرا در بر خواهد گرفت، از [شدت] آنچه می‌دیدم. پس به جبرئیل گفتم: به او بگو که پرده‌اش را بر آن بیافکند. جبرئیل او را امر کرد و او [به آن آتش فوران‌زننده] گفت: برگرد. پس [آتش] به مکانی که از آن خارج شده بود، بازگشت.»

[۳۳۰] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «وَأَمَّا أَهْلُ الْمَعْصِيَةِ فَخَذَلَهُمْ فِي النَّارِ وَأَوْثَقَ مِنْهُمْ الْأَقْدَامَ وَغَلَّ مِنْهُمْ الْأَيْدِيَ إِلَى الْأَعْنَاقِ وَالْبَسَ أَجْسَادَهُمْ سَرَابِيلَ الْقَطِرَانِ وَ قَطَّعَتْ لَهُمْ مِنْهَا مُقَطَّعَاتٌ مِنَ النَّارِ وَهُمْ فِي عَذَابٍ قَدِ اشْتَدَّ حَرُّهُ وَنَارٌ قَدْ أُطْبِقَ عَلَى أَهْلِهَا فَلَا يَفْتَحُ عَنْهُمْ أَبَدًا وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ رِيحًا أَبَدًا وَلَا يَنْقِضِي مِنْهُمْ عُمْرٌ»

[غَمًّا] أَبَدًا الْعَذَابُ أَبَدًا شَدِيدًا وَالْعِقَابُ أَبَدًا جَدِيدًا لَا الدَّارُ زَائِلَةٌ  
فَتَفْنَى وَلَا آجَالُ الْقَوْمِ تُقْضَى ثُمَّ حَكَى نِدَاءَ أَهْلِ النَّارِ فَقَالَ: «وَأَنَا  
نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ»<sup>۱۷</sup> أَى نَمُوتُ. فَيَقُولُ مَالِكُ: «إِنَّكُمْ  
[إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ]»<sup>۱۸، ۱۹</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «اما اهل معصیت [و نافرمانان، آخرتشان این گونه است که خداوند،] ایشان را در آتش، خوار [و ذلیل] می نماید. پاهایشان را محکم می بندد و دستانشان را با دستبند به گردنشان قفل می کند. بدنهایشان را پیراهنی از قطران [که ماده ای سیاه و بدبو و سوزنده است] می پوشاند و پاره هایی از آتش برایشان بریده شده است و ایشان در عذابی هستند که گرمایش شدید است. [و درهای امید و نجات] بر اهلش بسته شده است و هرگز باز نخواهد شد و هیچگاه بادی [خنک که عذابشان را بکاهد] بر آنان داخل نخواهد گردید [و نخواهد وزید].

هیچگاه عمرشان [که سراسر غم و رنج است] به پایان نخواهد رسید. عذاب [شان] همیشه شدید و عقاب [شان] همیشه جدید است. نه آن خانه از بین می رود که [اینها هم] فانی شوند و نه اجلشان فرا می رسد [تا با مردن،] راحت شوند. سپس [در قرآن کریم] ندای اهل آتش را بازگو کرده که: «ای مالک [ای کسی که

۱۷. سوره ی زخرف، آیه ی ۷۷.

۱۸. همان.

۱۹. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ی ۲۸۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ی ۲۹۲.

دوزخ در تصرف توست] از پروردگارت بخواه تا بر ما حکم کند»  
یعنی بمیریم [و راحت شویم. اما] مالک [دوزخ] می‌گوید: «البتّه  
شما [در عذاب و شکنجه] ماندنی هستید».

[۳۳۱] سند:

قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ  
بِجَهَنَّمَ»<sup>۲۰</sup> سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ).  
فَقَالَ: «بِذَلِكَ أُخْبِرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقَ  
[بَرَزَ لِلْخَلَائِقِ] وَجَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَتَى بِجَهَنَّمَ يَقَادُ بِأَلْفِ زِمَامٍ  
يَقُودُهَا مِائَةُ أَلْفِ مَلِكٍ مِنَ الْغِلَاطِ الشَّدَادِ لَهَا هَدَّةٌ وَغَضَبٌ وَزَفِيرٌ  
وَشَهيقٌ وَإِنَّهَا لَتَزْفُرُ الزَّفْرَةَ فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ أَخْرَهُمُ لِلْحِسَابِ لَأَهْلَكَتِ  
الْجَمِيعَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُنُقٌ فِيحِيطُ بِالْخَلَائِقِ الْبَرِّمِثْمُ وَالْفَاجِرِ فَمَا  
خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَلَكًا وَلَا نَبِيًّا إِلَّا يَنَادِي: رَبِّ نَفْسِي  
نَفْسِي! وَأَنْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ تُنَادِي: أُمَّتِي أُمَّتِي!»<sup>۲۱</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «وقتی این آیه نازل شد: «و آن  
روز [قیامت]، جهنم را بیاورند» از رسول خدا  
(صلی الله علیه وآله وسلم): درباره‌ی آن سؤال شد. فرمودند: «روح  
الامین به من خبر داد که خداوند یگانه و یکتا، هرگاه خلائق را به  
موقف [قیامت] آورد و همه‌ی مردمان را از اولین تا آخرین نفر،

۲۰. سوره‌ی فجر، آیه‌ی ۲۳.

۲۱. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۱۲؛ امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۴۱؛ تفسیر قمی،  
جلد ۲، صفحه‌ی ۴۲۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۲۵.

جمع کند، جهنم را در حالی می‌آورند که هزار افسار بر اوست و هر افساری را صد هزار فرشته‌ی دژخیم و درشت‌خوی می‌کشند و او نیز لگد می‌کوبد و هر چیزی را در هم می‌شکنند و می‌غرد و می‌خروشد و آه و ناله سر می‌دهد، و اگر نبود که خداوند عزّ و جلّ آن را تا پس از حسابرسی مهلت داده است، همگان را نابود می‌کرد. سپس گردنی از آن بیرون می‌زند که خلائق را از نیک و بد، در میان می‌گیرد. خداوند، هیچ بنده‌ای از بندگانش را نیافریده است از فرشته و پیامبر، مگر آن که [در این هنگام] فریاد خواهد زد: «پروردگارا به دادم برس، به دادم برس» ولی تو [ای رسول خدا] می‌گویی: «پروردگارا، اتمم [را دریاب]، اتمم [را دریاب]».

[۳۳۲] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ»<sup>۲۲</sup>: «يَسْرُونَ النَّدَامَةَ فِي النَّارِ إِذَا رَأَوْا وِلَى اللَّهِ»  
فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يَغْنِيهِمْ إِسْرَارُ النَّدَامَةِ وَهُمْ فِي الْعَذَابِ؟ قَالَ:  
«يَكْرَهُونَ شِمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ»<sup>۲۳</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال «و چون عذاب را ببینند، پشیمانی خود را پنهان دارند» فرمودند: «هرگاه دوست خدا را ببینند، پشیمانی [خود] در آتش را پنهان می‌دارند».

۲۲. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۵۴.

۲۳. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۰۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۹۴.

[از طرف اصحاب،] گفته شد: ای رسول خدا، پنهان کردن پشیمانی در حالی که در عذاب هستند، چه بهره‌ای برایشان دارد؟! فرمودند: [چون] خوش ندارند مورد شماتت [و سرزنش] دشمنانشان قرار گیرند».

[۳۳۳] سند:

قال الصادق (عليه السلام): «إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادِيًّا لِّلْمُتَكَبِّرِينَ يُقَالُ لَهُ سَقْرُ شَكَا إِلَى اللَّهِ شِدَّةَ حَرِّهِ وَسَأَلَهُ أَنْ يَتَنَفَّسَ فَأُذِنَ لَهُ فَتَنَفَّسَ فَأَحْرَقَ جَهَنَّمَ»<sup>۲۴</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «در جهنم، دره‌ای است مخصوص متکبران که به آن، «سقر» می‌گویند. آن [دره‌ی سقر] از گرمای زیاد خود به خداوند متعال شکایت کرد و از او درخواست نمود تا اجازه‌اش دهد نفسی بکشد، [با خواسته‌اش موافقت شد] و [سقر] نفسی کشید و [با شراره‌های نفس خود،] جهنم را سوزاند».

[۳۳۴] سند:

قال الصادق (عليه السلام): «إِنَّ أَهْوَنَ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَرَجُلٌ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نَارٍ عَلَيْهِ نَعْلَانِ مِنْ نَارٍ وَشِرَاكَيْنِ مِنْ نَارٍ»

---

۲۴. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۱۰؛ ثواب الاعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۶۵؛ زهد، حسین بن سعید، صفحه‌ی ۱۰۳؛ محاسن، محدث برقی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۱۴؛ تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۵۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۹۴.

يَعْلِي مِنْهَا دِمَاغُهُ كَمَا يَعْلِي الْمَرْجَلُ مَا يَرَى أَنَّ فِي النَّارِ أَحَدًا أَشَدَّ  
عَذَابًا مِنْهُ وَمَا فِي النَّارِ أَحَدٌ أَهْوَنُ عَذَابًا مِنْهُ»<sup>۲۵</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کمترین مردم از لحاظ عذاب در روز قیامت، مردی است در معرض آتش که بر او دو کفش از آتش [می پوشانند] و بندش [هم] از آتش است که [به این جهت]، مغزش به جوش می آید همانطور که دیگ به جوش می آید. احتمال نمی دهد که کسی در آتش [جهنم] عذابش از او شدیدتر باشد در حالی که هیچ کس در آتش، کم عذابتر از او نیست!».

[۳۳۵] سند:

قال الباقر (عليه السلام): «إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَجَبَلًا يُقَالُ لَهُ الصَّعْدَى وَ  
إِنَّ فِي الصَّعْدَى لَوَادِيًا يُقَالُ لَهُ سَقْرٌ وَإِنَّ فِي سَقْرٍ لَجَبًّا يُقَالُ لَهُ  
هَبْهَبٌ كُلَّمَا كَشَفَ غِطَاءَ ذَلِكَ الْجَبِّ صَبَحَ أَهْلُ النَّارِ مِنْ حَرِّهِ وَ  
ذَلِكَ مَنَازِلُ الْجَبَّارِينَ»<sup>۲۶</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «در جهنم کوهی است که به آن  
«صعدی» می گویند و در صعدي، پرتگاهی است که به آن  
«سقر» می گویند و در سقر چاهی است که به آن «هَبْهَب»  
می گویند و هر بار که در آن چاه برداشته شود، دوزخیان از حرارت

۲۵. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه ۲۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۲۹۵.

۲۶. ثواب الاعمال، شیخ صدوق، صفحه ۳۲۴؛ محاسن، محدث برقی، جلد ۱، صفحه ۲۱۴؛

روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۴۱۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۲۹۷.



آن، فریاد برمی آورند. این جاه، جایگاه متکبران است».

[۳۳۶] سند:

قال الامام العسكري (عليه السلام) في قوله تعالى «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ»<sup>۲۷</sup>: «وَأَمَّا اسْتَهْزَاؤُهُ بِهِمْ فِي الْآخِرَةِ فَهُوَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَقَرَّ الْمُنَافِقِينَ الْمُعَانِدِينَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) فِي دَارِ اللَّعْنَةِ وَالْهَوَانِ وَ عَذَّبَهُمْ بِتِلْكَ الْأَلْوَانِ الْعَجِيبَةِ مِنَ الْعَذَابِ وَأَقَرَّ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ كَانَتِ الْمُنَافِقُونَ يَسْتَهْزِئُونَ بِهِمْ فِي الدُّنْيَا فِي الْجَنَانِ بِمُحَصَّرَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) صَفَى الْمَلِكِ الدِّيَانِ؛ أَطْلَعَهُمْ عَلَى هَوْلَاءِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَتَّى يَرَوْا مَا هُمْ فِيهِ مِنْ عَجَائِبِ اللَّعَائِنِ وَبَدَائِعِ التَّقَاتِ فَيَكُونُ لَدَيْهِمْ وَسُرُورُهُمْ بِسَمَاتِهِمْ بِهِمْ كَمَا [كَانَ] لَدَيْهِمْ وَسُرُورُهُمْ بِنَعِيمِهِمْ فِي جَنَانِ رَبِّهِمْ. فَالْمُؤْمِنُونَ يَعْرِفُونَ أَوْلِيكَ الْكَافِرِينَ بِأَسْمَائِهِمْ وَصِفَاتِهِمْ وَهُمْ عَلَى أَصْنَافٍ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ بَيْنَ أَنْيَابِ أَفَاعِيهَا تَمَضُّغُهُ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ بَيْنَ مَخَالِبِ سِبَاعِهَا تَعَبُّثُ بِهِ وَتَفْتَرِسُهُ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ تَحْتَ سَيَاطِرِ زَبَانِيَّتِهَا وَأَعْمِدَتِهَا وَ مِرْزَابَاتِهَا يَقَعُ مِنْ أَيْدِيهِمْ عَلَيْهِ تَشَدُّدٌ فِي عَذَابِهِ وَتَعْظُمُ خِزْيُهُ وَ نِكَالُهُ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ فِي بَحَارِ حَمِيمِهَا يَغْرُقُ وَيَسْحَبُ فِيهَا وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ فِي غَسَلِينِهَا وَغَسَاقِهَا تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ فِي سَائِرِ أَصْنَافِ عَذَابِهَا وَ الْكَافِرُونَ وَ الْمُنَافِقُونَ يَنْظُرُونَ فَيَرَوْنَ هَوْلَاءِ

۲۷. سورهی بقره، آیهی ۱۵.

الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ كَانُوا بِهِمْ فِي الدُّنْيَا يَسْخَرُونَ لِمَا كَانُوا مِنْ مُوَالَاةِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَالِإِهْمَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) يَعْتَقِدُونَ فَيُرَوِّهَهُمْ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَلَىٰ فُرْشَهَا يَتَقَلَّبُ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَلَىٰ فَوَاكِهَهَا يَرْتَعُ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَلَىٰ غُرْفَاتِهَا أَوْ فِي بَسَاتِينِهَا وَتَنْزُّهَاتِهَا يَتَبَحَّحُ وَالْحُورُ الْعِينُ وَالْوَصَفَاءُ وَالْوَالِدَانُ وَالْحُجَارِيُّ وَالْعُلَمَاءُ قَائِمُونَ بِحَضْرَتِهِمْ وَطَائِفُونَ بِالْخِدْمَةِ حَوْلِيهِمْ وَمَلَائِكَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَأْتُونَهُمْ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ بِالْحَبَاءِ وَالْكَرَامَاتِ وَعَجَائِبِ التُّحَفِ وَالْهَدَايَا وَالْمَبْرَاتِ يَقُولُونَ: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>٢٨</sup> فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنُونَ الْمَشْرِفُونَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ الْكَافِرِينَ الْمُنَافِقِينَ: يَا أَبَا فَلَانٍ وَيَا فَلَانُ. حَتَّىٰ ينادُوهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ. مَا بِالْكُمْ فِي مَوَاقِفِ خِزْيِكُمْ مَا كُنْتُمْ؟! هَلُمُّوا إِلَيْنَا نَفْتَحْ لَكُمْ أَبْوَابَ الْجَنَانِ لِتَتَخَلَّصُوا مِنْ عَذَابِكُمْ وَتَلْحَقُوا بِنَا فِي نَعِيمِهَا. فَيَقُولُونَ: يَا وَيْلَنَا أَلَيْسَ لَنَا هَذَا؟! يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ: انظُرُوا إِلَىٰ هَذِهِ الْأَبْوَابِ. فَيَنْظُرُونَ إِلَىٰ أَبْوَابِ الْجَنَانِ مُفْتَحَةً يَخِيلُ إِلَيْهِمْ أَنَّهَا إِلَىٰ جَهَنَّمَ الَّتِي فِيهَا يَعَذَّبُونَ وَيَقْدِرُونَ أَنَّهُمْ مُمَكِّنُونَ أَنْ يَتَخَلَّصُوا إِلَيْهَا فَيَأْخُذُونَ فِي السَّبَاحَةِ فِي بَحَارِ حَمِيمِهَا وَعَدَا بَيْنَ أَيْدِي رَبَائِئِيهَا وَهُمْ يَلْحَقُوهُمْ وَيَضْرِبُونَهُمْ بِأَعْمَدَتِهِمْ وَ مِرْزَابَتِهِمْ وَ سِيَابِطِهِمْ فَلَا يَزَالُونَ هَكَذَا يَسِيرُونَ هُنَاكَ وَ هَذِهِ الْأَصْنَافُ مِنَ الْعَذَابِ تَسْمُهُمْ حَتَّىٰ إِذَا قَدَرُوا أَنَّهُمْ قَدْ بَلَغُوا تِلْكَ الْأَبْوَابَ وَجَدُوهَا مَرْدُومَةً عَنْهُمْ وَنَدَّهَهُمُ الرِّبَايَةُ بِأَعْمَدَتِهَا

فَتَنَكْسُهُمْ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۚ وَيَسْتَلْقَىٰ أَوْلِيَّكَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَىٰ فُرُشِهِمْ  
فِي مَجَالِسِهِمْ يَضْحَكُونَ مِنْهُمْ ۚ مُسْتَهْزِئِينَ بِهِمْ ۚ فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ  
وَجَلَّ: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ»<sup>۲۹</sup> وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ  
الْكَفَّارِ يَضْحَكُونَ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ»<sup>۳۰، ۳۱</sup>

امام عسکری (علیه السلام) درباره‌ی این سخن خدای متعال:  
«خدا/است که [ریشخندشان می‌کند» فرمودند: «مسخره کردن  
ایشان در آخرت بدین صورت است که خدای عز و جل وقتی  
منافقان دشمن علی (علیه السلام) را در خانه‌ی لعنت و خواری  
مستقر نماید و به رنگ‌های عجیب از عذاب، تعذیب کند و  
مؤمنان و کسانی که منافقان در دنیا آنان را مسخره می‌کردند، در  
بهشت و در حضور [حضرت] محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)،  
برگزیده‌ی پادشاه دیان (= داور، قاضی) حاضر شوند. خدای  
متعال، آن مسخره شدگان را [بر حال آن مسخره‌کنندگان] آگاه  
می‌سازد تا آنچه در آن هستند از لعنت‌های عجیب و نعمت‌های  
نو را ببینند و لذت و شادمانی‌شان را در شماتت آن‌ها قرار  
می‌دهد همچنان که لذت و شادمانی‌شان را در نعمت‌های بهشت  
قرار داده است!

پس مؤمنان، آن کافران را با اسم و صفاتشان می‌شناسند و آن‌ها

۲۹. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵.

۳۰. سوره‌ی مطففین، آیات ۳۴ و ۳۵.

۳۱. تفسیر امام عسکری (علیه السلام)، صفحه‌ی ۱۲۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶، صفحه‌ی

۵۳ و جلد ۸، صفحه‌ی ۲۹۸.

بر چند گروهند. بعضی از آن‌ها بین دندان‌های افعی‌ها جویده می‌شوند.

و بعضی از آن‌ها بین چنگال درندگان آن [گرفتارند و] با او بازی می‌شود و او را از هم می‌درند.

و بعضی از آن‌ها زیر شلاق‌های بازدارنده و عمودها و پتک‌ها [قرار دارد که] از دست‌هایشان بر آن‌ها واقع می‌گردد که عذابش را تشدید می‌کند و خواری و پس‌زدنش را بزرگ می‌گرداند.

و بعضی از ایشان در دریا‌های حمیم [یعنی آن آبِ جوشان] غرق است و در آن شنا می‌کند.

و بعضی از ایشان در غسلین [که چرک‌آبه‌ی بدن کافران است] و غشاق [که چرکی سوزان و تیره‌رنگ است] شلاق‌های پس‌زننده [به شدت] آزارش می‌دهد.

و بعضی از ایشان در انواع دیگر عذاب هستند. و کافران و منافقان می‌نگرند و آن مؤمنان را که در دنیا مسخره‌شان می‌کرده‌اند که معتقد به پیروی از محمد و علی و آل‌شان: بودند، می‌بینند.

بعضی از ایشان را می‌بینند که بر بسترهایشان غلت می‌زنند و بعضی از ایشان [را می‌بینند] که در میان میوه‌های آن می‌گردند.

و بعضی از ایشان [را می‌بینند] که در غرفه‌ها یا باغ‌هایشان هستند و متمکن در خوشگذرانی. حورالعین و خدمتکاران و پسران [جاودانه] و غلامان در حضورشان ایستاده‌اند و در اطرافشان برای خدمت کردن، می‌گردند و ملائکه از نزد پروردگارشان بخشش‌ها و کرامت‌ها و تحفه‌های عجیب و

ہدیہ‌ها و مہربانی‌ها برایشان می‌آورند و می‌گویند: «سلام بر شما بہ خاطر صبر و استقامتتان! چہ نیکوست سرانجام آن سرائی جاویدان!».

این مؤمنان کہ مُشرف بر آن کافران و منافقان هستند می‌گویند: ای ابوفلان و [ای] فلان - تا اینکہ بہ نامشان آن‌ها را صدا می‌زنند - [کہ] شما را چہ شدہ کہ چنین بہ خواری افتادہ‌اید و [آنجا] ماندگار شدہ‌اید؟! بہ سوی ما بیایید [کہ] درہای بہشت را برایتان بگشاییم تا از عذابتان خلاص شوید و بہ ما در نعمت‌ها [ی] بہشت [بپیوندید]!

[جهنمی‌ها] می‌گویند: ای وای بر ما، ما کجا و این [نعمت]‌ها کجا؟! مؤمنین می‌گویند: بہ این درہا بنگرید. پس نظر می‌کنند بہ درہای بہشت کہ باز است [ولی] خیال می‌کنند کہ آن‌ها بہ جہنمی کہ در آن عذاب شدہ، [منتہی می‌شود، ولی] این توانایی را در خود می‌یابند کہ از [جهنم] رهایی یابند. [بہ ہمین طمع خام] در دریاهای آب جوشان شنا می‌کنند در حالی کہ می‌کوشند از ضربات شلاق‌ها و عمودها و پتک‌ها در امان باشند ولی بہ آن‌ها می‌رسد. ہموارہ اینگونہ آنجا سیر می‌کنند و این انواع عذاب [کہ] گفتہ شد [آن‌ها را لمس می‌کند].

تا اینکہ وقتی می‌خواهند بہ درہا برسند، درہا بہ رویشان بستہ می‌شود و با شلاق‌ها و عمودهای آتشین، آن‌ها را بہ قعر جہنم می‌افکنند. در این حال، این مؤمنان بر بسترہایشان می‌خندند و [آن بدبختان حقیقی را] مسخرہ می‌کنند و این [معنی] سخن

خدای عز و جل است که «خدا آنان را مسخره می‌کند» و [همچنین تفسیر] این سخن خدای عز و جل است که «و[الی] امروز، مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند. بر تخت‌ها [ی خود نشسته]، نظاره می‌کنند».

[۳۳۷] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَمَّا عَلَى الرَّقُومِ وَ الصَّرِيْعُ فِي بُطُونِهِمْ كَعَلَى الْحَمِيمِ سَأَلُوا الشَّرَابَ فَأَتُوا بِشَرَابٍ غَسَّاقٍ وَ صَدِيدٍ يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يَسِيْعُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيْظٌ»<sup>۳۲</sup> وَ حَمِيمٌ يَعْلَى بِهِ جَهَنَّمَ مُنْذُ خُلِقَتْ<sup>۳۳</sup> «كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوْهَ بِسِّ الشَّرَابِ وَ سَاءَتْ مُرْتَقَقًا»<sup>۳۴</sup>.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «اهل آتش [جهنم] وقتی زقوم و خار خشک، در شکم‌هایشان مانند آب جوش، به غل غل آمد، آب در خواست می‌کنند. پس نوشیدنی‌ای از زردآب و چرکاب برایشان آورده می‌شود که «هر یک از آنان، [آن را جرعه جرعه می‌نوشد؛ ولی نمی‌تواند آن را فرو ببرد. مرگ از هر طرف به سویش می‌آید؛ ولی نمی‌میرد و عذابی سخت به دنبال دارد» و نیز آبی جوشان که از زمانی که جهنم آفریده شده است،

۳۲. سوره‌ی مطففین، آیات ۳۴ و ۳۵.

۳۳. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۹.

۳۴. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۲۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۲.

«همچنان در آنجا همانند مسی گذاخته می‌جوشد و صورت‌ها را بریان می‌کند. چه بد نوشیدنی‌ای است آن، و چه بد رامشگاهی است جهنم».

[۳۳۸] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوَأَنَّ قَطْرَةَ مِنَ الرَّقُومِ قَطَرَتْ عَلَى جِبَالِ الْأَرْضِ لَسَاخَتْ إِلَى أَسْفَلِ سَبْعِ أَرْضِينَ وَ لَمَّا أَطَاقَتْهُ فَكَيْفَ بِمَنْ هُوَ شَرَابُهُ؟! وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَأَنَّ مِقْمَاعًا [مِقْمَعَةً] وَاحِدًا مِمَّا ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وُضِعَ عَلَى جِبَالِ الْأَرْضِ لَسَاخَتْ إِلَى أَسْفَلِ سَبْعِ أَرْضِينَ وَ لَمَّا أَطَاقَتْهُ فَكَيْفَ بِمَنْ يَقَعُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ»<sup>۳۵</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «قسم به آن کسی که جان محمد در دست [قدرت و اراده‌ی] اوست اگر قطره‌ای از زقوم [جهنم] بر کوه‌های زمین ریخته شود، آن‌ها را به قعر زمین هفتم فرو می‌برد و طاقتش را ندارد؛ پس چگونه است [حال و روز] کسی که نوشیدنی [همیشگی] اش باشد!؟»

قسم به کسی که جانم در دست [قدرت و اراده‌ی] اوست اگر یک گرز از گرزهایی که خداوند در کتابش از آن‌ها یاد کرده، بر کوه‌های زمین نهاده شود، کوه‌ها به قعر زمین هفتم فرو می‌روند و آن را تحمل نتوانند کرد، پس چگونه است [حال و روز] کسی که

۳۵. الدرود الواقية، سيد بن طاووس، صفحه‌ی ۲۷۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۲.

در روز قیامت، با آن گرزها در آتش بر او بکوبند؟!».

[۳۳۹] سند:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ \* لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ»<sup>۳۶</sup> بَكَى النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بُكَاءً شَدِيداً وَ بَكَتْ صَحَابَتُهُ لِبُكَائِهِ وَ لَمْ يَدْرُوا مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ مِنْ صَحَابَتِهِ أَنْ يَكَلِّمَهُ وَ كَانَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا رَأَى فَاطِمَةَ [سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا] فَرِحَ بِهَا. فَانْطَلَقَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ إِلَى بَابِ بَيْتِهَا وَ أَخْبَرَهَا بِمَجْرِي النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ بُكَائِهِ. فَهَضَّتْ وَ التَّقَّتْ بِشِمْلَةٍ لَهَا. فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَتْ: يَا أَبَتِ فَدَيْتُكَ مَا الَّذِي أَبْكَاكُ؟! فَذَكَرَ لَهَا مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ مِنَ الْآيَتَيْنِ الْمُتَقَدِّمَتَيْنِ. فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ [سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا] عَلَى وَجْهِهَا وَ هِيَ تَقُولُ: الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ. فَسَمِعَ سَلْمَانُ فَقَالَ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ كَبِشًا لِأَهْلِي فَأَكُلُوا لَحْمِي وَ مَرَّقُوا جِلْدِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ! وَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ: يَا لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ عَاقِراً وَ لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ!

۳۶. سورهی حجر، آیات ۴۳ و ۴۴.



وَقَالَ عَمَّازٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِرًا فِي الْقِفَارِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيَّ حِسَابٌ  
وَلَا عِقَابٌ وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ!

وَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): يَا لَيْتَ السِّبَاعُ مَرَّقَتْ لَحْمِي وَلَيْتَ أُمِّي  
لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ! ثُمَّ وَضَعَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَدَهُ  
عَلَى رَأْسِهِ وَجَعَلَ يَبْكِي وَيَقُولُ: وَابْعَدَ سَفْرَاهُ<sup>١</sup> وَاقْلَّةَ زَادَاهُ<sup>٢</sup> فِي سَفَرِ  
الْقِيَامَةِ يَذْهَبُونَ<sup>٣</sup> وَفِي النَّارِ يَتَرَدَّدُونَ<sup>٤</sup> وَبِكَلَالِيبِ النَّارِ يَتَخَطَّفُونَ<sup>٥</sup>  
مَرَضَى لَا يَعَادُ سَقِيمُهُمْ<sup>٦</sup> وَجَرَحَى لَا يَدَاوَى جَرِيحُهُمْ<sup>٧</sup> وَأَسْرَى لَا  
يَفْكَ أَسِيرُهُمْ<sup>٨</sup> مِنَ النَّارِ يَأْكُلُونَ<sup>٩</sup> وَمِنْهَا يَشْرَبُونَ<sup>١٠</sup> وَبَيْنَ أَطْبَاقِهَا  
يَتَقَلَّبُونَ<sup>١١</sup> وَبَعْدَ لُبْسِ الْقُطْنِ وَالْكَتَّانِ مُقَطَّعَاتِ النَّارِ يَلْبَسُونَ<sup>١٢</sup> وَ  
بَعْدَ مَعَانِقَةِ الْأَزْوَاجِ مَعَ الشَّيَاطِينِ مُقَرَّنُونَ<sup>١٣</sup>».

وقتی این دو آیه بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): نازل شد  
«و قطعاً وعده گاه همه ی آنان دوزخ است. [دوزخی] که برای آن،  
هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد  
می شوند]»، حضرت گریه ی شدیدی کردند و اصحاب [نیز] از  
گریه ی آن حضرت گریستند بدون اینکه بدانند جبرئیل چه آیه ای  
نازل کرده است؛ و هیچ کس را یارای سخن گفتن با آن حضرت  
نبود. [ولی اصحاب می دانستند که] رسول خدا  
(صلی الله علیه وآله وسلم): با دیدن [حضرت] فاطمه (سلام الله علیها)  
شاد می شوند. [به همین امید،] بعضی از اصحاب به در خانه ی آن

۳۷. الدرود الواقیة، سید بن طاووس، صفحه ی ۲۷۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ی ۳۰۳.

حضرت آمدند و خبر گریه‌ی [شدید] رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): را به ایشان دادند.

[حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)] برخاسته و چادر به سر کردند [و به جانب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): رهسپار شدند]. چون [حضرت] فاطمه (سلام‌الله‌علیها) بر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): وارد شدند، فرمودند: ای پدر، جانم فدایتان باد، چه چیزی شما را به گریه انداخته است؟!]

حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آن دو آیه‌ای که جبرئیل نازل کرده بود را [برای حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و سایر اصحاب که حضور داشتند] تلاوت کردند.

[با شنیدن این آیات، حضرت] فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به صورت بر زمین افتاد، در حالی که [نالہ می‌زد و] می‌فرمود: وای و [یاز هم] وای بر کسی که داخل آتش گردد.

سلمان که [دو آیه را] شنید، گفت: ای کاش قوچی در میان خانواده‌ام می‌بودم که گوشتم را می‌خوردند و پوستم را پاره می‌کردند و [لی] وصف آتش [جهنم] را نمی‌شنیدم!

ابوذر گفت: ای کاش مادرم نازا بود و مرا نمی‌زایید تا وصف آتش [جهنم] را نمی‌شنیدم!

عمار گفت: کاش پرنده‌ای در بیابان‌ها بودم و حساب و عقابی بر من نمی‌بود و وصف آتش را نمی‌شنیدم!

[آقای ما امیرالمؤمنین] علی (علیه‌السلام) فرمودند: کاش درندگان [بیابان] گوشتم را می‌دریدند و کاش مادرم مرا نمی‌زایید

و وصف آتش [جهنم] را نمی شنیدم! سپس [مولایمان علی (علیه السلام)] دست بر سر گذاشتند و در حالی که گریه می کردند، می فرمودند: وای از دوری [راه این] سفر، وای از کمی توشه، به سفر قیامت می روند و در آتش وارد می شوند و به چنگک های آتشین ربوده می گردند. [اهل جهنم] مریضانی هستند که عیادت نمی شوند و زخمی هایی هستند که زخم هایشان مداوا [و پانسمان] نمی شود و اسیرانی هستند که [هیچگاه] آزاد نمی گردند. از آتش می خورند و از آن می نوشند و بین طبقه هایش غلتانده می شوند و بعد از پوشیدن [لباس های] پنبه و کتان [در دنیا]، از پاره های آتش می پوشند. و بعد از هم آغوش بودن با همسران [سیمین بر در دنیا]، با شیطان ها [و دیوها] هم بند می شوند».

[۳۴۰] سند:

قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (عليه السلام): «مَا ظَنَنْكَ بِنَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَصْرَعُ إِلَيْهَا وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْخَفِيفِ [التَّخْفِيفِ] عَمَّنْ حَشَعَهَا وَ اسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرَمٍ مَا لَدَيْهَا مِنَ الْيَمْرِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ. يَعْرِفُونَ أَنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي ثَوَابٍ عَظِيمٍ وَ نَعِيمٍ مُقِيمٍ فَيَأْمُلُونَ أَنْ يَطْعَمُوهُمْ أَوْ يَسْقُوهُمْ لِيَخَفَ عَنْهُمْ بَعْضُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَلَّالُهُ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ» (و نادى أصحاب النار أصحاب الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو مما رزقكم

اللَّهُ»<sup>۳۸</sup> فَيَحْبَسُ عَنْهُمْ الْجَوَابُ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ يَجِيبُوهُمْ بِلِسَانِ  
 الْإِحْتِقَارِ وَالتَّهْوِينِ «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۳۹</sup> فَيُرَوْنَ الْخَزَنَةَ  
 عِنْدَهُمْ وَهُمْ يَشَاهِدُونَ مَا نَزَلَ بِهِمْ مِنَ الْمَصَابِ فَيَأْمَلُونَ أَنْ  
 يَجِدُوا عِنْدَهُمْ فَرَحًا يَسْبَبُ مِنَ الْأَسْبَابِ كَمَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ  
 «وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ  
 الْعَذَابِ»<sup>۴۰</sup> فَيَحْبَسُ عَنْهُمْ الْجَوَابُ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ يَجِيبُوهُمْ بَعْدَ  
 حَيَاةِ الْأَمَالِ «فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ»<sup>۴۱</sup>  
 فَإِذَا يَبْسُوْنَ مِنْ خَزَنَةِ جَهَنَّمَ رَجَعُوا إِلَى مَالِكٍ مُقَدِّمِ الْخَزَانِ وَأَمَلُوا أَنْ  
 يَخْلَصَهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْهَوَانِ كَمَا قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ «وَنَادُوا يَا مَالِكُ  
 لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ»<sup>۴۲</sup> فَيَحْبَسُ عَنْهُمْ الْجَوَابُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَهُمْ فِي  
 الْعَذَابِ ثُمَّ يَجِيبُهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمَكْنُونِ «إِنَّكُمْ  
 مَّاكُونُونَ»<sup>۴۳</sup>

فَإِذَا يَبْسُوْنَ مِنْ مَوْلَاهُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي كَانَ أَهْوَنُ شَيْءٍ  
 عِنْدَهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ وَكَانَ قَدْ أَثَرَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَلَيْهِ هَوَاهُ مُدَّةَ  
 الْحَيَاةِ وَكَانَ قَدْ قُدِّرَ عِنْدَهُمْ بِالْعَقْلِ وَالتَّقْلِ أَنَّهُ أَوْضَحَ لَهُمْ عَلَى  
 يَدِ الْهُدَاةِ سُبُلَ النَّجَاةِ وَعَرَّفَهُمْ بِلِسَانِ الْحَالِ أَنَّهُمُ الْمُلقُونَ بِأَنْفُسِهِمْ

۳۸. سورهی اعراف، آیهی ۵۰.

۳۹. همان.

۴۰. سورهی غافر، آیهی ۴۹.

۴۱. سورهی غافر، آیهی ۵۰.

۴۲. سورهی زخرف، آیهی ۷۷.

۴۳. همان.

إِلَى دَارِ النَّكَالِ وَالْأَهْوَالِ وَأَنَّ بَابَ الْقَبُولِ يَغْلِقُ عَنِ الْكِفَارِ بِالْمَمَاتِ  
 أَبَدَ الْأَيِّدِينَ وَكَانَ يَقُولُ لَهُمْ فِي أَوْقَاتِ كَانُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنْ  
 الْمُكَلَّفِينَ بِلِسَانِ الْحَالِ الْوَاضِحِ الْمُبِينِ هَبْ أَنْكُمْ مَا صَدَقْتُمُونِي فِي  
 هَذَا الْمَقَالِ أَمْ مَا تُجْزُونَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الصَّادِقِينَ؟! فَكَيْفَ  
 أَعْرَضْتُمْ عَنِّي وَ شَهِدْتُمْ بِتَكْذِيبِي وَ تَكْذِيبَ مَنْ صَدَّقَنِي مِنْ  
 الْمُرْسَلِينَ؟! وَ هَلَّا تَحَرَّزْتُمْ مِنْ هَذِهِ الضَّرْرِ الْمُحَدَّرِ الْهَائِلِ؟! أَمْ مَا  
 سَمِعْتُمْ بِكَثْرَةِ الْمُرْسَلِينَ وَ تَكَرُّرِ الرَّسَائِلِ؟! ثُمَّ كَرَّرَ جَلَّ جَلَالُهُ  
 مُرَافَقَتَهُمْ فِي النَّارِ بِلِسَانِ الْمَقَالِ فَقَالَ: «أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ  
 فَكُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ»<sup>٤٤</sup>؛ «قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا  
 ضَالِّينَ \* رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ»<sup>٤٥</sup>؛ فَيَقْفُونَ أَرْبَعِينَ  
 سَنَةً فِي ذُلِّ الْهَوَانِ لَا يَجَابُونَ وَ فِي عَذَابِ النَّارِ لَا يَكَلِّمُونَ<sup>٤٦</sup> ثُمَّ يَجِيبُهُمُ  
 اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ «أَخْسَوْا فِيهَا وَ لَا تَكَلِّمُونَ»<sup>٤٦</sup>

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَبْأَسُونَ مِنْ كُلِّ فَرْجٍ وَ رَاحَةٍ وَ يَغْلِقُ أَبْوَابَ جَهَنَّمَ  
 عَلَيْهِمْ وَ يَدُومُ لَدَيْهِمْ مَا تَمُّ الْهَلَاكِ وَ السَّهْقِ وَ الزَّفِيرِ وَ الصَّرَاخِ وَ  
 النَّيْحَةِ»<sup>٤٧</sup>

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «چه فکر می کنی درباره‌ی  
 آنشی که باقی نمی‌گذارد کسی را که به سوی آن تصرع کند و

٤٤. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ١٠٥.

٤٥. سوره‌ی مؤمنون، آیات ١٠٦ و ١٠٧.

٤٦. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ١٠٨.

٤٧. الدرود الواقیة، سید بن طاووس، صفحه‌ی ٢٧٧؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٨، صفحه‌ی

برای کسی که در مقابلش خشوع کند و تسلیمش گردد، کم نمی‌تواند شد. ساکنانش را با داغ‌ترین چیزهایی که دارد از [قبیل] راندن‌های دردناک و ناگواری‌های شدید، ملاقات می‌کند.

[اهل آتش] می‌دانند که اهل بهشت در بهره‌ی بزرگ و نعمت‌های پایدار هستند، پس امیدوار می‌شوند که [از خوراکی‌های بهشت] به آنان بخوراند یا [از نوشیدنی‌های بهشت] به آنان بنوشاند تا قسمتی از عذاب دردناکشان کم شود؛ چنان که خدای عز و جل در کتاب عزیز خود [حالشان را اینگونه] بیان داشته است: «و دوزخیان، بهشتیان را آواز می‌دهند که: از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده، بر ما فرو ریزید» [ولی] جوابشان چهل سال نگه داشته می‌شود، سپس با زبان تحقیر و خفت به آن‌ها جواب می‌دهند: «خدا آن‌ها را بر کافران حرام کرده است».

[چون از بهشتیان، ناامید می‌شوند] به نگهبانان [جهنم] می‌نگرند و از این‌که شاهد مصیبت‌هایشان هستند، [به طمع می‌افتند و] امیدوار می‌شوند که در نزدشان، به هر وسیله‌ای شده، [کشایش و] شادی‌ای بیابند؛ همانطور که خدای جل جلاله می‌فرماید: «و کسانی که در آتشند، به نگهبانان جهنم می‌گویند: پروردگارتان را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد» [اما] جوابشان چهل سال نگه داشته می‌شود، سپس بعد از ناامیدی [جهنمیان، نگهبانان جهنم در جوابشان می‌گویند:] «دعا کنید [و خدا را بخوانید]. [ولی بدانید که] دعای کافران جز در بیراهه نیست [و به استجابت نمی‌رسد]»

وقتی از نگهبانان جهنم ناامید می‌شوند، به مالک، که سرکرده [و بزرگتر] نگهبانان است، مراجعه می‌کنند و امیدوارند از آن خواری برهاندشان، همانطور که خدای جل جلاله می‌فرماید: «و فریاد کشند: ای مالک، [بگو]: پروردگارت جان ما را بستاند» [ولی] جوابشان چهل سال نگه داشته می‌شود و آن‌ها همچنان در عذاب هستند، سپس - همان طور که خدای متعال در کتابش خبر داده - [مالک] پاسخشان می‌دهد: «[امیدی برای خارج شدن نیست و] شما [در اینجا] ماندگارید»

چون ناامید شوند از مولایشان [که] پروردگار عالمیان [است، درخواست نجات می‌کنند] همان [خدایی] که پست‌ترین چیز در نزدشان در دنیا بود و هر یک از ایشان، تمام عمر، هوای نفس را بر خواسته‌های او بر می‌گزید. در حالی که با عقل [که پیامبر درونی است] و نقل [سخنان او] بر دست هدایت‌گران، راه‌های نجات را روشن ساخت و به زبان حال به آن‌ها فهماند که [با این گناهان و انحرافات،] خودشان را در خانه‌ی بدفرجامی و ترس‌ها می‌اندازند و اینکه در قبول بر کافران با مردن برای همیشه‌ی همیشه بسته می‌شود و در زمانی که در زندگی دنیا بودند همواره به زبان حال و به صورت روشن و آشکار، می‌گفت: آیا مرا در این گفتار تصدیق نمی‌کنید؟! آیا جایز نمی‌دانید که من از راستگویان باشم؟! پس چگونه از من روی برگردانید و به دروغگویی‌ام و دروغگویی فرستادگانم که مرا تصدیق می‌کردند، شهادت دادید؟! چرا از این ضرر برحذر داشته شده‌ی ترسناک، دوری نکردید

[یعنی راهی را برنگزیدید که دور بمانید]؟! آيا زيادى فرستادگان و تکرار نامه‌ها [و کتاب‌های آسمانى] را نشنیدید؟! سپس به زبان گفتار می‌فرماید: «آيا آيات من بر شما خوانده نمی‌شد و [همواره] آن را مورد تکذيب قرار نمی‌دادید؟» پس «می‌گویند: پروردگارا، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. پروردگارا، ما را از اینجا بیرون بر، پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ستمگر خواهیم بود» [اما] چهل سال در ذلت و خواری، بدون جواب می‌مانند و در عذاب آتش، با آنان سخنی گفته نمی‌شود، سپس خدای جل جلاله پاسخ [این درخواست]شان را [اینگونه] می‌دهد: «در آن [آتش جهنم، برای همیشه] گم شوید و با من سخن مگویند».

اینجاست که از هر گشایش و راحتی‌ای ناامید می‌شوند و درهای جهنم [برای همیشه] به رویشان بسته می‌گردد و غم‌های هلاک و نعره‌های [از سر درد] و ناله‌ها و جیغ کشیدن‌ها و نوحه‌گری‌ها [یشان] پیوسته می‌شود».

[۳۴۱] سند:

أَنَّ جَبْرِيْلَ (عليه السلام) أَتَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) عِنْدَ الزَّوَالِ فِي سَاعَةٍ لَمْ يَأْتِهِ فِيهَا وَهُوَ مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ وَ كَانَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَسْمَعُ حِسَّهُ وَ جِرْسَهُ فَلَمْ يَسْمَعْهُ يَوْمَئِذٍ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا جَبْرِيْلُ مَا لَكَ جِئْتَنِي فِي سَاعَةٍ لَمْ تَكُنْ تَجِيئُنِي فِيهَا وَ أَرَى لَوْنَكَ مُتَغَيَّرًا وَ كُنْتُ أَسْمَعُ



حِسْكٍ وَجِرْسَكٍ فَلَمْ أَسْمَعْهُ!۱»

فَقَالَ: إِنِّي جِئْتُ حِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِمَنَافِحِ النَّارِ فَوُضِعَتْ عَلَى النَّارِ  
فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَخْبَرَنِي عَنِ النَّارِ يَا جَبْرَيْلُ  
حِينَ خَلَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى»

فَقَالَ: إِنَّهُ سُبْحَانَهُ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ فَاحْمَرَّتْ ثُمَّ أَوْقَدَ عَلَيْهَا  
أَلْفَ عَامٍ فَابْيَضَّتْ ثُمَّ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ اسْوَدَّتْ فَهِيَ سَوْدَاءُ  
مُظْلَمَةٌ لَا يَضِيءُ جَمْرُهَا وَلَا يَنْطَفِئُ لَهَبُهَا. وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا  
لَوْ أَنَّ مِثْلَ خَرَقِ إِبْرَةِ خَرَجَ مِنْهَا عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَاحْتَرَقُوا عَنْ  
آخِرِهِمْ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ جَهَنَّمَ ثُمَّ أَخْرَجَ مِنْهَا لَهْلَكَ أَهْلُ  
الْأَرْضِ جَمِيعًا حِينَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ لِمَا يَرَوْنَ بِهِ وَلَوْ أَنَّ ذِرَاعًا مِنَ  
السَّلْسَلَةِ الَّتِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَضِعَ عَلَى جَمِيعِ جِبَالِ  
الدُّنْيَا لَذَابَتْ عَنْ آخِرِهَا وَلَوْ أَنَّ بَعْضَ خُزَانِ جَهَنَّمَ التِّسْعَةَ عَشَرَ  
نَظَرَ إِلَيْهِ أَهْلُ الْأَرْضِ لَمَاتُوا حِينَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَلَوْ أَنَّ تَوْبًا مِنْ ثِيَابِ  
أَهْلِ جَهَنَّمَ أَخْرَجَ إِلَى الْأَرْضِ لَمَاتَ أَهْلُ الْأَرْضِ مِنْ نَتَنِ رِيحِهِ!

فَأَكْبَبَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَطْرَقَ يَبْكِي وَكَذَلِكَ

جَبْرَيْلُ (عليه السلام)»<sup>۴۸</sup>

جبرئیل (علیه السلام) در هنگام زوال در ساعتی که [معمولاً] در  
آن ساعت [به نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)]: [نمی آمد،  
به نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)]: آمد در حالی که

رنگش پریده بود. [همچنین در آمدن‌های قبلی] رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): صدای آمدنش را می‌شنیدند ولی آن روز نشنیدند.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): به او فرمودند: ای جبرئیل، تو را چه شده که در ساعتی به نزد آمده‌ای که در [مانند] آن نمی‌آمدی؟ و [همچنین] می‌بینم که رنگت تغییر یافته [و پریده است]؟! و صدای آمدنت را می‌شنیدم ولی [امروز] نشنیدم؟! [یعنی چه اتفاق مهمی رخ داده که نازل شدنت از روال عادی خارج گشته است]؟!]

عرض کرد: من در ساعتی آمده‌ام که خدای تعالی امر نمود تا دمه‌های آتش [یعنی وسیله‌هایی که آتش را با آن باد می‌زنند] بر آن نهاده شود.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: ای جبرئیل مرا از [حال] آتش، آن زمان که خدای تعالی آن را آفرید خبر بده. عرض کرد: خدای سبحان هزار سال آن [آتش] را برافروخت تا سرخ شد، سپس هزار سال آن را برافروخت تا سفید شد، سپس هزار سال آن را برافروخت تا سیاه شد و اکنون سیاه و تاریک است. سنگریزه‌های آتشین آن نور نمی‌دهد و شراره‌اش فروکش نمی‌کند. به آن کسی که تو را بحق به پیامبری فرستاد [قسم می‌خورم]، اگر مثل سر سوزنی از آن [آتش]، بر اهل زمین [از جهنم] خارج شود، جملگی آتش می‌گیرند و اگر مردی داخل جهنم گردد سپس بیرون آورده [و به زمین برگردانده] شود،

همه‌ی اهل زمین وقتی به او می‌نگرند، از دیدن آنچه به او رسیده، هلاک می‌شوند. و اگر یک ذراع از زنجیری که خدای تعالی در کتابش ذکر کرده بر همه‌ی کوه‌های دنیا گذاشته شود، همگی ذوب می‌شوند. و اگر بعض نگهبانان جهنم، که نوزده نفرند، به اهل زمین نگاه کنند، به همین نگاه کردن به او، می‌میرند! اگر لباسی از لباس‌های اهل جهنم به [سوی] زمین بیرون آورده شود، اهل زمین از بوی تعفنش جان می‌دهند.

[با شنیدن این سخنان] رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): به خاک افتادند و گریه کردند و همچنین جبرئیل (علیه‌السلام) [نیز گریه کرد].»

[۳۴۲] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه‌السلام): «وَاتَّقُوا نَارًا حَرُّهَا شَدِيدٌ وَقَعْرُهَا بَعِيدٌ وَحَلِيتُهَا حَدِيدٌ وَشَرَابُهَا صَدِيدٌ»<sup>۴۹</sup>

امیر المؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «بترسید از آتشی که گرمایش [شدید و] سخت است، و عمقش [زیاد و] دور می‌باشد و زیور آلتش آهن [های] گداخته و نوشیدنی‌اش، چرک‌آبه است.»

[۳۴۳] سند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِهَذَا الْجِلْدِ

۴۹. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۲۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۶.

الرَّقِيقِ صَبْرٌ عَلَى النَّارِ فَأَرْحَمُوا نُفُوسَكُمْ فَإِنَّكُمْ قَدْ جَرَبْتُمُوهَا فِي مَصَائِبِ الدُّنْيَا فَرَأَيْتُمْ جَزَعَ أَحَدِكُمْ مِنَ الشُّوْكَةِ تُصِيبُهُ وَالْعَثْرَةِ تُدْمِيهِ وَالرَّمْضَاءِ تُحْرِقُهُ فَكَيْفَ إِذَا كَانَ بَيْنَ طَائِفَيْنِ مِنْ نَارٍ ضَجِيعِ حَجَرٍ وَقَرِينِ شَيْطَانٍ؟! أَعَلِمْتُمْ أَنَّ مَالِكًا إِذَا غَضِبَ عَلَى النَّارِ حَطَمَ بَعْضَهَا بَعْضًا لِيغْضِبَهُ وَإِذَا زَجَرَهَا تَوَثَّبَتْ بَيْنَ أَبْوَابِهَا جَزَعًا مِنْ زَجْرَتِهِ؟!<sup>۵۰</sup>

أَيُّهَا الْيَقِينُ الْكَبِيرُ الَّذِي قَدْ لَهَزَهُ الْقَتِيرُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا التَّحَمَّتْ أَطْوَاقُ النَّارِ بِعِظَامِ الْأَعْنَاقِ وَنَشِبَتْ الْجَوَامِعُ حَتَّى أَكَلَتْ لُحُومَ السَّوَاعِدِ؟ فَاللَّهُ اللَّهُ مَعَشَرَ الْعِبَادِ وَأَنْتُمْ سَالِمُونَ فِي الصِّحَّةِ قَبْلَ السُّقْمِ وَفِي الْفُسْحَةِ قَبْلَ الضِّيقِ فَاسْعَوْا فِي فَكَاكِ رِقَابِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُغْلَقَ رَهَائِنُهَا»<sup>۵۰</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «بدانید که این پوست نازک، تاب آتش ندارد. پس بر خویشتن رحم کنید، که شما خود را در رنج و سختی‌های دنیا آزموده‌اید [و می‌دانید که یاری تحمل کوچکترین سختی‌های آن را ندارید، چه رسد به آتش آخرت]. آیا دیده‌اید که هر یک از شما، از خاری که در بدن او می‌خلد یا از لغزیدنی که خونینش می‌کند یا از دیگی داغ که پایش را می‌سوزاند، چگونه بی‌تابی می‌کند؟ پس چگونه است آنگاه که

۵۰. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۸۳؛ الدرر الوافیة، سید بن طاووس، صفحه‌ی ۲۷۱؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۶.

میان دو لایه از آتش قرار گیرد، و همبستر سنگ [آتش گرفته] باشد و همدم شیطان؟ آیا می‌دانید که مالک [که فرشته‌ی دوزخیان است] آنگاه که بر آتش، خشم گیرد، از خشم او آتش به تلاطم در می‌آید و آنگاه که بر آن نهیب بزند، از نهیب او بی‌تابانه میان درهایش درهم می‌جهد؟

ای پیر سالخورده که موی سپید [و ناتوانی و پیری] وجودت را فرا گرفته است، چه حالی خواهی داشت آنگاه که طوق‌های آتش به استخوان‌های گردن فرو چسبد و کنده‌های [آتشین] چنان [بدن] نحیفت را [فرو گیرند که گوشت ساعدها را بخورند]؟! پس خدا را، خدا را [در نظر بگیرد] ای بندگان [ضعیف] و [اکنون که] سالمید در تندرستی قبل از مریضی و در گشایش قبل از تنگی، بکوشید در رهانیدن گردن‌هایتان [از آتش جهنم]، قبل از اینکه گروها را قفل کنند [و راهی برای گشودن آن نباشد]».

[۳۴۴] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «دَخَلْتُ أَنَا وَ فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيداً فَقُلْتُ: فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ؟!»

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأَنْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِشَعْرِهَا يَعْغِي دِمَاحُ رَأْسِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِلِسَانِهَا

وَالْحَمِيمُ يَصَّبُ فِي حَلْقِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِثَدْيِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً  
تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا وَالنَّارُ تُوقَدُ مِنْ تَحْتِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً قَدْ شَدَّ  
رِجْلَاهَا إِلَى يَدَيْهَا وَقَدْ سُلِّطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَالْعَقَارِبُ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً  
صَمَاءَ عَمِيَاءَ خَرَسَاءَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يُخْرِجُ دِمَاعُ رَأْسِهَا مِنْ  
مَنْخَرِهَا وَبَدْنُهَا مُتَقَطَّعٌ مِنَ الْجَذَامِ وَالْبَرَصِ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً  
بِرِجْلَيْهَا فِي تَنْوِيرٍ مِنْ نَارٍ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً تُقَطِّعُ لَحْمَ جَسَدِهَا مِنْ  
مُقَدَّمِهَا وَمَوْخَرِهَا بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً يَحْرَقُ وَجْهَهَا وَ  
يَدَاهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ خَنْزِيرٍ وَبَدْنُهَا  
بَدَنُ الْحِمَارِ وَعَلَيْهَا أَلْفُ لَوْنٍ مِنَ الْعَذَابِ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً عَلَى  
صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَتَخْرُجُ مِنْ فِيهَا وَالْمَلَائِكَةُ  
يَضْرِبُونَ رَأْسَهَا وَبَدْنَهَا بِمَقَامِعٍ مِنْ نَارٍ!

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا): حَبِيبِي وَقُرَّةُ عَيْنِي أَخْبَرَنِي مَا  
كَانَ عَمَلُهُنَّ وَسِيرَتُهُنَّ حَتَّى وَضَعَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ هَذَا الْعَذَابَ؟  
فَقَالَ: يَا بِنْتِي أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تُعْطَى شَعْرَهَا  
مِنَ الرِّجَالِ؛

وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤَذِي زَوْجَهَا؛  
وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِثَدْيِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَمْتَنِعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجِهَا؛  
وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِرِجْلَيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ  
زَوْجِهَا؛

وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُزِينُ بَدَنَهَا  
لِلنَّاسِ؛

وَأَمَّا الَّتِي شُدَّتْ يَدَاهَا إِلَى رِجْلِهَا وَسُلِطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَالْعَقَارِبُ  
فَإِنَّهَا كَانَتْ قَدْرَةَ الْوُضُوءِ قَدْرَةَ الشَّيْبِ وَكَانَتْ لَا تَغْتَسِلُ مِنَ  
الْجَنَابَةِ وَالْحَيْضِ وَلَا تَتَنَظَّفُ وَكَانَتْ تَسْتَهِينُ بِالصَّلَاةِ؛  
وَأَمَّا الْعَمِيَاءُ الصَّمَاءُ الْخَرَسَاءُ فَإِنَّهَا كَانَتْ تَلِدُ مِنَ الزِّنَاءِ فَتَعَلِّقُهُ  
فِي عُنُقِ زَوْجِهَا؛

وَأَمَّا الَّتِي تُقْرَضُ لَحْمُهَا بِالْمَقَارِيضِ فَإِنَّهَا تَعْرِضُ نَفْسَهَا عَلَى  
الرِّجَالِ؛

وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تُحْرَقُ وَجْهَهَا وَبَدْنُهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا فَإِنَّهَا  
كَانَتْ قَوَادَةً؛

وَأَمَّا الَّتِي كَانَ رَأْسُهَا رَأْسَ خَنْزِيرٍ وَبَدْنُهَا بَدَنَ الْحِمَارِ فَإِنَّهَا  
كَانَتْ نَمَامَةً كَذَابَةً؛

وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَتَخْرُجُ  
مِنْ فِيهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ قَبِيَّةً نَوَاحَةً حَاسِدَةً.

ثُمَّ قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَيْلٌ لِمَرْأَةٍ أَعْضَبَتْ زَوْجَهَا وَ  
طُوِبَ لِمَرْأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا»<sup>۵۱</sup>

*امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «من و فاطمه  
(سلام الله علیها) بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): وارد شدیم  
و ایشان را در حالی دیدیم که به شدت گریه می کردند. عرض*

۵۱. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، جلد ۷، ۲، صفحہ ۱۰؛ وسائل الشیعة، محدث عاملی،  
جلد ۲۰، صفحہ ۲۱۳؛ بحار الانوار، علامہ مجلسی، جلد ۸، صفحہ ۳۰۹؛ مستدرک الوسائل،  
محدث نوری، جلد ۲، صفحہ ۴۵۴.

کردم: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایتان باد، چه چیزی شما را به گریه انداخته است؟!

فرمودند: ای علی، شبی که مرا به آسمان‌ها [برای سفر اسرارآمیز معراج] بردند، دیدم زنانی از امتم که در عذاب شدید بودند. جایگاه [و حال و روز رقت‌بارشان] را نپسندیدم و به خاطر شدت عذابشان به گریه افتادم. [و اکنون نیز یادآوری همان صحنه‌ها مرا به گریه انداخته است].

زنی را دیدم که از موهایش آویزان بود و مغز سرش می‌جوشید؛ و زنی را دیدم که از زبانش آویزان بود و آب جوشان در حلقش ریخته می‌شد؛

و زنی را دیدم که از پستان‌هایش آویزان بود؛ و زنی را دیدم که گوشت بدنش را می‌خورد و آتش در زیر [پای]ش زبانه می‌کشید؛

و زنی را دیدم [که] کر و کور و لال [شده بود و] در تابوتی از آتش [قرار داشت و] مغز سرش از سوراخ‌های بینی‌اش بیرون می‌آمد و بدنش از شدت جذام و پیسی، تکه تکه شده بود؛

و زنی را دیدم که از پا در تنوری از آتش آویخته شده بود؛ و زنی را دیدم که گوشت بدنش از جلو و عقب با قیچی‌هایی از آتش بریده می‌شد؛

و زنی را دیدم که صورت و دست‌هایش آتش گرفته بود و روده‌هایش را می‌خورد؛

و زنی را دیدم که سرش، سرخوک و بدنش، بدن‌الاع بود و هزار



هزار رنگ از عذاب بر او بود؛

و زنی را دیدم که به صورت سگ بود و آتش از پایینش وارد می‌شد و از دهانش خارج می‌گردید و ملائکه، سر و بدنش را با گرزهایی از آتش می‌زدند.

فاطمه (سلام‌الله‌علیها) عرض کرد: ای محبوب و نور چشمم، به من خبر دهید که [این زنان] چه عمل و سیره‌ای داشتند که خدا اینگونه عذاب [هایی] را بر آن‌ها نهاده بود؟

فرمودند: دخترم، آن [زنی] که از موهایش آویزان بود، [گنااهش این بود که] مویش را از مردان [نامحرم] نمی‌پوشاند.

و اما آن [زنی] که از زبانش آویزان بود، [گنااهش این بود که] شوهرش را اذیت می‌کرد.

و اما آن [زنی] که از پستان‌هایش آویزان بود، [گنااهش این بود که] شوهرش را از اینکه با او نزدیکی کند، مانع می‌شد.

و اما آن [زنی] که از پاهایش آویزان بود، [گنااهش این بود که] بدون اجازه‌ی شوهر از خانه، خارج می‌شد.

و اما آن [زنی] که گوشت بدنش را می‌خورد، [گنااهش این بود که] بدنش را برای مردم [نامحرم] آرایش می‌کرد.

و اما آن [زنی] که دست‌هایش به پاهایش بسته شده و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط بودند، [گنااهش این بود که] کثیف بود و

لباس‌های کثیف می‌پوشید و از جنابت و حیض، غسل نمی‌کرد و اهل پاکی و پاکیزگی نبود و نماز را سبک می‌شمرد.

و اما آن [زنی] که کور و کر و گنگ بود، [گنااهش این بود که] از

زنا صاحبِ فرزند شده ولی آن را به گردن شوهرش انداخته بود.  
و اما آن [زنی] که گوشت‌هایش را با قیچی می‌برید، [گناهِش این بود که] خود را بر مردان [بیگانه] عرضه می‌کرد.  
و اما آن [زنی] که صورت و دست‌هایش می‌سوخت و روده‌هایش را می‌خورد، [گناهِش این بود که] قیادت می‌کرد [یعنی زن و مرد نامحرمی را برای زنا به هم می‌رساند]  
و اما آن [زنی] که سرش، سرِ خوک و بدنش، بدنِ الاغ بود، [گناهِش این بود که] خبرچین و دروغگو بود.  
و اما آن [زنی] که به صورت سگ بود و آتش از پایش داخل و از دهانش خارج می‌شد، [گناهِش این بود که] آوازخوان و نوحه‌گر و حسود بود.  
سپس فرمودند: وای بر آن زنی که شوهرش بر او غضبناک باشد و خوشا به حال آن زنی که شوهرش از او راضی باشد».

[۳۴۵] سند:

قال الكاظم (عليه السلام): «إِنَّ فِي النَّارِ لَوَادِيًا يُقَالُ لَهُ سَقَرٌ. لَمْ يَتَنَفَّسْ مِنْذُ خَلَقَهُ اللَّهُ. لَوْ أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي التَّنْفِيسِ بِقَدْرِ مِخِيطٍ لَأَحْتَرَقَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ. وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لِيَتَعَوَّدُونَ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْوَادِي وَتَنْنِيهِ وَقَدْرِهِ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ. وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْوَادِي لَجَبَلًا يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْوَادِي مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْجَبَلِ وَتَنْنِيهِ وَقَدْرِهِ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ. وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْجَبَلِ لَشِعْبًا يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْجَبَلِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الشَّعْبِ وَتَنْنِيهِ وَقَدْرِهِ وَمَا

أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ. وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الشَّعْبِ لَقَلِيلًا يَتَعَوَّذُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْجَبَلِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْقَلْبِ وَنَتْنِهِ وَقَدْرِهِ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ. وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْقَلْبِ لَحَيَةً يَتَعَوَّذُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْقَلْبِ مِنْ حُبِّ تِلْكَ الْحَيَةِ وَنَتْنِهَا وَقَدْرِهَا وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِي أَنْبِيَائِهَا مِنَ السَّمِّ لِأَهْلِهَا. وَإِنَّ فِي جَوْفِ تِلْكَ الْحَيَةِ لَصَنَادِيقَ فِيهَا خَمْسَةٌ مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَاثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ).

قَالَ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَنِ الْخَمْسَةُ وَمَنِ الْإِثْنَانُ؟ قَالَ: «فَأَمَّا الْخَمْسَةُ فِقَابِيلُ الَّذِي قَتَلَ هَابِيلَ وَنَمْرُودُ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ فَقَالَ أَنَا أَحْيَى وَأَمِيتُ وَفِرْعَوْنُ الَّذِي قَالَ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَيَهُودُ الَّذِي هَوَّدَ الْيَهُودَ وَبُولَسُ الَّذِي نَصَرَ النَّصَارَى وَمِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْرَابِيَانِ»<sup>۵۲</sup>.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «در آتش، وادی ای هست که به آن سقر گویند و این وادی، از زمانی که خداوند آن را آفریده، نفس نکشیده است. اگر خداوند عز و جل به او اجازه دهد تا به اندازه‌ی سر سوزنی نفس بکشد، هر آنچه را بر روی زمین است، می‌سوزاند. دوزخیان از گرمای آن وادی و بوی گند و کثافتش و از آنچه خداوند در آن وادی برای اهلش آماده ساخته است، به خدا پناه می‌برند.»

۵۲. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۴۳؛ ثواب الاعمال، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۲۱۵؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۰۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۱۰؛ قصص الأنبياء، جزائری، صفحه‌ی ۱۰۵.

در آن وادی، کوهی است که همه‌ی اهل آن وادی از گرمای آن و از بوی گند و کثافتش و از آنچه خداوند در آن کوه برای اهلش آماده ساخته است، به خدا پناه می‌برند.

در آن کوه، دره‌ای است که همه‌ی اهل آن کوه، از گرمای آن دره و از بوی تعفن و کثافت آن و از آنچه خداوند در آن دره برای اهلش آماده ساخته است، به خدا پناه می‌برند.

در آن دره، چاهی است که همه‌ی اهل آن دره، از گرمای آن و کثافتش و از آنچه خداوند در آن چاه برای اهلش آماده ساخته است، به خدا پناه می‌برند.

در آن چاه، ماری است که همه‌ی اهل آن چاه، از پلیدی آن مار و از بوی تعفن و کثافت آن و از زهری که خداوند در نیش‌های آن مار برای اهلش فراهم آورده است، به خدا پناه می‌برند.

و در شکم آن مار، صندوق‌هایی است که در آن پنج نفر از امت‌های سابق و دو نفر از این امت قرار دارند.

[راوی می‌گوید] عرض کردم: فدایتان شوم، آن پنج نفر و دو نفر کیانند؟ فرمودند: «اما پنج نفر [از امت‌های گذشته، عبارتند از:] قابیل که هابیل را کشت و نمرود که با ابراهیم (علیه‌السلام) در مورد پروردگارش مجادله کرد و گفت: من [نیز همانند خدای تو] زنده می‌کنم و می‌میرانم و فرعون که گفت: من پروردگار برتر شما هستم و یهود که پیروان موسی (علیه‌السلام) را یهودی ساخت و بولس که پیروان عیسی (علیه‌السلام) را نصرانی ساخت و [اما آن دو نفر] از این امت، [آن] دو عرب جاهلی [هستند]».

[۳۴۶] سند:

قال الباقر (عليه السلام): «إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادٍ يُقَالُ لَهُ عَسَاقٌ فِيهِ ثَلَاثُونَ وَثَلَاثُ مِائَةٍ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ ثَلَاثُونَ وَثَلَاثُ مِائَةٍ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ ثَلَاثُونَ وَثَلَاثُ مِائَةٍ عَقْرَبٍ فِي حُمَّةٍ كُلِّ عَقْرَبٍ ثَلَاثُونَ وَثَلَاثُ مِائَةٍ قُلَّةٍ سَمَّ لَوَانٌ عَقْرَبًا مِنْهَا نَضَحَتْ سَمَّهَا عَلَى أَهْلِ جَهَنَّمَ لَوْ سَعَتْهُمْ سَمًّا»<sup>۵۳</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «وادی ای در جهنم وجود دارد که به آن عَسَاق گفته می شود، در آن سیصد و سی قصر [است]؛ در هر قصر، سیصد و سی اتاق [است]؛ در هر اتاق، سیصد و سی عقرب [است]؛ در نیش هر عقرب، سیصد و سی جام زهر [است]؛ اگر عقربی از آن ها زهرش را بر [تمام] اهل جهنم بپاشد، همگی را کفایت می کند [و می تواند همه را مسموم سازد]».

[۳۴۷] سند:

قَالَ سَيِّدُ السَّاجِدِينَ (عليه السلام) فِي الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ فِيمَا كَانَ يَدْعُو بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَطَتْ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ وَهَيْئُهَا أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا وَمِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَصَرَّعَ إِلَيْهَا وَلَا تَرَحَّمُ مَنْ اسْتَعْطَفَهَا

۵۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه ۳۱۴ به نقل از کتاب زهد حسین بن سعید.

وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا تَلْقَى  
سُكَّانَهَا بِأَحْرَمًا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ التَّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ وَأَعُوذُ بِكَ  
مِنْ عَقَابِهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَحَيَاتِهَا الصَّالِقَةَ بِأَنْبِيَائِهَا وَشَرَابِهَا  
الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَأَفِيدَةَ سُكَّانِهَا وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ وَاسْتَهْدِيكَ لِمَا  
بَاعَدَ مِنْهَا وَأَخَّرَ عَنْهَا»<sup>۵۴</sup>

در دعای امام سجاد (علیه السلام) بعد از نماز شب آمده است:  
«بارالها به تو پناه می برم از آتشی که هر که نافرمانی تو کند، با  
آن، به سختی مجازاتش می کنی و هر که از خشنودی تو دوری  
گزیند، بدان تهدیدش کرده ای، از آتشی که روشنایی اش تاریک،  
اندکش دردناک و دورش نزدیک است؛ از آتشی که شعله هایش  
یکدیگر را فرو می بلعند و بر یکدیگر تازیانه می کوبند؛ از آتشی که  
استخوان ها را می پوساند و ساکنانش را آب جوشان می نوشاند؛ از  
آتشی که نه بر جان کسی که به پایش زاری کند، دلسوزی می کند  
و نه بر کسی که از او خواهش و التماس کند، رحم می آورد، و نه  
قادر است که بر کسی که در برابرش خاکساری می کند و سر  
تسلیم فرود می آورد، سبک گیرد؛ بلکه با ساکنان خویش، با  
دردناک ترین شکنجه و سخت ترین کیفر برخورد می کند.

و به تو پناه می برم از عقرب های آن [جهنم] که دهان هایشان را  
گشوده می دارند، و از مارهای آن که نیش هایشان را به هم

---

۵۴. صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۳۲؛ مصباح المتعبد، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۱۹۱؛ المصباح  
کفعمی، صفحه‌ی ۵۷؛ مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، صفحه‌ی ۳۵۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی،  
جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۴.

می‌سایند و از نوشیدنی آن که دل و رودی ساکنانش را تکه تکه می‌کند و قلبشان را از بیخ بر می‌کند. از تو می‌خواهم که مرا به چیزی رهنمون شوی که از چنین آتشی دور گرداند و آن را [برای همیشه] به تأخیر اندازد.»

[۳۴۸] سند:

قال الباقر (عليه السلام): «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ يُمُوتُونَ عِطَاشًا وَيَدْخُلُونَ قُبُورَهُمْ عِطَاشًا وَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ عِطَاشًا فَيَرْفَعُ لَهُمْ قَرَابَاتُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَقُولُونَ «أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ»<sup>۵۶، ۵۵</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «اهل آتش، تشنه می‌میرند و تشنه وارد قبرهایشان می‌شوند و تشنه به حشر می‌آیند و تشنه داخل دوزخ می‌شوند. پس، خویشاوندانشان را از دور در بهشت می‌بینند و به آن‌ها می‌گویند: «از آن آب یا از آنچه خدا روزی‌تان کرده است بر ما فرو ریزید.»

[۳۴۹] سند:

قال السجّاد (عليه السلام) في الدعاء: «إِلٰهِي لَيْتَنِي لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ جَهَنَّمَ وَ سَلَاسِلِهَا وَ تَثْقِيلِ أَعْلَالِهَا إِلٰهِي لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِرًا فَاطِيرَ فِي الْهَوَاءِ مِنْ خَوْفِكَ إِلٰهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ إِلٰهِي جَهَنَّمَ

۵۵. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۰.

۵۶. تفسیر عیاشی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۳۸؛ تفسیر

طبری، جلد ۹، صفحه‌ی ۱۲۷.

مَحْشَرِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ فِي النَّارِ مَجْلِسِي إِلَهِي  
الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الرَّقُومُ فِيهَا طَعَامِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ  
الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الْحَمِيمُ فِيهَا شَرَابِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ  
كَانَ الشَّيْطَانُ وَالْكَفَّارُ فِيهَا أَقْرَانِي»<sup>۵۷</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در دعا فرمودند: «خداوندا کاش خبر  
جهنم و زنجیرها و سنگینی غل‌هایش را نشنیده بودم. خداوندا  
کاش پرنده‌ای بودم که از بیم تو در هوا پرواز می‌کردم [و به این  
سبب از عذاب تو خلاصی می‌یافتم]. خداوندا وای بر من، وای بر  
من، اگر حشر من به سوی جهنم باشد. خداوندا وای بر من، وای  
بر من، اگر جای نشستم در آتش باشد. خداوندا وای بر من، وای  
بر من، اگر غذایی در جهنم، زقوم باشد. خداوندا وای بر من، وای  
بر من، اگر آب جوش جهنم، آشامیدنی‌ام باشد. خداوندا وای بر  
من، وای بر من، اگر شیطان و کافران، همنشینان من در جهنم  
باشند».

[۳۵۰] سند:

فیما وعظ الله تعالی به عیسی (علیه السلام): «یا عیسی اهرُبْ اِلَی  
مَع مَنْ یَهْرُبُ مِنْ نَارِ ذَاتِ لَهَبٍ وَنَارِ ذَاتِ اَعْلَالٍ وَانْکَالٍ لَا یَدْخُلُهَا  
رُوحٌ وَلَا یَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ اَبَدًا فَطَعَّ کَقِطْعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ مَنْ یَنْجُ  
مِنْهَا یَفْرُوْ لَنْ یَنْجُو مِنْهَا مَنْ کَانَ مِنَ الْهَالِکِیْنَ هِیْ دَارُ الْحَبَّارِیْنَ وَ

۵۷. بحار الأنوار، علامه مجلسی، جلد ۹۱، صفحه‌ی ۱۲۲.



الْعَتَاةِ الظَّالِمِينَ وَكُلِّ فُطْرٍ غَلِيظٍ وَكُلِّ مُحْتَالٍ فَخُورٍ. يَا عِيسَى  
بُنِسْتِ الدَّارَ لِمَنْ رَكْنَ إِلَيْهَا وَبُنِسَ الْقَرَارُ دَارَ الظَّالِمِينَ إِنِّي أَحْذِرُكَ  
نَفْسَكَ فَكُنْ بِي خَيْرًا»<sup>۵۸</sup>.

در اندرزه‌های خداوند بلندمرتبه به عیسی (علیه‌السلام) آمده است: «ای عیسی، همراه با آنان که از آتش شعله‌ور و آتش پُر از غل و زنجیر می‌گیرند، به سوی من بگریز، آتشی که هرگز هیچ شادی‌ای وارد آن نمی‌شود و هیچ اندوهی از آن خارج نمی‌گردد، آتشی که پاره‌هایش همچون پاره‌های شب تار است. هر که از این آتش برهد، کامیاب است و آن که از هلاک‌شوندگان باشد، هرگز از این آتش نخواهد رست. این آتش، سرای متکبران و سرکشان ستمگر و هر سنگدل و درشت‌خوی و هر مغرور خودستایی است. ای عیسی، چه بد سرایی است [این سرای آتش] برای آن که بدان اعتماد کرده، و چه بد جایگاهی است سرای ستمگران، من هشدارت می‌دهم که مراقب خویش باشی. پس حواست به من باشد.»

[۳۵۱] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه‌السلام): «أَلَا وَإِنَّهُ لَا غِنَى بَعْدَ النَّارِ لَا

---

۵۸. کافی، محدث کلینی، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۳۶؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۰؛ اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۲۲۹؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، صفحه‌ی ۴۹۸؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۲۹۳.

يَفْكَ أَسِيرَهَا وَلَا يَبْرَأُ ضَرِيرَهَا»<sup>۵۹</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «آگاه باشید که پس از [گرفتار شدن به فقر و خواری] دوزخ، توانگری ای نیست. اسیر دوزخ، آزاد نمی‌گردد و نابینایش بهبود نمی‌یابد».

[۳۵۲] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «إِحْذَرُوا نَاراً لَجَبُّهَا عَتِيدٌ وَلَهَبُهَا شَدِيدٌ وَعَذَابُهَا أَبَدٌ جَدِيدٌ»<sup>۶۰</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «بپرهیزید از آتشی که بسی پر جوش و خروش است؛ و زبانه‌هایش شدید [و سخت] می‌باشد؛ و عذابش برای همیشه تازه است [به طوری که هیچگاه به خاموشی نمی‌گراید]».

[۳۵۳] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «أَمَّا أَهْلُ الْمَعْصِيَةِ فَأَنْزَلَهُمْ شَرَّ دَارٍ وَعَلَّ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ وَقَرَنَ النَّوَاصِي بِالْأَقْدَامِ وَالْبَسْمُ سَرَابِيلَ الْقَطِرَانِ وَمَقَطَّعَاتِ الْبِيرَانِ فِي عَذَابٍ قَدْ اسْتَدَّ حَرُّهُ وَبَابٍ قَدْ أَطْبَقَ عَلَى أَهْلِهِ فِي نَارٍ لَهَا كَلْبٌ وَلَجَبٌ وَلَهَبٌ سَاطِعٌ وَ قَصِيفٌ هَائِلٌ لَا يَضَعُنْ مُقِيمَهَا وَلَا يَفَادِي أَسِيرَهَا وَلَا تُقْصَمُ

۵۹. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه ۲۱۶؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۲، صفحه ۲۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۸، صفحه ۲۱۲.

۶۰. غرر الحکم، آمدی، حدیث ۲۶۲۰؛ عیون الحکم و المواعظ، لیثی، صفحه ۱۰۴.

كُبُولَهَا لَا مُدَّةَ لِلدَّارِ فَفَنَنِي وَلَا أَجَلَ لِلْقَوْمِ فَيَقْضِي»<sup>۱۱</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «اما گنهکاران را در بدترین سرای، جای می‌دهد، دست‌ها را با کند و زنجیر به گردن‌ها می‌بندد، زلف‌ها را به پها گره می‌زند و جامه‌هایی از قطران و تکه‌های آتش، بر ایشان می‌پوشاند؛ در دوزخی که گرمایش سخت و سوزان است و [آنان در پشت] دری [قرار دارند] که بر روی اهل دوزخ بسته شده است؛ در آتشی دیوانه‌وار و پرخروش، با شعله‌هایی سرکش که فریادی رعدآسا و هولناک دارد؛ ساکنانش از آن جا رخت بر نمی‌بندند، اسیرانش با هیچ بهایی آزاد نمی‌شوند و زنجیرهایش از هم نمی‌گسلند؛ آن سرای را عمر نیست که به سر آید و ساکنانش را اجلی نیست که به پایان رسد [تا خلاص شوند]».

[۳۵۴] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «قَالَ اللَّهُ لِلَّهِ عِبَادَ اللَّهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا مَاضِيَةٌ بِكُمْ عَلَى سَنِينَ وَأَنْتُمْ وَالسَّاعَةُ فِي قَرْنٍ وَكَأَنَّهَا قَدْ جَاءَتْ بِأَشْرَاطِهَا وَأَزِفَتْ بِأَفْرَاطِهَا وَوَقَفَتْ بِكُمْ عَلَى صِرَاطِهَا وَكَأَنَّهَا قَدْ أَشْرَفَتْ بِرِزَالِهَا وَأَنَاخَتْ بِكُلَاكِلِهَا وَأَنْصَرَمَتِ الدُّنْيَا بِأَهْلِهَا وَأُخْرِجَتْهُمْ مِنْ حِصْنِهَا فَكَانَتْ كَيَوْمِ مَضَى أَوْ شَهْرٍ أَنْقَضَى وَصَارَ جَدِيدُهَا رِثًا وَسَمِيحًا غَنًّا فِي مَوْقِفِ صَنْكِ الْمَقَامِ وَأُمُورٍ مُشْتَبِهَةٍ

۱۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۰۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۱۴.

عِظَامٍ وَ نَارٍ شَدِيدٍ كَلْبَهَا عَالٍ لَجْبَهَا سَاطِعٍ لَهَبَهَا مُتَغَيِّظٍ  
 زَفِيرَهَا مُتَأَجِّجٍ سَعِيرَهَا بَعِيدٍ خُمُودَهَا ذَاكٍ وَقُودَهَا مَخُوفٍ  
 وَعَيْدَهَا عَمِ قَرَارَهَا مُظْلِمَةً أَقْطَارَهَا حَامِيَةً قُدُورَهَا فَطِيْعَةً  
 أُمُورَهَا»<sup>۶۲</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «خدا را خدا را، ای بندگان خدا [در نظر داشته باشید، و بدانید] که دنیا همه‌ی شما را بر یک راه می‌برد [همان راه منتهی به آخرت که گذشتگان نیز رفتند]، و شما و [زمان] قیامت، [همچون دو شتر که به یک ریسمان بسته می‌شوند] به یک ریسمان بسته شده‌اید و تو گویی قیامت [هم‌اینک] نشانه‌های خود را آورده، پرچم‌هایش را نزدیک ساخته و شما را بر گذرگاه صراط، نگه داشته است، و گویا [هم‌کنون] زلزله‌هایش را پیش آورده و [چونان شتری] سینه‌ی خویش را بر زمین نهاده [و تحقق یافته] است. دنیا از اهل خود، بریده و آنان را از آغوش خویش بیرون افکنده است. گویا روزی بود که گذشت یا ماهی بود که به پایان رسید. تازه‌ی آن، کهنه گردیده و فربه آن، لاغر گشته است؛ در جایگاهی تنگ، با کارهایی در هم و بزرگ و آتشی سخت گزنده که هیاهویش بلند است و زبانه‌اش سرکش و خروشش خشم آلود، شعله‌اش فروزان است و فسرده شدنش دور و دیر، هیمه‌اش پر شعله است و تهدیدش خوف انگیز، ژرفای آن ناپیدا و کران تا کرانش غرقه در تاریکی است.

۶۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه‌ی ۱۹۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۰۷.

ریگ‌هایش جوشان و کارهایش وحشتناک است».

[۳۵۵] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه السلام) لأحنف بن قیس بعد أن ذكر له نعيم الجنة: «فإن فاتك يا أحنف ما ذكرت لك في صدر كلامي لتتركن في سراويل القطران وتطوفن بينها وبين حميمي إن و لتسقين شرباً حاراً العليان في إنضاجه فكم يومئذ في النار من صلب محطومٍ ووجه مهشومٍ ومشوه مضروب على الخراطوم قد أكلت الجامعة كفه والتحم الطوق بعنقه.

فلورأيتهم يا أحنف ينحدرون في أوديتها ويصعدون جبالها وقد البسوا المقطعات من القطران وأقربوا مع فجارها وشياطينها فإذا استغاثوا بأسوا أخذ من حريق شدت عليهم عقاربها وحياتها ولو رأيت منادياً ينادي وهو يقول: يا أهل الجنة ونعيمها ويا أهل حليها وحللها خلدوا فلا موت. فعندها ينقطع رجأؤهم وتعلق الأبواب وتقطع بهم الأسباب.

فكم يومئذ من شيخ ينادي: وشيباته! وكم من شاب ينادي: وشبابه! وكم من امرأة تنادي: وفضيحتاه! هتكت عنهم الستور فكم يومئذ من مغموس بين أطباقها محبوس يا لك غمسة البستك بعد لباس الكتان والماء المبرد على الجدران وأكل الطعام الوانا بعد الوان؛ لباساً لم يدع لك شعراً ناعماً كنت مطعمه إلا بيضه ولا عيناً كنت تبصر بها إلى حبيب إلا فقأها.

## هَذَا مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِلْمُجْرِمِينَ»<sup>۶۳</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) پس از بیان نعمت‌های بهشت برای احنف بن قیس فرمودند: «ای احنف! اگر آنچه را [از این نعمت‌ها] که در آغاز سخنم برایت گفتم از دست دادی، آن گاه است که بی‌گمان، در جامه‌هایی از قطران خواهی بود، و میان آن [آتش] و میان آبی جوشان، سرگردان می‌شوی، و از نوشیدنی‌ای داغ و جوشان و پِزان، نوشانده خواهی شد. در آن روز، چه کمرهای خُرد شده و چهره‌های متلاشی شده و بدریخت و بینی‌های درهم شکسته که در آتش خواهند بود؛ انسان‌هایی که کند و زنجیر، دست‌های آن‌ها را خورده و طوق‌ها در گردنشان فرو رفته است.

ای احنف، کاش آنان را ببینی که [چگونه] در درّه‌های دوزخ، پایین [غلتیده] و [بی هدف] از کوه‌های آن بالا می‌روند، در حالی که جامه‌هایی از قطران بر ایشان پوشانیده‌اند و با تبهکاران و اهریمنان آنجا همدم گشته‌اند. هرگاه از بدترین مجازات آتش، فریاد کمک سر دهند، عقرب‌ها و مارهای دوزخ، سخت بر آنان یورش می‌آورند.

کاش آواز دهنده‌ای را ببینی که می‌گوید: «ای بهشتیان غوطه‌ور در نعمت‌های آن، و ای برخورداران از جامه‌ها و زیورهای آن، جاودانه بمانید که مرگی در کار نیست» در این هنگام، امید آن [دوزخی]‌ها قطع می‌گردد، درها [زی امید به رویشان] بسته می‌شود

---

۶۳. صفات الشیعه، ابن بابویه، صفحه‌ی ۱۲۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۲۱.

و رشته‌های [روابط] میانشان بریده می‌گردد. در آن روز چه پیرها که فریاد می‌زنند: ای داد از پیری! و چه جوان‌ها که فریاد بر می‌آورند: ای داد از جوانی! و چه زن‌ها که فریاد می‌زنند: ای داد از رسوایی! [چون پوشش‌ها کنار می‌رود و] پرده‌ها از ایشان دریده می‌گردد [و رسوا می‌شوند].

در آن روز، چه بسیار کسانی که در میان طبقات دوزخ، غوطه‌ور و و محبوس‌اند. خدا به داد تو رسد [ای احنف] از آن غوطه‌ور شدنی که بعد از پوشیدن جامه‌های کتانی [نرم و لطیف] و [نوشیدن] آب خنک شده در کنار دیوارها و خوردن غذاهای رنگارنگ [در دنیا، بدان دچار خواهی شد. [جامه‌ای بر تو می‌پوشاند که مویی [بر تنت] نمی‌ماند مگر [این که آن را از شدت عذاب، سفید می‌گرداند و چشمانی را که با آن، عزیزی را می‌دیدهای، از کاسه به در می‌آورد. این است آنچه خداوند برای گنهکاران، آماده ساخته است».

[۳۵۶] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «فَتَصِيرُ يَا ذَا الدَّلَالِ وَالْهَيْبَةِ وَالْجَمَالِ إِلَى مَنزِلَةٍ شَعْنَاءَ وَمَحَلَّةٍ غَبْرَاءَ فَتَنُومُ عَلَى خَدِّكَ فِي لَحْدِكَ فِي مَنزِلٍ قَلَّ زَوَارُهُ وَمَلَّ عَمَّالُهُ حَتَّى تُشَقَّ عَنِ القُبُورِ وَتُبْعَثَ إِلَى النُّشُورِ. فَإِنْ خُتِمَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ صِرْتَ إِلَى الحُبُورِ وَأَنْتَ مَلِكٌ مُطَاعٌ وَأَمِينٌ لَا تُرَاعُ يَطُوفُ عَلَيْكُمْ وَلِدَانٌ كَأَنَّهُمُ الجَمَانُ بِكُلِّسٍ مِنْ مَعِينٍ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ أَهْلُ الحَنَّةِ فِيهَا يَتَنَعَّمُونَ وَأَهْلُ النَّارِ فِيهَا

يَعَذَّبُونَ. هُوَلاءِ فِي السُّنْدِيسِ وَالْحَرِيرِ يَتَبَخَّرُونَ وَهُوَلاءِ فِي الْجَحِيمِ  
وَالسَّعِيرِ يَتَقَلَّبُونَ. هُوَلاءِ تُحَسَّى جَمَاعَتُهُمْ بِمِسْكِ الْجِنَانِ وَهُوَلاءِ  
يَضْرِبُونَ بِمَقَامِعِ النَّيْرَانِ. هُوَلاءِ يَعَانِقُونَ الْحُورَ فِي الْحِجَالِ وَهُوَلاءِ  
يَطْوُقُونَ أَصْوَأًا فِي النَّارِ بِالْأَغْلَالِ. فِي قَلْبِهِ فَرْعٌ قَدْ أَغْيَا الْأَطْبَاءَ وَبِهِ  
دَاءٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءَ»<sup>٦٤</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «تو [ای فرزند انسان] با آن همه ناز و کرشمه و خوش سیمایی و جمالت [سرانجام] به منزلی آشفته و ویرانه و جایگاهی پر از خاک و غبار [یعنی گور تاریک و سرد] می روی و در قبر خویش بر گونه‌ات خوابانده می شوی، در منزلی که دیدار کنندگانش اندک‌اند و کارگزارانش خسته و دلتنگ، تا آن گاه که [در صورت دمیده شود] از گور، سر برآوری و به صحرای محشر روانه شوی. در آن هنگام، اگر مهر سعادت بر [کارنامه‌ی] تو خورده باشد، رهسپار [سرای] شادمانی می شوی، و پادشاهی مُطاع [که لشکری عظیم، فرمانش را به جان می شنوند و اطاعت می کنند] و آسوده‌خاطری بی‌هراس خواهی بود. پسرکانی همچون مروارید با جامی از باده‌ی ناب و سپید که نوشندگان را لذتی خاص می‌دهد، در اطراف شما به گردش در می‌آیند. بهشتیان در بهشت، در ناز و نعمت به سر می‌برند و دوزخیان در دوزخ، عذاب می‌کشند. آنان در جامه‌هایی از پرنیان نرم و حریر می‌خرامند و اینان در دوزخ و آتش سوزان، دست و پا می‌زنند. آنان

٦٤. امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ٦٥٢؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ٧٤، صفحه‌ی ٣٧٣.



جمجمه‌هایشان از مشک بهشتی پُر شده است و بر سر اینان گرزهای آتشین، فرو کوفته می‌شود. آنان با سیه‌چشمان بهشتی، در حجله‌ها هم آغوش می‌شوند و برگردن اینان طوق‌ها و غل و زنجیرهایی از آتش، بسته می‌شود. [هر یک از اهل دوزخ] در دلش وحشتی است که طبیبان را [از درمانش] ناتوان ساخته و در [وجود] او، دردی است که [هیچگاه] درمان نمی‌پذیرد».

[۳۵۷] سند:

قال السجّاد (عليه السلام) في مناجاته: «اللهمّ وَحَلَقْتَ نَاراً لِمَنْ عَصَاكَ وَأَعَدَدْتَ لِأَهْلِهَا مِنْ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ فِيهَا وَوَصَفْتَهُ وَصَنَّفْتَهُ مِنَ الْحَمِيمِ وَالْغَسَاقِ وَالْمُهْلِ وَالصَّرِيعِ وَالصَّدِيدِ وَالْغَسَلِينَ وَالزُّقُومِ وَالسَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَمَقَامِعِ الْحَدِيدِ وَالْعَذَابِ الْغَلِيظِ وَالْعَذَابِ الشَّدِيدِ وَالْعَذَابِ الْمُهِينِ وَالْعَذَابِ الْمُقِيمِ وَعَذَابِ الْحَرِيقِ وَعَذَابِ السَّمُومِ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ وَسَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ وَسُرَادِقَاتِ النَّارِ وَالنُّحَاسِ وَالزُّقُومِ وَالْحُطْمَةِ وَالْهَاقِيَةِ وَلُظَى وَالنَّارِ الْحَامِيَةِ وَالنَّارِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَقْفِدَةِ وَالنَّارِ الْمُوصَدَةِ ذَاتِ الْعُمْدِ الْمَمْدَدَةِ وَالسَّعِيرِ وَالْحَمِيمِ وَالنَّارِ الَّتِي لَا تُظْفَأُ وَالنَّارِ الَّتِي تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ وَالنَّارِ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ وَالنَّارِ الَّتِي يَقَالُ هَلِ امْتَلَأَتْ فَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ وَالدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»<sup>۶۰</sup>.

امام سجّاد (عليه السلام) در مقام مناجات فرمودند: «بار خدايا،

۶۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۹۱، صفحہ ۱۳۵ به نقل از کتاب عتیق غروی.

برای کسی که نافرمانی تو کند، آتشی آفریدی و در آن برای اهلش انواع عذاب را آماده ساختی و آن عذاب‌ها را با تعبیر گوناگون، وصف و طبقه بندی کردی [آن عذاب‌ها عبارتند از]: جوشاب، زردآب دوزخیان، مس گداخته، خارِ تَر، خوابه، چرکابه، خوراکی که در شکم می‌جوشد، زنجیرها، کندها، گرزهای آهنین، شکنجه‌ی درشت، شکنجه‌ی سخت، شکنجه‌ی خوارکننده، شکنجه‌ی پایدار، شکنجه‌ی سوزان، شکنجه‌ی مرگبار، سایه‌ای از دود تار، تن‌پوش‌های قطران، سرایرده‌های آتش، مس [ذوب شده]، آتش خُرد کننده، سیاه چال، زبانه‌ی آتش، آتش سوزان، آتش افروخته که بر دل‌ها می‌رسد، و آتش احاطه کننده با ستون‌های بلند و کشیده، شعله، آب داغ، آتش خاموش ناشدنی، آتشی که نزدیک است از خشم شکافته شود، آتشی که سوختش مردم و سنگ‌هایند، آتشی که به او گفته می‌شود: «آیا سیر شدی؟!» و او [که سیری ناپذیر است] می‌گوید: «آیا باز هم هست؟!» و پایین‌ترین طبقه‌ی آتش [بارخدا یا به تو پناه می‌بریم از جهنم و عذاب‌هایش]».

[۳۵۸] سند:

قال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فی أحوالِ الآخِرَةِ: «وَأَعْظَمُ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةٌ نَزَلُ الْحَمِيمِ وَ تَصْلِيَةُ الْجَحِيمِ وَ فَوْرَاتُ السَّعِيرِ وَ سَوْرَاتُ الرَّفِيرِ. لَا فِتْرَةَ مُرِيحَةٍ وَلَا دَعَا مُرِيحَةٍ وَلَا قُوَّةَ حَاجِزَةٍ وَلَا مَوْتَةَ نَاجِزَةٍ وَلَا سِنَّةَ مُسَلِّيَةٍ بَيْنَ أَطْوَارِ الْمَوْتَاتِ وَعَذَابِ السَّاعَاتِ.

إِنَّا بِاللَّهِ عَائِدُونَ»<sup>۶۶</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) در احوال آخرت فرمودند: «بزرگ‌ترین بلاى آنجا، پذیرایی شدن با آب جوشان است و در افتادن در دوزخ فروزان و فوران‌های آتش سوزان، و غلیان‌های شعله‌های خروشان. نه دمی آتش فروکش می‌کند تا آسایشی بیاید و نه رها شدنی در کار است تا رنج بزدايد، و نه نیرویی که [عذاب را] باز دارد، و نه مرگی یک باره، و نه اندک خوابی که آرامش بخشد، بلکه با انواع مرگ‌ها [و شکنجه‌های مرگ‌آور] و عذاب‌های پی‌پی، سپری می‌شود. ما [از گرفتار شدن به این عذاب‌ها] به خدا پناه می‌بریم».

[۳۵۹] سند:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرَّهَا لَا يَطْفَأُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَظْشَانُهَا لَا يَرُوى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يَكْسَى»<sup>۶۷</sup>

امام کاظم (علیه السلام) در سجده‌هایشان می‌فرمودند: «[بار خدا] از آتشی که حرارتش فروکش نمی‌کند، به تو پناه می‌برم؛ و از آتشی که دما دم تازه است و کهنه نمی‌شود، به تو پناه می‌برم؛ و

۶۶. نهج البلاغه، صبحی صالح، ۱۱۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۶۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۴، صفحه‌ی ۴۲۵.

۶۷. کافی، محدث کلینی، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۲۸؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۵، صفحه‌ی ۱۴۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸۳، صفحه‌ی ۲۳۸.

از آتشی که تشنه‌اش هرگز سیراب نمی‌شود، به تو پناه می‌برم؛ و از آتشی که برهنه‌اش پوشانده نمی‌شود، به تو پناه می‌برم».

[۳۶۰] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه السلام): «أه مِنْ نَارٍ تُضِجُ الْأَكْبَادَ وَ الكَلَى! أه مِنْ نَارٍ نَزَاعَةٍ لِلسَّوَى! أه مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ مُلْهَبَاتٍ لَطَى!»<sup>۱</sup>  
امیر المؤمنین (علیه السلام) در مناجات فرمودند: «آه از آتشی که جگرها و کلیه‌ها را می‌پزد! آه از آتشی که پوست سر و اندام را بر می‌کند! آه از فرو رفتن [و غوطه خوردن] در شعله‌های سرکش!».

[۳۶۱] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه السلام) فی الدعاء المعروف بدعاء کمیل: «یا کریمُ یا ربِّ وَأَنْتَ نَعْلَمُ صَعْفَى عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْیَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا یَجْرِی فِیْهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَی أَهْلِهَا عَلَی أَنْ ذَلِکَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِیلٌ مَكْتُهُ یَسِیرٌ بَقَاؤُهُ قَصِیرٌ مُدَّتُهُ فَکِیْفَ احْتِمَالِی لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِیلٍ (حُلُولٍ) وَ قُوعِ الْمَكَارِهِ فِیْهَا وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ یَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا یَخْفَفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا یَکُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِکَ وَ أَنْتِ قَامِکَ وَ سَخَطِکَ!»<sup>۲</sup>

۱. امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۷۷؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱۱؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، جلد ۲؛ مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، صفحه‌ی ۳۰۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۴۱، صفحه‌ی ۱۱.

۲. مصباح المتهدد، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۸۴۷؛ اقبال الاعمال، سید بن طاووس، جلد ۳، صفحه‌ی

امیر المؤمنین (علیه السلام) در دعای معروف به دعای کمیل می‌فرماید: «ای بزرگوار، ای پروردگار، تو خود می‌دانی که در برابر بلای اندک دنیا و کیف‌های دنیایی و ناملایماتی که بر اهل آن می‌گذرد، چقدر ناتوانم. این در حالی است که دوام بلا و ناملایماتش ناچیز و مدتش کوتاه است. پس چگونه بتوانم بلای آخرت و ناملایمات بزرگ آن را تاب آورم در حالی که آن بلا مدتش طولانی و ماندگاری‌اش دیرپاست و با اهل آن، مدارا نمی‌شود؛ چرا که آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو بر نمی‌خیزد؟!».

[۳۶۲] سند:

قال السجاد (علیه السلام) فی مناجاته: «أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْرُوجِ مِنْ أَسْمَائِكَ وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟! وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟!»<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در مقام مناجات فرمودند: «بار الها به حق آن نام نِهانت و به آن شکوه و روشنایی‌ات که پرده‌ها آن را فرو پوشانده‌اند، از تو درخواست می‌کنم که بر این جانِ بی‌تاب و بر این پیکر ناشکیبا رحم آوری که حتی تاب گرمای آفتاب تو را

صفحه‌ی ۳۳۴؛ المصباح کفعمی، صفحه‌ی ۷۴۰؛ بلد الامین، صفحه‌ی ۱۸۹.  
۱. صحیفه‌ی سجادیه، صفحه‌ی دعای ۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸۷، صفحه‌ی ۲۲۹.

ندارد. پس چگونه بتواند گرمای آتش تو را تاب آورد؟! پیکری که تحمل صدای رعد [آسمان] ندارد، چگونه تحمل صدای خشم تو را داشته باشد؟!».

[۳۶۳] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ مِئَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ فَتَنَفَسَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَأَصَابَهُمْ نَفْسُهُ لَأَحْرَقَ الْمَسْجِدَ وَمَنْ فِيهِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر در این مسجد، صد هزار نفر یا بیشتر باشند و مردی از اهل دوزخ نفسی بکشد و نفس او به آنان برسد، مسجد و همه‌ی کسانی را که در آنند می‌سوزاند».

[۳۶۴] سند:

قال امير المؤمنين (عليه السلام): «ناركم هذه جزءٌ من سبعين جزءاً من نار جهنم، ولولا أنها غُسلت بسبعين ماءً ما أطاق آدمي أن يسعها، وإن لها يوم القيامة لصرخة لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا جثا على ركبتيه من صرختها، ولو أن رجلاً من أهل النار

۱. روضة الواعظين، فتال نیشابوری، جلد ۵۵۷؛ البعث و النشور، صفحہ ۳۳۰؛ مسند ابی یعلی، جلد ۶، صفحہ ۱۳۱؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۴، صفحہ ۳۰۷؛ المطالب العالیة، جلد ۴، صفحہ ۳۹۷؛ کنز العمال، متقی ہندی، جلد ۱۴، صفحہ ۵۳۴.

عَلِقَ بِالمَشْرِقِ لِاحْتَرَقَ اَهْلُ المَغْرِبِ مِنْ حَرِّهِ»<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «این آتش شما، جزئی از هفتاد جزء آتش جهنم است، در حالی که [همین آتش نیز] اگر با هفتاد آب شسته [و خنک] نشده بود، هیچ آدمی طاقت نداشت که آن را بر افروزد. همین آتش در روز قیامت، [از داغی آتش جهنم] چنان فریادی می‌کشد که تمام فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل، از فریاد آن به زانو در می‌آیند. اگر مردی از اهل آتش دوزخ، در مشرق [زمین] آویزان شود، اهالی مغرب از گرمای آن می‌سوزند».

[۳۶۵] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ ضُرِبَ مِقْمَعٌ مِنْ حَدِيدٍ جَهَنَّمَ الْجَبَلُ لَتَفَقَّتْ . كَمَا يَضْرِبُ بِهِ أَهْلُ النَّارِ فَصَارَ رَمَاداً»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر یکی از گرزهای آهنین جهنم، چنان که با آن بر اهل دوزخ کوبیده می‌شود، بر کوه [دنیا] کوبیده شود، از هم می‌پاشد و خاکستر می‌گردد!»

۱. مسند زید، صفحه‌ی ۴۱۶.

۲. تنبيه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۱؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۴۴؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۶۶؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۰؛ الفردوس، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۶۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

[۳۶۶] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِهِ «وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ»! «لَوْ وُضِعَ مَقْمَعٌ مِنْ حَدِيدٍ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ الثَّقَلَانِ مَا أَقْلَوْهُ مِنَ الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال «و برای ایشان گرزهایی از آهن است» فرمودند: «اگر یکی از گرزهای آهنین [جهنم که بر سر جهنمیان می‌کوبند،] در زمین نهاده شود و جن و انس جمع شوند [و یکدیگر را یاری نمایند،] نمی‌توانند آن را از زمین بلند کنند».

[۳۶۷] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي مَوْعِظَتِهِ لِمَعَاذِ بَنِ جَبَلٍ: «لَا تُمَزِّقِ النَّاسَ فْتُمَزِّقَكَ كَلَابُ أَهْلِ النَّارِ قَالَ اللَّهُ: «و النَّاشِطَاتِ نَشِطًا»<sup>۳</sup> أَ تَدْرِي مَا النَّاشِطَاتُ؟! كَلَابُ أَهْلِ النَّارِ تَنْشِطُ اللَّحْمَ وَالْعَظْمَ»<sup>۴</sup>.

۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۱.

۲. مجمع البیان، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۲۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۵۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۴۲؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۴؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۹۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

۳. سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲.

۴. عدة الداعی، ابن فهد حلی، صفحه‌ی ۲۴۴؛ فلاح السائل، سید بن طاووس، صفحه‌ی ۱۲۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۷، صفحه‌ی ۲۴۸.



رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): در نصیحتشان به معاذ بن جبل فرمودند: «مردم را از هم مَدَر [یعنی مال یا آبرو کسی را از بین مبر] که [اگر چنین کنی] سگ‌های اهل دوزخ نیز تو را از هم خواهند درید. خداوند فرموده است: «و النَّاشِطَاتِ نَشْطًا». آیا می‌دانی «ناشطات» چیست؟ سگ‌های اهل دوزخ که گوشت و استخوان را به دندان می‌گزند».

[۳۶۸] سند:

قال امیر المؤمنین (علیه السلام) لکمیل بن زیاد: «یا کَمیلُ مَنْ لَا یَسْکُنُ الْجَنَّةَ فَبَشیرُهُ بَعْدَابُ الْیَمِّ وَخِزْیُ مُقِیمٍ وَأَکْبَالٍ وَمَقَامِعَ وَ سَلَاسِلَ طِوَالٍ وَمَقْطَعَاتِ النَّیْرَانِ وَمُقَارَنَةِ کَلِّ شَیْطَانٍ. الشَّرَابُ صَدیدٌ وَ اللَّبَاسُ حَدیدٌ وَ الْخَزَنَةُ فَظْظَةٌ وَ النَّارُ مُلْتَهَبَةٌ وَ الْأَبْوَابُ مُوثَقَةٌ مُطَبَّقَةٌ. ینادُونَ فَلَا یجابُونَ وَ یَسْتَعِیْشُونَ فَلَا یرْحَمُونَ. یداهُمُ «یا مالک لیقض علینا ربُّک قال إنکم ما کثون. لقد جئناکم بِالْحَقِّ وَ لکنَّ أَکْثَرُکُمْ لِلْحَقِّ کَارِهُونَ»!

یا کَمیلُ ثُمَّ ینادُونَ اللهَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُهُ بَعْدَ أَنْ یَمْکُثُوا أَحْقاباً اجْعَلْنَا عَلَی الرَّخَاءِ فِیجِیْهِمْ «احْسُوا فِیْها وَ لَا تُکَلِّمُونَ»<sup>۲</sup> یا کَمیلُ فَعِنْدَها ییأسُونَ مِنَ الْکَرَّةِ وَ اشْتَدَّتِ الْحَسْرَةُ وَ اَیْقَنُوا بِالْهَلْکَةِ وَ

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیات ۷۷ و ۷۸.

۲. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۸.

## الْمَكِّثِ جَزَاءً بِمَا كَسَبُوا وَعَذَابًا<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) به کمیل بن زیاد فرمودند: «ای کمیل، کسی را که در [فردای قیامت و بعد از حسابرسی] در بهشت ساکن نشود، به عذابی دردناک و خواری پایدار و گرزها و زنجیرهای ضخیم و بلند و پاره‌های آتش و همنشینی با هر شیطانی، بشارت بده. [در جهنم] نوشیدنی، صدید است و لباس، آهن است و نگهبانان، خشن و درشت‌خویند و آتش، زبانه‌کشنده است و درهای [امید و نجات] محکم شده و بر هم نهاده است. [جهنمی‌ها] ندا می‌کنند ولی جواب داده نمی‌شوند و کمک می‌طلبند ولی [بیر حال و روز رقت‌بارشان] ترحم نمی‌شود. ندایشان این است: «ای مالک [دوزخ]، [بگو]: پروردگارت جان ما را بستاند. [ولی او با خشم] پاسخ [می]دهد: «شما [هیچوقت نجات نخواهید یافت بلکه در همین جهنم سوزان،] ماندگارید». ای کمیل، پس از مدت‌ها که در آتش می‌ماند، خدا - که نام‌هایش پاک است - را ندا می‌دهند که: ما را در آسودگی و راحتی [از این عذاب دائمی] قرار ده. و خدا پاسخشان می‌دهد که: «در آن گم شوید و ما من سخن مگویید» ای کمیل، اینجاست که از بازگشت ناامید می‌شوند و حسرت و پشیمانی‌شان شدید می‌شود و یقین می‌کنند به هلاکت و ماندن [در جهنم] به پاداش آنچه کسب کرده بودند [از گناهان و انحرافات]، و عذاب [و شکنجه] می‌شوند».

---

۱. بشارة المصطفی، طبری آملی، صفحه‌ی ۳۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۷، صفحه‌ی ۲۷۶.

[۳۶۹] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَا مِنْ هَمٍّ إِلَّا وَلَهُ فَرْجٌ إِلَّا هَمًّا أَهْلُ النَّارِ!»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هیچ اندوهی نیست مگر آن که [سرانجام،] گشایشی دارد، مگر اندوه اهل آتش [جهنم که هیچگاه پایان نمی‌پذیرد]».

[۳۷۰] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا يَدْخُلُ النَّارَ أَحَدٌ إِلَّا أَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ لَوْ أَحْسَنَ؛ لِيَكُونَ عَلَيْهِ حَسْرَةً»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هیچ کس نیست که وارد آتش [جهنم] شود مگر آن که جایگاهش در بهشت - که اگر کار نیک می‌کرد، به آنجا می‌رفت - به او نشان داده می‌شود تا مایه‌ی [زیاد شدن] حسرت و افسوسش باشد».

[۳۷۱] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «الضَّرِيعُ شَيْءٌ يَكُونُ فِي

---

۱. تفسیر قمی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۶۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۸، صفحه‌ی ۲۴۲.  
۲. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۸۳؛ مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۴۵۰؛ صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه‌ی ۲۴۰۲؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۶۵۰؛ الفردوس، جلد ۵، صفحه‌ی ۱۰۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۴۸۱.

التَّارِشِبَةُ الشَّوْكَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ أَتَتْ مِنَ الْجَيْفَةِ وَأَشَدُّ حَرًّا مِنَ  
التَّارِ سَمَاهُ اللَّهُ الضَّرِيعُ. إِذَا طَعِمَهُ صَاحِبُهُ لَا يَدْخُلُ الْبَطْنَ وَلَا  
يَرْتَفِعُ إِلَى الْقَمْرِ فَيَبْقَى بَيْنَ ذَلِكَ وَلَا يَغْنَى مِنْ جُوعٍ<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «ضریع، چیزی است در آتش، که شبیه خار است و از صبر زرد [که ماده‌ای بسیار تلخ می‌باشد]، تلخ‌تر و از مردار [گندیده]، متعفن‌تر و از آتش [برافروخته]، داغ‌تر است. خداوند، آن را ضریع نامیده است. چیزی است که هرگاه شخصی آن را بخورد، نه به شکم فرو می‌رود و نه به دهان بالا می‌آید؛ بلکه در بین آن دو می‌ماند و گرسنگی را بر طرف نمی‌کند».

[۳۷۲] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ أَنَّ دَلْوًا صُبَّتْ مِنْ  
غَسَلِينَ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ لَعَلَّتْ مِنْهُ جَمَاحِمٌ مَنْ فِي مَغْرِبِهَا»<sup>۲</sup>  
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اگر یک سطل از چرک‌ابهی دوزخیان [که بر بدنشان جاری می‌گردد]، در مشرق زمین ریخته شود، کاسه‌ی سر کسانی که در مغرب زمین هستند، از [شدت حرارت] آن به جوش می‌آید».

---

۱. مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۷۲۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷، صفحه‌ی ۱۶۹؛ الفردوس، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۳۴؛ تفسیر قرطبی، جلد ۲۰، صفحه‌ی ۳۰.  
۲. اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۱۹۶؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۵۳۳؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۷؛ مکارم الأخلاق، صفحه‌ی ۴۶۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۴، صفحه‌ی ۸۴.

[۳۷۳] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِهِ «وَيَسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ يَتَجَرَّعُهُ»! «يَقْرَبُ إِلَى فِيهِ فَيَكْرَهُهُ فَإِذَا أَذِنِي مِنْهُ شَوَى وَجْهَهُ وَوَقَعَتْ فَرَوَةٌ رَأْسِهِ فَإِذَا شَرِبَهُ قَطَعَ أَمْعَاءَهُ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ دُبُرِهِ! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»<sup>۲</sup> وَ يَقُولُ: «وَإِنْ يَسْتَعِيشُوا يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ»<sup>۳</sup> ۴

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال «و به او آبی از خون آمیخته به چرک نوشانده می‌شود. [که دوزخی،] آن را جرعه جرعه می‌نوشد» فرمودند: «[آن نوشیدنی داغ که مخلوطی از خون و چرک گندیده است،] نزدیک دهانش برده می‌شود و او آن را ناخوش می‌دارد. چون به نزدیکش برده شد، [از شدت داغی،] صورتش را بریان می‌کند و پوست سرش می‌افتد و همین که آن را نوشید، روده‌هایش را از هم فرو می‌پاشد، به گونه‌ای که از پایین بدنش بیرون می‌ریزد. خداوند

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۱۶.

۲. سوره‌ی محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، آیه‌ی ۱۵.

۳. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۲۹.

۴. مجمع البیان، جلد ۶، صفحه‌ی ۴۷۴؛ التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۸۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۴۴؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۰۰؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۸۲؛ المعجم الکبیر، جلد ۸، صفحه‌ی ۹۰؛ مسند شامیین، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۸.

می‌فرماید: «آبی جوشان نوشانده می‌شوند و روده‌هایشان را از هم فرو می‌پاشد» و می‌فرماید: «و اگر فریادرسی جویند، با آبی چون مسین گداخته یاری می‌شوند که چهره‌ها را بریان می‌کند؛ چه نوشیدنی بدی است».

[۳۷۴] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «طِينَةَ خَبَالٍ وَهُوَ صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الزُّنَاةِ فَيَجْتَمِعُ ذَلِكَ فِي قُدُورِ جَهَنَّمَ فَيَشْرَبُهُ أَهْلُ النَّارِ فَيَصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «طینت خبال، زردآبه‌ی بدن دوزخیان و چرکآبه‌ای است که از فرج زنان زناکار، خارج می‌شود. اینها در دیگ‌های جهنم جمع می‌شود و اهل آتش آن را می‌نوشند، و معده و روده‌های آنها و پوستشان را ذوب می‌کند».

[۳۷۵] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنْ شَارِبَ الْحَمْرِ يَمُوتُ عَطْشَانًا وَهُوَ فِي الْقَبْرِ عَطْشَانٌ وَيَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَطْشَانٌ وَيَنَادِي: «وَأَعْطِشَاهُ» أَلْفَ سَنَةٍ فَيَوْتِي بِمَاءٍ

---

۱. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، جلد ۴، صفحه‌ی ۸؛ امالی، شیخ صدوق، صفحه‌ی ۵۱۱؛ مجمع البیان، جلد ۶، صفحه‌ی ۴۷۴؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۰۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۴۴.

كَلْمُهُلِ يَشْوِي الْوُجُوهُ بِئْسَ الشَّرَابُ فَيَنْضَجُ وَجْهُهُ وَتَتَأَثَّرُ أَسْنَانُهُ  
وَ عَيْنَاهُ فِي ذَلِكَ الْإِتَاءِ فَلَيْسَ لَهُ بُدٌّ مِنْ أَنْ يَشْرَبَ فَيَصْهَرَمَا فِي  
بَطْنِهِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «قسم به آن که مرا  
به حق برانگیخت، شرابخوار، تشنه می‌میرد و در قبر، تشنه است.  
روز قیامت نیز تشنه برانگیخته می‌شود و فریاد می‌زند: وای که  
هزار سال است تشنه‌ام!

پس آبی چون مس گداخته - که [گوشت] صورت را بریان می‌کند  
و بد نوشیدنی‌ای است - به او داده می‌شود و بر اثر آن، [گوشت]  
صورتش می‌پزد و دندان‌ها و چشمانش در آن ظرف می‌ریزد.  
[ولی] او چاره‌ای از نوشیدن آن ندارد [و می‌نوشد] و هر چه در  
شکم اوست، ذوب می‌شود».

[۳۷۶] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَإِذَا الْقُؤُ  
مِنَهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا»<sup>۲</sup>: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ  
إِنَّهُمْ يَسْتَكْرَهُونَ فِي النَّارِ كَمَا يَسْتَكْرَهُ الْوَتْدُ فِي الْحَايِطِ»<sup>۳</sup>  
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای

۱. جامع الأخبار، شعیری، صفحه‌ی ۱۴۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۶، صفحه‌ی ۱۴۷؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۱۷، صفحه‌ی ۴۵.
۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۱۳.
۳. مجمع البیان، جلد ۷، صفحه‌ی ۲۵۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۲۵۵؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۴۰.

متعال «و چون آنان را در تنگنایی از آن [جهنم] به زنجیر کشیده بیندازند، آنجاست که مرگ [خود] را می‌خواهند» فرمودند: «قسم به آن که جانم در دست [قدرت] اوست، [آنقدر جهنم، تنگ است که] آنان [یعنی جهنمیان] را به زور در آتش می‌افکنند، چنان که میخ را به زور در دیوار می‌کوبند».

[۳۷۷] سند:

قال الباقر (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ»: «أَمَّا أَهْلُ الْجَنَّةِ فَزَوَّجُوا الْخَيْرَاتِ الْحَسَانَ وَأَمَّا أَهْلُ النَّارِ فَمَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ شَيْطَانٌ يَعْنِي قُرْنَتْ نَفُوسُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ بِالشَّيَاطِينِ فَهَمْ قُرْنَاؤُهُمْ»<sup>۲</sup>

امام باقر (عليه السلام) درباره‌ی این سخن خدای متعال «و آن گاه که جان‌ها به هم درپیوندند» فرمودند: «بهشتیان با زنان نیک‌خوی زیبا، جفت گردانیده می‌شوند و دوزخیان با هر نفرشان یک [شیطان] اهریمن هم‌بند می‌شود. یعنی جان‌های کافران و منافقان، با اهریمنان به یک بند، بسته می‌شود. پس، آن‌ها هم‌بند ایشانند».

[۳۷۸] سند:

قال امير المؤمنين (عليه السلام) في خطبة بليغة خالية من الألف

۱. سوره‌ی تکویر، آیه‌ی ۷.

۲. تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۰۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۳۱۳.



فِي أحوال الإنسان يوم القيامة: «يَلْجِئُهُ عَرْقُهُ وَيَحْفِزُهُ قَلْقُهُ عِبْرَتُهُ  
غَيْرُ مَرْحُومَةٍ وَصَرَخَتُهُ غَيْرُ مَسْمُوعَةٍ وَحُجَّتُهُ غَيْرُ مَقْبُولَةٍ وَبَرَزَتْ  
صَحِيفَتُهُ وَتَبَيَّنَتْ جَرِيرَتُهُ وَنَطَقَ كُلُّ عَضْوٍ مِنْهُ بِسُوءِ عَمَلِهِ  
فَشَهِدَتْ عَيْنُهُ بِنَظَرِهِ وَيَدُهُ بِبَطْشِهِ وَرِجْلُهُ بِمَخْطُوهِ وَجِلْدُهُ بِمَسِّهِ وَ  
فَرْجُهُ بِلَمْسِهِ وَيَهْدِيهِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ وَكَشَفَ عَنْهُ بَصِيرٌ  
فَسُلْسِلَ جِيدُهُ وَغُلَّتْ يَدُهُ وَسِيقَ يَسْحَبٌ وَحَدَّهُ فُورَدٌ جَهَنَّمَ  
بِكَرْبٍ شَدِيدٍ وَظَلَّ يَعَذَّبُ فِي جَحِيمٍ وَيَسْقَى شَرْبَةً مِنْ حَمِيمٍ  
تَشْوِي وَجْهَهُ وَتَسْلُخُ جِلْدَهُ يَضْرِبُهُ رَبِّيئُهُ بِمَقْمَعٍ مِنْ حَدِيدٍ يَعُودُ  
جِلْدُهُ بَعْدَ نُضْجِهِ بِجِلْدٍ جَدِيدٍ يَسْتَعِيثُ فَيَعْرِضُ عَنْهُ خَزَنَةٌ  
جَهَنَّمَ وَيَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حَقْبَهُ بِنَدْمٍ نَعُودُ رَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ  
كُلِّ مَصِيرٍ»<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ای بلیغ و بدون حرف الف  
در احوال انسان در روز قیامت فرمودند: «عرقش بر گوشه‌های  
دهانش سرازیر می‌شود. تشویش و بی‌قراری، طاقت از کف او  
می‌ریاید؛ اما نه بر اشک او رحمی آورده می‌شود، نه فریادش  
شنیده می‌شود و نه حجتش پذیرفته می‌گردد. کارنامه‌اش به  
دست او داده می‌شود و جرم و گناهانش بر او آشکار می‌گردد.  
هر عضوی از او به کارهای بدش گویا می‌شود؛ چشمش به

۱. المصباح کفعمی، صفحه‌ی ۹۷۰؛ اعلام الدین، صفحه‌ی ۷۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۷،  
صفحه‌ی ۳۴۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱۹، صفحه‌ی ۱۴۲؛ کفایة الطالب، صفحه‌ی  
۳۹۶؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۲۱۲.

نگاه‌های [نامشروع] خویش گواهی می‌دهد، دستش به ضربه‌ای که زده، پایش به گامی که برداشته، پوستش به تماسی که برقرار کرده و شرمگاهش به آمیزشی که کرده است. منکر و نکیر، تهدیدش می‌کنند و پرده از دیدش کنار می‌رود. به گردنش زنجیر می‌کشند و بر دستانش کند می‌زنند. تک و تنها او را می‌کشند و با غم و اندوهی سخت، وارد جهنم می‌گردد. پس در آتش افرخته‌[ی جهنم] پیوسته عذاب و شکنجه می‌شود. از جوشاب، چنان شربتی به او می‌نوشانند که چهره‌اش بریان و پوستش کنده می‌شود. دوزخبانان با گرز آهنین، بر او می‌کوبند. پوست سوخته‌ی او دوباره از نو می‌روید. فریاد کمک سر می‌دهد؛ اما نگهبانان جهنم به او اعتنایی نمی‌کنند و [او باز] فریاد می‌زند. پس روزگاری دراز، با پشیمانی درنگ می‌کند. پناه می‌بریم به پروردگار توانا از شرّ هر فرجامی [ناگوار و چنین دردناک]».

[۳۷۹] سند:

قال الباقر (عليه السلام) في قوله تعالى «كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا»: «بَرِيٌّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَلَعَنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا يَرِيدُ بَعْضُهُمْ أَنْ يَحْجَّ بَعْضًا رَجَاءَ الْفَلَجِ فَيَقْلُتُوا مِنْ عَظِيمٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ ۚ وَ لَيْسَ بِأَوَانِ بَلْوَى ۚ وَلَا اخْتِبَارٍ وَلَا قَبُولَ مَعْدِرَةٍ وَلَا حِينَ نَجَاةٍ» ۲.

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۸.

۲. کافی، محدث کلینی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی، جلد ۲، صفحه‌ی

امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی این سخن خدای متعال «هر بار که امتی [در آتش] درآید، همکیشان خود را لعنت کند، تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند»، فرمودند: «[در جهنم،] این عده از آن عده بی‌زاری می‌جویند و آن عده، این عده را لعنت می‌کنند. عده‌ای با عده‌ای دیگر احتجاج می‌کنند، بدان امید که [در این ستیزه‌گری] چیره شوند و از بلای بزرگی که بر آنان فرود آمده است، برهند؛ غافل از این که آن هنگام، نه موقع امتحان است، نه هنگام پذیرش پوزش، و نه هنگام رهایی [بلکه آنجا فقط پاداش یا کیفر کارهاست]».

[۳۸۰] سند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَةَ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا خَرَجَ جَائِعًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ يَقُولُ: رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي؛ حَتَّى يَنْسَى إِبْرَاهِيمَ إِسْحَاقُ يَقُولُ: يَا رَبِّ أَنَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمُ فَلَا تُنْسِنِي!»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اگر جهنم، یک بار بخروشد [یعنی صدای برافروختنش شنیده شود]، هیچ فرشته‌ی مقرب و پیامبر صاحب رسالتی نمی‌ماند مگر اینکه به زانو در

۲۹؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۶۹، صفحه‌ی ۸۸.

۱. اعلام الدین، دیلمی، صفحه‌ی ۱۹۶؛ امالی، شیخ طوسی، صفحه‌ی ۵۳۳؛ تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۷؛ مکارم الأخلاق، صفحه‌ی ۴۶۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۷۴، صفحه‌ی ۸۴.

می آید و [با تضرع] می گوید: خدایا به دادم برس، به دادم برس؛ تا آنجا که ابراهیم (علیه السلام)، [فرزندِ دلبندهش] اسحاق (علیه السلام) را فراموش می کند و می گوید: پروردگارا من دوست تو ابراهیم هستم، مرا فراموش مکن.»

[۳۸۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ قِيلَ لِأَهْلِ النَّارِ: إِنَّكُمْ مَأْكُونُونَ فِي النَّارِ عَدَدَ كُلِّ حَصَاةٍ فِي الدُّنْيَا لَفَرِحُوا بِهَا وَلَكِنْ جُعِلَ لَهُمُ الْأَبَدُ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر به اهل دوزخ گفته شود: شما به شمار ریگ های دنیا در آتش خواهید ماند، [از شنیدن این خبر] خوشحال می شوند؛ ولی [افسوس و هزار افسوس که] جاودانگی [در عذاب های جهنم] برای آن ها رقم خورده است [و هیچگاه از آن خارج نخواهند شد و نجات نخواهند یافت].»

[۳۸۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِذَا أَدْخَلَ اللَّهُ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ يَقُولُ لِأَهْلِ النَّارِ: كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ؟ قَالُوا: لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ. فَيَقُولُ: بِئْسَ مَا اتَّجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ»

۱. معجم الكبير، جلد ۱۰، صفحه ۱۸۰؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۴، صفحه ۱۶۸؛ امالی شجری، جلد ۲، صفحه ۳۰۷؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۳۲.

سَخَطِي وَمَعْصِيَتِي وَنَارِي! اَمْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ مُحَلَّدِينَ. فَيَقُولُونَ:  
«رَبَّنَا اُخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عُدْنَا فَآتَا ظَالِمُونَ» اَفِيَقُولُ: «اِحْسَبُ فِيهَا وَلَا  
تُكَلِّمُونَ»<sup>۲</sup> فَيَكُونُ ذَلِكَ اٰخِرَ عَهْدِهِمْ بِكَلَامِ رَبِّهِمْ تَعَالَى<sup>۳</sup>.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «وقتی خداوند  
متعال، دوزخیان را به دوزخ وارد می کند، به اهل دوزخ می فرماید:  
چند سال در زمین، درنگ کردید [و زندگی نمودید]؟  
می گویند: یک روز یا [حتی کمتر،] پاره ای از [یک] روز، درنگ  
داشتیم.

خدا می فرماید: «چه بد تجارتی کردید در یک روز یا پاره ای از  
[یک] روز، خشم و نافرمانی و آتش مرا کسب کردید. جاودانه در  
آن [خشم من و آتش سوزنده] بمانید».

[۳۸۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «كُلُّهُمْ مِنْقَطَعٌ إِلَّا هُمْ  
أَهْلُ النَّارِ»<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «هر اندوهی به سر  
آمدنی است، جز اندوه اهل دوزخ [که هیچ پایانی ندارد]».

۱. سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۷.

۲. سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۸.

۳. حلیة الاولیاء، ابونعیم، جلد ۵، صفحه ی ۱۳۲؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۵، صفحه ی ۴۹۳؛ اسد  
الغابه، عسقلانی، جلد ۱، صفحه ی ۳۴۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ی ۴۸۵.

۴. الفردوس، جلد ۳، صفحه ی ۲۵۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ی ۴۷۳.

[۳۸۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «تُعْرَضُ لِلنَّاسِ جَهَنَّمُ  
كَأَنَّهَا سَرَابٌ يَحِطُّ بِبَعْضِهَا بَعْضًا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «جهنم همچون  
سرابی که شعله‌های آن بر یکدیگر می‌کوبند، بر مردم نمایان  
می‌شود».

[۳۸۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَذْكُرُوا مِنَ النَّارِ مَا شِئْتُمْ  
فَلَا تَذْكُرُونَ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا وَهِيَ أَشَدُّ مِنْهُ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «درباره‌ی آتش  
[جهنم] هر چه خواستید بگویید [، بگویید]؛ زیرا هر چه از آن  
بگویید، باز هم [کم‌گفته‌اید و آتش جهنم از آنچه تصور کرده‌اید و  
گفته‌اید،] بدتر و سخت‌تر است».

[۳۸۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَبِئْلِ  
لِأَهْلِ النَّارِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ»<sup>۳</sup>

۱. المجازات النبوية، صفحہ ۱۰۹؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحہ

۶۲۶؛ تفسیر طبری، جلد ۱۴، صفحہ ۲۹؛ السنة ابن ابی عاصم، صفحہ ۲۸۵.

۲. تنبیہ الغافلین، صفحہ ۷۰؛ سیر أعلام النبلاء، جلد ۴، صفحہ ۴۰۶.

۳. سنن ترمذی، جلد ۵، صفحہ ۵۷۸؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحہ ۱۲۵۰؛ مشكاة

المصابیح، جلد ۱، صفحہ ۷۶۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۲، صفحہ ۱۸۱.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «به خدا پناه می برم از آتش [جهنم]، وای به حال اهل آتش. به خدا پناه می برم از [سختی] حال و روز دوزخیان».

[۳۸۷] شاهد:

عن محمد بن هاشم: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةَ»<sup>۱</sup> قَرَأَهَا النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَسَمِعَهَا شَابٌّ إِلَى جَنْبِهِ فَصَعِقَ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَأْسَهُ فِي حِجْرِهِ رَحْمَةً لَهُ فَمَكَتَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمَكْتَ ثُمَّ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَأِذَا رَأْسُهُ فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَقَالَ: يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي مِثْلُ أَى شَيْءٍ الْحَجَرُ؟ فَقَالَ: «أَمَا يَكْفِيكَ مَا أَصَابَكَ؟! عَلَى أَنَّ الْحَجَرَ مِنْهَا لَوْ وُضِعَ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ مِنْهُ وَإِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ حَجْرًا وَشَيْطَانًا»<sup>۲</sup>.

راوی می گوید وقتی این آیه نازل شد: «و سوخت آن [جهنم] مردمان و سنگ هایند»، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): آن را قرائت کردند. جوانی که در کنارشان بود آن را شنید و از هوش رفت. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): بر او ترحم فرمودند و سرش را در دامن خویش نهادند. مدتی که گذشت، آن جوان چشمانش را باز کرد و دید که سرش در دامن پیامبر خداست.

۱. سوره بقره، آیه ۲۴.

۲. الرقة و البكاء، صفحہ ۱۶۷؛ دُر المنثور، سیوطی، جلد ۸، صفحہ ۲۲۶.

عرض کرد: پدر و مادرم به فدایتان باد، آن سنگ‌ها مانند چه چیزی هستند؟

حضرت فرمودند: «آنچه بر سرت آمد [و از هوش رفتی]، برایت کافی نیست [که باز هم از جهنم می‌پرسی؟! ولی بدان، بزرگی و داغی آن سنگ‌ها چنان است که] اگر بر کوه‌های دنیا نهاده شود، کوه‌ها از حرارت آن، آب می‌شوند. و با هر انسانی از ایشان [یعنی از جهنمی‌ها] یک سنگ [این چنینی] و یک شیطان همراه است».

[۳۸۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «نَارُكُمْ هَذِهِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ لِكُلِّ جُزْءٍ مِنْهَا حَرُّهَا»<sup>۱</sup>  
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «این آتش [دنیایی] شما، یکی از هفتاد جزء آتش جهنم است که هر جزئی از آن، گرمی خود را دارد [یعنی حرارت آتش جهنم، هفتاد برابر گرم‌تر و سوزنده‌تر از آتش دنیاست]».

[۳۸۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ كَانَتْ لِكَافِيَةً! قَالَ:

---

۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۱۰؛ سنن دارمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۷۹۷؛ تنبیه الغافلین، صفحه‌ی ۳۵۷؛ بعث و نشور، صفحه‌ی ۲۸۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۱.



فُضِّلَتْ عَلَيْهِنَّ بِتِسْعَةِ وَسِتِّينَ جُزْءًا كُلُّهُنَّ مِثْلُ حَرِّهَا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «آتش شما [که در دنیا روشن می‌کنید] یکی از هفتاد جزء آتش جهنم است» به حضرت عرض شد: ای پیامبر خدا، به راستی که [همین آتش دنیا برای سوزاندن مجرمان] کافی است! فرمودند: «[آتش جهنم،] شصت و نه جزء بیشتر از این آتش دارد که همه‌ی آن‌ها همانند آن [آتش دنیا]، داغند».

[۳۹۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ نَارَكُمْ هَذِهِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَلَوْلَا أَنَّهَا أُطْفِئَتْ بِالْمَاءِ مَرَّتَيْنِ مَا انْتَفَعْتُمْ بِهَا وَإِنَّهَا لَتَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الْأَيَّامَ فِيهَا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «این آتش شما، یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم است، در حالی که اگر نبود که [آتش معمولی] دو بار با آب خاموش شود، شما نمی‌توانستید از آن استفاده کنید، و این آتش به درگاه خداوند عز و جل دعا

---

۱. صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۱۹۱؛ صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه‌ی ۲۱۸۴؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۹؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۸۸؛ الموطأ، ابن مالک، جلد ۲، صفحه‌ی ۹۹۴؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۵۰۳؛ مسند اسحاق بن راهویه، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۸۹؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۸۵؛ زهد ابن مبارک، صفحه‌ی ۸۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۰.

۲. سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۴؛ مستدرک علی الصحیحین، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۳۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۹؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۵۰۴؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۸۵؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۱.

می‌کند که او را به آن [آتش جهنم] باز نگرداند.».

[۳۹۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «تَحْسَبُونَ أَنَّ نَارَ جَهَنَّمَ  
مِثْلُ نَارِكُمْ هَذِهِ؟ هِيَ أَشَدُّ سَوَاداً مِنَ الْقَارِ هِيَ جُزْءٌ مِنْ بِضْعَةٍ وَ  
سِتِّينَ جُزْءاً مِنْهَا أَوْ نَيْفٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءاً»<sup>۱</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «[آیا] می‌پندارید که  
آتش جهنم همانند این آتش شماست؟ [نه،] آتش جهنم از قیر  
هم سیاه‌تر است. این آتش دنیا، جزئی است از شصت و چند  
جزء آن، یا چهل و چند جزء آن.».

[۳۹۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَوْقَدَ عَلَى النَّارِ أَلْفَ سَنَةٍ  
حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى ابْيَضَّتْ ثُمَّ أَوْقَدَ  
عَلَيْهَا أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ فَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ»<sup>۲</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «هزار سال در  
آتش [جهنم] دمیده شد تا سرخ گردید. سپس هزار سال دیگر در  
آن دمیده شد تا سفید گشت. سپس هزار سال در آن دمیده شد

۱. البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۸۶.

۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۱۰؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۵؛ المعجم الاوسط،

جلد ۳، صفحه‌ی ۹۰؛ شعب الایمان، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۸۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴،

صفحه‌ی ۵۲۲.

تا سیاه گردید. بنا بر این، آتش جهنم سیاه و تاریک است.»

[۳۹۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَنْشِئُ اللَّهُ سَحَابَةً لِأَهْلِ النَّارِ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً فَيَقَالُ: يَا أَهْلَ النَّارِ أَيُّ شَيْءٍ تَطْلُبُونَ؟ فَيَذْكُرُونَ بِهَا سَحَابَةَ الدُّنْيَا فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا الشَّرَابُ! فَيَمِطُهُمْ أَغْلَالًا تَزِيدُ فِي أَغْلَالِهِمْ وَسَلْسِلًا تَزِيدُ فِي سَلْسِلِهِمْ وَجَمْرًا تَلْتَهُبُ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «خداوند، ابر سیاه تاریکی را برای اهل آتش پدید می آورد و گفته می شود: ای اهل آتش، چه می خواهید؟ دوزخیان با دیدن آن [ابر سیاه] به یاد ابرهای [باران زای] دنیا می افتند و می گویند: پروردگارا، نوشیدنی [از این ابر بر ما بباران]!»

پس خداوند بر آنان کند و زنجیرهایی فرو می باراند که بر کند و زنجیرهایشان می افزاید، و اخگرهایی می باراند که بر آنان شعله ور می شوند.»

[۳۹۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لِسُرَادِقِ النَّارِ أَرْبَعَةٌ جُدْرٌ كَثُفٌ كُلٌّ جِدَارٌ مِثْلُ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً»<sup>۲</sup>

۱. المعجم الاوسط، جلد ۴، صفحه ۲۴۷.

۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۷۰۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه ۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه ۶۴۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «سرپرده‌ی دوزخ، چهار دیوار دارد که ضخامت هر دیواری به اندازه‌ی چهل سال راه است [که فکر عبور کردن و فرار نمودن را محال می‌سازد]».

[۳۹۵] شاهد:

قال الباقر (عليه السلام): «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جُعِلَ سُرَادِقُ مِنْ نَارٍ وَ جُعِلَ فِيهِ أَعْوَانُ الظَّالِمِينَ وَ جُعِلَ لَهُمْ أَظْفِيرُ مِنْ حَدِيدٍ يَحْكُونَ بِهَا أَبْدَانَهُمْ حَتَّى تَبْدُو أَفِيدَتَهُمْ وَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا أَلَمْ نَعْبُدْكَ؟ فَيَقَالُ: بَلَى وَ لَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ أَعْوَانًا لِلظَّالِمِينَ»<sup>۱</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «چون روز قیامت شود، سرپرده‌ای از آتش برپا می‌گردد و دستیاران ستمگران را در آن، جای می‌دهند و ناخن‌هایی از آهن برایشان قرار می‌دهند که با آن‌ها بدن‌هایشان را می‌خاراند، چندان که قلب‌هایشان نمایان می‌شود و می‌گویند: پروردگارا مگر ما تو را عبادت نکردیم؟ گفته می‌شود: چرا؛ لیکن شما [در دنیا] یار ستمگران بودید».

[۳۹۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ فَتَحَ اللَّهُ مِنَ عَذَابِ السَّمُومِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ مِثْلَ الْأَنْمَلَةِ أَحْرَقَتِ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا»<sup>۲</sup>

۵۲۰

۱. دُرُ الْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ، صَفْحَةُ ۳۶.

۲. دُرُ الْمَنْثُورِ، سَبْوَطِي، جلد ۷، صَفْحَةُ ۶۳۴.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «اگر خداوند از عذاب باد سوزان [جهنم] به اندازه‌ی سر انگشتی بر اهل زمین بفرستد، زمین و زمینیان را می‌سوزاند».

[۳۹۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ فِي النَّارِ حَيَاتٍ كَأَمْثَالِ أَعْنَاقِ الْبُخْتِ تَلْسَعُ إِحْدَاهُنَّ اللَّسْعَةَ فَيَجِدُ حُمُوتَهَا أَرْبَعِينَ خَرِيفًا. وَإِنَّ فِي النَّارِ عَقَارِبَ كَأَمْثَالِ الْبِغَالِ الْمُؤَكَّفَةِ تَلْسَعُ إِحْدَاهُنَّ اللَّسْعَةَ فَيَجِدُ حُمُوتَهَا أَرْبَعِينَ سَنَةً»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «در آتش [جهنم] مارهایی هستند همانند گردن شتر و هر یک از آن‌ها چنان نیشی می‌زند که [دوزخی] سوزش آن را تا چهل سال احساس می‌کند. [همچنین] در آتش [جهنم] عقرب‌هایی هستند به مانند قاطر پالان شده، و هر یک از آن‌ها چنان نیشی می‌زند که [دوزخی] سوزش آن را تا چهل سال احساس می‌کند».

[۳۹۸] شاهد:

قال حذيفة اليمان: أَسْرَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حَدِيثًا فِي النَّارِ فَقَالَ: يَا حَذِيفَةُ إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَسِبَاعًا مِّنْ نَّارٍ وَ

---

۱. مسند ابن حنبل، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۱۷؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۳۵؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۵۱۲؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۳۱۱؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، جلد ۱۷، صفحه‌ی ۲۱۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۶.

كَلَابًا مِّن نَّارٍ وَكَلَالِيبٍ مِّن نَّارٍ وَسُيُوفًا مِّن نَّارٍ وَإِنَّهُ يُبْعَثُ مَلَائِكَةً  
يَعْلَمُونَ أَهْلَ النَّارِ بِتِلْكَ الْكَلَالِيبِ بِأَحْصَانِكُمْ وَيَقْطَعُونَهُمْ بِتِلْكَ  
السُّيُوفِ عُضْوًا عُضْوًا وَيَلْقَوْنَهُمْ إِلَى تِلْكَ السِّبَاعِ وَالْكَلَابِ  
كُلَّمَا قَطَعُوا عُضْوًا عَادَ مَكَانَهُ عُضْوًا جَدِيدًا!

حذیفة بن یمان می‌گوید: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):  
درباره‌ی آتش [جهنم] سخنی را نهانی با من در میان نهادند؛  
فرمودند: «ای حذیفة، در جهنم درندگان و سگ‌ها و چنگک‌ها و  
شمشیرهایی از آتش وجود دارد. فرشتگانی فرستاده می‌شوند و  
دوزخیان را از کمرهایشان به آن چنگک‌ها آویزان می‌کنند و با آن  
شمشیرها اعضایشان را می‌برند و جلوی آن درندگان و سگ‌ها  
می‌اندازند، و هر عضوی را که قطع کنند، عضو جدیدی به جای آن  
می‌روید.»

[۳۹۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «وَلَوْ أَنَّ شَرَرَةً مِّنْ شَرِّ  
جَهَنَّمَ بِالْمَشْرِقِ لَوَجَدَ حَرَّهَا مِّنْ بِالْمَغْرِبِ»<sup>۲</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «اگر زبانه‌ای از  
شعله‌های دوزخ در مشرق [زمین] باشد، کسی که در مغرب  
[زمین] است، گرمای آن را حس می‌کند.»

۱. صفة النار ابن ابی دنیا، صفحه‌ی ۸۶؛ دَرّ المنثور، سیوطی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۶۹.  
۲. المعجم الاوسط، جلد ۴، صفحه‌ی ۸۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

[۴۰۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنْ قَدَرْنَا مَا بَيْنَ شَفِيرِ النَّارِ وَقَعْرِهَا كَصَخْرَةٍ زَنْتُهَا سَبْعُ خَلْفَاتٍ بِشُحُومِهِنَّ وَأَوْلَادِهِنَّ تَهْوِي فِيمَا بَيْنَ شَفِيرِ النَّارِ وَقَعْرِهَا إِلَى أَنْ تَقَعَ قَعْرَهَا سَبْعِينَ خَرِيفًا»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «قسم به آن کسی که جان محمد در دست [قدرت] اوست، از لب جهنم تا قعر آن، به اندازه‌ای است که اگر تخته‌سنگی به وزن هفت ناقه‌ی باردار با چربی‌ها و گوشت‌ها و بچه‌های آن‌ها در آن بیافتد، هفتاد سال طول می‌کشد تا به قعر آن برسد».

[۴۰۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أَنَّ غَرْبًا مِنْ جَهَنَّمَ جُعِلَ وَسْطَ الْأَرْضِ لَأَذَى نَتْنُ رِيحِهِ وَشِدَّةَ حَرِّهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر به مقدار سطل بزرگی از آتش جهنم در وسط زمین گذاشته شود، بوی [بسیار] بد و شدت گرمای آن، تمام زمینیان را آزار می‌دهد».

۱. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۳۹؛ المعجم الکبیر، جلد ۲۰، صفحه‌ی ۱۶۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۴.

۲. المعجم الاوسط، جلد ۴، صفحه‌ی ۸۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

[۴۰۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَوْ أُخْرِجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ  
النَّارِ ثُمَّ أُقِيمَ بِالمَشْرِقِ وَأُقِيمَ رَجُلٌ بِالمَغْرِبِ؛ لَمَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ  
مِنْ نَتْنِ ذَلِكَ الرَّجُلِ»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اگر مردی از اهل  
آتش را [از جهنم] بیرون آورند و در مشرق [دنیا] بگذارند و مرد  
دیگری در مغرب [دنیا] باشد، آن مرد از بوی تعفن این [مرد  
جهنمی] می‌میرد».

[۴۰۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ  
الحُزْنِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا جُبُّ الحُزْنِ؟ قَالَ: «وَادٍ فِي جَهَنَّمَ تَتَعَوَّذُ  
مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ يَوْمٍ مِئَةَ (أَوْ أَرْبَعِمِئَةَ) مَرَّةٍ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «از چاهِ غم به خدا  
پناه ببرید». [اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا، چاه غم چیست؟  
فرمودند: «منطقه‌ای در جهنم است که خود جهنم، روزی صد بار [و  
در بعضی روایات، چهارصد بار] از آن به خدا پناه می‌برد».

---

۱. الفردوس، جلد ۳، صفحه ۳۷۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۳۴.  
۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۵۹۳؛ سنن ابن ماجه، جلد ۱، صفحه ۹۴؛ المعجم الاوسط، جلد  
۶، صفحه ۲۰۲؛ تفسیر قرطبی، جلد ۱، صفحه ۱۹؛ البعث و النشور، صفحه ۲۷۷؛ کنز العمال،  
متقی هندی، جلد ۳، صفحه ۴۷۲.



[۴۰۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَهُمْ فِيهَا كَالْحُجُونِ»؛ «تَشْوِيهِ النَّارِ؛ فَتَقْلِبُ شَفَتَهُ الْعُلْيَا حَتَّى تَبْلُغَ وَسَطَ رَأْسِهِ وَتَسْتَرُخِي شَفَتَهُ السُّفْلَى حَتَّى تَضْرِبَ سُرَّتَهُ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال: «و آنان در آنجا [جهنم] ترش رویند» فرمودند: «آتش، او [یعنی جهنمی] را از [ریخت و] قیافه می‌اندازد و لب بالایش را به طوری بالا می‌برد که به وسط سرش می‌رسد و لب پایینش را چنان وارفته و دراز می‌گرداند که به نافش می‌خورد».

[۴۰۵] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَالَ لِأَهْلِ النَّارِ: «أَحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون»<sup>۳</sup> عَادَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعَ لَحْمٍ لَيْسَ فِيهَا أَفْوَاهٌ وَلَا مَنَاحِرٌ يَتَرَدَّدُ النَّفْسُ فِي أَجْوَافِهِمْ»؛

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «آنگاه که خداوند متعال به دوزخیان [با عتاب] بگوید: «در آن [جهنم و عذاب ابدی] گم شوید و با من سخن مگویید»، صورت‌هایشان به قطعه‌ای

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۴.

۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۸؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۷۵؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۷۰؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۲۷؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۲۸۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۶۵۷.

۳. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۸.

۴. صفة النار، ابن ابی دنیا، صفحه‌ی ۷۳؛ دُرّ المنثور، سیوطی، جلد ۶، صفحه‌ی ۱۲۱.

گوشت تبدیل می‌شود، به طوری که در آن نه دهانی باشد و نه حفره‌ی بینی‌ای، و [از شدت این عتاب،] نفس در درونشان به شماره می‌افتد».

[۴۰۶] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِّنَ الرَّقُومِ قُطِرَتْ فِي دَارِ الدُّنْيَا لَأَفْسَدَتْ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا مَعَايِشَهُمْ فَكَيْفَ بِمَنْ يَكُونُ طَعَامُهُ؟!»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «اگر قطره‌ای از زقوم در دنیا بچکد، زندگی مردم دنیا را بر آنان تباہ می‌گرداند. پس چگونه است حال کسی که خوراکش زقوم باشد؟».

[۴۰۷] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَوْ أَنَّ دَلْوًا مِّنْ غَسَاقٍ يَهْرَاقُ فِي الدُّنْيَا لَأَتَتْ أَهْلَ الدُّنْيَا»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «اگر یک سطل از

---

۱. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۶؛ سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۱، صفحه‌ی ۶۴۴؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۵۱۱؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۹۰؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۳۰۲؛ المعجم الکبیر، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۵۷؛ مسند طیالسی، صفحه‌ی ۳۴۴؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۶؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۴۴؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۱؛ تفسیر طبری، جلد ۱۲، صفحه‌ی ۱۷۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۳.

زردآبِ بدنِ دوزخیان در دنیا ریخته شود، همهی مردم دنیا را متعفن می‌سازد».

[۴۰۸] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «كَالْمُهْلِ»<sup>۱</sup>: كَعَكْرِ الزَّيْتِ فَإِذَا قَرَّبَهُ إِلَى وَجْهِهِ سَقَطَتْ فَرَوْةٌ وَجْهِهِ فِيهِ»<sup>۲</sup>  
رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): درباره‌ی این سخن خدای متعال «مانند مَهْل» فرمودند: «[مَهْل] چیزی است مانند دُرْدِ روغن زیتون [که ته‌نشین می‌شود] و [آنقدر حرارت دارد که] هرگاه [شخص دوزخی که به شدت، تشنه است] آن را [برای آشامیدن] به صورتش نزدیک کند، پوست صورتش در آن [ظرف پُر از مَهْل] می‌افتد».

[۴۰۹] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ الْحَمِيمَ لَيَصَّبُ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَيَنْفُذُ الْحَمِيمُ حَتَّى يَخْلُصَ إِلَى جَوْفِهِ فَيَسْلُتُ مَا فِي جَوْفِهِ حَتَّى يَمْرُقَ مِنْ قَدَمَيْهِ وَهُوَ الصَّهْرُ ثُمَّ يَعَادُ كَمَا كَانَ»<sup>۳</sup>

۱. سوره‌ی دخان، آیه‌ی ۴۵.

۲. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۴؛ مسند ابن حنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۱۴۱؛ صحیح ابن حبان، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۵۱۴؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۴۴؛ مسند ابی یعلی، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۲۹؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۲۵.

۳. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه‌ی ۷۰۵؛ مسند ابن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۰۹؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۰؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «[یکی از عذاب‌های جهنمیان این است که] آب جوشان بر سرشان ریخته می‌شود و آن جوشاب در سرشان فرو می‌رود تا به شکمشان می‌رسد و آنچه را درون آن است، ذوب می‌کند و از پاهایش [بان] خارج می‌شود و این، همان صَهر [یعنی مواد مذاب] است؛ و دوباره از نو آغاز می‌شود».

#### [۴۱۰] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يَلْقَى عَلَى أَهْلِ النَّارِ الْجُوعَ فَيَعْدِلُ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ الْعَذَابِ فَيَسْتَعِيثُونَ فَيَغَاثُونَ بِطَعَامٍ مِنْ ضَرِيحٍ لَا يَسْمُونُ وَلَا يَغْنَى مِنْ جُوعٍ فَيَسْتَعِيثُونَ بِالطَّعَامِ فَيَغَاثُونَ بِطَعَامٍ ذِي غُصَّةٍ فَيَذْكُرُونَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَجِيزُونَ الْغُصَصَ فِي الدُّنْيَا بِالشَّرَابِ فَيَسْتَعِيثُونَ بِالشَّرَابِ فَيَرْفَعُ إِلَيْهِمُ الْحَمِيمُ بِكَلَالِيبِ الْحَدِيدِ فَإِذَا دَنَّتْ مِنْ وُجُوهِهِمْ شَوَتْ وَوُجُوهُهُمْ فَإِذَا دَخَلَتْ بُطُونُهُمْ قَطَعَتْ مَا فِي بُطُونِهِمْ.

فَيَقُولُونَ: أَدْعُوا حَزَنَةَ جَهَنَّمَ فَيَقُولُونَ: «أَوَلَمْ تَك تَأْتِيكُمْ رَسُولُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ»<sup>۱</sup>.  
فَيَقُولُونَ: أَدْعُوا مَالِكًا فَيَقُولُونَ: «يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ»<sup>۲</sup>.

۰۵۲۹

۱. سوره ی غافر، آیهی ۵۰.

۲. سوره ی زخرف، آیهی ۷۷.

فِيحَبِيبُهُمْ: «إِنَّكُمْ مَّا كُتُبُونَ»<sup>۱</sup>  
 فَيَقُولُونَ: أَدْعُوا رَبَّكُمْ فَلَا أَحَدَ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَيَقُولُونَ: «قَالُوا رَبَّنَا  
 غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ»<sup>۲</sup> «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ  
 عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ»<sup>۳</sup> فَيَحَبِيبُهُمْ: «إِحْسَاؤُهَا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون»<sup>۴</sup> فَعِنْدَ  
 ذَلِكَ يَدْعُوا مِنْ كُلِّ حَيْرٍ وَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْخُذُونَ فِي الزَّفِيرِ وَالْحَسْرَةِ  
 وَالْوَيْلِ»<sup>۵</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «بر اهل آتش [جهنم] چنان گرسنگی ای افکنده می شود که با [تمام] عذابی که در آن به سر می برند، برابری می کند. پس فریاد کمک خواهی بر می دارند؛ ولی با خوراکی از خار خشک، که نه فریه می سازد و نه گرسنگی را می زداید، به فریادشان رسیده می شود. دوباره فریاد بر می آورند که گرسنه ایم. این بار، خوراکی گلوگیر به آنان خورانده می شود. به یاد می آورند که در دنیا اگر لقمه ای در گلویشان گیر می کرد، آن را با نوشیدن آب فرو می بردند. پس آب می طلبند، و با چنگک های آهنی، ظرف های آب جوشان به طرفشان برده می شود. همین که به نزدیک صورت آنان می رسد، چهره هایشان

۱. سوره ی زخرف، آیه ی ۷۷.

۲. سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۶.

۳. سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۷.

۴. سوره ی مؤمنون، آیه ی ۱۰۸.

۵. سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ی ۷۰۷؛ صفة النار لابن ابی دنیا، صفحه ی ۱۵؛ البعث و النشور، صفحه ی ۳۰۳؛ المصنف، ابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه ی ۹۳؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۱۴، صفحه ی ۵۳۱.

را بریان می‌کند و چون وارد معده‌هایشان شود، دل و رودی آن‌ها را تکه تکه می‌کند.

در این هنگام، می‌گویند: نگهبانان جهنم را بخوانید. و آن [نگهبان]ها به ایشان می‌گویند: «مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند؟! [جهنمی‌ها] می‌گویند: چرا [آوردند]. می‌گویند: پس [دعا کنید و هر کس را که بدو امید داشتید] بخوانید؛ ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست [و شنیده نمی‌شود]»

[باز] می‌گویند: مالک [دوزخ] را بخوانید [و از او خواهش کنید]، پس می‌گویند: «ای مالک، پروردگارت [را بخوان تا] جان ما را بستاند» و او پاسخشان می‌دهد که: «شما [در این عذاب و خواری،] ماندگارید».

[باز] می‌گویند: پروردگارتان را بخوانید که هیچکس بهتر [و مهربان‌تر] از پروردگارتان نیست. پس می‌گویند: «پروردگارا، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم»، «پروردگارا، ما را از اینجا بیرون بر، پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ستمگر خواهیم بود». پس [خدای قهار به تندی] جوابشان می‌دهد: «[بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید». وقتی این ندا را می‌شنوند از هر خیری [برای همیشه] مایوس می‌گردند و شروع می‌کنند به نالیدن و حسرت خوردن و نعره زدن».

[۴۱۱] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِيكُوا فَإِنَّ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكُوا؛ فَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَبْكُونَ حَتَّى تَسِيلَ دُمُوعُهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ كَأَنَّهَا جَدَاوِلٌ حَتَّى تَنْقَطِعَ الدَّمُوعُ فَتَسِيلَ الدِّمَاءُ فَتَقْرَحَ الْعُيُونَ فَلَوْ أَنَّ سُفُنًا أُجْرِيَتْ فِيهَا الْحَجْرَتُ!»<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «ای مردم، [امروز که می‌توانید بر گناهان خود] گریه کنید و اگر گریه تان نیامد، تظاهر به گریه کنید؛ زیرا [گریه کردن در فردای قیامت سودی ندارد و] اهل آتش، چنان گریه می‌کنند که اشک‌هایشان مانند جوی، بر گونه‌هایشان روان می‌گردد، تا آن که اشک‌ها می‌خشکد و خون جاری می‌شود و چشم‌ها زخم می‌شوند، و اگر چند کشتی در آن‌ها به حرکت در آورده شوند، حرکت می‌کنند. [ولی اینهمه گریه، سودی به حالشان ندارد].»

[۴۱۲] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَبْكُونَ حَتَّى لَوْ أُجْرِيَتْ السُّفُنُ فِي دُمُوعِهِمْ لَحَجْرَتٌ وَإِنَّهُمْ لَيَبْكُونَ الدَّمَ»<sup>۲</sup>

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم): فرمودند: «اهل آتش چندان

۱. سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه ۱۴۴۶؛ المصنف، ابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه ۹۳؛ صفة النار، ابن ابی الدنيا، صفحه ۱۳۱؛ البعث و النشور، صفحه ۳۲۵؛ كنز العمال، متقى هندی، جلد ۱۴، صفحه ۵۳۱.

۲. مسند ابی یعلی، جلد ۴، صفحه ۱۵۸؛ صفة النار، ابن ابی الدنيا، صفحه ۱۳۲.

گریه می‌کنند که اگر چند کشتی در اشک‌هایشان به حرکت در آورده شوند، حرکت می‌کنند. آنان [از شدت عذاب و حسرت،] خون می‌گیرند».

[۴۱۳] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يُرْسَلُ الْبُكَاءُ عَلَى أَهْلِ النَّارِ فَيَبْكُونَ حَتَّى يَنْقَطِعَ الدَّمْعُ ثُمَّ يَبْكُونَ الدَّمَ حَتَّى يَصِيرَ فِي وَجُوهِهِمْ كَهَيْئَةِ الْأَخْدُودِ؛ لَوْ أُرْسِلَتْ فِيهِ السُّفُنُ لَجَرَّتْ»<sup>۳</sup>

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): فرمودند: «اهل آتش [جهنم] را گریه فرا می‌گیرد و چندان می‌گیرند که اشک‌ها [می‌خشکد و] قطع می‌شود. آنگاه، چندان خون می‌گیرند که [جای اشک در] صورت‌هایشان مانند گودال می‌شود، به طوری که اگر چند کشتی در آن‌ها به حرکت در آورده شوند، حرکت می‌کنند».

[۴۱۴] شاهد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يُؤْتَى بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُ لَهُ: يَا بَنَ أَدَمَ كَيْفَ وَجَدْتَ مَنَزِلَكَ؟ فَيَقُولُ: أَيْ رَبِّ! شَرُّ مَنَزِلٍ. فَيَقُولُ: أَنْفَتَدَى مِنْهُ بِطِلَاعِ الْأَرْضِ ذَهَبًا؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ أَيْ رَبِّ. فَيَقُولُ: كَذَبْتَ! قَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَقْلٌ مِنْ ذَلِكَ فَلَمْ تَفْعَلْ».

۳. سنن ابن ماجه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۴۴۶؛ مصنف، ابن ابی شیبیه، جلد ۸، صفحه‌ی ۹۳؛ صفة النار، ابن ابی الدنيا، صفحه‌ی ۱۳۱؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۳۲۵؛ كنز العمال، متقى هندی، جلد ۱۴، صفحه‌ی ۵۳۱.



## فَيْرِدُّ إِلَى النَّارِ<sup>۴</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم): فرمودند: «مردی از اهل آتش را می آورند و خداوند به او می فرماید: «ای پسر آدم، منزل خود را چگونه یافتی؟» می گوید: پروردگارا، بدترین منزل است. خداوند می فرماید: «آیا حاضری به اندازه‌ی زمین، طلا بدهی تا خود را از این منزل آزاد گردانی؟» می گوید: آری ای پروردگار من. خداوند می فرماید: «دروغ می گویی، کمتر از این را از تو خواستم و تو ندادی». آنگاه به سوی آتش برگردانده می شود.»



---

۴. مسند ابن جنبل، جلد ۴، صفحه‌ی ۴۷۷؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه‌ی ۸۵؛ البعث و النشور، صفحه‌ی ۳۲۸؛ کنز العمال، متقی هندی، جلد ۴، صفحه‌ی ۴۰۶.

## خاتمه:

در پایان، عاجزانه دست به دعا بر می‌داریم و عرض می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَكُتِبَ لَنَا  
بَرَاءَتَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ  
الضَّرِيعِ وَالرَّقُومِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَجْمَعْنَا وَ  
عَلَى وُجُوهِنَا فِي النَّارِ فَلَا تَكْبِنْنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ  
فَلَا تُدْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَنَجِّنَا وَ  
بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَاسٍ مِنْ  
مَعِينٍ وَسَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ  
الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَهْمٍ لَوْ لَوْ مَكْنُونٌ مَشُورٌ فَأَخْذِمْنَا وَمِنْ ثَمَارِ  
الْجَنَّةِ وَالْحَوْمِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ الْحَرِيرِ وَالسُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ  
فَاكْسُنَا»<sup>۵</sup>

«بارالها به حق محمد و آل محمد: از تو جواز آزادی و بیزاری از  
آتش [جهنم] می‌خواهم، جواز ما را [به فضل و کرم فراوانت]  
بنویس و ما را در جهنم قرار مده و ما را به عذاب و خواری و

۵. إقبال الأعمال، سید بن طاووس، صفحہ ۶۱؛ بلد الامین، صفحہ ۱۳؛ فلاح السائل، سید بن  
طاووس، صفحہ ۱۷۶؛ المصباح کفعمی، صفحہ ۳۲؛ مصباح المتہجد، شیخ طوسی، صفحہ  
۶۱؛ بحار الانوار، علامہ مجلسی، جلد ۸۳، صفحہ ۱۲؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۵،  
صفحہ ۷۹.

رسوایی، دچار مساز و از ضریع [آن خار خشکی که نه چاق می‌کند و نه جلو گرسنگی را می‌گیرد] و زقوم [آن درختی که در قعر جهنم می‌روید و میوه‌هایش مانند سرهای شیاطین است] به ما مخوران و ما را با شیطان‌ها [و اهریمنان] در آتش [جهنم، در یکجا و یک بند،] جمع منما و ما را به رو در آتش جهنم میانداز و از لباس‌های آتشین و پیراهن‌هایی از مس گداخته و بدبو بر ما میپوشان و از هر بدی [و ناگواری] - ای آن که خدایی جز تو نیست - در روز قیامت نجاتمان ده و به رحمت [واسعاهات] در نیکوکاران داخلمان فرما و به مقامات بالای [بهشت] بلندمان کن و به جامی از معین و سلسبیل [که دو چشمه‌ی گواری بهشتند] سیرابمان ساز و به رحمت خودت [نه به شایستگی اعمالمان] از حور العین به همسری ما در آور و پسران جاودانه‌ای که گویا گوهرهای پراکنده، به خدمت‌مان بگمار و از میوه‌های بهشت و گوشت [الذیذ] پرندگان [بهشت] به ما بخوران و از لباس‌های ابریشمی و دیبای ستبر و دیبای نازک بر ما بیوشان»

آمین یا رب العالمین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ